A-P
77-938031
LIBRARY OF CONGRESS
6
SEP 4 - 1980
COPY.....
ORDER DIVISION
RB
155521/02 71Y00

رؤوف ون

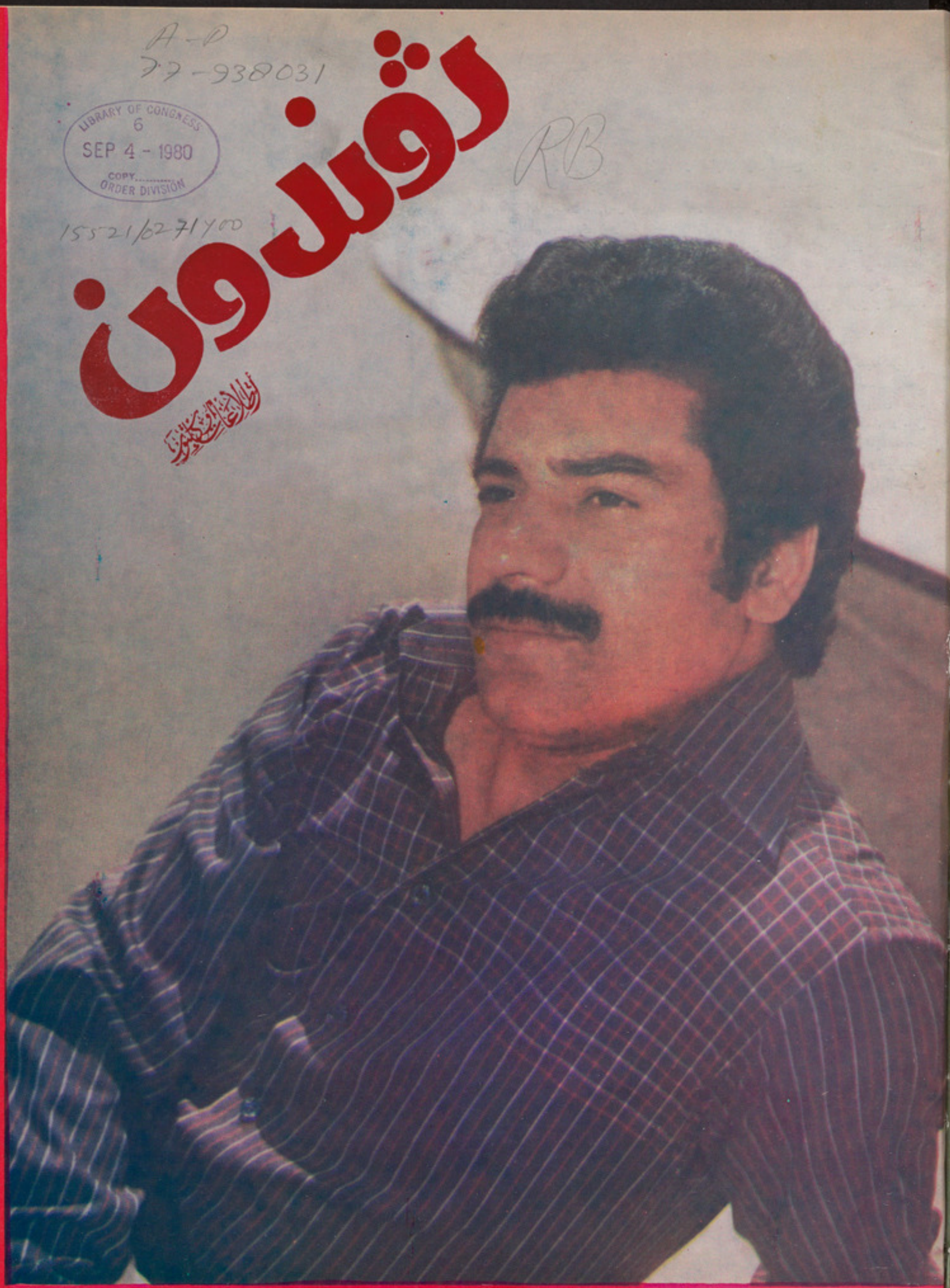

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی‌حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای‌انقلابی وصدراعظم جمهوری دموکراتیک‌افغانستان بعدازادای نماز عید سعید فطر سلام گارد راقبول می نمایند . درعکس وزیردفاع ملی وعده‌ای از افسران اردوی قهرمان افغانستان نیز دیده میشوند .

اختصار وقایع مهم

هموطنان مسلمان و متدین ماثر سراسر کشور روز ۲۱ اسد حلول عید سعید فطر را با سرور و شادمانی استقبال نموده و نماز عید سعید فطر را در عید گاه ها و مساجد جامع مرکز وولایات کشور درفضای نهایت آرام اخوت اسلامی ادا کردند واز بارگاه خالق بی نیاز ترقی و تعالی افغانستان عزیز را تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان آرزو برده دشمنان وطن وانقلاب را سر نگون و شرم سار خواستند .

ببرک کارمل‌منشی عمومی کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان ساعت ۹ قبل از ظهر روز ۲۱ اسد نماز عید سعید فطررابه امامت قاری محمد عمر در مسجد مقر شورای انقلابی ادا نمودند و برای تعالی و ترقی مردم‌زحمت‌کش و مسلمان افغانستان دعا کردند .

در ادای نماز عید با ببرک کارمل عدهٔ از اعضای بوروی سیاسی و بعضی از اعضای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان اعضای هیات رئیسه و شورای انقلابی ، برخی ازاعضای کمیته مرکزی شورای وزیران عدهٔ از جنرالها ، افسران ارشد قوای مسلح، کارمندان عالیرتبه دولتی، معاون ستره محکمه ، رئیس عالی تمیز ، رئیس و اعضای جمعیت العلما و بعضی از اعضای ستره محکمه اشتراک داشتند .

• • •

ببرک کارمل پس از ادای نماز عید سعید فطر به قصر گلخانه تشریف برده ودر آنجا کسانی راکه درنماز با ایشان اشتراک داشتند پذیرفتند و هر یک آنها مراتب تبریکات وتمنیات صمیمانه شانرا به مناسبت ایام متبرک عید سعید فطر به ببرک کارمل ابراز داشتند .

خبر نگار پاختر اطلاع میدهد که خان عبدالغفار خان زعیم بزرگ پشتونها نماز عید سعید فطر را در مسجد جامع شیر پور ادا نمودند .

• • •

به مناسبت‌عید سعیدفطر تلگرام تبریکیه عنوانی ببرک کارمل منشی عمومی کمیته - مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان از طرف جلالتمآب علی ناصر محمد منشی عمومی کمیته‌مرکزی حزب سوسیالیست وصدرهیات رئیسه شورای عالی مردم یمن موا صلت کرده است .

• • •

به مناسبت عید سعید فطر عنوانی ببرک - کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان تلگرام تبریکیه از طرف‌جلالتمآب کلونل سیانی کونجی رئیس شورای عالی نظامی و رئیس دولت نایجر موا صلت کرده است ، درین تلگرام جلالتمآب موصوف تمنیات نیک شانرا برای صحت ببرک کارمل و سعادت و ترقی افغانستان ابراز داشته است .

• • •

شصت ویکمین سالگرد استرداد استقلال افغانستان آزاد ومستقل دیروز در سراسر میهن عزیز تجلیل گردید .

داکتر صالح محمد زیری ونور احمد نور اعضای بوروی سیاسی و منشی های کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان واعضای هیات رئیسه‌شورای انقلابی، سلطان‌علی کشتمند عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، معاون شورای انقلابی‌معاون صدر اعظم ووزیر پلان اعضای بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و هیات رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان ، عبد الرشید آرین عضو کمیته مرکزی حزب ، عضو شورای انقلابی معاون صدر اعظم و وزیر عدلیه و لوی خارنوال ، اعضای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، اعضای شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان ، اعضای حکومت و کارمندان عالیرتبه دولتی تارتبه دوم و کسانیکه در کرسی های رتبه دوم ایفای وظیفه مینمایند و همچنان جنرال ها و افسران قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان و کسانیکه در کرسی های جنرالی اشتغال و ظیفه دارند از ساعت هشت صبح الی ۱۱ قبل از ظهر بالترتیب به‌قصر صدارت عظمی رفته مراتب تبریکات شانرا نسبت به این روز پرافتخار تاریخی ملت با شهامت افغان در کتاب مخصوصی که بدین مناسبت باز شده بود درج و امضاء کردند .

• • •

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان عصر ۲۸ اسد وامبیل پوتگان نمایندهٔ خاص نیکولای چاوسسکو رئیس جمهور جمهوری سوسیالیستی رومانیه و وزیر دولت آنکشور را برای ملاقات در مقر شورای انقلابی پذیرفتند .

• • •

به جواب پیامهای تبریکیه ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان به مناسبت روز ملی جمهوری مردم پولند، پیامهای امتنانیه از طرف انوارد گیریک منشی اول حزب متحده کارگری پولند ، هنری یابلونسکی رئیس شورای دولتی و انوارد بابیوویچ رئیس شورای وزیران موا صلت کرده است .

اعلیحضرت امان‌الله خان غازی‌که دردورهٔ زمامداری اش مردم دلیر افغانستان استقلال کشور را بدست آوردند .

. کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی‌حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای‌انقلابی وصدراعظم جمهوری دموکراتیک
ان موقعیکه بیانیه شانرابه مناسبت شصت ویکمین سالگرد استرداد استقلال‌کشور عزیز ومحبوب ما افغانستان از طریق
رادیو تلویزیون ایراد مینمایند .

شصت و یکمین سالگرد استرداد استقلال افغانستان با مراسم خاصی تجلیل گردید

تن بیا نیه ببرك کارمل منشی عمومی کمیته ی حزب دمو کرا تیك‌خلق افغانستان ، رئیس ی انقلابی و صدراعظم‌جمهوری دموکراتیك‌افغانستان سبت شصت ویکمین‌سالگرد استر داد استقلال ستان .

وطنان آزاده کشور !
دران ، خواهران !

رز ۲۸ـاسد مصا د ف بایکی ازشورانگیز ترین ت تاریخ پر افتخارکشور ما افغانستان شصت و یك سال قبل ، آزادی خواهان دلیر وطن با درفش سرخ‌آزادی باتن های خونین ، سر ها ی بلند و سینه های پر از مهر وطن و عشق آتشین به آزادی واستقلال با نیروی اهر یمنی استعمار که جهانی از درد و نج و تحقیر و تو هین فقر و اسارت را بر مردم آزاده ما تحمیل نموده بود ، جنگ عادلانه آزادی بخش را اعلام داشتند .

بیایید به روان پاك شیر مردان و شیر زنان راه آزادی و استقلال وطن درود ها ی آتشین مشحون از سپا س وقدر دانی رانثار کنیم !

قیام قهرمانانه خلق های افغانستان اعم ازپشتونها ، تاجکها ، هزاره ها ، بلوچها ازبکها ، ترکمنها ، نورستانی ها وغیره دریك جبهه و سیع ملی پدر وطن که دو جنگ قبلی عادلانه ضد استعماری را به مثابه پشتوانه الها مبخش مبارزه آزادی بخش خویش با خود داشتند به تاریخ ۲۸ اسد ۱۲۹۸ هجری شمسی به نقطه عطف سیاسی یعنی اعلا م رسمی استقلال افغانستان رسید وبه این ترتیب به تسلط استعماری تجاوزکاران‌انگلیسی در سرزمین ما پایان داده‌شد .

بهتر است نگاهی بتاریخ معاصر کشور خویش بیاندازیم افغانستان که در مر کز یعنی قلب آسیا از لحاظ استراتژیکی اهمیت زیادی‌دارد پیوسته هدف تجاوز قدر ت های استعماری وامپریا لیستی بوده‌است . استعمار گرا ن انگلیس از قرن نزد هم میلادی برای به انقیاددرآوردن دولت مستقل افغانستان‌تلا ش میکردند .

درسال ۱۲۱۷ برابر به ۱۸۳۸ عیسوی اشغا لگران انگلیسی به سرزمین‌افغانستان تجا و ز کر د ند . ولی آنها در جنگ با آزادی‌خواهان دلیر وطن ما مفتضحانه شکست خوردند واز سر زمین مقدس ما رانده شدند . بریتانیا جنگ دومی را نیز بر مردم ما تحمیل کرد و لی با مقاومت شدید خلق آزاد ه ما مواجه شد و مجبور به عقب نشینی گردید . با وجود این، استعمار گران انگلیس با استفاده از ضعف دا خلی رژیم و خیانت امیر عبدالرحمن توانستند رسماً عنوان تحت ـ الحمایگی را بر دو لت افغانستان تحمیل کنند .

انگلیس ها که در مورد آسیای مرکزی از اندیشه های تجاوز کارانه خود به هیچوجه ست بردار نبودند ،عهد شکنانه یکر شته از منا طقی را که قبایل افغانستان در ان

لطفاً ورق بزنید

ساکن بودند اشغال کردند .

در ابتدای قرن بیستم امیر حبیب الله با به سلطنت رسیدن خویش شرا یط تحمیلی استعمارگران انگلیسی رابه رسمیت شناخت و عملا افغانستان را به مستعمره انگلیس مبدل کرد . پس از پیروزی انقلاب کبیر اکتو بر وبوجود آمدن جمهوری خود مختار شوروی تر کستان در آسیای میانه ،بریتانیا تدارك می دید و نقشه میکشید تا افغانستان را مطلقا به اسار ت کامل بکشاند و به کانونی برای فعالیت های خرابکارا نه علیه شوروی تبد یل کند .

ولی این نقشه های خاینانه عملی نشد مدا خله گران انگلیسی در جبهه ماوراء کسپین به دست اردوی سر خ قهرمان شوروی شکست خوردند و مقارن با آن‌استقلال افغانستان در تحت زما مدا ری غازی امان الله شاه و به‌اراده شکست ناپذیر وطن پر ستان افغان و شرکت فعال همه ملیت ها و اقوام غیو ر افغانستان حاصل گردید . با اعلام استقلال از جانب دو لت افغانستان به حکومت شوروی بر قراری منا سبات دو ستانه

پیشنهاد شد ،حکو مت‌شوروی نخستین کشوری بود که استقلال و حاکمیت‌افغانستان را در ۲۷ مارچ سال ۱۹۱۹ به رهبری ولاد یمیر ایلیچ لنین به رسمیت شناخت وهمچنا ن افغانستان با اعلام جنگ‌رهایی بخش ملی علیه امپریا لیزم انگلیس و به رسمیت شناختن جمهو ری جو ان شو روی و ظا یف ملی و بین المللی خود را در برابر جمهوری جوان شوروی دلیرانه ایفاء کرد .

علاوه برآنکه پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر تاثیر بزرگ معنوی و عملی بر جنبش‌آزادی خواهانه مردم آزاده وطن ما وارد کرد و همچنان در هم شکسته شدن نیرو های انگلیسی در ماوراء کسپین توسط اردوی سرخ ، مبا رزه عادلانه مردم مارابرای آزادی و استقلال علیه استعمار گرا ن انگلیسی آسانتر سا خت جمهوری جوان شوروی با وجود اینکه حود به مشکلا ت بزرگی مواجه بود ضمن انجام وظایف انتر نا سیو نالیستی خویش از هیچگو نه کمك مادی و معنوی برادرا نه برای احراز استقلال افغانستان وبعداً برای تحکیم و استقرار آن دریغ نه ورزید . چنا نچه در اولین سال پس از حصو ل استقلال کشور ما ، جمهوری شوروی یك میلیون روبل طلا چند فروند طیاره ، پنجهزار قبضه تفنگ باذخیره لازم مهمات ونیز سا ختمان فابریکه باروت سازی مکتب هوا نوردی اعزام متخصصین فنی‌وغیره به صورت کمك بلا عو ض در اختیار دولت افغانستا ن قرار دادو تمام مساعی لاز مرا به عمل آورد تا افغانستان بتواند از استقلال خویش در برابر مداخلات و تجاوزات ارتجاع خارجی و د اخلی دفاع نماید .

قیام بزرگ ملی مردم وطن ما نه یك امر تصادفی ، نه یك جریان صرفاً خود بخودی ونه یك عمل قهر مانانه فردی بود این قیام نتیجه منطقی‌مبارزات طولانی جانبازانه مرد م غیور ما علیه تسلط سیستم استعماری غارتگر و اشغا لگر ستمگر و استثمارگر انگلیس بر کشور مابود .

توده های وسیع مردم افغانستان علی الر غم عقب ماندگی عمومی کشور وکوشش های استعمار در جهت‌سرکوب هرنوع جنبشی ، با آگا هی از امر مقدس دفاع از شر ف ونا موس ، از منافع‌ملی وطن متحد و یك پارچه به پا خاسته

لانه طاغوتی ستم پیشگا ن استعمار گر را در هم کوبید ، مردم افغانستان که در زیر یوغ جهل و عقب ماند گی وظلم ناشی ازتسلط دو گا نه استعمار و فیودالیزم ، قبیله‌یی به سر میبردند باقیام عمو می همه زنجیر های سیاه استعمار کهن را در هم شکست و به مثابه او لین کشور مسلما ن آزاد آسیا از میان ظلمت های استعمار زده به پاخاست .

ولی امپریالیزم غدارانگلیس که‌از سیاست خارجی مستقل غازی امان الله که بر اساس اراده مردم افغانستان استوار بود خصومت می ورزید ، به توطئه علیه حکومت قا نو نی افغانستان مشغول شد .

حیله‌ها و نیرنگها ، وسیله‌ها وراه های آزما یش شدهٔ سنتی استعماری به کار گر فته شد. استعمار گران انگلیس با استفاده از حربه خاینا نه ایجاد تفر قه و خانه جنگی در

بین‌مردم ، تطمیع مر تجعین وخائنین به وطن و تبلیغات دروغین ، مزورا نه یی تحت، نام دین مقدس اسلام توانست قسمتی از مردم ما را برعلیه غازی امان الله ووطن پرستان افغان و اقدامات آزادی‌خواهانه وترقی خواهانه آنان بشوراند.

نو کران زر خرید استعمار با استفاده ناجایزاز دین‌مقدس اسلام در بین مردم دست به تبلیغات دروغین و جعلیا ت وافترا آت زدند و آنان را به گمراهی کشیدند.تمام کوشش استعمار معطوف به این نکته بود که استقلال افغانستا ن صرفاً به صورت نام نهاد در عرصه سیاسی باقی بماند و چنانچه دیدیم همینطور هم‌شد طوریکه سلسله نادر وا بسته به امپریالیزم که قدرت را غصب کرد طی پنجاه سا ل حاکمیت بلا منازع خویش مانع آن شد که مردم افغانستا ن از نتایج استقلال بهر مند شو ند استعمار با سقوط دادن‌غازی ـ امان الله و ایجاد وقفه طولانی

در پروسه رشد و تکا مل اقتصادی ، اجتماعی وطن ما توانست در طول سال های زیاد به وسیله رژیم‌های‌متکی بر سیاست واداره استعمار ی وفیودالیزم عشیره وی مردم‌ما را چاپیده واز سهمگیری فعال آنها در امر تسریع جنبش‌ضد امپریا لیستی و ضد فیودا لی جلو گیری نماید .

در سال های قبل از جنگ جهانی دوم ودر جریان این جنگ ، افغانستان در معر ض مداخلات سیاسی و اقتصاد ی آلمان فاشیست و متحد ینش قرار گرفت . آنها میکوشیدند افغانستان را از سیا ست بیطرفی دور کنند ، به اردوگاه خود بکشانند واز سرزمین ما

به عنوان یك میدان کار زار مناسب برای تجاوزا ت خود علیه اتحاد شوروی و کشور های منطقه استفاده کنند .ولی آلمان فا شیست به این امر موفق نشد .

با در هم کو بیده شدن‌نیرو های فاشیزم هیتلری به وسیله اتحاد شوروی خطر اسیر شدن ملت افغانستا ن از طرف آلمان فا شیستی‌بر طرف گردید .

بیایید به‌ر و ان‌پا ك‌شیرمردان‌وشیرزنان را ه‌آز ا دی‌واستقلال وطن‌درود ها ی‌آتشین مشحون از سپاس وقدردانی رانثار کنیم .

درود به روان پاک شهدای قهرمان راه آزادی واستقلال !

پس از جنگ جهانی دوم تسلط کامل بر یتا نیا برآسیا خاتمه پیدا کرد .

جای امپریا لیست در جه‌یك در شرق رایعنی جای امپریا- لیزم حیله گر انگلیس را ، امپریالیزم جهانخوار امریکا گرفت . ایالات متحده امریکا درستراتیژی سیاسی خار جی تجاوز کارانه خود در ارتباط با آسیا جای مهمی برای افغانستان قایل‌بود.امپریالیزم امریکا تلاش میکرد تا افغانستان را از سیا ست بیطرفی جدا کند ، آنرا به‌طرف بلوکهای نظامی ، سیا سی غرب بکشاند و سر انجام افغانستان را به میدان عمل سوق الجیشی خود به منظور سرکوب نهضت آزادی بخش خلق افغانستان و تجاوز علیه اتحاد شوروی تبدیل کند .

امپریالیزم امریکا بااستفاده از فشار های اقتصادی به نام به اصطلاح «کمك» فعا لیت های توطئه گرانه جا سو سی وتحریك اختلاف بین‌افغانستان وپاکستان وایران و با ایجاد مشکلات تجارت و ترانز یت افغانستان از طریق پا کستان

ودر واقع به محاصره اقتصادی افغانستان به عنوان عوا مل فشار تلاش می ورزیدتامقاومت مردم آزاده ما را در برابر توطئه ، کشاندن‌افغا نستان به بلوکهای نظامی سیاسی با

امپریا لیست ها ، در هم شکند ،ولی مردم افغانستان یکبار دیگر دوست صادق و دیرین خود اتحاد شوروی را

در کنار خود یافت . اتحاد شوروی باکمك های بزرگ وبی شایبه خود در عرصه های مختلف اقتصادی ، تخنیکی، فر هنگی ، دفاعی و معنوی واز جمله باز کردن راه ترانز یت برای افغانستان از طریق خاك اتحاد شوروی به‌طور آزاد و بدون پرداخت عوارض گمرکی خود ر ا بار دیگر به مثابه دوست صدیق و تکیه گاه مطمئن مردم ما در روز های دشوار ثابت ساخت .

چنین است نکاتی از تاریخ سیاست تجاوز کارانه غرب امپریالیزم حیله گر انگلیس ، امپریالیزم درنده فا شیزم هیتلری وامپریالیزم‌جهانخوار، توطئه گر و تجاوز کار امریکا در مناسبا ت‌با افغانستا ن در جریان بیش از صد سال و همچنان حقایق‌کمك های‌بزرگ مادی و معنوی همه جا نبه، بی‌شایبه و فدا کارانه اتحاد شوروی همسایه بزرگ‌شمالی ماکه در هر مرحله به یاری‌مردم ما شتافته است .

مداخلات ، تحر یکا ت و تجاوزات نیرو های امپریا -

لیستی و ارتجاعی به تا سی از منافع طمع کارانه آنها در افغانستان خاتمه نیافت .

با پیروزی انقلاب ثور که‌راه

رهایی از بهره کشی اجتما عی ووابستگی به امپریالیزم را برای همیشه در برابر خلق افغانستان گشود، افغانستا ن بار دیگر با دشمنی آشکارنیرو

های ارتجاع خارجی مواجه شد .

امپریالیزم امریکاباهمدستی توسعه طلبان چینی و با **پشتیبانی فعال رژیم نظامیگر** ارتجاعی پاکستان و رژیم سادات خود فرو خته و دیگر رژیم ها و نیرو های ارتجا عی عربی وا بسته به امپریالیزم بقایای ساواکی ایران و صهیونیزم بلا فاصله پس از انقلاب دسایس خود را علیه جمهوری دمو کراتیك‌افغانستان آغاز کردند . هدف این دسایس روشن بود : ازبین بردن نظام پیشرو و مترقی جدید در افغانستان ، بر قرار کرد ن مجدد نظام فیودالی و محرو م کردن مردم افغانستان از استقلال و آزادی حفیظ الله امین جاسوس امپریالیزم و دار ودسته اش با فعالیت های جنایتکارانه خود به نقشه های شوم نابودی افغانستان به دست ارتجاع و امپریالیزم و نقشه تبدیل افغانستان‌به‌پایگاه تجاوز علیه جنبش های آزادی بخش منطقه ما و علیه اتحاد شوروی یاری میرساند . ولی این نقشه خاینانه امپریا لیستی باز هم به هنگام خنثی گردید و مرحله دوم و نوین تکا ملی انقلاب ثور پیروز مندانه آغاز یافت .

در حالیکه استقلا ل ملی کشور مارا خطر جدی نا شی از تجاوزات امپریالیستی‌تهدید میکرد، یکباردیگردوست‌بزرگ وآزمودهٔ مردم‌افغانستان ،اتحاد شوروی درکنار ما قرارگرفت. دولت جمهوری دموکرا تیك افغانستان بمنظور دفع تجاوز امپریالیزم از خارج، از اتحا د شوروی خوا ستار کمك بی

درنگ معنو ی ،سیاسی و اقتصادی شد.دولت شورو ی براساس وفاداری خد شه ناپذیر به‌انتر ناسیو نالیزم و سیاست اصولی خارجی‌خویش

وکمك به جنبش های آزاد ی بخش خلقها ئیکه موزد تجاو ز استعمار گران وامپریالیزم‌قرار میگیرند ،ضمن دادن پا سخ مثبت به تقاضا های مکر ر و پی در پی‌دولت جمهور ی‌دمو- کراتیك افغانستان ،تعد ا د محدودی ازقطعات نظامی خودرا **به افغا نستان فرستاد.دربرابر** این قطعات تنها یك مساله‌قرار داشت وقرار دارد : کمك‌بمردم افغانستان درمبارزه علیه‌تجاوز کاران ودفع مداخله دشمنا ن آزادی واستقلال افغانستا ن .

این یاری اتحاد شوروی به مردم افغانستان به هیچو جه علیه منافع کشورسومی‌نیست واز هر لحاظ باروح قرار داد دوستی ،حسن همجوار ی و همکاری‌یی که‌درتوس۱۳۵۷ از طرف دودولت امضا شده است وباحقوق‌بین‌المللی (ماده ۵۱) منشور ملل‌متحد مطا بقت‌دارد استوار است .

اینکه اتحاد شوروی صلح خواه ،گویا از طریق افغا - نستان چشم به آبهای گر م‌و خلیج فارس وغیره وغیره دارد جزجعلیات تحریك آمیزرذیلانه ودروغ شرم آور خاینا نه ا ز جانب ارتجاع امپریا لستی در رأس امپریالیزم امریکا ،تجاوز کاران چینی وارتجاع منطقه چیز دیگری بوده نمیتوا ند . افغانستان انقلابی بصور ت قطع مدافع صلح وامنیت،صلح و دوستی ملل آزاد ، آزاد ی ووحدت خلقها ،استقلال ملل وتمامیت کشور های جهان و آرزومند حل صلح آمیز و مسالمت آمیز سوء تفاها ت ومسایل میان ملل ودول‌منطقه وجهان بوده ومیباشد

هیچگاه از سر زمین افغا - نستان کوچکترین خطری برای هیچ کشور همجوار ، از جمله ملل همجوار وبرادر ایران وپا-

کستان بوجود نخواهد آمد .ما رسماوباتمام‌صداقت صلحخوا-

هانه به کشور های منطقه ودر سطح جهانی پیشنهاد نموده‌ایم که در صورت تضمین مطمئن آنها مبنی بر قطع تحریکات ، مداخلات وتجاوزات بر سرزمین ما وبرعلیه منافع ملی حیا تی مردم ما، قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی به‌کشور صلحد- وست وبزرگ خود برخواهند گشت .ما صرفاً بخاطر حفظ استقلال ملی خود د فاع از حاکمیت ملی وتمامیت‌ارضی کشور خو یش ، از دو ستا نو برادران شوروی خود ،در خوا- ست کمك کرده ایم.

بقیه درصفحه۵۳

بیائید به روان پاك شیر مردان وشیر زنان راه آزادی واستقلال وطن درود های آتشین مشحون از سپاس وقدر دانی رانثار کنیم .

(ببرك کارمل)

برافراشته باد درفش استقلال افغانستان آزادوانقلابی

مردم قهر مان و آزادی دوست افغا نستان شصت و یکمین سا لگرد استرداد استقلال کشور را در شرایطی تجلیل می‌نمایند وباد قهر مانان کار زار قیام ملی علیه تجاوز انگلیس را گرا می میدارند که در پر تو مر حله نوین و تکا مل انقلاب ثور ، پایه های مادی و معنوی استقلال سیاسی کشور استحکام می یابد .

حافظه فنا نا پذیر زمان بیاد دارد کـه ارتجاع و امپریا لیزم شکست خوردهٔ انگلیس که مردم افغا نستان در قلب آسیا ... ی اولین بار زنجیر های اسارت و اشغا لگری آنرا در هم شکست با تمام نیرو و قدرت تلاش ورزید تا استقلال سیاسی افغا نستان را نیم بند ودر ظواهر حفظ نمایند ، ازینرو باتو طئه‌ودسیسه،سلطنت‌مشروطه‌امان الله‌خان راسرنگون نمود وبه عوض آن‌نوکران گو ش بفرما ن خودش ،خاندا ن نادر ، داود را به اریکه قدرت رساند .

ارتجاع وامپر یالیزم طبقرو حیه استعماری بعد از استقلال به وسیله خاندان سفاك نادری تمام نعم مادی و معنوی کشور را که درطول تاریخ بدست آمده بود به چپاول برده و وحشیانه در عقب نـگـهداری افـــغا نستان با هم همکاری نمودند و تا توانستند جلـو پیشرفت و تر قی را در بخش های اجتماعی و اقتصادی که ضا من اصلی استقلال سیاسی می باشد گرفته و افغا نستان را در طول زما مداری خاندان جلاد پیشه نادر از کاروان ترقی دور نگهدا شتند .

استقلال وآزادی افغا نستان که‌با رسمیت شنا ختن دولت کار گری روسیه ، اعتبار عظیم بین المللی کمایی نمود در روابـط همسایگی دو کشور همسایه تا ثیـر همـه جا نبه ای را بجا گذاشت .

دو لت‌کـارگری روسیه با اتحاد جما هیر شوروی سو سیا لیستی از آغاز استقلال تا کنون بهترین روابط همسا یگی را با مردم افغا نستان داشته و این روابط علی الرغم دسایس، توطئه ها وکارشکنی های اجیران و کما شتگان استعمار و امپر یا لیزم از خم و پیچ های زمانه سر بدر کرد و تا انقلاب شکو همند ثور و مر حله نوین تکا مل آن سر فراز از ازمایش زمان گـذشت .

در داخل کشور بعد از سقوط دولت ...نی وسرکـوب خونین و طنیـر ستان و آزادی خواهان ، هرگز یاد شهدای معر که استقلال از محا فل رو شنفکری و آزادی خوا هی واز میان خا نواده ها و مردم افغا نستان دور نر فت تا ریخ بیاد داردکه قصه های واقعی پیکار قهر مانا نه علیه انگلیس اشغا لگر و تجاوز پیشه با افتخار یاد آوری می شد و رو حیه رز مندگی پیکار گـران جنگ عادلانه علیه انگلیس در روح و روان‌فرزندان وطن آشیانه داشت .

مبارزان وطن باروشن نگهداشتن مشعل کاوان آزادی و استقلال مبارزه علیه خاندان جبار نادر داود و باداران امپر یا لیستی‌شانرا به پیش بردند ودر روشنی روابط دو ستانه افغان ـ شوروی و دربرتوپیروزی های عمیق و همه جا نبه جنبش های انقلابی و آزادی بخش جهان به اشکال مختلف نبرد دسـت بردند تا دشمنان استقلال و آزادی کشور را که حتی روز اصلی آزادی و استقلال را به فـــر ا مـــو شـی سپـــر د ه بو د نـــد (خاندان نادر داود) ازمیان بر دارنـــد و استقلال واقعی کشور را دو باره تا مین‌نمایند

به همین آرزوها و امید ها جنبش نو ین انقلابی با تاسیس حزب دمو کراتیك خلـق افغا نستان گام های متین در جهت استحکام استقـلال افغانستان و سر نگونی سلطنت جباران تاریخ و جلا دان خون آشام برداشت تا اینکه انقلاب شکوهمند ثور برج وباروی سلطنت و جمهوری قلابی داود شا هی رابلرزه در آورد و ارکان ستمگری آنرا فرو ریخت.

با پیروزی انقلاب ثور یکبار دیگر یاد اسلاف قهر مان‌و جنگجوی افغان‌زنده گردید و فر زندان خلف شان سر نو شت کشور را دو باره از حیطه اهر یمنان خارج نموده وبا اعلام خط مشی دولت ، بعداز سال ۱۹۱۹ع یعنی بعد از استرداد استقلال افغا نستان قلب آسیا را دو بار ه به تپش‌درآورد و استقلال افغا نستان استحکام یافت

باز هم بعد از انقلاب ثور ار تجاع و امپر یا لیزم بر هبری امپر یا لیزم امریکا توسط کو د تایی در حزب و دولت قدرت را بدست امین وباند تبهکارش سپرد و با خشم حیوانی به قصد نابودی مردم چون حیوان درنده و وحشی هر طر فی‌دهن باز کرد و حلقوم آزادی خواهان را فشرد تا اینکه گردن خودش با دست وحدت و هما هنگی فر زندان مردم به شمشیر آزادی و عدالت اجتماعی از تن نا پاکش قطع گردید تا کنون باند یست ها وار تجاع امپر یا لیست ی‌در سوگ آن‌نشسته واز تو طئه و دسیسه دست نمیکشند

درین مسیر قیام تاریخی و شجاعانه ششم جدی ۱۳۵۸ انقلاب ثور را وارد مر حله‌نوین آن سا خت که در واقع انقلاب ، مردم وطن و استقلال وطن از تبا هی پـلان شده توسط عمال و دستگاه های جهنمی امپر یا لیـزم امریکا و دیگر یا ران و جا کران کا مله‌ـ لیمش نجات یافت واستقلال افغا نستان آزاد و مستقل در قلب آسیا برای همیش استحکام یافت .

ازینرو شصت و یکمین سالگرد استقلال افغا نستان آزاد و انقلابی جشن واقعی ا ستقلال بحساب آمده و مردم افغا نستان حق دارند به حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان فخر کنند و بیا لند که با درك درست واصو لی مبارزه نجات انقلاب و استقلال افغـانستان را رهبر ی نموده و به سوی قلل تکا مـل رشنمون می شود .

برافراشته باد درفش آزادی واستقلال .

نیرومند باد جمهوری دموکراتیك افغانستان

زنده باد پاسداران راستین استقلال کشور

مرگ بر ارتجاع و امپر یا لیزم

درین شماره

بیانیه ببرك کارمل بمناسبت شصـ... یکمین سا لگرد استرداد استقلال ک...

• • •

سلسله گفت و شنود هـــای ژوندون در میز گرد

• • •

طنین آزادی در ادبیات جهان

• • •

دیهرنی فضا خخه تصویر پیژندونه

• • •

مصا حبهٔ اختصا صی بارحیم مهر

• • •

نگاهی به پخشی از آثار هنری

• • •

په تیاره کی لیدنه

• • •

انگلیسها و شکست آنها در افغا...

• • •

در محکمهٔ فا میلی چه خبر است

• • •

شرح روی جلد :
رحیم مهر یار آواز خوان محبوب تلویزیون

شرح پشتی جهارم : تابلوی ... کهزاد .

تبصره

آزادی جز لاینفک حیات مردم ماست

آوانیکه پای استعمار به هند رسید (اوایل قرن هجده) این پای گذاری استعمار به نیم قاره زنگ خطری بود برای همه کشور ها ی منطقه ، زیرا استعمار بخصو ص استعمار محیل انگریزی چون دانه سرطان به‌هرطرف ریشه می دواند و هیچ منطقه ایرا مصئون نه می گذارد و حیات آزاد شانرا تهدید و سلب می کند .

اروپائی ها از زمانه های باستان با محصو- لات هندوستان که خیلی مرغوب و نایاب بود آشنائی داشتند و این محصو لات را از طریق راه ها ی تجارتی آسیا بدست میاوردند ولی بعد از آنکه نسبت جنگ های صلیبی راه های خشکه یا مسدود گردید و یا غیر مصئون شد دریا نوردان اروپائی یکی بعد دیگر از راه آب عازم هند وستان شدند حتی کشف امریکا نیز محصول شوق وذوق و دستیابی اروپائی ها به هند وستان است . درست سال ۱۷۰۰ بود که کمپنی های تجارتی ممالک مختلف اروپائی در هند تاسیس شد که بالاخره به‌تصرف وغصب هند وستان دست انگلیس ها (انگلیس ها توانستند با حیله و نیرنگ و زور وزر دیگر حریفا ن را از میدان براند) منجر شد .

اژدهای انگلیس آوانیکه بدور گنج هند- وستان حلقه زدهر طرف آنرا خوب پائید تا از دستش ربوده نشود . انگلیس بحیث بزر- گترین قدرت استعماری قوی ترین و مجهز ترین بحریه را نیز بدست داشت لذا راههای بحری را می توانست با اتکا به این قو ت محدود سازد و چون هندو ستان تنها ازطرف شمال به خشکه سر حد دارد و هکذا شما ل غرب هندو ستان توسط کو هها سر بفلک کشیده همالیا سد شده است لذا یگانه را- ئیکه هندو ستان را از طریق خشکه باخارج ارتباط می داد واز آن راه خطری متو جه هند- وستان بود همانا راه افغا نستان بودوانگلیس نیز در صدد سد سا ختن این راه بر آمدند .

آوانیکه عضو یت ضعیف شود هر نوع عذاب میتواند بر آن غلبه نماید و آنرا از بار آورد ، استعمار نیز همین خا صیت دارد استعمار اولا کشور های مورد نظر خود را ضعیف و متفرق می سازد بعد از آن بر آن حمله می کند و مضمحلش می

آوانیکه انگلیس متوجه افغا نستان شد زمانیکه امپرا طوری احمد شاه درانی که از مشهد در غرب تا دهلی در جنوب امتداد داشت نسبت نفاق و خانه جنگی بین برادران سدو- زائی (پسران تیمورشاه) و نفاق افگنی ها و کینه توزی های پاینده محمدخان و پسرانش دستخوش تشتت و پراگندگی ودر نتیجه خیلی ضعیف شده بود و یکی از پسران تیمو رشاه (شجاع الدوله) نزد انگلیس ها فرار نموده و سبب یورش انگلیس ها به کشور ماشد

انگلیس ها تنها از افغا نستان هراس نداشتند آنها بهانهٔ دیگری هم پیش می کشیدند و آن عبارت از خطر یورش روسیه به‌هند بود چنانچه به‌گور نر جنرال آنو قت انگلیس در هنددرسال ۱۸۳۶ از طرف جاسو- سان انگلیس گفته شد که : در افغا نستان برای جلو گیری از پیشر فت روسیه بهر نو عیکه شود باید مدا خله صورت گیرد . آری سال ۱۸۳۹ شروع تعرض انگلیس بر خاک افغا نستان بود . ببر ک کارمل منشی عمومی کمیته مر کزی حزب دمو کراتیک خلق افغا نستان رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دمو کراتیک افغانستان در بیانیهٔ شان بمناسبت شصت و یکمین سال استرداد استقلال کشور درین مورد چنین می فرمایند : «بهتر است نگاهی بتاریخ معاصر کشور خویش بیندازیم . افغانستان که در مرکز یعنی قلب آسیا از لحاظ استرا- تیژیکی اهمیت زیادی دارد پیوسته‌هدف‌تجاوز قدرت های استعماری و امپر یا لیستی بوده است . استعمار گران انگلیس از قرن ۱۹ میلادی برای انقیاد در آوردن دولت مستقل افغا نستان تلاش میکردند . در سال ۱۲۱۷ برابر به ۱۸۳۸ ع اشغال گران انگلیس‌به‌سر زمین افغا نستان تجاوز کردند ولی آنها در جنگ باآزاد ی خواهان دلیروطن مامفتضحا نه شکست خوردندو از سر زمین مقدس مارانده شدند . بریتانیا جنگ دومی را نیز بر مردم ما تحمیل کرد ولی با مقاومت شدید خلق آزاده مامواجه شد و مجبور به عقب نشینی گردید . باوجود این استعمار گران انگلیس با استفاده از ضعف داخلی رژیم و خیانت امیر عبدالرحمن توانستند رسماً عنوان تحت الحمایگی‌رابردولت افغانستان تحمیل کنند...»

در طی حملهٔ اول خود انگلیس قطعاً نتوا- نست بر مردم افغا نستان تسلط خود را تامین نماید ولی این شا هان و امرای خائن ودست نشانده بودند که همه امیال انگلیس ها را عملی می‌نمودند چنانچه طبق معاهدات نام نهادیکه باشاه شجاع‌بعمل آوردند «معاهدات لاهور و قندهار (۱۸۳۹-۱۸۳۸) ولایات‌شرقی کشور مارا ازآن مجزا ساختند . اگر تاریخ واقعی دو قرن اخیر افغا نستان راورق بزنیم بخو بی درخواهیم‌یافت‌که‌مردم زحمت- کش و وطن پرست افغا نستان همیشه به صورت آشتی نا پذیر با تجاوز کاران و استعمار گران رزمیده اند و هر گز طو ق اسار ت آنهارابرگردن نه نهاده اند ولی در مقابل اکثر شاهان و حکمرانان خائن و جاه طلب برای دوام سلطنت و حکمروائی خود حتی بفر و ختن خاک ووطن تن در داده اند .

مردم افغانستان باوجود آنکه انگلیس با پیش کشیدن شاه خائن به کشور شان آمده بود آوانیکه تو سط وطن پر ستان و مجا هدین وطن آگاه سا خته شدند که انگریز پردهٔ ریا را برخ کشیده است علیه آن شوریدند زیرا در یکی دو سال او ل انگلیس ها با تزویر و ریا می خواستند سلطه خود را از انظار پنهان سازند و ملت افغا نستان از درک ما هیت اصلی مو ضو ع عاجز بودند . د و سال بعد (۱۸۴۱-۱۸۴۲) انقلاب ضد استعماری مردم افغا نستان شعله ور گردید . انگلیس ها که‌در حدود پنجا ه هزار عسکر خود را در شهر های مختلف افغانستا نجابجا کرده بودند نسبت دا شتن اسلحه های مدرن و قوی هما نو قت استیلای خود را جاودانی فکر می کردند ولی بی خبر از آن بودند که اگر مردم افغا نستان اسلحه مدرن ندارند بقوت ایمان ووطن پرستی خود آنها را چنان زبون خواهند سا خت که عبرت خودش و دیگران گردد .

در او اسط سا ل ۱۸۴۱ همه مرد م اعم‌از زن و مرد و پیر و جوان بعد از بسیج شدن بر اردو گاه های دشمن یورش بردند که‌در اخیر همان قصه های مشهود مکناتن و جنرال پالک و داکتر برایدن و غیره بو قوع پیوست و دشمن زبون و آماده ترک افغا نستان گردید. روز دوم نوامبر ۱۸۴۱ در تاریخ افغا نستا ن یکروز پر افتخار است . این آن روز یست که مردم شرافتمند و سلحشور افغا نستان به جها نیان ثابت سا ختند که با اراده و ایمان وطن پر ستانه و آزاد یخوا هانه بزر- گترین قدرت استعماری وقت یعنی انگریز متجاو ز و استعمار گر را از پادر آورند .

خلق با شهامت افغا نستان در بدل جا ن ومال و خون خود دشمنان را زبون و شکست داد ولی همان طوریکه می دانیم این سلاطین و امرای خائن و جاه‌طلب بودند که حا صل این همه جا نبازی ها را برای نفع خود و نسبت بزدلی خود به معا مله می گذاشتند ، این بار نیز چنین شد امیر دوست محمد خان که خود را قبلا به انگلیس تسلیم نمو ده بود با پذیر فتن خوا هشات استعمار گرانه انگلیس یکبار دیگر بر تخت سلطنت تکیه زد او مردم افغا نستان را بمقابل دشمن خلع سلاح نمود و دشمن مغلوب و زبون راحیثیت غالب داد . انگلیس توانست که با تحمیل شرایط خود بر امیر شکست ننگین خود را پرده‌پوشی وجبیره نماید وانگلیس عهد شکن نیز یکبار دیگر برای گر فتن انتقام خونین از مردم افغا نستان مو قع یافت و چندین شهر از جمله محلات تاریخی کابل را به آتش کشید .

ولی انگلیس ها از شکست مر گبار خود درطی تجاوز اول خویش عبرت نگرفتند و یکبار دیگر پس از ۳۵ سال (۱۸۷۸) یکبار دیگر به کشور ماتجاوز کردند در حقیقت ما هیت استعماری و پلان های توسعه طلبانه انگلیس ها تغییر نیا فتند زیرا دولت انگلیس برای حفظ گنج هندو ستان و پیش برد سیا- ست فارورد خویش از هیچ واقعه ای عبرت نمی گرفتند . دولت استعماری انگریز این بار مجهز تر و با قشون منظم تر و بی‌شماری بر کشور ما حمله ورشدند . سیا ست مدا- ران انگلیس بزعم خودشان برای‌این‌آمده بودند تاافغانستان را ازروی نقشه جهان معد وم سازند!! با وجود آنکه بین تجاوز اول ودوم انگلیس تقریباً سی‌و پنج سال فا صلهٔ زمانی مو جود بود دولت های ارتجاعی افغا نستا ن هرگز نتوانستند ونخوا ستند تا برای د فع تجاوز بیگانه درین مدت تیاری بگیر ند . همان بود که دولت استعمار گرا نگلیس از شش محاذ بر کشور ما حمله ور شدند و مردم افغا نستان یکبار دیگر در برابر یک آزمون بزرگ تاریخی قرار گرفتند . ولی همان طوریکه این مردم وطن پرست در طول تاریخ عملا ثابت ساخته اند که هر گز زنجیر اسارت اجنبی را بر گردن خود نمی پذیرند این بار نیز مردا نه شوریدند تقریباً دو ماه از داخل شدن قشون شصت و پنج هزار نفری انگلیس مجهز با توپ ها و وسایط قوی حربی نگذشته بود که مردمان همه‌نقاط کشور با هم یکدست برای دفع تجاوز دشمن میان همت بستند و همان آتش را بر فر ق اردوی انگلیس شعله ور ساختند که سی و هشت سال قبل بر اردوی مکناتن و الفنستن انگلیسی سا خته بودند . مردم کشور رااز دهان اژدهای استعمار بیرون کشیدند ولی امیر محمد یعقوب خائن معاهدهٔ نام نهاد و ننگین گندمک را امضاء کرده بود .

دست آوردهای دومین نبردو دومین پیروزی افغانها بر انگلیس باز هم فدای سازش و جبن یک امیر خاین دیگر (امیر عبدالرحمن) گردید . این امیر مزور و مستبد در حالیکه دشمن بضرب شمشیر مردم زبون گردیده بود بادشمن سر سازش وتسلیم پیش نمود و دشمن محیل نیز با استفاده از روش خائنا- نه ووطن فروشانهٔ امیر معا هده ننگین ونام نهاد دیورند را با انگلیس امضاء نمود این معاهدهٔ اسارت آور در پهلوی آنکه تا ئید معا هدات ننگین قبلی بود یک مقدار دیگر از سر زمین اصلی افغا نستان را از داما ن مادر وطن خلاف همه اصول دور سا خت ، بعد از امیر عبد الر حمن پسرش امیر حبیب الله نه تنها در صد د شکستن زنجیر تحت الحمایگی انگریز نبرآمد بلکه با امضای معاهده سال ۱۹۰۵ بر تعهدات خا ئنانه پدر خود صحه گذاشت وافغا نستان را در بدل عیاشی ودوام حکمروا یی ننگین‌خود دربند استعمار انگلیس و استبداد سلطنتی غرق نمود .

اماطوریکه می دانیم باز هم این مردم افغا نستان است که سر نوشت خود وکشور خودرا تعیین می‌کنند، درسال ۱۹۱۹ بعد از کشته شدن امیر حبیب الله و شروع زمامد- اری شاه امان الله غازی بنا بر ارادهٔ‌بالفعل وبا لقوهٔ مردم افغا نستان و بنا بر خصلت و فطرت آزادیخوا هانه و ضد امپر یا لیستی شان نعرهٔ آزادی خواهی را بلند نموده ودولت افغا نستان طی نامهٔ ایکه بتاریخ سوم مارچ به نائب السلطنه انگلیس در هند وستان فرستاد این خواست بر حق مردم را در آن

بقیه در صفحه ۵۳

سلسله گفت وشنودها ونشست های اختصاصی ژوندون در میزگرد

مسایل سیاسی واجتماعی ، فرهنگ و هنر، نوجوانان ، جوانان وخانواده ها

در زیر ذره بین نقد وانتقاد

زیر نظر گروه مشورتی ژوندون

یک بررسی همه جانبه از:

علل کمبود ادویه در بازار و مروری بر دشواری مردم در زمینه های بیماری و بیمارداری

این جدل با شرکت :

۱ـ دکتور سیدالف شاه غضنفر رئیس امورفارمسی وزارت صحت عامه
۲ـ دکتور محمد آصف غروال رئیس طب معالجوی وزارت صحت عامه
۳ـ دکتور غلام رسول غیاثی رئیس بررسی و قوانین صحی وزارت صحت عامه
٤ـ پوهاند دکتور احمد شاه رشاد روشن استاد پوهنتون کابل
٥ـ دکتورسبحان هاتفی سرپرست تعلیمات صحی ونشرات وزارت صحت عامه
٦ـ محمدزمان نیکرای معاون مجله ژوندون
۷ـ عزیزالله مرموز عضوگروه مشورتی ژوندون
۸ـ حفیظ رهجو سکرترمسوول روزنامه انیس
۹ـ ماری سعادت منگل مدیر خبرنگاران روزنامه هیواد
۱۰ـ لیلما حسینی نماینده رادیوتلویزیون
۱۱ـ عطامراد ایماق نماینده روزنامه نیوکابل تایمز
۱۲ـ آمنه امان نماینده مجله قندهار

دایر شده بود .

ایستگاه خانواده ها

دختران ، پسران ، مادران، پدران دست نگهدارید ـ ورق نزنید !
ژوندون یکبار دیگر غوغا برانگیزترین مسایل رابه جدل میآ ورد .

شما عروس ها
شما خشو ها
و شما جوانان و سا لمندان
بما بگو یید :
انگیزه این همه نا ساز گاری خانوادگی چیست ؟
آیا عروس ها در محیط خانواده قدرت نمایی می کنند ؟
و یا خشو ها نا ساز گار میباشند ؟
آیا جوانان در روابط خانوادگی واجتماعی خود بدون در نظر داشت شرایط و امکانات راه افراط در پیش دارند ؟
و یا اینکه :
سا لمندان نمی خواهند خود را با شرایط زمان وفق دهند و خواست جوانان را احترام گذارند .

طرح و بر رسی این مسایل مو ضو جدل آینده ما در دور سخن ژوندون است

ما از همین اکنون از همه شما خانواده ه می خوا هیم گفتنی های خود را در ین زمین به تیلفون ۲٦۸٤۹ ژوندون با ما در میا گذارید و اگر خوا ستید خود را برای شرکت

در این جدل آمو زنده هم کاندید کنید تیلفون ۲٦۸٤۹ همه روزه از ساعت ۸ صب تا ٥ عصر در خدمت خانواده ها ژوندون تریبون خانوادگی خود را در اختیار هم کسانی قرار مید هد که برای بهبود روا اعضای خانواده با هم سخنی برای گفت دارند

' چرا برخی از اقلام دوای تولیدشده در هو خست افغا نستـــان ب است وچرااین شرکت مسوولیتی دربرابر وزارت صحت عامـــه ارد ؟

• • •

ـ ریاست امور فارمسی میکوشدعمده فروشی های ادویه راتشویق‌به رید ادویه جنریك کند .

• • •

' یك راه‌حل‌اساسی مشکل‌کمبوددوا وجلوگیری از ثقلت در آن این ت که‌عموم کمپنی های‌مؤلد ادویه‌که دوای شان در کشور ماتوریـد گردد وادار ساخته شوند تا قیمت‌دوارا در روی هر بوتل دوابنویسند

• • •

' باید نرخ دوا خانه های رسمی‌وشخصی ازهم تفاوتی‌نداشته باشد.

• • •

' چرا امور فارمسی بعضی ازاقلام‌دوای خودرا اجبارا به دواخانه هـا فروشد ؟

روف راصع :

اجازه شما چند مورد دیگر را هم در زمینه یاد آوری میکنم :

سیروپ ویتامین ب کامپلکس ساخت رید توریـد یك عمده فروشی شانزده افغانی ت داشت واکنون دیپو همین دوا را سی افغانی به فروش میرساند که بیش از کصد برابر گران است .

سیروپ ویتامین ب کامپلکس ساخت دویش امریکا توریـد حبیب لمتـد که ت امور فارمسی شرکت وارد کننده را دار ساخت تادوای خود را زیرنام جنریك بوتل پانزده افغانی به فروش رساند ، اما ون این ریاست «دفین هید رامین» ساخت ور هند را سی و سه افغانی به فروش رساند که باز هم اگر کیفیت تاثیر را هم وش کنیم بیش از یکصد برابر ایـن ت گران است .

طالبی لیمتد «یورو رو نال» یکصد و د گرامه را شصتو دو افغانی عرضـه کرد وریاست امور فارمسی بوتل یکصد ه همین دوا را یکصد وبیست افغـانی روش میرساند ونظایر آن .

کتور غضنفر :

رست است من رد نمیکنم . اما عمده ی ها حاضر به توریـد نمیباشند و مادر ل اگر توریـد ادویه را انحصار کردیم در ل این تعهد را هم داده ایم که دوا را مردم میرسانیم .

وهاند رشاد روشن :

درمورد تفاوت فاحش قیمت ادویه های شده به وسیله ریاست امور فار مسی ده فروشی ها نظر محترم راصع را تائید و با این نظر محترم د کتور غضنفر نمی توافق داشته باشم که عمده فرو شی حاضر به توریـد ادویه جنریـك نمیباشند. که آنها هم در تلاش عاید ونفع اقتصادی ند ووقتی توریـد ادویه بتنت قـانـونـاً ما خته شده است منافع شان در توریـد جنریك تا مین میگردد .

مانباید از یاد ببریم که هدف عمده دولت از تطبیق پروژه جنریك صرفاً پائین بودن - سطح اقتصاد خانواده ها و مردم بوده واگر جلو توریـد ادویه پتنت گر فته شد این دلیل را داشت که مردم نیاز مند ودر سطح پائین اقتصادی بتوانند ادویه مورد ضرورت خود را به قیمت کم بدست بیاورند و بیماری هـا با مصرف اندك تداوی شود . این پروژ ه به خاطر مفید یتی که داشت مورد استقبال گرم همه‌ی اقشار و طبقات مردم قرار گرفت و عمده فروشی ها هم آنرا ارج گذاشتند . چنانچه یکی از این عمده فروشی ها به نام توفیق لیمتد سیروپ تترا سیکلین را توریـد کرد و آنرا فی بوتل هفده افغانی عر ضـه داشت اما در روز دوم توزیع فروش این تترا سیکلین ها وکلورم فنیکل هـا به وسیلـه ریاست امور فارمسی گرفته شد چرا که این ریاست دریافت که در صورت توزیع این ادویه، ادویه فروشی هاحاضر به خریدتترا- سیکلین ها و کلورم فنیکل های دیپو که گرانتر عرضه میگردید نخواهند شدو به این ترتیب می بینیم که ریاست امور فار مسی در بسا مورد به مسایل انتفاعی خود بیش از منافع مردم اهمیت قایل شده است .

دکتور غضنفر :

برای ثبوت این ادعا که عمده فروشی های ادویه حاضر به توریـد ادویه جنریك نمی باشند بهترین گواه مکتوبی است که‌در سال ۱۳۵٤ رسماً به آنها نگا شته شد ه و طی آن از سی عمده فروشی خواهش گردیده که پنج پنج قلم از مجموع یکصدو پنجاه قلم ادویه جنریك را توریـد کنند ، اما فقط هشت عمده فروشی دراین زمینه داخل اقدام شده و بیست ودو عمده فروشی دیگر اصلا آنرا جواب ندادند .

راحله راسخ خرمی :

چون هدف عمده و اساسی از این گرد هم آیی و دیگر گرد هم آیی های ژوندون کاوش راه های حل اساسی معضله ها و دشواری های همگانی مردم است ، خواهش میکنم صحبت ها شکل اعتراض مانند را نداشته باشد چه در این صورت عقده گشایی ها جای گره گشایی را خواهد گرفت ونتیجه گیری از صحبت مشکل خواهد شد ، خواهشی است صمیمانه و دوستانه که امیدوارم مورد توجه هر گوینده قرار گیرد .

عزیز الله مرموز :

صحبت تا این لحظه در این جدل بیشتر متوجه مسایل جزئی بوده و تا کنون مجال پرداخت به‌پالیسی های انقلابی دولت انقلابی در زمینه مورد گفت و گوی به وجود نیامده است‌ما که اینك مشکـلات مربوط به دوا را به بحث کشیده ایم نباید از یاد ببریم که چگونه تجارت ادویه در پیش‌از پیروزی انقلاب وقانون جنریك عده یی را تاسرحد میلیاردر شدن ثرو تمند ساخت نباید فرا موش کنیم که چگونه برخی از این تاجران دوا که نماینده های انحصاری کمپنی های تو لیـــد کننده دوا در کشور های سر مایه داری‌بودند به نام فاچا قبران منطقوی شهرت یافته بودند واز برکت زدوبند های شان حتی مدد کننده های شان هم در وزارت صحت عامه ملیونر شدند وحتی تاهنوز هم تجار نوادر کشور های مصرف کننده یا کشور های تولید کننده امپر یا لیستی مر تبط میباشند و بقایای عنا صری که زیر تاثیر این اجنت های‌سر- مایه دار قرار دارند هنوز هم در وزار ت صحت عا مه مو جو د می با شـــد وسیر اقدامات این وزارت را به بیراهه می کشانند و برای اصلاح این وضع باید اقدا- ماتی سریع و انقلا بی صورت گیرد واین اقدامات به وسیله انسان های واقعاً انقلابی به طرح و تطبیق آید در مورد اینکه بر خی از عمده فروشی ها دوای خود را ارزان تر از نرخ دیپو عر ضه میدارند ، ممکن است که یك کمپنی تولید کننده ویا رابطه آ ن خیلی اضرار دیگر را هم از این قبیل قبول دار شود تا جنریك شدن ادویه را مانع گردد چنانکه شرایط را طوری عیار کردند که خوب ترین دکتوران ما مجبور به ترك وطن گشتند از نظر من در شرایط کنونی یکی ازعلل عمده بروز مشکلا ت در کار دوا این است که ما تبلیغات وسیع در این زمینه نداریم و مخصو صاً به زبان مردم تبلیغات نداریم من میگویم برای پیروزی قا نـون جنر یـك باید تمام وسایل ارتباط جمعی واز همه بیشتر رادیو نشراتی گسترده داشته باشد تا مردم ارزش دوای جنریك را بهتر بفهمند و کمپنی های تولید کننده و یا نماینده های آنها در کشور نتوانند هر روز مشکلی تازه را ایجاد کنند .

دکتور هاتفی :

نظر محترم مرموز را تائید میکنم کـــه مانه تنها در کار دوا بلکه در تمام امور مربوط به صحت و خاصتاً دربخش های وقایوی باید تبلیغاتی گسترده داشته باشیم . چرا که تبلیغات صحی در واقع سر لوحه ایست برای مبارزه علیه امراض و بیماری ها در مورد کمبود ادویه باید اعتراف کنیم که این مشکل وجود دارد ، ما نمیتوانیم تمام کسانی راکه هرروز ازاین رهگذر شکایات خـــو درا به طرح میاورند اجنت فلان کمپنی خارجی بانگـاریم

محترم رئیس امور فارمسی احصائیه یی را ارائه داشتند که گویا به اساس آن درسال ۱۹۸۰ سه دفعه بیشتر از سال ۱۹۷٤ دوا وارد کشور شده واین مو ضوع را مستند سا ختند که پرابلم کمبود دوا واقعیت ندارد این درست است که احصائیه ها دربیشتر موارد برای روشن شدن یك مو ضوع کمك می‌کنند، اماما احصائیه دقیق نداریم واگـــر میداشتیم و می فهمیدیم که از فلان قلم‌دوا به فلان دلیل و یا دلایل به فلان مقدار نیاز داریم واین نیاز مندی در فلان جای کشور در این‌سطح ودر آن جای دیگر در فلان‌سطح وحجم‌است، امروز مشکلات مادر مورد دوا حل شده محسوب میگردید از سوی دیگر به فرض که تمام دیپو های ما از دوا انباشته باشند اگر آگاهی دکتوران ما دراین مورد کم باشد واگر توزیع درست و حساب شده نداشته باشیم فایده دوا چه میباشد و کجای مشکل را حل میکند ؟ پس مابايد از یکسو احصائیه های دقیق تهیه داریم ، از سوی دیگر برای شناخت ادویه جنریك هم به مردم و هم به دوکتوران تبلیغات گسترده درسطح فهم ودانش شان داشته باشیم ، وگرنه در شرایطی که ما هم دوا به حد کا فی نداشته باشیم هم فاقد تبلیغات کافی باشیم وهـم ا نواع سبوتاژ ها در این زمینه وجود داشته باشد طبیعی است که بار مشکلات ما روز افزون میگردد .

عطا مراد ایماق :

به ارتباط گفته های دکتور ها نفی یاد آور میگردم که **برخی از دکتوران دوا** ه پتنت را در نسخه های خود می نویسند وچون این دواها نایاب است مردم برای یافتـــن‌آن زیاد سر گردان میشوند ، آیا ریاست امور فارمسی در این مواردیا دکتو ران تماس‌دایمی دارد و آنها را متو جه این مو ضو عات می گرداند ، یا خیر ؟

دکتور غضنفر :

متاسفانه ،نه من اعتراف‌میکنم کـــه مـــا تبلیغا تی بسیار ضعیف داریم و علت هم آن است که بیشتر دراصل کار ها غرق میباشیم و مجالی برای تبلیغ نداریم .

نماینده روزنامه هیواد :

در پهلوی قلت‌ادویه خارجی‌ما گاه وبیگاه شاهد قلت برخی از اقلام ساخت هـــوخست افغا نستان هم در بازار میباشیم ، میتوانید بگویید چرا چنین است و وزارت صحت عامه برای حل این مشکل چه کرده است ؟

دکتور غضنفر :

متاسفانه هوخست افغا نستان از نظرمسایل مربوط به خود با وزارت پلان در تماس است و ما هیچ خبر نداریم که مواد خام شان از کجا وبچه قیمت وارد میشود ویامقدار توزیع دوا دراین شرکت چگونه است ، اما آنها خود شان وقتی قلت برخی از دوا ها یشان را یاد آور گشته‌یم نرسیدن مواد خام را سبب آن معرفی کرده اند .

نماینده ژوندون :

وقتی چنین ارتباطی میان ارگان های وزارت صحت‌عامه واین شرکت تولیدی دوا وجـــود ندارد آیا شما میتوانید فعالیت آن را به نفع مردم تلقی کنید ؟

لطفاً ورق بزنید

دکتور غضنفر :

نخیر ودر مورد هوخست بهر صورت اما در کشور های دیگر همیشه یك مقدار بزرگ اسعار به وسیله همین تولید کنند گان به خارج کشور فرار میکند .

عزیز الله مرموز :

این واضح است که هوخست و شرکت های مانند آن به خاطر خصلت سر مایه اندوزی خود هر گز نه نفع مردم را در نظر دارند و نه هم انکشاف صنعت دوا سازی را در کشور و به همین دلیل اجرا آت شا ن روشن نمیباشد در حالیکه دوایر وزارت صحت عامه باید در جریان هر عمل آنها از تورید

اشتراك کنندگان درمیز گرد ژوندون پیرامون قلت ادویه درشهر صحبت می‌کنند

مواد خام تا عرضه دوا قرار داشته باشند ، و نکته دیگر هم در مورد این شرکت چنین است که در شا یعه گفته میشود که هوخست دوای خود را برای فروش به کشور پاکستان میفرستد.

واینك سوالی هم دارم به این شرح که آیا برای اطمینان از کیفیت ومو ثـریت دوا امور فارمسی تورید دوا را از کشور ها ی سو سیا لیستی به عمل میاورد و یا خیر ؟

دکتور غضنفر :

مو فقیت ما در همین است که قرار داد های ما با کشور های سو سیا لیستی است و مجمو عاً ما هشت میلیون دالر قرار داد خرید دوا از کشور های مختلف سوسیالیستی داریم که به مرور و به صورت مر حلوی وارد کشور میگردد مشکل مادر تهـیه دوا نمیباشد بلکه در کار توزیع است که ما با دشواری هایی مواجه هستیم .

راحله راسخ خرمی :

با توجه به اینکه وزارت دفاع ملی همواره حاضر بوده است در موارد ضروری عده‌یی از خبر نگاران را به ولایات کشور انتقال دهد، آیا این امکان وجود ندارد که برای رفع مشکلات موجود توزیع ریاست امور فارمسی از وسایل ترانسپورتی این وزارت درارسال ادویه به ولایات کشور استفاده کند ، من فکر میکنم زمینه چنین همکاریی در صورت خواهش شما همیشه مساعد است .

دکتور غروال :

درست است وتا کنون هم در موارد ضروری این گونه کمك ها صورت گرفته است که در این شمار است ارسال به مو قع ادویه سهمیه شفا خانه های ولایات و بعضاً هم مراکز صحی اساسی کشور و به همین دلیل ریاست امور فارمسی میتواندرمواقع ضرورت از این گونه کمك های ترانسپور تی استفاده کند .

نماینده روزنامه انیس :

آیا در ادویه پنسلین دوایی مو جود است که معادل آن در جنریك وجود نداشته باشد؟ در این صورت مشکل مریض چگونه حل میگردد ؟

دکتور غضنفر :

بلی ـ اما ماده ۲۱ قانون ادویه جنریك به صراحت تاکید میکند که در صورت که معادل یك دوای پنسلین در جنریك نبا شد دوای پنسلین آن تورید شده میتواند که‌ریاست امور فارمسی هم در تورید ادویه همیشه این اصل را در نظر داشته است .

پوهاند رشاد روشن :

به اجازه رئیس محترم امور فارمسی پرسشی دارم در این زمینه که آیا در آینده هم این ریاست در نظر دارد تورید ادویه را در انحصار خود داشته باشد و یا اینکه عمده فروشی های دوا هم اجازه تورید را خواهند داشت ؟

با توجه به اینکه مادر واقع مشکلات را بررسی می کنیم تاراه حل آنرا بیا بیـم این نکته گفتنی است که در صورت تورید آزاد دوا ما باز هم با انواع تقلب های پیش بینی نشده به وسیله فرو شند گان دوا رو برو خواهیم شد ودر صورت انحصار تورید باز هم مشکل تو زیع دوا در برابر ما قرار دارد که موجب قلت و کمیابی دوا در بازار میگردد برای حل این دشواری به نظر من ساده ترین راه تطبیقی آن‌است که تو ریـد ادویه خواه در انحصار امور فارمسی باشد و یابه شکل آزاد صورت پذیرد کمپنی هـای دوا وادار ساخته شوند که قیمت ادویـه را برای مصرف کننده در روی هر قطی و بوتل و یا تیوب آن بنویسند و مهر کنند، به این ترتیب مشکل گرا نفروشی و تقلب حل میگردد و دلیلی هم باقی نمیماند که ـ قاچاق ادویه دوام یابـد چه تشخیص دوای اصلـی و قـانونی از قاچاقـی کا مـلا میسر است و مو ضوع دوم در چگو نگی توزیع ادویـه است که‌باید ریاست امور فار مسی به آن توجه کند به این معنی که ضرورت ها تعیین گردد ، دوا در تمام دوا خانه های رسمی و شخصی یك نرخ داشته باشد و به اساس احصا ئیه ها روشن گردد که فلان محل به فلان اندازه به فلان دوا احتیاج د و به همان پیمانه در ادویه فروشی ها ی ه محل دواتوزیع گردد.

باردیگر میگویم ماوقتی میتوانیم ادعا کنـ به مشکـ ل‌کمبود ادویه فایق آمده ایم ک دوای هر نسخه در هر دوا خانه یافت شود

دکتور غضنفر :

در مورد انحصار دوا باید بگویم تورید تمام اقـلام دوا درانحصار امور فارمسی نمـ باشد بلکه ما صرف تورید سه گروپ‌دو دوای مخـدره ، الکـل طبیعـی و آنتـ بیوتیك ها را در انحصار خود داریم .

برای تشویق عمده فروشان ادویه به تور ۲۸۰ قلم ادویه وسامان لابراتواری و جرا

همین اکنون اقداماتی در دست اجرا می باشد .

در مورد قیمت دوا هم ما کوشش داریم نرخ هارا ثابت نگه‌داریم ویکی از عللی که برخی از اقلام دوای ما گرانتر از تورید های شخصی است هم همین مو ضوع می باشد که ما آینده را در نظر داریم و تاچند سال قیمت های خود را ثابت نگه میداریم، چنانکه مثلا سیروپ امپسلین از سه سال به این طرف پنجاه افغانی قیمت دارد و تادو سال دیگر هم ممکن است همین قیمت را داشته باشد .

به این اساس است که ما پنج تا ده فیصد از همان آغاز در قیمت های خود افزایش را در نظر می گیریم

اما در مقابل ما فقط با تغییر تورید فلم اکسریز از راه هوا به راه زمین قیمت آنرا از نود افغا نی به پنجاه افغانی پائین آوردیم.

عزیز الله مرموز :

پالیسی دولت انقلابی هر گز این نیست که تجارت در انحصار دولت قرار داشته باشد بلکه تلاش میشود تا تجار واقعی و ملی صحت عامه وایـن شرکت تولیدی دوا تشویق شوند وتجارت ملی رشد پیدا کند. البته این امتیازات شامل عدهٔ از نما ینده های کمپنی های تولید کننده دوا در غرب نمیگردد ، چرا که ما در گذشته شا هد بودیم که برخی از آنها حتی مقدار دوا را کمتر از اصل مقداری که در روی بو تل نوشته می شد فرمایش میدادند ، ویا قرار داد ها طوری بود که مواد موثره دوا در ترکیب دوا کم اندا خته شود تا مصرف آن زیاد شود و به این تر تیب با منافع مردم به نفع کمپنی های مولد بازی می شد که اکنون از همه‌ی این جریانات جلو گیری میگردد .

راصع :

به پاسخ محترم مرموز صاحب یاد آور میگردم که ما باید زمینه های استفاده جویی را ازمیان برداریم وگرنه تاوقتی شرایط برای دزدی و ابتکار و تقلب مهیا باشد ،دزد و محتکر ومتقلب از آن به‌نفـع خود بهره‌کشی میکند و این خاص کشور ماهم نمیباشد چنانکه در تقلب هایی که در مقدار دوا ویا چگونگی مو ثریت آن در گذشته صورت گرفته است از نظر من شعب بررسی ولابراتوری وزارت صحت عا مه در این مورد خاص مسوولیت بیشتر متوجه شان میگردد واکنون هم اگر چنین زمینه های برای تقلب وجود داشته باشد بازهم همین موسسات به دلیل اینکه مسوول صحت مردم دربخش های خاصی میباشند ایراد متو جه شان است .

واما به پاسخ محترم رئیس امور فار مسی که تفاوت قیمت دوا را در تورید های شخصی ریاست امور فارمسی از پنج تا ده فیصد آوری کردند باید بگویم باتا سف این تفاوت ها گاه به مرز یکصد فیصد و حتی بیشتر از آن میرسد ، به عنوان این مثال من نرخ چند قلم دوا را که شاید با توجه به این مورد که از طریق عمده فروشی ها و امور فارمسی وارد میشود به صورت غیر قانونی وارد کشور شده باشد با عین دوا های تورید شده به وسیله امور فارمسی در این جا یاد داشت میدهم تا میزان تفاوت ها بهتر آشکار گردد .

۱- کپسول امپسلین ۲۰۰ ملی گرام یك هزار عددی نرخ بازار آزاد دوهزار ودو صد افغانی نرخ دیپو از عین کمپنی سه هزار و سه صد و هفتاد افغا نی .

یعنی تقریباً پنجاه فیصد گران تر

۲ -کپسول تترا سکلین ۵۵۰ ملی گرام یکهزار عددی نرخ بازار آزاد ۴۰۰ افغانی نرخ دیپو ۱۲۰۰ افغانی

سه صد فیصد گرانتر

۳- سیروپ تترا سیکلین

بازار آزاد ۱۶ افغانی

دیپو ۱۴۰افغـانی۱۵۰ فیصـد گـرانتر

۴-سیروپ کلورم فنکول ساخت دیـپو نرخ ۴۰ افغانی ساخت ایتالیا در بازار آزاد باوزن بیشتر پانزده افغانی .

۵- کپسول کلورم فنکول ۲۵۰ ملی گرام یکهزار عددی

نرخ بازار آزاد ۵۵۰ - افغانی نرخ دیپو ۱۶۵۰ - افغانی .

یعنی باز هم سیصد فیصد گرانتر البته‌این چند قـلم صرفابه منظور نشاندهی یا دآوری گردیده و گرنه مشت نمونه خروار از ین مانند فراوان است .

دکتور غضنفر :

سوال من از آقای راصع این است که شما که از همه این جریانات آگاهی دارید چرا عاملین آنرا به شعب مسوول معرفی نمی کنید ؟

راصع :

من عاملین را نمی شناسم و وظیفه من هم نیست که بشناسم فقط مثل همه مردم دوا را در بازار می بینم و متوجه تفاوت قیمت ها هم میباشم و اما در انعکاس آن باز هـم مطبوعات رسالت نشاندادن وآگاهـی دادن را دارد و نه وظیفه شعب بر رسی و تفتیش را و آنچه هم در این جا روی آن صحبت میشود به خاطر این است که شعبه مسوول‌در زمینه تحقیق کند وبه حقایق برسند تانقایص کار رفع گردد .

دکتور غضنفر :

مسایلی که شما به آن اشاره می کنید در شمار و ظایف امور بررسی و قوانین است و نه امور فارمسی .

راصع :

هدف عمده بر رسی مسایل است ونه آنکه قصد داشته باشیم ریاست امور فارمسی را مسوول تمام نا هنجاری هایی بدانیم که در کار دوا وجود دارد ، حد اقل فایده این جدل ها و بحث ها همان چیزی است که وزارت صحت عامه آرزو دارد و ژوندون هم یعنی به شنا خت آمدن مشکلات ، بررسی آن و کاوش راه های حل عملی برای آن .

دکتور غیاثی :

پیش از آنکه به سوا لات ارائه شده پاسخ گویم یاد آور میگردم که طرح پا لیسی ادویه شامل سه بخش میگردد .

۱- تولید دوا

۲- تورید دوا

۳- توزیع دوا

به اساس شکا یات مر یضان ومریض داران که پیرامون کمبود دوا به مقام وزارت صحت عامه ارئه میگردید . کمیته یی تعیین شد تا پیرامون مسایل به طرح آمده مطالعه و تحقیق کا فی صورت گیرد وراه های حل مشکلات مردم به بررسی گرفته شود که بالاخر بعد از غور همه جانبه بـه تاریخ- ۱۰ر۴ر۵۹ مواد ده گانه یی درهمین زمینه به تصویب رسید که اینك من آنچه را که مربوط به بررسی و قوانین میگردد در این جا یاد داشت میدهم .

«نظر به ملا حظه لست اموال موجود گدام های دیپوی ادویه ویك تعداد اسنادی که از قـرار دادوفرما یشات یك تعداد اقـلام دوا به خارج نمایند گی و بحث مینماید لازم دیده میشود تاغرض رفـع مشکلات مـر یض ومریض داران اقلام راکه مسوو لین ریاست امور فارمسی «ریس صاحب و معاون صا حب لازم دانند در توزیع آن برعـلاوه شعبـا ت فروش دیپوی ادویه به عموم دوا خانه ها ی شخصی که مراجعه مینمایند نیز اقدام وعملا تحت اجرا قرار بدهند و غرض جلو گیر ی از احتکار این اقلام توسط دواخانه های ذکر شده ریاست امور فارمسی ریاست قوانیـن وبررسی رادر جریان اجرا آت خـویش قرار بدهند تا رسید گی قا نونی به عمل آید »

د رمورد اینکه دوا های قا چاقی در بازار مو جود است یا نیست هیات بررسی همه روزه در وقت رسمی و بعد از آن در تمام بازار مو ظف است و طبق هدایات داده شده و حکم قوانین عمل می کنند و البته درصورت کشف دوای قاچاقی با روحیه انقلابی بر خورد میگردد .

دکتور هاتفی :

برخی از ادویه فرو شان شکایت دارند که هر گاه برای خرید دوا های مورد ضرورت خود به یکی از شعب فروش دیپوی ادویه مراجعه می کنند این شعب آنها را وادارمی سازندکـه‌علاوه از خریداقلام‌دوای مـورد ضرورت خود چند قلم دوای دیگر فروش نشده دیپوی ادویه را هم اجباراً خریداری کنند که‌اگر چنین نکنند ایـن شعب اقـلام مورد ضرورت آنها را هم به فروش نمیرساند سوال این است که آیا این تعامل واقعیت دارد یا نه‌اگر چنین باشد سبب آن چیست؟

دکتور غضنفر :

درست است این تعامل در مورد ادویه‌یی که تازه وارد شده است وجود دارد وسبب آن هم این است که دواخانه هاهم آن را داشته باشند .

ماری سعادت :

من باتوجه به‌آنچه که‌از آغاز این جـدل تا کنون گفته آمد می خواهم بپرسم که‌آیا ریاست محترم امور فارمسی پیش از اینکه مجله ژوندون مو ضوع کمبود ادویه را به طرح آورد آیادر جریان مشکلات مـردم از این ناحیه قرار داشتند و یا خیر ، جریان صحبت این نکته را آشکار میکند که‌شما کمتر به این مسایل آگاهی داشته اید سوال ایجاد میگردد چراچنین بوده است و مـو- ضوع سوال دوم من هم این است که در صور تیکه به ادعا و قول خود شما یکی از عللی کمبود دوا در بازار این است که دوا فروش ها چون نسخه های دکتوران راخوانده نمیتوانند جواب میدهند دوای آنرا نداریم در این زمینه ریاست امور فارمسی ویا شعب مسوول دیگر برای ملتفت سا ختن دکتوران چه اقدا ماتی کرده اند ؟

دکتور غضنفر :

در مورد مشکلات مردم همانطور کـه بیشتر رئیس امور بر رسی و قوانین گفتند ما در جـر یـان بوده ایم و به‌همین دلیل هـم به دستور مقام محترم وزارت یك کمیته روی آن کار کرد و تصا میمی در زمینه گر فته شد که به تطبیق میاید در مورد بد خط‌بودن نسخه ها هم این آرزوی ماست که دکتوران این‌مشکل همگانی را در نظر داشته باشند و نسخه های خود را خوانا بنویسند .

دکتور غروال :

تعامل چنین است که ریاست امور فارمسی لست دوا های جنریك را به ریاست های‌دیگر درمرکز وزارت صحت عامه میفـر ستند و این ریاست ها هم به نوبه خود آنرا بـه دکتوران علاوه از آشنا شدن با مستحضرات جنریك به تفاوت قیمت آن با معادل های پتنت وتاثیرات دوایی اقلام جنریك هم دارد شوند .

البته برای رفع کا مل این مشکل ضرور است که رادیو به تکرار و تکرار در این مورد نشراتی متداوم داشته باشد .

دکتور هاتفی :

شما گا هی سری به کلنیك های رسمی هم زده اید یاخیر، دراین کلنیك ها یـك دکتور گاه مجبور است تا دو صد نفر مریض را در مدت دو تا سه ساعت معاینه کند و برایشان نسخه بدهد که همین فراوان بودن تعداد مر یضان و نا کافی بودن تعداد دکتو- ران در کلنیك ها یکی از عللی است کـه دکتور را به سرعت عمل وامیدارد ودر نتیجه گاه نسخه ها خوانا نمیباشند .

به عقیده من در پهلوی مسایل یاد شده‌یکی از طریقه های حل مشکل این است که به منظور جلو گیری از تراکم بیماران در یك کلنیك یا تعداد کلنیك ها را افزایش دهیم ویااینکه تعداد دکتوران را در هرکلیـنـك

لطفا دنباله این جدل جـالب رادر شماره آیند مطا لعه کنید ، که وقف نتیجه گیری صحت در گرد هم آیی شده است .

ناتمام

ارزش های پلینوم سوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

پیروزی انقلاب رهایی بخش ثور ، دشمنان دیرین افغانستان را به تکاپو انداخت ،سراسیمه‌ی شان نمود • به‌تخریب ،توطئه و کار شکنی آغاز کردند• نه‌در محدوده داخلی بلکه درگستره‌ی جهانی • اما کار و ا ن انقلاب پیروز مند ثور که با رستا خیز شش جدی وارد مرحله ی نوین تکاملی خود گردید توقف نمی کند . این کار وان بر گشت پذیر نیست ودرسر انجام آنهایی که بامرامنا مه درخشان‌و سر نوشت ساز حزب دمو کرا تیک خلق افغا نستان دشمنی می نمایند . به گورستان تیستی سپرده می شوند واین همه غوغا ، هیا هو و تکا پو به جایی نمی رسد .

امپر یا لیسم و استعمار کینه ای دیر ین با اندیشه های رهایی بخش دارند وقتی‌درسرزمین پهناور روسیه نخستین گل انقلاب مرد مسی شگفت ، آن شگفتن و بر خاستن در سراسر جهان طنین گسترده یافت . گروهی از عقب گرایان آنهایی‌که باهرگونه نوآوری وآگاهی به‌دشمنی وبر خاش برمی خیز ند رویداد شگفت اکتوبر کبیر راسر آغاز ی می‌پنداشتند برای تباهی خویشتن • انقلاب شکوهمند ثور آن گونه که اندیشه پردازان جا معه شناسی به‌آن باور دارند• حادثه‌ای مجرد دگماتیستی وبی ارتباط به او ضاع و احوال مشخص کشور ما نیست . از روز گاری به این سو گردان انقلا بی دلاوران صف شکن وآزاد اند یشان وطن پرست ما برای پایان دادن به اوضاع نا هنجار اجتماعی نا گواری های محیطی و منا سبات فر توت و ظالمانه راه حل هایی را جستجو کرده اند . کشور آزاده‌ی ما تاریخی افتخار آفرین و شکوهمند دارد وهمیشه مردان زنجیر شکن و قهرمانان قاطع ، تلاشگر وآبدیده رادر دامان خود پروریده • به یاد بیاوریم پایمردی ها ، شهامت ها وشهادت های نیاکان خودرا که همواره بر ضد بیداد نا روایی و خود سری مقاومت و ایستا دگی کرده اند . به پیشواز شهادت رفته اند اما اسارت و زبونی را پذیرا نگشته اند . اعمال خودسرانه بی داد گران رابی پاسخ‌نگذاشته اند .به‌یاد بیاوریم قیام مردانه‌ی کاوه‌ی آهنگر را که به بیداد ضحاك ظالم پایان داد و راهی به سوی آیین داد و نیکی کشود . به یاد بیاوریم قهرمانی ها مردانگی های پهلوان‌اسلا طیری خود رستم را ، جانبازی های زنان قهرمان ملالی ها، زرغونه ها ،وسر انجام قیام رهایی بخش مردم را به ضد نیرو های غاصب استعمار انگلیس • تاریخ میهن ماسرشار از موج و اوج مبارزات رهایی بخش ملی است که‌برشمردن همه‌ی آنها در این مقا لت مختصر نمی گنجد • هدف ازین اشاره هانشان دادن روحیهٔ آزادیخوا هانه وانقلابی مردم‌است. با وجود عکس العمل ها پر خاش ها و ضدیت هایی که‌توده ها با دستگاه های غا صب و ارتجاعی نشان داده اند . باز هم غار تگران مجال زندگی یا فته اند . این علت را باید در شیو ه‌ی مبارزه مردم جستجو کرد . برای مبارزه باید موازین ومعاییری را درنظرداشت مقدمات ، شیوه ها واصول را به خوبی دانست و با تحلیل شرایط و اوضاع واحوال مشخص عمل نمود بسیاری ازقیام ها، خیزش ها و عصیانگری های مردم ناکام مانده و یا موقتا موا جهه به شکست شده است چون با اصول عمل نشده است مبارزه ای متشتت ونا منظم بوده است• حزب چراغ راه مبارزات اجتماعی است با اتکا به حزب می توان به مبارزه ادامه داد و سر انجام به پیروزی رسید . با درنظر داشت این مهم پانزده سال پیش از ین حز ب دمو کراتیك خلق افغا نستان (حزب پیشاهنگ طبقه‌ی کار گر و زحمت کشان) به همت ،یاری ایمان واز خود گذری فرزندان این سامان‌بنیاد گذاشته شد و به فعالیت و تلاش خستگی نا پذیر و پیگیر پرداخت در فر صتی اندك اعضای پر شور ، سر سپرده و انقلابی این حز ب‌در میان توده ها رخنه و نفوذ کردند . از مردم آمو ختند به آنها یاد دادند. تجاربو آگا هی های انقلابی و انسا نی خود را در عمل آوردند. بدون پشتیبانی توده ها واشتراك مستقیم آنها هیچ انقلابی کا مل نیست ودرزیر تعریف‌انقلاب نمی‌آید• گر چه درکارخانه های دنیای انحصارات و سر مایه آن گو نه که اسلحه تولید می نمایند واژه و اصطلاح و مقو لات سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی هم می سازند و معنای دقیق کلمات وواژه هارا تحریف ومسخ می نمایند . ناد از حقوق بشر «دموکراسی» «انقلاب» می‌زنند، امااین ریاکاری و حقه بازی هانمی تواند پوششی باشد برما هیت رسوا و زشت و ضد انسانی آنها . دیگرهمه‌ی توطئه ها وحقه بازی های استعمارواامپریالیسم شنا خته شده است و مردم سراسر جهان بیدار شده اند این حزب است که می تواند ضامن پیروزی ها باشد . همه ی نیرو های انقلا بی و عنا صر وطن پرست را در یك صف وا حد بسیج نماید و به مشتی کو بنده و آهنین مبدل کند به گفته ی رهبر انتر نا سیو نال سوم اگر در جا معه ای شرایط ذهنی که همانسا مو جودیت حزب طراز نوین است میسر نباشد نمی تواند انقلاب واقعاً ملی و دمو کراتیك ، بنیادی و عمیق به پیروزی برسد و با این ملاحظه در افغا نستان شرایط یك انقلاب واقعاً بنیادی از سال ها پیش آماده گردیده بود ، هم شرایط عینی وهم ذهنی • یعنی طبقه‌حاکم افغا نستان دیگر نمی توانست باآن شیوه ی شنا خته شده‌ی ظالمانه به‌حکم روایی بپردازند ونه دیگر توده ها می خواستند به آن شیوه کهن و استبدادی از کس فرمان برند .مارش ها، میتنگ ها وتظاهرات گسترده ی خیابانی واعتصاب های دوران حکو مت طرز استبداد ظاهر شاه گواه این دلیل است . باری حزب دموکراتیك خلق افغانستان • از همان روزان نخستین به روشنگری پر دا خت ، تبلیغ گر و اشاعه دهنده اند یشه های رهایی بخش و انقلا بی گردید . در فر صتی اندك همه‌ی کار گران ، زحمت کشان و قشر روشنفکر جامعه به این حزب پیو ستند ودر فش افتخار آمیز مبارزه رابر افراشتند • اعضای سر سپرده‌با ایمان و انقلابی این حزب در شرایطی دشوار به مبارزه ادامه دادند . به مبارزه ای رهایی بخش و عا دلانه . بدون هراس ، تشویش و لحظه ای تردید به پایان روشن راه امید وار بودند . چون در راه عدالت اجتماعی و حقیقت مبارزه می کردند برای یك لحظه هم سنگر مبارزه را ترك نکردند . همه ی دشواری ها و نا همواری ها را با حو صله مندی و تقوای سیاسی پذیرفتند • آبدیدگی ، اتحادومبارزهٔ بی امان حزب انقلاب شکو همند ثور را به پیروزی رسانید• انقلاب ثور دنباله‌ی منطقی انقلاب های ملی و دمو کراتیك جهان است .

بازتاب دهنده ی آرمان بشریت ستمدیده‌است آن هایی که کار می کنند ، زحمت می کشند و همه‌ی شکو همندی های جهان حا صل دست و دماغ آنها ست .

امپریالیسم واستعمار با آرمان زحمت‌کشان کینه ای دیر ینه دارد . با به پیروزی رسیدن نخستین انقلاب کارگری درسرزمین پهنا ور روس خط فا صلی میان دو طبقه در سطحی جهانی کشیده شد . طبقه‌ی استثمار گر ،طبقه‌ی استثمار زده طبقه‌ای باهدف های نامقدس و ضد مردمی و تسلط جو یانه . طبقه ای باآرمان های انسانی، مردم گرایی و صلحجو یانه.

طبقه ا ی که د ر ا مر تو لید و سازند گی اجتما عی سهم نمی گیرد ، مفت خواره ، تنبل و بیکاره است . همه‌ی امتیازات وامکانات را باتردستی وحیله گری درانحصا را ت خود در آورده است . طبقه ای که کار می کند ، نعمت پدید می آورد ، جو هر حیات و زندگی دارد . هر روزی که می گذرد قلمرو خود را گسترش می دهد و سنگر خود را مستحکم تر می کند . باری پیروزی انقلاب ثور ، غاصبان ، فتنه انگیزان و تاراج گرا ن را به وا همه انداخت . در پی طرح نقشه ها توطئه های خاینا نه بر آمدند . استعمار و امپریالیسم بهواقعیت تن درنمی د هند• تاهنوز رویا هایی درسر دارند وخواب قدرت می‌بینند می‌خواهند همیشه سیا دت و آقایی جهان از آن آنها باشد ، تلاش ها و کوشش های دیوانه وار ، لگام گسیخته و مذ بوحانه می‌نمایند• تاجوانه های جوان را، برندگان پیام آور وانسان های ، فد ا یی و وطن پرست رانابود نمایند • مردم همیشه در تاریکی فروگذ ا شته شود تازمینه‌ی غارت بیشتر آنان فراهم باشد کوشش ها، تلاش‌ها و تلا هایی که امپر یا لیسم و استعمار پس از پیروزی انقلاب رهایی بخش و شکو همند ثور در افغا نستان بیدار گشته و تازه از بند رسته به خرج می دهند بر هانی قاطع است برای ضد یت و کینه توزی کهنه پرستا ن با نو آوران . پیروزی انقلاب ثور مانند خنجری بود بر سینه ی دشمنان دیرین افغا نستا ن وانهایی که‌از سالیانی به‌اینسو چشم برنعمت ها وثروت ها ودارایی های مادی و معنوی‌این سا مان دو خته بودند . نقشه ها و تو طئه‌های شومی را در سر می پرورا ندند ، آرزو داشتند افغا نستان همیشه در حالت عقب ماندگی تاریکی و فقر فرو گذاشته شود . نه تحرك نه جنبش و نه اظهار مو جود یتی داشته باشد ستم کاران جهان باارتباط بامر تجمین ومفت خواران دا خلی از اوضاع و احوال افغا نستا ن در تاریکی گذاشته شده سود می جستند شکم می‌آگندند وتن فربه می‌کردند با کینه توزی های امپریالیسم‌جهانخوار واستعمار

لگام گسیخته بانو آوری ها وانقلاب ر هایی بخش داستان تازه ای نیست. چون‌زمان همیشه آگاه ترین داور است وتاریخ باکسی نمی تواند سر خوش آمد گویی و تعارف داشته باشد . قیا فه های دروغین را همیشه رسوا می کند. آن هایی که در قول، داد ازمردم خواهی می زنند ودر عمل بر ضد منافع مردم قرار می گیرند . عمر دروغ گویان و باطل پرستان و فریب کاران که می کوشند ما هیت رسوا وزشت خودرا کتمان نمایند همیشه کو تاه است. چنانکه باهمه‌ی کو شش ها و تلا ش های جنون آمیز سازمان جنایت کار جاسوسی امریکا حفیظ الله امین و باند غارت گر و جنایت پیشه‌ی او نتوانستند روز گار بیابند و به سیاه کاری ادامه دهند .خشم خلق وعصیان مردم به کام نیستی شان کشانده قیافه ای دیگر از دشمنان مردم که وطن فرو شا ن، او باشان ، رهزنان واشرار(درکسوت‌مجاهدان اسلامی) باشند و همان دستورات و تعا لیم مراکز جاسوسی امپریالیسم راتقلید ، تکرار وپیروی می کنند واز تل ابیب وقاهـــره و واشنگتن و اسلام آباد و کشور های ارتجاعی پوند ودالر الهام می‌گیرند ، نیزرسوامی‌شود.

توده‌ها سر نوشت خود را نمی توانند به‌دست جیره خواران و مر تجعین بینند . مردم به تجربه در یا فته اند که سیطره جویان ،افزون طلبان ومستکبران باآنان در تضادی آشتی‌نا- پذیر به سر می برندو تشنه به‌خون آنان اند. باری کوشش های امپر یا لیسم جها نخوار در این گوشه ای از جهان در سر زمین آزادگان و عقا بان بلند پرواز بی نتیجه ماند و قیام پیروز مند شش جدی بساط اهر یمنی او را بر چید و یگانه نماینده او را که آخریـن حلقه ای از زنجیر لعنتی استعمار بود بـــه گورستان نیستی سپرد . با آغاز مر حله ی نوین تکا مل انقلاب ثور ، مردم مجال نفس کشیدن یا فتند و در کشورما آرامش واطمینان بر قرار گردید . اما با خیزش پیروز مند شش جدی هم وظیفه حزب، دولت، مـــردم وانقلاب به پایان نرسیده است . استعمار و امپر یا لیسم هنوز هم تلاش هایی بیمار گونه جنون آمیز و هستریك به کار می بندد ، تا مگر آب رفته را دو باره به جوی بازآورد . اما این فقط یك پنـدار ، تخیلی پوچ واحمقا نه است . تصوری با طل و غیر عملی . پس از قیام ظفر نمون شش جدی ، تخریب تو طئه ، کار شکنی ، غارت و تاراج نمایند گان گوش به فرمان مزدور امپر یا لیسم در خاك افغانستان افزونی یا فته است مزدوران وارداتی تا می توانند درمیهن ما تشنج، ناامنـی و اضطراب و تشویش پدید می آورند . به اعمالی جنایت کارانه ، تخریبی و ضد انسانی دست می‌زنند خانه ها و خانمان ها و خرمن ها ، نهادهای آموزشی ، کانون های فرهنگی ، مساجد و عبادتگاه های را به آتش می کشند . برزنان، کو دکان و پیر مردان به گو نه بی شرمانه یورش می برند واین اعمال ضد انسانی و خود سرانه ریشه در کاخ سفید و پنتاگون دارد. حزب ودولت جمهوری دموکراتیك افغانستان همیشه باحوصله‌مندی عمل‌کرده است. ازسر گناه بسیاری از فتنه انگیزان که نـا آگاها نه برضد منافع مردم قرار گرفته‌انددرگذشته‌است این حوصله مندی ، نرمش و انعطاف پذیری هر گز به معنی ضعف و عقب نشینی دولت و حزب نیست حکومت های طراز استبدادی وبه ویژه امینی های جنایت پیشه و خود فرو خته زخم‌ها وجراحت های‌عمیقی برپیکر جامعه ی ما وارد کرده اند که به این زودی ها التیام پذیر نیست . وازین روست که دولت و حز ب با ملا حظه ، نرمش و حو صله مندی عمل می کند. اما گذشت هم سرحدی دارد. دولت و حزب نمی تواند همه‌ی خودسری ها کارشکنی ها ، تخریب ، توطئه و اعمال ضد مردمی دشمنان را بی‌پاسخ گذارد و بیش‌از ین‌به آنان‌اجازه‌ی پیش تازی و غارتگری دهد . ضد انقـلاب با اعمال وحشیانه وتـــروریستی خـــو یش تامی توانند ناامنی وا ضطراب پدید مـــی آورند . با الهام از دستگاه های جهنمی امپر- یـــالیسم جـــنا یت کـــار و حشت مـی آفرینند وبا این ارتباط در پلینوم سوم کمیته مر کزی حزب دمو کراتیك خلق افغا نستا ن بر ضرورت بسیج و تشکل همه‌ی نیرو های حزب ومردم درراه سرنگو نی و نابـودی‌عناصر ضد انقلاب تا کید می شود . مردم همیشه از حقیقت و آزادی با قا طعیت و مردا نگی دفاع کرده اند و اکنون درین مر حله ای از تاریخ کشور که او با شان و رهزنان به فعا لیت های تخریبی خود گستر دگی داده اند . مردم نیز در کنار حزب می ایستند واز مو قعیت خو یش با شهامت دفاع می‌نمایند «درپلینـــوم سوم کمیته مر کزی حزب دمو کراتیك خلق افغا- نستان تصریح گردید که : «در مبارزه ضـد انقلاب که توسط دولت های امپر یا لیستی و بعضی رژیم های ارتجا عی منطقه مسلح وتجهیز می شوند . کار های زیادی با قیمانده است. باند های ضد انقلاب به خاطر استقرار دو باره حا کمیت فیودال ها و خفه سا ختن دست‌آورد های انقلاب ثور دست به ترور مردم ، چور و چپاول و ویرانگری می زنند . نیرو های ضد انقلابی بادست یازیدن به چنین اعـمال ضد انسانی می‌خواهند صلح وآرامش مردم ز حمت کش مارا بر هم زده تحقق پلان ها واهداف اجتماعی و اقتصادی حزب را در جهت رفاه و سعادت مردم سد شوند. درچنین‌شرایط مبارزه پیروز مند مسلحانه بر علیه ضد انقلاب و شکست قطعی آنها ، برای حزب و تمام مردم ما بر جستگی خاص کسب می کند . »

آن گونه که اشاره شد این کوشش ها وتـــلاش ها همه بـی حاصل و مذبوحانـــه است . نیرو های ضد مردمی ، غار تگر غاصب وفیودال را مجال آن نمانده است کـــه بـــه حا کمیت برسد . دوران سیاه کاران به‌پایان آمده اکنون این مردم است که سر نوشت خود را به دست دارند و به سوی سا ختن جا معه ای آباد ، شکو فان و آزاد گام بر می دارند .

در این شرایط بر همه‌ی وطن پر ستا ن‌است که به دعوت حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان پاسخی صمیمانه دهند و تصا میم مطرح شده در پلینوم سوم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. را ارج گذارند و وارد عمل شوند . دیگر توده ها نمی توانند در برابر اعمال بی بند وبارانه‌ی ضد انقلاب خا موش بمانند واز حقوق پامال گشته‌ی خود دفاع نکنند . تصا میم و فیصله های پلینوم سوم کمیته مر کزی حزب دمو- کراتیك خلق افغا نستان مشت محکم دیگری است که‌بردهان یاوه سرایان ،او بـــاشان و به‌اصطلاح مجاهدین اسلامی (!) فرودمی‌آید. در ین پلینوم یك بار دیگر به نقش سربازان افسران و پا سداران انقلاب اشاره می شود که علیه ضد انقلاب بسیج شوند و دشمن را در هر مو قف و مو قعیتی که است نا بود نما- یند . حکـومت هـــای بی بند وبار و ضد انسانی گذشته تا می توانستند میان توده ها وارد و فا صله و تفر قه پدید می آوردند . حکومت های استبدادی از بیداری و آگا هـی افسران و سر بازان واهمه و تشویش داشتند. اما اکنون آن فا صله و آن دوری اردو ومردم از میان بر داشته شده است . در نظام ها ی پوسیده ، ارتجاعی وضد انسانی، اردوپاسدار منافـع اقلیتی مفت خوار وافزون طلب است ودرجهت خواسته ها وآزمندی های غـاصبان گام بر می دارد پاسداران بیداد و استبداد همیشه جنگ های غار تگرانه می افروزند ، خون های بی گنا هان را می ریزند . فضا ها راغبار آلوده وتاریك نـگـاه میدارند امـا در نظام هـای مترقی کـــه‌بربنیادی از عدا لت اجتماعی استوار است . آن گونه که همه‌ی نهاد های اجتماعی به سود انسان زحمت کش است. اردوهم در کنار توده هـــا قرار دارد. پاسدار صلح ایمنی و عدالت اجتماعی است برضد بنیاد های انسان شکن مبارزه می کند. پیروزی انقلاب شکو همند ثور و مر حله ی نوین تکاملی آن که‌به روز گار نگبت بـــار چندین هزار ساله‌ی سیاه کاران در سر زمین ماخـــاتمه داد. دشمنان رابـــر انگیخته بـه پو یند گی و تکا پو وا داشت و با این ارتباط است که بر نقش برازنده اردو تا کید مکرر می شود . پلینوم سوم کمیته مر کزی حز ب دمو کراتیك خلق افغا نستان یك بار دیگر قوای مسلح را به وظایف عمده ای که درپیش رو دارد متوجه می سازد. در پلینوم‌سوم یاد آوری می‌شود که: «بهبو د تربیه و پـرورش افسران و شرکت فعال آنها در کار های تر- بیوی شرط مهم افزایش کیفیت کار سیاسی در قوای مسلح ، مقا مات امنیت دولتی ، ارگان های انتظام اجتماعی می باشد .» باری این خصلت جدا یی نا پذیر نظام های مردمی است که طرفدار آگا هی ، بیداری و دانش انقلابی در میان افسران و سر بازان است . در راه نضج فکری وگستردگـی اید یولوژیـــك آن هاکوشش انجام می‌پذیرد. پس ازپیـــروزی و مرحله ی تکاملی انقلاب ثور که مردم ،اردو وانقلاب از چنگال بیداد خون آشام قرن آ ن جاسوس‌شناخته شده ووطن فروش (حفیظ الله خان امین) نجات یا فتند . حزب و دولت در راه بهبود شرایط زندگی توده ها ، ترقی ، عدالت اجتماعی ، صلح و دمو کراسی گا م هایی برمی دارد اما دشمنان تاب‌دیدن‌شگوفایی وسربلندی افغـانستان راندارد به اعمـــال خود سرانه و ضد انسانی توسل می جویند . تامگر ارمغان ها، دست آورد هاوهدف هـای انقلاب را نا بود نمایند . اما به حکم تا ریخ و به ضرورت زمان کاروان ظفر نمون انقلاب رهایی بخش افغا نستان درنگ نمی کند . بی اعتنا به‌یاوه سرایی ها ، کارشکنی هاوتخریب او با شان و وطن فرو شان به راه پیمایی ادامه می دهد . ما در سطح جهانی تنها نیستیم . دست همه‌ی برادران ، آن هایی که در سنگر دفاع از صلح و ترقی اجتماعی و دمو کراسی ایستاده اند ، با ماست . دیگر اردوی افغا - نستان با قاطعیت و آگاهی عمل می کند . در خدمت توده ها قرار دارد . سر بازان ما با قطره قطره خون خود از ذره ذرهٔ این خا ك دفاع می نمایند و با این ارتباط در پلینوم سوم تذکر رفته است ..... افسران قوای مسلح باید پختگی سیاسی ، روحیه‌ی وفاداری به انقلاب بیداری ، محبو بیت حزبی ، لیاقت ، علاقه به و ظیفه و صفات عالی سیاسی و محا ربوی و عشق به مسلك سر بازی را در خود دایماً پرورش دهند .»

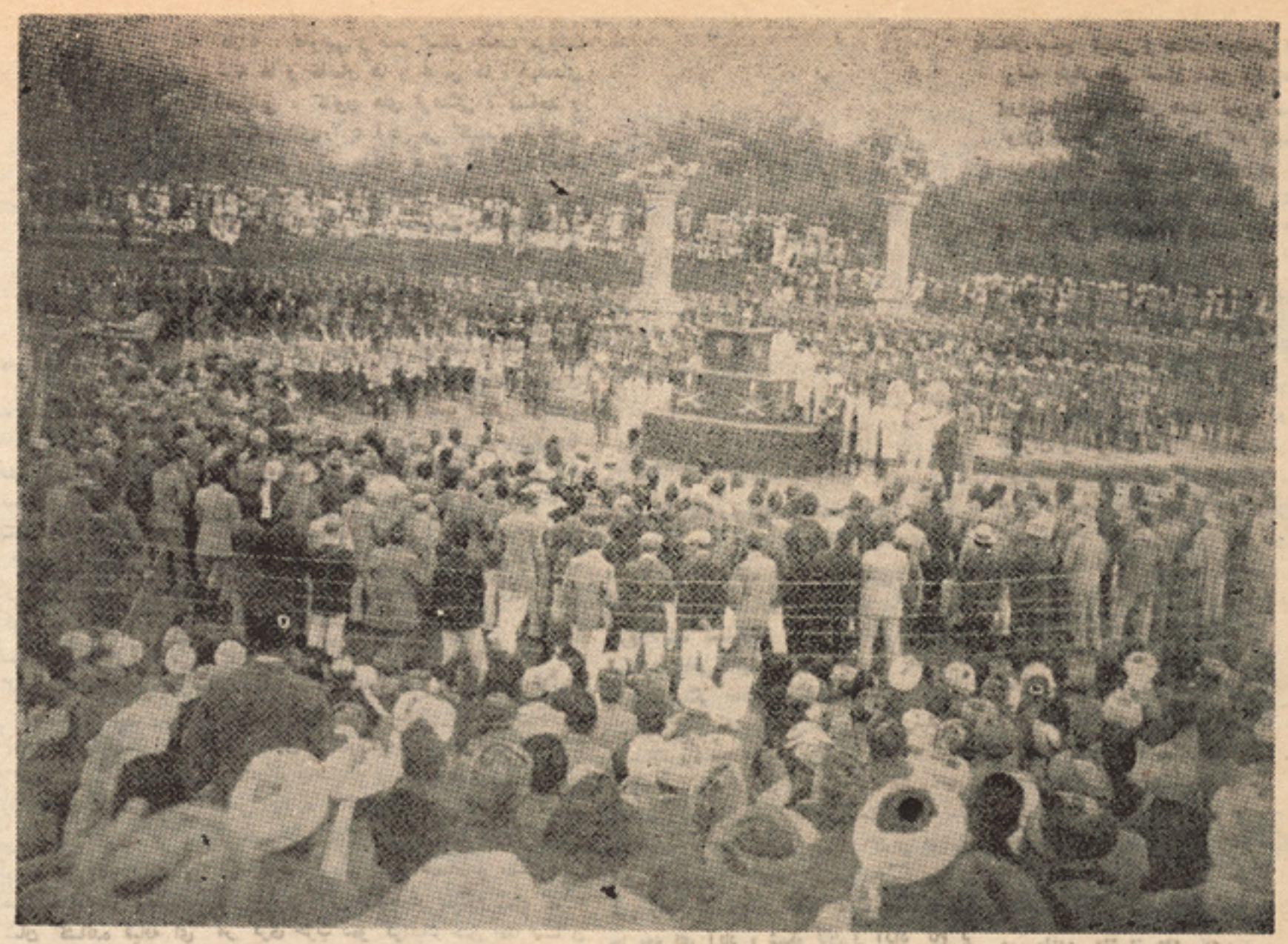

از مراسم تجلیل استرداد استقلال وطن در پغمان که همه ساله بتاریخ ۲۸ ـ اسد برگزار می شد .

م. عاقل بیرنگ کوهدامنی

طنین آزادی در ادبیات جهان

وطن قربان نام با وقارت
فدای دشت و کوه و سبزه زارت
الهی خرم و شاداب باشی
که آزادیست دایم پاسدارت

تاریخ سر زمین ها ، تاریخ مبارزات طبقاتی است ، تاریخ عصیان است بر ضد نهاد ها، ضا بطه ها و را بطه‌های پو سیده و توان شکن و پو سیده انسان همیشه برای آزادی، برای شگوفایی و رهایی مبارزه کرده است و به سوی او جها تا خته ، و دنیای خود را زیبا و خواستنی تر ساخته است واین پیکار مقدس هنوز در جهان ادا مه دارد . انسان با آگاهی ، با دریافت منطقی از مسایل پیرا- مون خویش به این راه پیمایی و رفتن ادامه می دهد یعنی رسیدن به اوج آزادگی و قلهٔ بلوغ و تکا مل ، آزادی با آگاهی ارتباطی گسست نا پذیر دارد . آنکه نمیداند نمی- تواند آزاد باشد . به گفته ای پر ند گان آزاد نیستند چون نمی دانند ، نمی توانند با عمل خلا قانه خویش کاری شا یسته انجام دهند . اما انسان در رابطه با آگاهی است که دست به کاری می زند . بر شکو همندی تمدن انسانی می افزاید و بد ینسان است که هستی و مو جودیت او تو جیه می‌شود . آنکه نمی اند یشد نمی تواند بیا فر یند و هستی او خالی از شور و تپش و شکو همندی است . زند گانی مرداب دار دارد ، متو قف، ایستاد بی حر کت . اگر پو یند گی وآگاهی انسان با او همراه و همگام نباشد نمی تواند مو جودیت او تعبیر شود . آزادی مفهوم عمیق و انسانی دارد اماآن گونه که در کار خانه های غربی بسیاری از مفا هیم ، ارزش ها ومقولات و انگـــاره های نفی ، مســخ و تحریف می نما یند . واژه‌ی مقد س آزادی را نیز مفهو می منجمد ، انتزاعی و سنگواره ای بخشیده اند ، آن را جدا ازنیاز انسان مطا لعه می کند باری در غرب و کشور هایی که با نظام های غار تگر و شیوه های پیهمی اداره می شوند آزادی مانند کالایی تزینی است اگر نخواستی می توانی آن را به دور اندازی . در حالی‌که انسان نمی تواند بدون آزادی واقعیت خویش را در یابد . انسان به آزادی ما نند گیاه به آفتاب و گل به باران نیاز دارد . انسان نمی تواند بـدون آزادی دم از هستی خود بزند وکاری خلاقانه انجام دهد . باری در کار خانه های لعنتی

دگران هیواد دخپلوا کی یوشپیتمه کالیزه مومبارک شه

غرب واژه ها، مقولات ، مفاهیم و انگاره ها هم تحریف می شوند ودر معا نی غیر دقیق خود به کار می روند . در سر زمین ها و قلمرو های سر مایه داری با آنکه بیشترین هیا هو ها را به راه می اندا زند وداد ازآزادی فردی ودموکراسی می زنند . اما عمداً در راه آزادی واقعی انسان گا می بر نمی دارند. اشاعه گران استبداد فردی اند وانسان را به گونه یی شرمانه‌ی آ ن استثمار می نمایند نظام سر مایه داری مر حله ای دیگری از نظام منحط بردگی است . بردگی پیش رفته و نهاد ها و قوانینی تازه . همهٔ دهان پارگی ها ،فریاد ها و داد خواهی های نظام های منحط سر مایه داری که از انسان برده ای

بی اراده می سازد . برای سیادت و آقا یی و حفظ دولت های کذایی خویشتن خویش است . در لفظ دم ازحقوق بشرمی زنند اما در عمل خون انسان ستمدیده را به گفته‌ی کارو ، قدح بشت قدح نوش می نمایند . فاجعهٔ ویتنام، حوادث تکان دهنده‌ی شیلی ، فلسطین و بسیاری از کشور های آزادی خواه

جها نخوا ران رو برو آمده است . اما حقیقت و آزادی نمی تواند برا ی همیشه در اسارت باشد . همهٔ کوشش ها ، لجن پراگنی ها و تلا های جنگ افروزان ، آنها یی که در هوا ضع ضد انسان سنگر گر فته است ، در سر انجام با شکست رو برو می آید و انسان زحمت کش به پیشوایی و سیادت‌جهان که مستحق آن است می رسد . استعمار را باید در لباس و کسوت و نقابی که چهره می نماید شنا خت به او مجال ظهور نداد . این غول در لحظه ای قیا فه عوض می کند ودر پو شش هایی تازه به فعالیت و غار ت می پردازد . آزادی ملت ها را می بلعد .

در سر هوایی به‌غیر از تاراج‌و خیا نت ندارد. نمی خواهد که قلمرو ها و سر زمین‌ها نفسی آسوده بکشند و به آگا هی برسند چون به سود شان نیست ، نمی توانند به زندگی نکبت بار ، وابسته و طفیلی وار خود ادامه د هند و آنگاه کلاه کج گذارند ونخر بفروشند ، یکی از سیا ست های خاینا نه ، عوام فر یبانه و مزورانه استعمار

پیشروی استعمار ذکر کرد هما نا بی سواد گذاشتن مردم و در تا ریکی نگا هداشتن آنها ست ، اما دیگه همه ی طرح ها وتوطئه های خاینانه ی تاراج گران شنا خته شده است و مردم سراسر جهان بیدار گشته می خواهند دیگر در راه آرمان انسان های در اسارت نگاه داشته شده پیکاری بی امان نمایند .

تاریخ میهن ماپراست از پیکار ها ، قهرمانی ها ، دلاوری ها و مردا نگی های مردم ما که هر گز در برابر ارزش های استعمار سر خم نکرده و در برابر بیداد ، تاراج ، غارت و خود کا مگی جها نخواران جا نا نه ایستادگی کرده اند ودرفش پیکار عادلانه و رهایی بخش را همچنان بر افراشته نگا هدا شته اند . به یاد بیاوریم روز گاران سیطره جویی ، افزون طلبی ، تاراج گری و یکه تازی های پاسداران استعمار رادر کشور آزاده‌ی خویش که‌می‌خواستند سیادت‌کذایی و آقایی احمقانه‌ی شان را بپذیریم استعمار انگلیس در میهن ما چشم طمع دو خته بود،

و انقلابی های از جان گذشته و فدایی است واین خصلت را نمی توان کسب کرد ،آزادی خواهی ، مبارزه در راه آرمان توده ها از فر هنگ غنا مند و زندگی ما جدایی ناپذیر است . آزادی خواهی ، قیام ، مبارزه وعصیان را در سر شت ما به ودیعه گذاشته اند . این خصلت را نمی توان ازکتاب هاآموخت، نمی توان در مدرسه ها و مکتب ها جستجو کرد . آن ملتی ستایش را سزاوار است که می تواند سرنوشت خودرا تعیین‌کند . برای آزادی پیکار نماید در اسارت و بردگی و زبونی نماند . ما را اگر دولت های غا صب و ستم گر از کاروان تمدن بزرگ جهانی به دور داشتند وما نتوانسته ایم در زمینه‌ی تکنو لوژی به چکاد های غرور و افتخار برسیم ودر میان ملل پیشر فته سر بلندکنیم فرهنگ ما ، که سر شار از مسایل عمیق انسانی و اجتماعی در خور ستایش فراوان است واین تاج افتخاری است که از نیاکان و گذ شتگان برای ما به میراث رسیده‌است و باید این افتخار نامه‌ی راستین را پاس داشت . مردم آزاده‌ی ما با الهام از کارنامه های در خشان کاوه ها ، رستم ها ، بومسلم ها ، یعقوب لیث ها و هزاران شهید دیگر در طی سه پیکار وطن پرستانه به نیرو های اهریمنی و شیطا نی انگلیس شکست هایی جانانه دادند که در عالم معروفاست و این واقعیت را دوستان ما چه بلکه آنهایی که در نقطهٔ متضاد با ما قرار دارند ودر جاده‌ی دیگر روانه اند . از جنگ ، غارت ، استبداد پاس می دارند به این واقعیت معترف اند . یعنی با یمردی ها ، شهامت ها و شجاعت های ما را در برابر نیرو های اهریمنی آن دوران می ستا یند و آن کار نامه ها یعنی قیام بر ضد قوت های ارتجاعی انگلیس برای‌نسل ما آمو زنده و بر انگیز نده است .

باید در ین برهه ای از زمان ، در این هنگام که همه‌ی نیرو های غاصب و جهان خوار به سرکردگی امپریالیسم امریکا بر ضد افغا نستان فعا لیت هایی نا مقدس می نما یند ، از کار نا مه های گذ شتگان آموخت ، در صفی متحد ، فشرده وهم بسته بسیج گشت و به پیکاری دامنه دار پرداخت و افغانستان انقلابی را از شر سیاهکاران آنهایی که الهام واشنگتن ، پیکن، قاهره ، تل ابیب ، اسلام آبادو پی تخت های کشور های ارتجاعی پوند و دالر می گیرند ، نجات بخشید ، آزادی وا قعی انسان آن وقت فرا میرسد که‌همه‌ی مناسبات و روابط کهن وویرانگر اجتماعی از میا ن بر داشته شود و توده ها بتوانند با آگا هی عمل نمایند . باری با انقلاب شکو همند ثور و مر حله‌ی نوین تکا ملی آن گا می به سوی آزادی راستین انسان برداشتیم و باید این راه را با قا طعیت انقلابی پیمود . هر گز تردید نکرد و تو قف نه نمود . دشمنان خود فرو خته افغا نستان انقلابی که

بقیه‌درصفحه۴۲

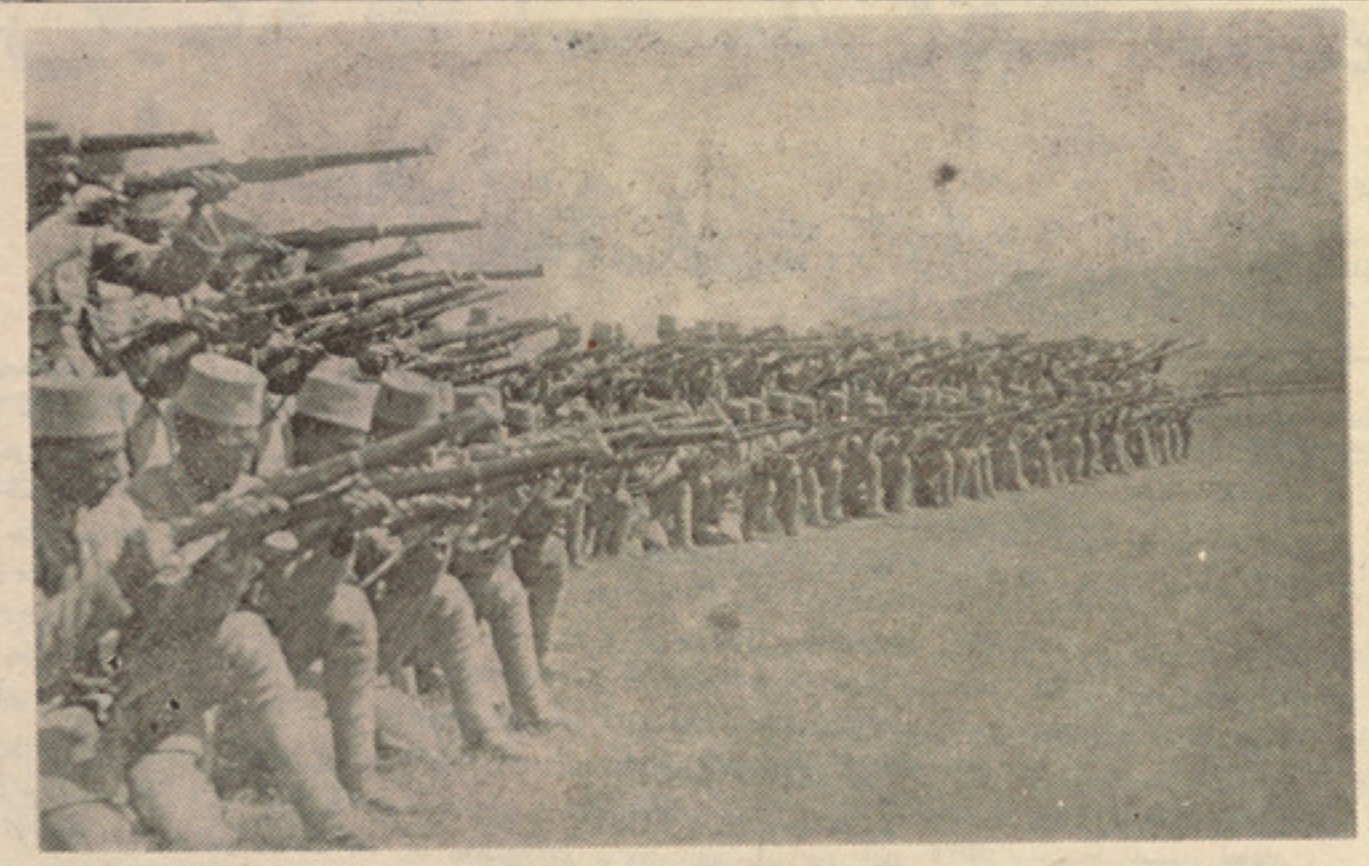

گوشه یی از وطنپرستانیکه شصت سال قبل جهت دفاع ازوطن محبوب شان آمادگی میگیرند

دیگر را پدید می آورند . آیا مفهوم بشر دوستی و دفاع از حقوق انسان همین است که نبی از بشر یت روی زمین نا بود شود تا پرخهای انسان شکن کار خانه های لعنتی استعمار و امپر یا لیزم همچنان بگردد وهم چنان طعم بجوید ، قربانی بطلبد ، درنده خو یی ، تاراج ، غارت ووحشی ، خصلت جدایی نا پذیر نظام های طراز استبدادی و فا شیستی است ، امپر یا لیزم و استعمار پی دریافته است که ملتی می خواهد برای آزادی قیام نماید ، دست به تو طئه تخریب و تفتین زده است و نمونه های بسیاری از انقلاب هایی ملی ، دمو کراتیک و رهایی‌بخش در جهان می توان نشان داد که باکار شکنی ، مدا خله و تجاوزات خا ینانه‌ی

در گذشته و اکنون این بوده و هست که اشاعه گر بی سوادی و نادانی باشد ، فضا هایی از نا ایمنی و تاریکی به وجود بیاورد تا بتواند مرا منامه‌ی ضد انسانی خود را به تحقق برساند. وقتی‌در گذشته آفتاب استعمار در بسیاری از سر زمین ها می توانست بتابد ، آن آفتاب نبود ، روشنایی نبود ،ظلمت با خود می آورد و تاریکی در آسیا ، افریقا و بسیاری از قلمرو های دیگر تاراج گران سر مایه های انسانی و قتی با سیادت کذایی در سر زمینی راه می یا فتند در نخستین گام می کوشید ند که را بطهٔ آن ملت را با گذشته‌وفرهنگ‌بومی قطع نمایندبی‌ریشه‌اش نمایند و فرهنگی بیمار ، متحجر پدید آورند. یکی از علت هایی که می توان در رابطه با

می خواست خانه های ماتاریک، آرزو های ما کور باشد در اسارت و بردگی به سر بریم، همه‌ی ثروت ها ، سر مایه های مادی ومعنوی ما را به غارت برد . گرو هی از نما یندگان بی‌اراده‌ی خویش را در لباس هایی گونه گون به سر زمین آزاده ی که هر گز حلقه‌ی بردگی را نپذیرفته بود فرستاد . آنها با توسل به مسایلی توانستند مردم مارا برای مدتی فریب دهند و بتوانند به آزمندی ها و آرزو های پلید خود برسند . اما جویبار انسا نهمیشه جاری واین جنگلی است سر بلند ، سر سبز و رو یننده است . نمی توان حرکت او را سد کرد و برای همیشه اش در اسارت نگا هداشت ، باری تاریخ میهن آزادی سر شاراز گام های‌انسان های عصیانی

اعلیحضرت امان الله درست شصت سال پیش ازامروز استرداد استقلال افغانستان رادرهمین اجتماع به‌کشور وجهان اعلام کرد

استقلال

بعد از جنگ دوم جهانی ، سیستم منحط استعماری در زیر ضربات پیهم جنبش ها و نهضت های آزادی خواهی ملل اسیر در روشنی ستاره تا بناك انقلاب اکتو بر وایجاد اردوگاه عظیم سوسیالیستی یکی پی دیگر فروریخت وگلیم استعمارکهن برچیده شد.

اما مردم افغا نستان آزاد و مستقل ، در کشور عقا بان بلند پرواز و میهن آزاده مردان و آزاده زنان ، چون اسلاف قهرمان خویش که در پهنای وسیع زمانه ها، چیا ـ و لگران و اشغا لگران را از ین خطه پا ك و مقد س بیرو ن کشیده بودند ، با روحیه آزاد منشی و با اتحاد و همبستگی ملی ووطنی دریك سنگرواحدعلیه بزرگترین امپراطوری استعماری آنزمان یعنی بریتانیا جنگیدند و در سال ۱۹۱۹ ع در قلب آسیا اولتر از ـ دیگران با شمشیر بران آزاد یخوا هی‌زنجیر های اسارت و بردگی انگلیس را قطع کرده ودر جهت شکستن زنجیر های استعمار گام اولین را از آسیا بر داشتند .

با بر افراشتن بیرق استقـلال و آزادی فراز بام دنیا (پامیر) افغا نستان در پایا ن دهه دوم و آغاز دهه سوم قرن بیست وارد مر حله نوین زند گانی خویش گردید ودر آنز مان برای نخستین بار دولت کار گری روسیه ضمن بر سمیت شناختن مبارزه و پیکار آزاد یخو ا هانه مردم افغا نستان و استقلال این کشور با ستانی برای جها نیان اعلام داشت تا در امور داخلـی افغـانستان مدا خله صورت نگیرد .

افغا نستان بعد از استرداد استقلال به سویه ملی وبین المللی اهمیت عظیمی کسب نمود و در داخل در جهت دگر گونی اجتماعی اصلاحاتی رویـدست گرفته شد که با ز هم اولین گام ها در راه تر قی بحساب می شد .

آید .

استعمار کهن انگلیس بعد از استقلال افغا نستان سیاست نو ین استعما ری راطرح و تعقیب نمود و بنا بر عدم ساز ما ن منظم پیکار بر ضد عقب ما ند گی و بر علیـه استعمار و سیا ست های استعمار ی، انگلیس با غیض و غضب از در خارج گردید و از کلکین دو باره وارد افغا نستان شد .

به این معنی که بعد از استقلال ، ارتجاع و نو کران استعماری بنا بدستور مستقیم انگلیس پـلا ن های سقوط دولت مشرو طه امانی را طرح نمود، ودر جهت تطبیق آ ن دسایس و تو طئه های را سر همبندی ودر صحنه عمل پیاده ساخت که باعث سقـوط حکو مت مشرو طه آنز مان گردید و به این اساس استقلال افغا نستان به بن بست مواجه شد و استعمار و ارتجاع به قصد فرو نشاندن غضب شان تا توانستند مشرو طه خوا هان و آزادی دوستان را به زندان هاافگنده وار نیغ کشید ند .

با آنهم ، فرو ریختن زنجیرهای استعمار کهن در افغا نستان در آسیا و دیگر نقاط جهان بی تاثیر نماند وجنبش ها ونـهضت های ضد استعماری در نیم قاره هند تحت تاثیر مبارزات آزاد یخواهانه و استقلا ل خواهانه مردم افغانستان اوج گـرفت و نا ـ آرامی های فراوانی برای حکـومت بریتانیا در هند ایجاد گردید ، مبارزان آزاد یخواه هند یا ندا های بلند (سواراج) یعنی‌آزادی به دژ استعمار کهن یورش برد ند و زمینه های وسیع و گسترده مبارزه علیه استعمار بو جود آمد .

بهر حال خاندان جنا یشه و خاین نادر داود در ایام زما مداری شان جز ظلم وستم، غارت و چپاول ، نفاق افگنی و بدبینـی ، تبعیض و بی عدا لتی کاری نکردند و تا تو انستند علیه تر قی و تحول ، روشنفکری و آزادی خوا هی تو طئه و دسیسه نمودند ، ووقتی که پایه های سلطنت شان محکـم گردید یك ملیت رابجان ملیت دیگر اندا خته نفاق ملی را دامن زدند .

خاندان نادر ـ داود سر مایه های افغا ـ نستان را به بانـك های کشور های امپرید ـ لیستی انتقال دادند، آنها که‌از علم وفرهنگ بهره ای ندا شتند ، جز خو شگذرانی وبی تفاوتی کاری را از پیش نبر دند .

جلادان مشهور این خانواده ، چون نادر سفاك ، هاشم جلاد ، شاولی وشاه محمود ـ مستبد ، ظاهر مکار وداود دیکتاتور خاین و دیگران ، به خاطر حفظ حرا ست منافع فا میلی شان صد ها وطنپر ست و آزادی خواه را سربریدند وپایه های کاخ جبا ران راروی برشانه های مردم بنا نمودند.

با اینهم مشعل جنبش و تحول در میان اقشار روشنفکر و ترقی خواه هرگز خاموش نگردید و مبارزه علیه سلطنت جباران‌تاریخ متو قف نشد .

بعد از جنگ دوم جهانی افغـانستان تحت تاثیر پیروزی های عمیق و همه جا نبـه انقلا بی جها ن از مسیر تحو ل دور نماند و به ارتباط روابط نیك همسا یگی افغان ـ شوروی بعضی مرا کز صنعتی در افغا نستان به کمك بی شا ئبه اتحاد شوروی تا سیس گردید و طبقه دوران ساز کار گـر پا به عر صه وجود گذاشت .

ترقی خواهان و مبارزان به اشکـا ل مختلف نبرد ، علیه سلطنت دست زدند ولی بار ها شکست خورده وبه مقصد نرسیدند تا اینکه بعد از تجارب فراوان تاریخی در آغاز دهه چهل وطنپر ستان و مشعل داران واقعی آزادی و استقـلال افغانستان وآرزو ـ مندان سعادت و آرامش مردم در راه ایجاد ساز مان رزمنده ز حمتکشان گام های اولی را بر داشته و حزب دمو کراتیك خلـق افغا نستان را تاسیس نمودند .

تا سیس حزب دمو کراتیك خلق افغا ـ نستان بعد از حصول استقلال کشور بزرگ ترین واقعه تاریخی این سر زمین درجهت تحکیم پایه های آزادی و استقلال افغانستان بحساب می آید .

با ایجاد اولین هسته های انقلا بی برهبری حزب دمو کرا تیك خلق افغا نستان لرزه بر اندام ارتجاع و امپر یا لیزم وارد گردید و نبرد طبقا تی در روشنی نظر یا ت و عقاید انقلابی راهش را در دل تـوده هـا باز نمود.

در هر گو شه و کنار وطن یکبار دیگـر مبارزه علیه ظلم و ستم ، تجاوز و غارت به شکل انقلابی و نوین آن راه یا فت .

بقیه درصفحه ٤٥

الف : م

پیرامون پلینوسوم کمیتهٔ مرکزی ح، د، خ، ا:

همه چون مشت پولادین بدهان ضد انقلاب!

تاسیس حزب دمو کراتیک خلق افغا نستان درماه جدی ۱۳۴۴ بدون شـــک در تـاریخ معا صر افغا نستان بزر گترین نقطه عطف و مهم رویداد تاریخی است چه این حزب بمثابه گردان پیش آهنگ و انقلابی طبقه کار گر وکلیه زحمتکشان کشور ما توانست که در میان توده های مردم‌در کمترین‌فرصت نفوذ معنوی فراوانی حا صل کند و تاثیر ژرف مبارزات و پیکار هایش در تحو لا ت بنیادی جا معه خود نما یا نگر اهمیت‌تاریخی و ملی آنست . تاسیس حزب دموکـراتیک خلق افغا نستان نه تنها از جهت علل وچگو- نگی بمیان آمد نش بلکه از نظر استواری و دیر پائی اش در مدت نزدیک به شانزده سال دارای اهمیت فراوان است . مو ضع و مو قف مردمی و رهایی بخش حزب دمو کر- اتیک خلق افغا نستان را می توان از عکس- العمل های مذبوحانه ارتجاع در قبال تاسیس آن‌و هکذا از روی بیو گرافی اش‌که مشحون از مقاومت های دلیرانه در برابر یو رشها ، تار و مار شدن ها ، منشعب شدن ها ، به غل وزنجیر و به قتل رسیدن قهرما نا نش از طرف ارتجاع فئودالی و ارتجاع سلطنتی ، بخوبی دانست .

ولی علی‌الرغم این‌همه‌تلاش های مذبوحانه وخصمانهٔ ارتجاع داخلی و امپریالیزم جهانی (ارتجاع داخلی یعنی فئودالیزم و سلطنت فئودالی در وجود فئودالان بـزرگ و شاهان مستبد و حیله گر و امپر یا لیزم جهانی در وجود سلطنت و حفیظ الله امین و باندش) حزب دموکـــراتیک خلق افغانستان توانست با بسیج نمودن و آگاهی بخشیدن به توده ها و کشیدن خط روشن و جدا کننده میان دو ستان و دشمنان مردم و بالاخره بانفوذ وسیع دربین منسوبین اردو (که خود جزئی از انبوه بیکران مردم می باشند) در کوتاه ترین مدت انقلاب ملی و دمو کراتیک ثور را به پایمردی اردوی دلیر و رهایی بخش و تائید باالفعل و با لقوهٔ توده های ملیو نی زحمتکش وملی‌کشور ، به پیروزی برساند .

از همان اولین لحظات به پیروزی رسیدن انقلاب ملی و دمو کراتیک ثور آتش بجان دشمنان تر قی و پیشرفت مردم ما یعنی همه مر تجعین اعم از داخلی و بین المللی افتاد و این مر تجعین بشکل هستریک و ماجرا جویانه دست بکار شدند و توطئه ، دسیسه وفتنه براه انداختند .

امپر یا لیزم جهانی و در صف اول امپر- یا لیزم انسان دشمن یا نکی (امریکا) در دو پرو گرام و در دو شا خه پلان های شوم و انسان دشمنا نه خود را در عمل پیاده نمود، شا خه وپرو گرام اول آن هما نا با یگاه قرار دادن پا کستان بمثابه دژ تجاوز کارانه و مدا خله‌گرانه در امور داخلی کشور ما بود و است و ازین طریق علیه انقلاب ثور ومردم افغا نستان بشکل یك جنگ اعلان نشده و ظا لمانه بنای دسیسه و تجاوز را گذاشت .

پرو گرام دوم ولی‌عمده‌وخطر نا کتر امپر- یا لیزم هما نا ما مور سا ختن یك جاسوس تبهکار حلقه بگوش اش یعنی حفیظ الله خان امین بود که چون کرم مضر و تباه کن در داخل درخت انقلاب ووطن به تخریب گمارده شد . پلان دوم دشمنان ما یعنـــی امپر یا لیزم خطر ناکتر از آنجهت بود که می خواست وطن و انقلاب و حزب را از داخل پوسیده و منهدم سازد و هکذا پلان دوم مکمل پلان اول بود به این معنی که امین خائن علاوه از جـاسوسی و نمایندگی امپر- یا لیزم با اعمال جنا یتکارانه وسفا کانه خود وبا ظلم و بیدادگـری خـود یـك تعداد از همو طنان معصوم و بیگناه ما را از آغوش مادر وطن راند و آنها جبراً شکار آن عناصر و محا فلی شدند که طبق پلان اول یعنی براه انداختن دسیسه و توطئه و تجاوز درحاشیه های سر حد افغا نستان کمین کرده بودند .

ولی چنا نچه همه می دانند این خواب و خیال امپر یا لیزم ودر مر کز آن امپر یا- لیزم امریکا که می‌خواست‌توسط امین وطن ما را پارچه پارچه نماید و حزب را مضمحل سازد و دو باره یکدوره تاریك و پراز درد و الم را بر مردم ما تحمیل نماید با خیزش ظفرمنـــد شش جـــدی ۱۳۵۸ نقش بر آب گردید و بااین عمل قهرمانانه که باز هم بر هبری زعامت ارجمند و فرزانهٔ حزب وبه پایمردی مردم دلیر افغا نستان و اردوی رهایی بخش افغا نستان عملی گردید عمده ترین بخش تو طئه و دسیسه امپر یا لیزم خنثی گردید وارتجاع و امپر یا لیزم بعد از ین نا کامی همه قوت خود را در جهت تجاوز و آدم کشی و قطاع الطر یقی بکار اندا ختند

مردم شرافتمند افغا نستان و در پیشا پیش آنها حزب دمو کراتیک خلق افغا نستان با سر بلندی و افتخار وعلی الرغـــم توطئه و دسیسه های دژ خیمان داخلی و خارجی بـه طرف جا معهٔ بهروز و خو شبخت به پیش می روند . ولی یگانه مانع و سد راه ایـــن پیشر فت هما نا مدا خلات امپر یا لیزم و ارتجاع جهانی در وجود باند های آدمکش و ویرانگر است که نمی گذارند مردم مابنا به‌ارادهٔ آهنین شان وبنابخواست وحق مسلم شان آزادانه و به اختیار خود وطن خود را آبادان و شگوفان سازند و خود را بهروز نمایند درین جای شکی نیست که عا قبت امپر یا لیزم ما یوس و رو سیاه خواهد شد ومردم ما به هدف خواهند رسید ولی اعمال ضد انسانی امپر یا لیزم و باند های وابسته اش علاوه از آنکه سد راه پیشرفت جامعه، حزب و مردم ما ست ، آرامی طبیعی و امنیت حقیقی ما را با اعمال خرا بکارانه و غیـــر انسانی خود مختل می سازند لذا برای اینکه بساط این عمال سیا هی و غیر انسانی هر چه زود تر چیده شود و مردم ما هر چه زود تر از شر شان آرام شود حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان این گردان پیش آهنگ و خد متگذار صدیق طبقه کار گر و کلیـه زحمتکشان کشور یکبار دیگر با بدست‌گر- فتن ابتکار اینك اقدام جدی و سا زندهٔ دیگری را بکار اندا خت و آن عبارت از دایر نمودن پلینوم سوم کمیته مر کـــزی حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان می‌باشد

قبل‌ازآنکه به بررسی فیصله‌هاورهنمودهای این پلینو م بپردازیـــم نخست لازم دیده می شود تا بدانیم که پلینوم در حیات یك حزب چه تاثیر دارد و پلینوم خود چه می باشد . پلینوم کمیته مر کزی یعنی آ ن اجلا سی که در ان اعضای اصلی کمیته مر کزی واعضای علی البدل کمیته مر کزی شر کت میکنند درجلسات پلینوم و ظا یف [illegible] سیاسی و مسائل حیاتی ملی و حز بی در [illegible] زمانی معین و در روشنی تصمیمات کنگره و یا کنگره ها مورد بحث و مدا نه قرار می گیرد . البته بعضاً نظر به ضرورت در جلسات پلینوم اعضای دیگر حزب [illegible] [illegible] که این جلسات را پلینوم و [illegible] کمیته مر کزی می نامند . پلینوم در لغت به معنی مجمع عمومی ان ار گان یا کمیته است که خود نیز توسط یك سازمان انتخاب شده باشد .

اینك حالا که بر علیه کشور ، مردم و انقلاب ما از طرف امپر یا لیزم جها نخوار و در راس امپر یا لیزم امریکا یك جنگ اعلان نشده جاری می باشد و بسر دمداری امپر یا لیزم امریکا و امپر یا لیزم [illegible] [illegible] و عظمت طلبان دیوانه صفت چین و همکاری ارتجاع منطقه دسیسه های مبنی بر نفاق افگنی در کشور ما به شدت ادامه دارد و همه نیرو های اهریمنی در یك صف واحد و نا مقدس و با استفاده از تکتیك هـــای استعماری و نو استعماری می خواهند یکبار دیگر (بزعم خود شان) سلطه جهنمی طبقات حا کمه مر تجع و دست نشانده را در کشور [illegible] نمایند و برای بکرسی نشاندن [illegible] این خیال پوچ و واهی از استعمال هیچ‌وسیله ونوبسیار رذیلانه هم دریغ نمی ورزند .

حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان بنا بر ما هیت انقلابی ووطن پر ستانه خود که‌همانا دفاع از وطن ، دفاع از انقلاب و دفاع از دست اورد های انقـــلاب [illegible] می باشد اینك یکبار دیگر ابتکار سر بازی وار خود گذری را دردست [illegible] [illegible] با تدویر پلینوم کمیته مر کزی و ظا یف همه وطنپرستان و بخصوص اعضای حزب را بشکل فور مو لبندی شده و با در نظرداشت شرایط خاص جا معه ما و مو قف کشورما، ارائه نمود که بر رسی فیصله های این پلینوم تشریح دروس بزرگ وطن پر ستی و مردم دوستی میباشد .

نکته امو زنده و قابل دقت درین پلینوم بیانیه مفصل علمی و تاریخی و انقلابی ببرك کار مل منشی عمومی کمیته مر کزی حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان ، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دمو کراتیك افغا نستان می باشد که علاوه از آنکه یك بیانیه آمو زنده و انقلابی است از طر ف مشمو لین پلینوم و سایر بیانیه دهند گان بشکل عام و تام مورد تایید قرار گر فت . هکذا در پلینوم به مو فقیت ها ییکه درنتیجه انقلاب ظفر مند ثور و بخصوص مر حله‌ی نوین و تکاملی آن‌نصیب‌مردم افغا نسا نشده است عطف تو جه گردیدو تحکیم و گسترش دست آورد های این مر حله نیك ارزیابی گردید .

بقیه در صفحه ۵۳

دمحمد علم «علمی» ژباړه

دبهرنی فضا څخه تصویرو لرغون پیژندونکو ته په زړه پوری زمینه برابره کړ

له بهرنی فضا څخه د(سارپا) دسیمی څخه اخستل شوی تصویر

دایو څرګند حقیقت دی چی دبهرنی فضا تسخیر دساینس پوهانو پر مخ یوه پـه زړه پوری لار خلاصه کړیده . دبهرنی فضا څخه په‌استفاده سره ساینس پـوهـان پـه دی بریالی شوی دی چی دسمندر ونو ، جیـو لوژی درمل جوړ و لو او داسی نورو برخو کی ستر پر یا لیتو یونه تر لاسه کړی .

په دی ټو لو علاوه د بهرنی فضا تسخیرول او کیو لو ژی یعنی څمکی پیژند نی اوڅمکی کنبد نی ، برخه کی له اهمیته ډکه لا ره د لرغو ن پیژند لو د پاره خلا صه کړی ده. د هغه چا د پاره چی پر څمکه ولاړوی د سارپاسیمه یوه دښته چی‌په هغه‌کی‌ونی نه‌دی مو جودی همواره او له ښی اړخ څخه افقی ښکاری • مگر که‌چیری دغه سیمه لـه فضا څخه وکتل شی مخصو صا د لمر لوید یـځ یادلمر ختیـځ په وخت کی‌په دی سیمه کـی هرڅه دتغییر په‌حال‌کی کیږی او پـه دغـه سیمه کی په زر گو نو سوری او کو چنی تپی لیدل کیږی چی ددایروی خـطونـو او کرښو پەواسطه احاطه شوی دی.

حتی د فضا نوردی په عصر کی د لمرختو به وخت کی دڅمکی فضا ئی خیرنه‌دساینسی او ارکیو لوژیکی هدفو نو دپاره په کـار واچول شوه .

هغه تصویر و نه چی د فضا څخه اخستل شوی دی د لر غون پیژند و نکو د پاره د لرغونی کشفیاتو دپاره ستره منبع برابـری کړی دی

چی دهمد غو له هوا څخه اخستل شوو تصویرونو په مرسته لر غون‌پیژ ندو نکـی په‌دی بـریالـی شوی دی چی ایتر دسکان پایتخت چـی تریوی تپی لانـدی پټ شوی وه کشف کړی او یا هغه په زړه پوری د کرهنی سیستم چی دشوروی اتحاد پـه مرکزی آسیا کی دریگی تپو لاندی پټ شوی وه کشف کړی ، او کله چی د فضائی اکتشا فا تو د عصر په دوران کی د مصنو عـی سپو ږمی گا نو څخه تصویر اخستل پیل شول نو په دی کار سره لر غون پیژندونکو نه د دوی د مسلك په بر خه کی ستر بریالی توب ور په بر خه شو .

کله چی لر غون پیژندو نکو د هغوتصو ـ دپارسا دلرغونی سیمی یوه برخه‌چی دلرغ دکرژوند سیمه کشف شـویـده

یروفه په بر خه کی ځیر نی پیل کړی مصنو عی سپو ږمیو په مر سته لاسته راغ وه نو دوی په حیرت کی پاتی شول او خپلو ستر گو ئی باور کول نه شوز غ ځکه په دغو تصویر ونو کی هغه لر غو شیان چی په هغه باندی لس متره خاو او ښتی وی په ډا گه ښکاره کیدل . د هغ غو تصویر و نو په مر سته وه چی هغ کلی او داستو گنځی ځایو نه چی دواخت د سینه په غاړه تر خاورو لاندی وه او دو په عـصر پـوری اړه لرله دلـر غـ پیژندو نکو له خوا کشف شول .

لـه‌هوا څخه د (سارپا) دسیمی‌د لر غونـی‌مهمی بر خی تصویر .

دهمدی تاریخی بر خی تصویر چی د څمکی څخه اخستل شوی او ساینس پو هان اولرغو پیژندونکی دکیندلو په حال لیدل کیږی.

د (سارپا) د لرغونی سیمی یوه بر خه چی‌لرغون پیژندو نکو له خوا کشف شو یـده

په دی برخه کی د شوروی اتحاد دکا-
لمیك د جمهوریت د لرغون پیژندنی د ټیم
امر (یو جینی تسو تسکی) د شوروی اتحاد
د لومړ تیو پوهانو له ډلی څخه دی چی دفضا
نسی تصویر و نو په مرسته یی دلر غـــون
پیژندنی هلی‌ځلی پیل‌کړی.

په دی بر خه کی په زړه پوری مثالونه
مو جود دی . د شوروی اتحاد د کا لمیك
د جمهوریت دلرغون پیژند و نکو ددی جمهو-
ریت په اروپائی بر خه کی چی تقریباً هموارہ
او ریگستانی ده ډیر تاریخی آثار مو ندلی
دی . دغی دښت مانند ی سیمی تـــه اوس

په زیاته پیمانه او به د سول شوی ، او د
خمکی ابا نو لو ته ئی زیا ته یا ملر ته‌شری
اوپه دی سیمه کی اوږده کا نالـو نه اود

او به‌کولو سیستمونه پیداراچول شوی دی .
د دغو ټولو فعا لیتو نوڅخه پوازئی هدف دادی
چی خمکه کیند ونکی اولرغون پیژ نـــد و-
نکی د دی سیمی څخه چی ستری لر غون
منابع لری لر غو نی مواد تر لاسه کړی .

هغه سیمه چی دولگا او د(دون) دسیند ونـو
تر منځ پراته دی په زړه پوری تاریخی‌اهمیت
لری ځکه داهغه سیمه ده چی به هغه کـی
ډیری پخوانی لوئی لاری چی د اسیا او اروپا
قفقاز او ثورو شمالی هیواد و نو تر منځ د
مدنیت دپینگو لو لـویـی لاری وی مـو جوده
دی . په دی سیمه کی د (سایبر یا تو ،
سیکیتا تو سار ما تیانو ، ساورو ما تیانو ،
ارانی، هونز اودامی نورو وختو نو څخه چی
ځینی لر غونی مواد چی ددی سیمی څخه په
لاس را ځلی دی د قبل المیلاد په (۱۵۰۰۰)

کلن تصر پوری اړه لری نو ځکه مرزوبلای
شو چی دغه سیمه د لرغو ن پیژندو نکو د
پاره د جنت نوم لری . نو د دغی سیمی صنعتی
کول له برته پل هیڅ ګټه ونه لری او پوازی
دا تاوان به ورسوی چه لر غو نی مواد به
هغه کی تر خاور لاندی شی نو ځکه د دی
زراعتی کول بلان شوی دی .

د همدی مطلب له پاره دی چی د کا لمیك
جمهوریت تصمیم نیو لی‌دی چی‌دغه د لر غونی
ذخیرو ستره منبع به ډیره ښه نو ګه په کار
واچوی . ددی دپاره چی دغه لر غو نی آثار
له منځه ولاړ نه شی نو (سارپا) دسیمی په

برخه کی چی ډیره حا صلخیزه سیمه ده
مگر دغه سیمه ددی دپاره چی لر غونی مواد
و نه نقصان ورو نه رسیږی تر او سه پوری
به هغی کی د کر هنی دپاره هم استفاده نه
ده شوی تر څو هغه د خاورو تپه چی دلته
موجوده دلـر غـون پیژ نـدونکو لـه خـوا
وخیړل شی . تسو تسکین د خپلی پوی وینا
به‌ترڅ کی‌په دی بر خه کی وویل : « کـه
چیری مو ږ په پخوانی طر یقه او پخوانی
سر عت سره د غه سیمه د لر غونی مواد و
دپیدا کولو دپاره و خیړونو داکـار پـــه
ډیر زیات و خت ونیسی ځکه په دغه سیمه
کی تقریباً د(۷۵۰) په شاو خوا کی ددغو
خلی مو جود دی چی هر یو خلی ئی ستر

دکیندنی په سیمه کی د لرغون پیژندنی
د ټیم امر یو جینی تسو تسکین او دلر غون
پیژندنی د یو هنون زده کړ نکی (دیمالود
یا یوا .

. . . . . .

تاریخی اهمیت لری چی دغه (۷۵۰) د خاورو
خلی پوازی د (سارپا) دسیمی په بر خه کی
مو جود دی او مو ږ په اوسنی طر یقه ستره
کولای شو چی پوازی (۲۰) دغه دخاور خلی
په ډوه مو سم کی وخیړو نو ددی مطلب
د چټك پر مخ تگ دپاره باید مو ږ نو ی
زړدی په کار واچوو او همدا علت وه چـــی
د فضائی تصویر ونو په پاره کی خیر نی -
وسوی ترڅوپی لر غون د پیژندونـــکـــو
د پاره دغه په زړه پوری زمینه برابره کړه.
د اومړی خل دپاره د هدری فضائی تصویر
ونو په مرسته مو ږ په دی پر یالی شو وچی
دغه جمهوریت د لر غو نی مواد و سیمی
تثبیت کړو . همدی فضائی تصویرو نو
په مرسته ز موږ ساینس پو هان او لر غون
پیژندو نکی په دی بر یالی شوی چی پـــه
ثبوت ورسوی چی په دغه سیمه کی‌دلرغون
سرکونه داستونکی خایـــونه، دریایـــونـــه
او داوبو بندو نه مو چوڅ وه که چیری د
فضائی تصویر و نو څخه استفاده نه وای
شوی نو موږ هیڅکله نه شوای کو لا ی‌چی
د دغو شیا نو په بر خه کی معلو مات تر
لاسه کړو . دفضائی تصویرو نو څخه په کار
اخستلو سره موږ په دی بریالی شوو چـــی
خپل کارله سره ترتیب اوتنظیم‌کړو.

اوس زموږ لرغون پیژندو نکی لو مړی په
لابرا توار و نو کی خپلی خیرنی سر تـــه
رسوی او کله چی فضائی تصویرو نه هلته
په ښه نو ګه وخیړل شی نو بیا په علمی‌نوګه

هغه لر غونی شیان چـــی دسارپـــا پـه‌سیمه
کی پیدا شوی

کولای شی هغه سیمی چی هلته وگړی په
ډیره پخوا زمانه کی ژوند کړی وی پیدا
کړی . په دی تر تیب سره وروسته تر دغو
ټولو خیر نو څخه زموږ لر غون پیژندونکی
په اراضی کی په کیندنو پـــیـل کـوی.

دفضائی خیرنو او لرغون پیژندنی تر منځ
اړیکی نه پوازی دا چی لر غون پیژندونکی
ددغی رابطی په مر سته لر غونی ذخیری پیدا
کړی بلکی دهمدی طریقی په‌مر سته ساینس
پوهان په دی بریالی شوی دی چی د طبعی
حالاتو او تغییراتو په برخه کی هم پوره‌خیر-
نی تر سره کړی چی دا کار به هم مو ږ نه
ستر بریالی توب راپه بر خه کـړی . ځکـه
دهمدی بهرنی فضا د تصو یرو نو په مرسته
دی چی اوس د هاید رو جیو لو چی یو هانو
هم پوره بریا لیتو پونه د خپل کار په بر خه
کی تر لاسه کړی دی .

له ژ

له‌جبهی نه‌ستړی ده‌شی

دانقلاب قهرمانه ! نه‌پوهیږم چی‌ستا کار
نامی ، ستا سربښندنی ، ستا میرانه اوستازړه
ورتوب‌له‌کوم‌خایه شروع‌کړم،ستاشپاهت‌اومیرانه
په‌دی لنډی ادبی ټوټی کی‌نه شم خایولی.
ستاپه میرانه به ناولونه اودا ستانونه ولیکل
سی . لیکوال ته چی مضمون نه‌وی نو څه به
ولیکی، نه‌وی چی دریالستیکو لیکوالانو لپاره
دی دربشتینولیکنو دروازی‌نوری هم پرانیستی
ستاسربښندنه اوقهرمانی چی‌لیکم‌نودنیکو لا ی
اوستونزی می ستر گو ته راځی اوهغه نا ول
یاد راځی، دنیکولای استروفسکی‌دجبهی پیونه
او ستونزی می‌ستر گوته راځی او هغه ناول
می‌له ستر گو تیریږی .

هو ! تادنیکولای استروفسکی ناول لوستی
وه او پوهیدی چی پوه‌ورځ به می‌کوند دخلکو
دژر مانونوپه لاره کی جبهی تـــه ولیږی

خمادوطن استروفسکیه!هغه‌ورځ نه‌هیریږی
چی ورورته یی دی هم دجبهی په لور بلنه
ورکړه ، ورور دی هم ومنله، ښه می‌پاددی
چی زهیری موردی ستاسو دیری هیله وکړه،
به‌وجو لی یی‌ښکل‌اوپه‌شایی ودبولی‌اوورته‌یی
وویل :

خویه ! ما همدی ورځ ته لوی کړی وی،
زه لاړشه او دخپلو خلکو او کوند دارمانونو
په وړاندی ، دانقلاب او خاوری دساتنی‌پـــه
له‌خانه سربښندنه وږ یه، خپلی‌مینی، خو یندی
دباتیو بزگر اودهغو واړه‌ماشومان دغلواولاری
وهونکو له شر او عذاب څخه‌وژغوره،دهونکوله
د هغـــو ستر گـــی د تـــا پـــه نورکړی
دی . زه لاړشه بـر ی دی غواړم ، پـــه
شارانشی او بیایی ستا کشر ورورته مخ
واړوه اوویی ویل :

خویه ! خـــپل ورورديواخی‌مه پریږی‌خه
نه‌هم ورسره لاړ شه، دخـــپل ورور ، کونـد
او انقلاب ملا وتړه ، ورورڈی چی قربانیږی
ته هم دخپلوخلکو له هیلواو ارمانو نوڅخه
ځان قر بان کـړه ، زه لاړشه، بری‌موغواړم
واړاوه اوویی ویل:

خامنو !تاسی چی دحق پلوی کوی ، زه‌یی
ونیم، بری ستاسو په‌برخه دی .

دکوند او خلکو سر بښند ونکیه !

هو! تاماشینگن په اوږه دخـــپلو ورونولپاره
په ښوونځیواو مکتبونوکی‌درسی جریان پرمخ
بیوه، همدی جبهه ساتله او هم دی دعلم
ډیوی بلی ساتلی نو تاچی دعلم ډیوی بلی
وساتلی ، ستانوم او کارا نامی به هـــم
دکوند او خلکوتاریخ‌دتل‌لپاره روښانه وساتی
تازیات شمیر بزگر ، واړه ماشومان ،سپین
گیری خوانان ښځی او نارینه دغلو ،لاری
وهونکو او داړه ماراتوله شراوعـــذاب‌څخه
خلاص کړل، تادجبهی په سرو گو لیو کی‌ښیی
او ورځی تیری کړی ، موږ یی نشو هیروای،
کونداو خلك یی نشی هیروای !

خما د خاوری تنگیالیه‌اړتیا چـــی‌دالشخصی
گټی دکوند اوخلکو له گټو نه‌قربان کړی،خپل
پوهنځی دی نه‌ګړی پریښوده او دجبهی‌په
اور وخوځیدی کاشکی ماهم‌ستاپه شان دکوند
اوخلکو په تاریخ‌کی زوم گټلی‌وای‌کاشکی‌ماهم
د جبهـــو پـــه سـر و گـــو -
لیوکی له تا سره یو ځای ماشینگـــن‌په اوږه
چولی وای اوله تاسره می یـــو ځای‌دجـــبهی
ستونزی ځغملی وای ـکاشکی له تاسره می
یو ځای ددښمن سنگروته وران کړی وای
او کاشکی ما هم دجبهی یوټپ خوړلای وای.

هو! زه هم ستاملگری یم ، دتاپه شان
می‌دکوند په توده غیږ کی ستبی او ورځی
سباکړیدی ـزه هم دجبهی په‌اور خـم- نـه
بیریږم ، خما او ستا ډیر ملگری دخلکواو
کوند دار مانونو په لاره کی شهید ان شول
کله چی دشپی له خوا دهـــغو خیری‌دسینما
دپردی په شان له مخی تیروم نودمبارزی‌یوی
بلی دنیا کی ته ننوزم او زړه می غواړی چی
دتل لپاره په جبهه کی پاتی شم .

دامی هوډ دی اوداسی می پټیلی ده!

خما دستگر انو یواله ! ماوښه ځکه چی
ستا قهر مانی ، میرانه اوزړه ورتوب‌دلته‌نشم
خایولی ماوښه ـدا ادبی ټوټه ده ماوښه!
ستا سو پـــه سر ښندنوپه ناولونـــه‌او
داستانونه ولیکل شی ـماوښه ـماهم ستالاره
ونیوله ـ لاړم .... په شامی ودبوه‌لاړم ...

پای

یک گفت و شنود اختصاصی اماکـــوتاهو فشرده با :
آواز خوان :

اگر عشق باشد گناهی

آشنا شویم

بیشـــ از ۹سال است کـــه با صدای بسم وشاد رحیم مهریار آشناییم وترانه هـــا و زمزمه ها یش را می شنو یم ، در همین مدت کم او توانسته جای خودرا درمیان آواز ـ خوانان جوان مورد علاقه مردم باز کند وبه سوی شهرت و محبو بیت روان گردد .

از رحیم مهریار که تا درجه بکلور یا تحصیلا ت خود را دوام داده است تا کنون بیش از شصت پارچه رادیویی و بیست پارچه تلو یز یو نی ثبت شده است که به قول خودش بیشتر آهنگهای را هم که خوانده است از ساخته های خـــودش میباشـــد او در استیل مو سیقی آزاد هند آواز میخواندودر نواختن آرگن ، هارمونیه ، طبله و بیس گیتار مهارت دارد هنوز از دواج نکرده وازکسانی که هر روز به نحوی او را بایکی نامزد معر فی می کنند ودر اطرا فش شا یعه می پراگنند دل پرخونی دارد .

• من چندك زدن به آهنگ های دیگران ویاکش رفتن بخشی از یك آهنگ را گناه نا بخشو دنی میدانم و کا پی خوانی را درحد اعتدال دوست دارم

• • •

• من از شاگرد بودن و آمو ختن ننگ ندارم .

• • •

• من بجای پیانو با نواختن آرگن آشنایی دارم ومیلودی هاهمدرپیانووآرگن مشترك اند پس نمیتـــوان گفـــت آهنگ ساز نیستـــم چرا که پیانیست نمیباشم

• • •

*در نخستین پرسش از مهریار ایـــــن مو ضوع را به طرح میاورم که در شرایط کنو نی کمتر آواز خوانی است که با چندك گر فتن از یك آهنگ خارجی و کش رفتن بخشی از یك آهنگ دیگر به قول خـــود کمپوزی را به وجود نیاورد و خـــودش را آهنگساز نخواند . با توجه به اینکه توهم حد اقل به ادعای خودت بخش بزرگ آهنگ هایی را که به اجرا آورده یی خودت سا خته یی آیا در کارت چنین پخته دزدی هایی داشته یی و یا خیر ؟

• نظر ترا تا ئید میکنم که چنین بیماریی درمیان برخی از آواز خوانان ما شایـــع می باشد ، با آنکه من عقیده دارم هیچ آواز خوانی نیست که گا هی چنین نکرده با شد صاد قا نه میگو یم خودم آهنگها یم را از جایی نگرفته ام زیرا برای مـــن کمپوزیـــك آهنگ که خودم روی آن کار کنم و خوب یا خراب محصول اندیشه و تفکر خودم باشد به مرا تب آسا نتر از آن است که چند ین پارچه آهنگ را بشنوم و خودم را بـــرای چندك زدن به هر یك و کش رفتن مقداری از هر یك زحمت بد هم ..

• چرا از نظـــر توهر آواز خوان بـــاید چنین باشد و یا چنین است انگیزه چنین تمایلی در دزدی و گر فتن آثار دیگران و آنرا به نام خود جا زدن در چه مواردی خلاصه میگردد .

• والله غا لباً کمبود آهنگساز مطرح می باشد وجوانی ومیل به شهرت .

• از نظر توبه عنوان یـــك آواز خـــوان جوان و تحصیل یا فته این گناه نیست که به جای مطا لعه و زحمت کشیدن و بالا بردن سطح آگا هی خود ودر فکر ابداع کردن بنشینیم پارچه یك آدم شناختـــه شده و یـــا گمنا م را مسخ کنیم و بعد به روی ایـــن تر کیب نا هنر مند انه نام اثر هنری بگذ ـ اریم و آنرا از ساخته های خود بدانیم وبه آن افتخار کنیم ؟

• گناه است و گناه بزرگ و نابخشو ـ دنی مگر اینکه مرد مردانه کا پی کنیم ، در اثر ذوق خود را تا سر حد مسخ شد ن آهنگ دخیل نسازیم و صا حب اثر را نیز معر فی کنیم که چنین روش علاوه ازاینکه عیبی ندارد ستا یش بر انگیز هم میباشد .

• کاپی خوانی از چه نظـــر ستایش بر ـ انگیز است ؟

از این نظر ودر جا یی که بیشتـــر بـــه دزدی می اند یشند ، کا پی کردن یك پارچه بدون آنکه اصالـــت آ هنگ به خطر افتـــد و خا صتاً که قصد دزدی هم در میان نباشد نو عی صدا قت است و صداقت هم در هر کاری که باشد ستا یش بر انگیز است .

ا زاین گذشته آواز خوان آهنگی را با احساس و ذوق خود برابر می یا بد و می خواهد با خواندن آن احسا س خود را بیشتر و خو بتر تبارز دهد این که عیبی ندارد .

* من شنیده ام که در هنر خلق و ابداع و نو آوری است که واجد ارزش بیشتر است و بزر گان گفته اند آنکه برای اولین بار دهان معشوق را به گل تشبیه آورد هنرمند بود و هم کسانی که بعد از او این گفته را در نظم ونثر تکرار کردند مقلدانی بی هنر به این دلیل تقلید هنر نیست ویااگر باشد اندك است تا نظر تو در این باره چه باشد ؟

• با نظرت موافقـــم و زیاده روی درکاپی ـ گری را بی هنری میدا نم .

• اما برخی را عقیده است که تو خـــود از کاپی گران بزرگ استی و درین کـــار تجر به وافر داری ؟

• چوگفتی دلیلش بیار، من درشمارشصت آهنگی که خوانده ام فقط یکی آنرا کاپی کرده ام و بس .

** در مورد آهنگ سازی ات چه میگویی میگو یند آهنگساز باید پیا نیست با شد ودر نوا ختن ساز های دیگر هم آشنا و گر نه آهنگش چیزی از آب در می آید ما نند مصا حبه های هنری من، تو که پیا نو نواخته نمیتو انی چگونه آهنگ هایت را می سازی؟

• درست است که پیا نیست نمیبا شم اما آرگنیست استم و میلودی هاهم در پیانـــو و آرگن فر قی از هم ندارند .

• سوال دیگر این است که چرا اصـــرار داری به جای خواندن آهنگ هـــای اصـــل افغا نی در چو کات و شکل افغا نی پیر و موسیقی آزاد هند باشی و در واقع ازحنجره یك هندی آواز بخوانی ؟

• اولا که من از حنجره خودم آوازمی خوانم ونه از حنجره دیگری ، دوماً اینکه گلویم با این سبك بیشتر تطا بق دارد و سو مـــاً هم اینکه به آن عادت کرده ام و ترك عادت هم مو جب مر ض است .

** از نظر تو چرا در کشور ما به کار آهنگساز نسبت به آواز خوان و شاعر کمتر ارج گذاشته میشود وبیچاره آهنگساز دیگر ان را به شهرت می رساند و خود در گمنامی می میرد ؟

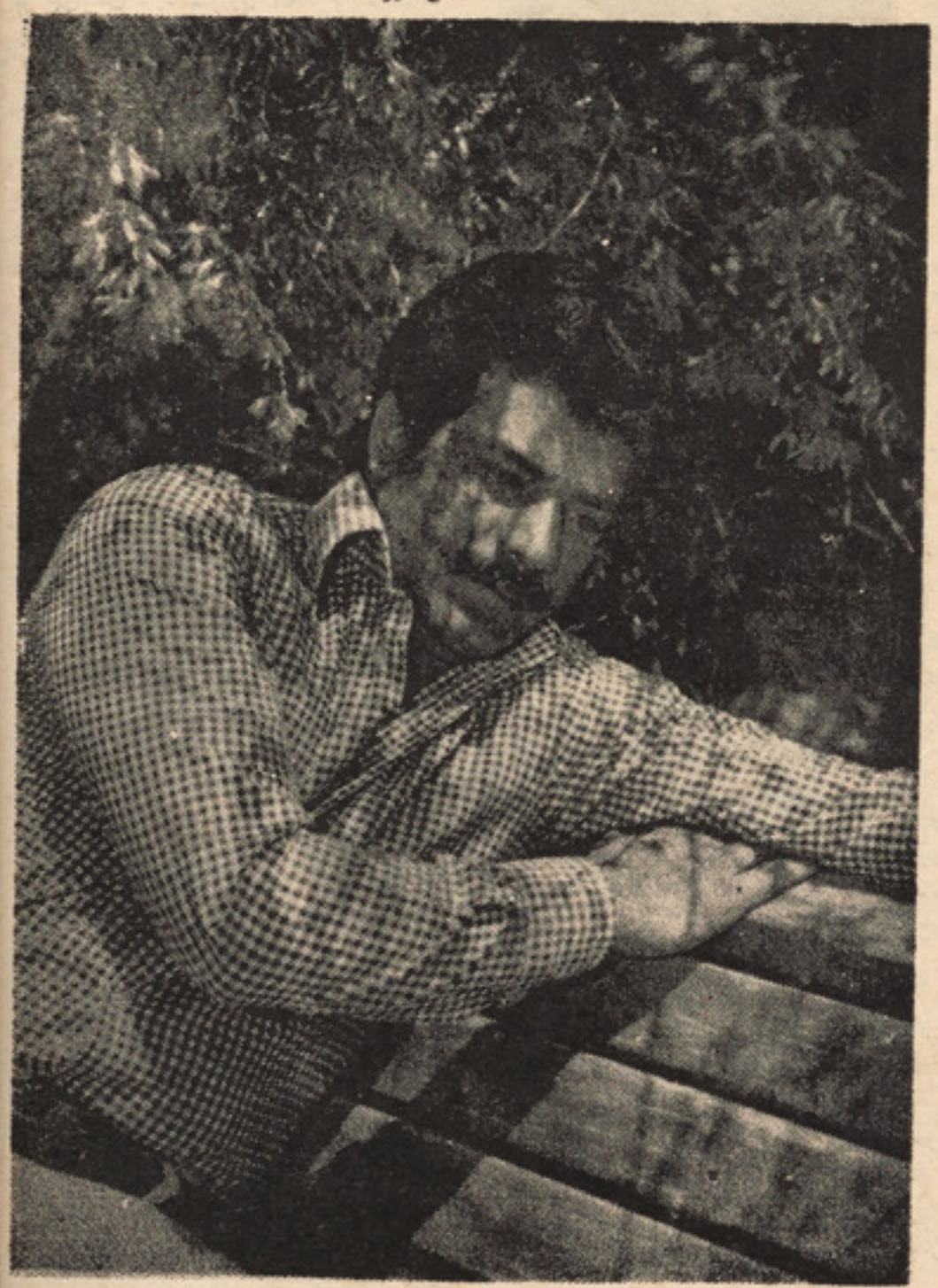

رحیم مهریار هنرمند محبوب وپرآوازه کشور .

* هنوز مردم به ارزش کار یك آهنگساز در یك پارچه موسیقی وارد نشده اند و این هم گناه پرودیوسر ها ست که آواز خوان را معر فی می کنند و آهگساز را نه ، درحالیکه نباید چنین باشد و باید نام سازنده هر آهنگ در مو قع نشر آن اعلام گردد .

• از نظر تو آوازخوانی هنر است .

• بلی پس چیست ؟

• بعضی میگویند فن است .

• نه خیر اگر فن می بود هر کس می توانست آنرا کسب کند در حا لیکه این طور نیست ودر پهلوی کسب خصو صیا ت موسیقی آواز خوان با ید صدای خوب ، استعداد سر شار ، ذوق هنری و آگا هی نسبی از مو سیقی هم داشته باشد .

• با کتاب و مطا لعه چطوری ، گا هی چیزی می خوانی ؟

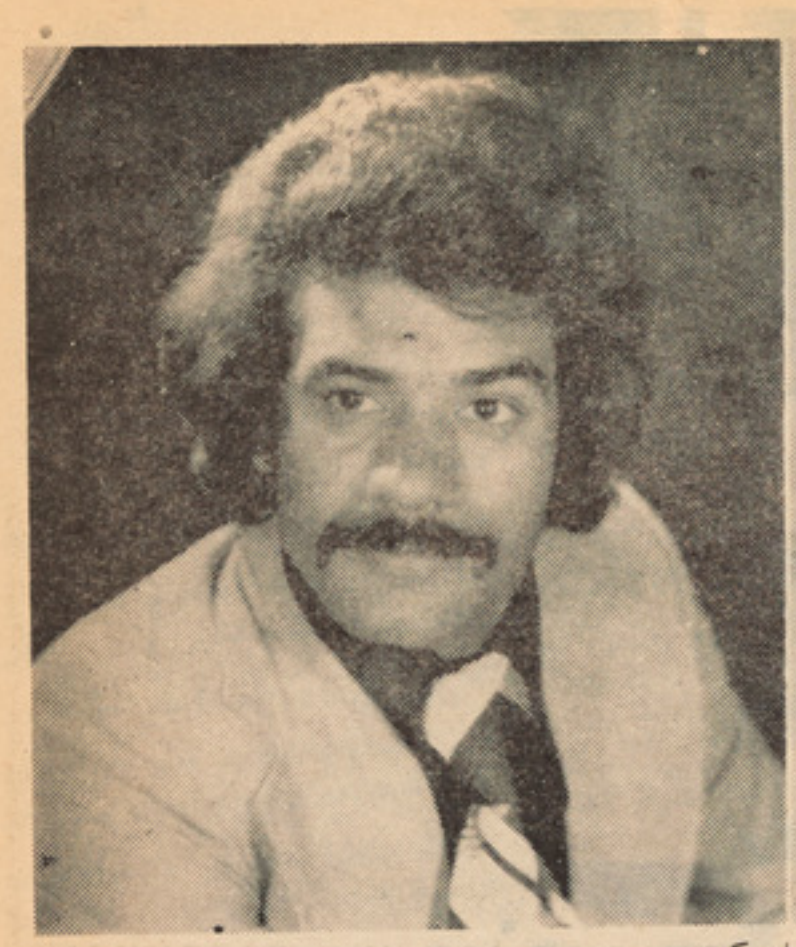

اگر فرصت داشته باشم کم کمك مطالعه می کنم نه آنقدر که رویش حساب کنم

• اگر فرصتی باشد کم کمك مطالعه می گیرم و غزل ها یم را بیشتر از سروده می کنم اما نه آنقدر که رویش حساب کنم. های امیر خسرو دهلوی انتخاب میکنم..

• بیشتر شعر کدام یك از شعرا را می خوانی وبه آن علاقه داری ؟

• سخن به شعر کشید ، چرا تعداد فراوان آواز خوان های ما شعر را غلط می

* تصنیف ها یم را غالبا از نور فرخ‌خوانند ، آنرا می شکنند و به شکلی در می

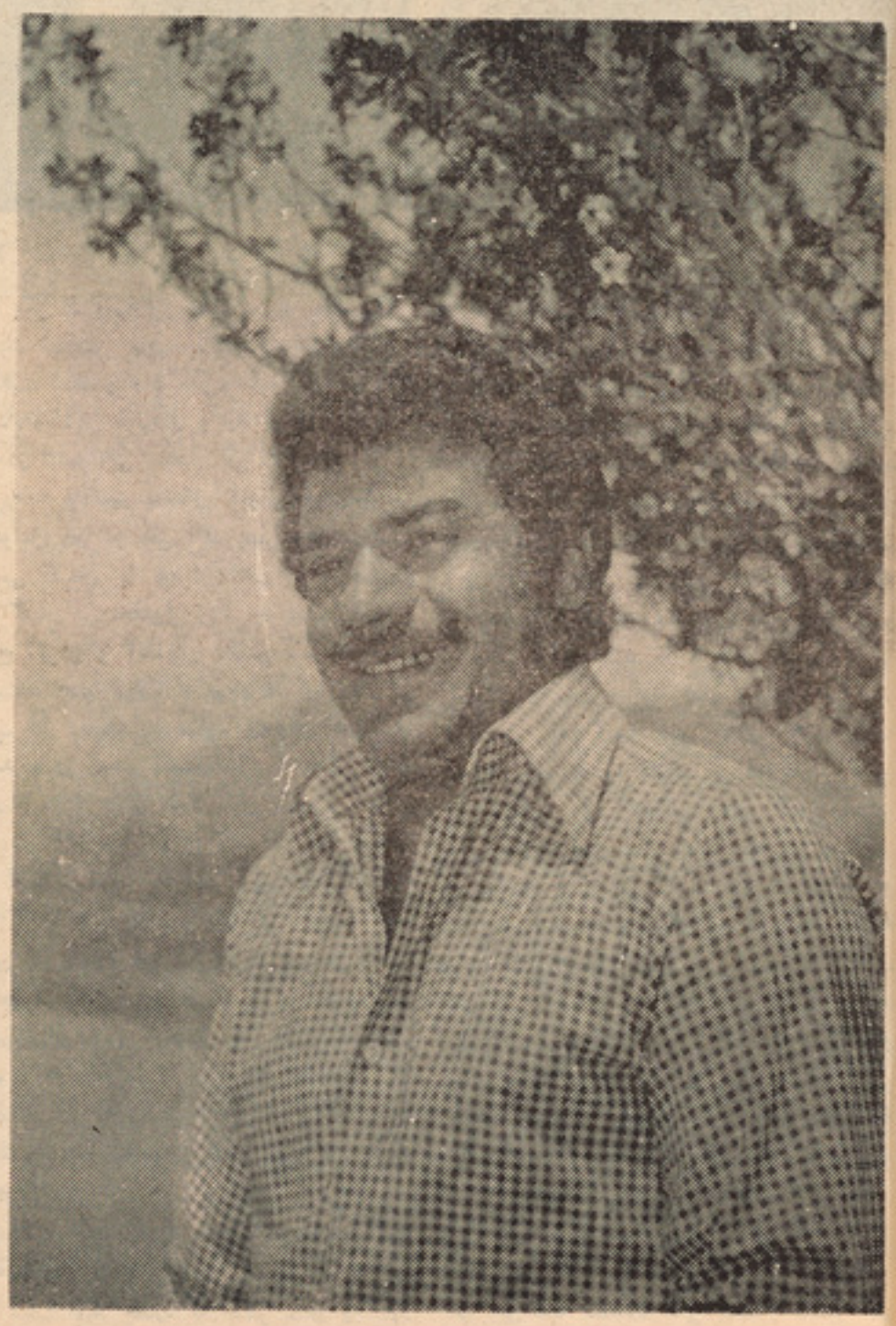

عده یی به خاطر عدم سواد شعر راغلط می خوانند که ای کاش پیش از خواندن ونشر بپرسندکه پرسیدن عیب نیست وغلطخواندن شرم است .

آورند که اگر شاعر فقید سر از خاك بر دارد و آنرا بشنود خود را به خاطر شاعر بودن نفرین می فرستند و شاید هرگزهم نبخشد ؟

• والله ، در برخی از وقات کاری است که باید بشود ، چرا که ساختمان شعر طوری است که جز اینکه برای جای گرفتن در چوکات آهنگ بشکند چاره دیگر وجود ندارد ، مانند :

این آهنگ خودم که :

اگر عشق با شد گنا هـــی

که در مصرع : « نشان ده ره کعبه عاشقان را» ناگزیر شدم به خاطر حفظ آهنگ کلمه «کعبه» را بشکنانم و آنرا به شکل «کع» «به» بخوانم

عده‌یی هم به‌خاطرعدم سواد شعر راغلط می خوانند که ای کاش پیش از خواندن ونشر بپرسند که پرسیدن عیب نیست و غلط خوا ندن شرم است

• بیشتر تصنیف هایی که در راد یو خوانده میشود در محتوای خود جز از نالیدن ها از فراق و رسیدن ها به وصال و آن هم در ابتدایی‌ترین شکل خود چیزی ندارد نه تشبیه زیبایی در آن به کار میرود نه‌استفاده استعاره یی و نه هم رمز و راز هنری وبیان عاطفی قابل قبولی چرا حد اقل جوانان تحصیل یافته آواز خوان ما نمیکوشند در انتخاب تصنیف ذوق بیشتری به خرج دهند؟

• باید هنر تصنیف سازی تکامل کند و نخست تصنیف سازان از آن مانند که میگویی فراوان داشته باشیم و کار شان هم خریدار داشته باشد تصنیف بی قیمت که از این بهتر نمیشود .

• شنیده ام که در جا های دیگر غالباً برای آهنگ تصنیف و شعر ساخته میشود، اما دراین جا موضوع عکس است و برای شعر آهنگ را می سازند آیا این روش از نظر تو درست است ؟

• در مورد غزل درست است ودر مورد تصنیف درست نمیباشد ، چرا که در اولی برای یك اثر زیبای هنری قالب هنری ساخته میشود و نمیتوان آنرا به خاطر خود تغییر داد اما در تصنیف ها میشود نخست آهنگ را ساخته وباز درقالب آن تصنیفی را سرود .

•• ازدواج کرده یی ؟

• خیر .

•• چرا ؟

• تا کنون کسی را که دلخواهم باشد نیافته ام .

•• پس در جستجوی یافتن استی ؟

• همین طور است .

•• از نظر تو همسر آینده ات بایدواجد چه خصوصیاتی باشد ؟

• خصوصیاتی که مطابق میل من باشد

•• این شکل جواب دادن را نمی پسندم

• درست به مانند من که از این گونه سوال ها خوشم نمی آید.

•• خیلی ها در باره تو قضاوت هایی‌دارند از این گونه که زیاد نا مزد می شوی

• زیاد نا مزد می شوم ؟ یعنی چه ؟

•• یعنی اینکه تا کنون شایعات زیادی شنیده شده که با فلانی نا مزد استی و چندی بعد کشف شده که دروغی بیش نبوده چرا چنین است ؟

• این را دیگر از شایعه سازان بپرس که خودم هم دلم از آنها پر خون است ، هر روز شایعه پراگنی ، هر روز تبصره هر روز گپ نو ، باور کن به همین سبب رنج فراوان دارم

• از این حرف ها بگذریم ، تو خیلی زیاد در خواندن ها یت از نا شناس تقلید می کنی سبب چه میباشد ؟

• سبب خاصی ندارد و ضمنا تقلید هم زیاد نمی کنم .

• میگویند نا شناس استاد توست و کسی که در واقع موسیقی را بتو آموخته است این نظر را قبول داری ؟

• از قبول آن شرم ندارم ، چرا که من همیشه شاگردی و آموختن را دوست دارم اما در مورد پرسش تو واقعیت این است که نا شناس با من همکاری و همراهی کرده است و من به او و هنرش ارج فراوان می گذارم .

بقیه‌درصفحه۵۷

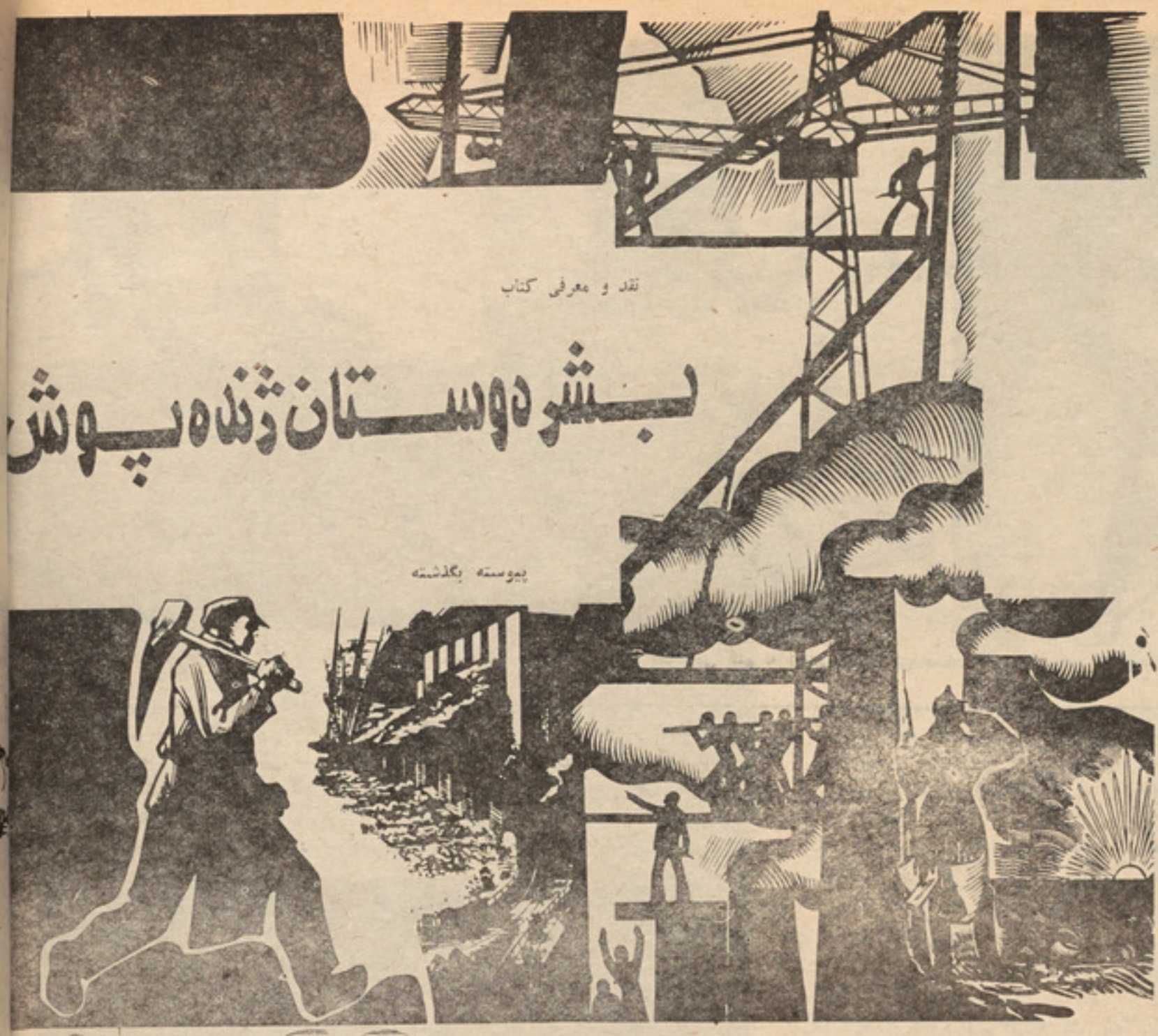

نقد و معرفی کتاب

بشردوستان ژنده پوش

پیوسته بگذشته

زندگی خود را به جهنم همانند می کند. شکوه ها دارند اما متحد نمی شوند مبارزه نمی کنند سکوت می نمایند وخاموش اند واین خا موشی گناه شان است . به نظر آون تا زیر بنای جا معه دگر گون نگردد. تغییرات سطحی وروبنایی نمی‌تواند درد زنده پوشان را دوانماید • د ولت های طرازاستبدا- ادی برای بقای خویشتن گاهی در سطح تغییراتی می‌آورند• وبه رفورم هایی دست‌می زنند ، اما نباید به این بازی ها و طرح های خاینانه و شیطانی دلخوش کرد ماهیت نظام های ارتجاعی این اجازه را ندارد که در جهت تحقق آرمان های طبقه‌ی کار گر گا می بر دارد اگر اقدامی می نماید ازروی ریاوازسر تظاهر است نه واقعیت . پس باید هشیاری را ازدست نداد وفریب نخورد آون‌فرانك در پاسخ کار گری ساده که زندگی خود را به دوزخ همانند می‌کند می‌گوید:

«• اصولی که‌فعلا امور دنیا باآن اداره می شود (سر مایه داری) به قدری بدامت و نتیجه‌ی آن به قدری وحشت‌آور است که شما عقیده پیدا کرده اید جهنم همین دنیاست وباوجود این خودتان را جز محافظ کار هامی دانید یعنی به عبارت دیگر افتخار می کنید که جزو کسانی هستید که باتمام قوای خودشان سعی می‌کنند این اصول را نگاه دارند . یعنی به‌عبارت دیگر پشتیبان اصو لی هستید که دنیا را مبدل به جهنم کرده است .»

باری قهرمان کتاب همیشه از مو ضع خود فا طعانه دفاع می کند واز پراگندگی و بی باوری همگنان خود در رنجی عظیم است . آون در زندگی هیچ چیز ندارد در خانه ای کرایی زندگی می کند . در آمد و عایدی به مشکل می تواند چرخ زندگی او را به پیش براند . همیشه فرزند و زن او برهنه و گرسنه اند و لا شخوار بیکاری در هر لحظه وساعت اورا تهدید می کند . آون در حزبی انقلابی نام نو شته است . راهی را بر گزیده که به پایان آن ایمان دارد . برای اوهم میسر وممکن است که دربهای فرو ش مرام و عقیده ی خویش به آسایش های‌فردی دست یابد . اما نمی خواهد مانند عقابی - مغرور و بلند پرواز به پستی ها سر فرود آورد• آزادی خودرا در آزادی دیگران می جوید و خوشبختی فردی برای او هرگز مطرح نیست همگنان آون آنگونه که‌بدان اشاره شد برای بدبختی ها وفقر خودعلت هایی می تراشند که همه ضمنی وفرعی‌است نه اساسی واصو لی . اما آون در بحث هاو سخن رانی های خود نتیجه می گیرد :

«فقر ونداری علل زیاد دارد ، ولی تمام این علل نتیجه‌ی اصول زندگی فعلی وجزولاینفك این اصول هستند ، برای اینکه فقررا ازمیان برداریم ، باید عامل و علت را ازمیان برداریم، برای اینکه علت را از میان برداریم باید این فصول رابرهم‌بزنیم• خوب آن علت ها کدام اند ؟

- یکی از آنها پول است ، یك علت دیگر مالکیت شخصی است ،مالکیت شخصی زمین، ما لکیت شخصی راه آهن، مترو کار خانجات و تمام وسایل تولیدی و رقابت در تجارت.»

آون در ادامه این سخنان می افزاید :

« ••• مالکیت به‌شکل کنونی خود یکی از عوامل مو ثر فقر اکثریت مردم است . عروسی کردن یا مجرد ماندن ، با ماشین کار کردن ، محصول زیاد به دست آوردن تفریح کردن و آسایش داشتن ، زیاد شدن جمعیت ، اینها هیچکدام موجد فقر و بیچارگی نیست فقر نتیجه و مولود انحصار ها ی یکعد ه ی کم آنچه را که ممکن است انحصار کرد برای خود شان انحصار کرده اند ، تمام اراضی ما ل آنها ، تمام معادن مال آنها ، تمام آب های زمین مال آ نها تمام کارخانجات مال آنها، اگر برای آ نها ممکن باشد که هوا را هم در شیشه بکنند و انحصار کنند می کردند و ما مجبور می شدیم برای نفس کشیدن هم جان بکنیم‌کار کنیم و هوا بخریم و در نتیجه هما نطور که امروز از بی قوتی وبی‌غذایی دسته‌دسته ازما می میرند ، دسته دسته هم از بی هوا پی می مردند .»

آون در این کتاب مبارزه می کند که زمینه فکری کارگران را تغییردهد، در دل های شان امید بکارد به تفکر شان وا دارد و بیدار شان نماید . آون می کوشد ، به کار گران بفهماند که هیچ امری نمی تواند تغییر ناپذیر ومطلق باشد• اربابان ازعاطفه و رحم و دلسوزی نمی شنا سند . اگر هم بشناسند . عا طفه و مهربانی ارباب نمی‌تواند از رنجهای بیکران مزدور بکاهد . آون با قاطعیت وشور انقلا بی می خواهد بر ضد اند یشه های مسلط و جاری دنیای سر مایه داری ستیزه نماید . بر خاش و مبارزه کند. آوان می نمایاند که تنها آگاهی ، تشکل ووحدت کارگران ضا من پیر و ز ی و آسایش آنان است نه عا طفه و مهر با نی کار فر ما یان و صا حبان وسایل تولید و آزمندان که کیسه های کلان کلان دوخته اند و توده ها را غارت می نمایند . همین بی اتفاقی وپراگندگی کار گران است. همین رقابت های شان است که مو جب فقر و بیکاری آنان می گردد اگر اتحادیه ای بسازند، همبسته ومتشکل شوند آنهمه بلا و بد بختی به سر شان نمی آید . و برخورد های غیر انسانی با آنان صورت نمی تواند بگیرد . از پراگند گی و نادانی کار گران است که عا قبت لبند ن به دارالمساکین کشید• پس از یك‌عمر کار، زحمت ، عرق ریزی و صدا قت نه آفرینی نه سنا یشی و نه پشتوانه ای ر فتن به دارالمساکین و - این بس بسیار غم انگیز ، کار گران اگر متحد باشند کار به این جاها نمی کشد کار- گر این همه شکنجه نمی بیند و تحقیر نمی شود . سودا گران در پی اعاده‌ی حقوق افراد

جا معه نیستند . همه‌ی تلاش های شان در جهت برآورده شدن خواست های خود شان است و بس . آون بر طرد ما لکیت شخصی ورقابت در کار همیشه تاکید دارد واین شورا عامل بدبختی توده ها می‌داند ومی گو ید ...فر ضاماباتوانیم او ضاع را تغیر دهیم تا نتوانیم اصول ما لکیت و رقابت در کار

که دو علت مو جد فقر هستند ، ولی اینها فقط یك‌قسمت ازعللی‌هستندکه‌تجمل‌ونازونعمت و تر بیت و مکتب و تمام وسا یل ترقی را نصیب یك اقلیت کو چك می کند و اکثریت را محکوم به گرسنگی و بیماری وبی غذایی وانحطاط روحی واخلاقی می سازد و شما که جزو ایـــن اکثریت رنجبر وبدبخت هستید با تمام قوا از همین اصول ، همین او ضاع طرفداری می‌کنید . اغنیا وطبقه‌ی ممتاز بـه دست شما و به کمك شما قادر به حفظ این اصول هستند . هرروز شما رابه نو عی فریب می‌دهند وبه عنوان از هم جدا می کنند به بند گی می گیرند .»

چنین است ا یـــن شانه های رنجبران است که تخت قدرت ار بابان را حمل مـــی نماید و این بازوان زحمت کشان است چرخ دولت ها را به پیش می راند . اگر اینان نخواهند ارباب قدرت نمی توانند به زندگی وابسته ی خویش ادا مه دهند . زندگی کار فرمایان وبستگی مستقیم به کار فرمان بران دارد . و هم این گروه است که اگر عصیان

کند و خشم فرو خورده ی خو درا نبارزدهد دنیای سرمایه داری رابه گورستان می‌نشا ند. درد آون در سراسر کتاب همین است. تشتت

بی اتفاقی ، پراگندگی وناآگاهی کارگران جام کار فرمایان از خون کار گران ارغوانی می شود و عرق کار گر است که مروارید

گوش همسر آقای کار فرما می گردد . باید دیگر برای این گروه مستبد و خود سر مجال زندگی و یکه تازی نداد . دست اورا

از نعمت های مادی ووسایل تو لید کوتاه کرد . و این راه نجات و راه رهایی است پیام قهرمان کتاب آون فرانك همین است» اگر چـــه صدای اورا گرو هی از سرنادانی

همراهی نمی نمایند . آون نجات کار گران را در فرو ریختن نظام بهره کشانه می داند باید این مناسبات در هم ریزد و طرحی دیگر

انداخته شود دنیایی نو ین جا معه ای والا ،

زیبا و برین . آون فرانك در این کتاب سیمایی درخشان و قهر مانی آگاه ودلیر

است. عمل اوسنجیده شده‌گفته‌های‌او منطقـی و مستدل است . از شهرت طلبی و بر تر جو یی سخت بیزار و متنفر است . اوضاع

ودر برابر بیداد ایستاد . آون درین شکست

مایوس نگردید ایمان به راهی که درپیش داشت بیشتر شد. آبـــدیده ومقـاوم گشت قیام یاران آون عقیم ما ند به ثمـر نرسید. چون دولت مستبد کار خود را کرده بـود پیش ازوقوع علاج واقعه راکرده بود گروهی

ا زخود فروشان و بی ما یگان را خریده‌بود که آن قیام را سر کوب نمایند وبا استفاده

از مقدمات و اعتقادات مردم انقلابی ها را تار و مار نمایند . اما راهرو اگر ازمیان برود

برود راه همچنان باقی است رهروان دیگر

به‌دنبال هستند ومی آیند وازدشواری ها نمی

هراسند به سوی سر زمین های گرم‌وآفتابی می رانند و سر انجام می رسند . آون در پاسخ آن کار گران زود باور بی دانش و

ساده لوح که علت های اصلی ر انمی‌دانند می گوید :

«... پول علت واقعی فقر است ، چون آلتی است که به وسیله آن کسانی کـــه حاضر برای کار کردن نیستند محصول کار کارگر و استحصال کنندگـان را از آنها می دزدند .»

ص ۱۲۸ ـ ۱۳٤

ودرادامه این طرز تفکر می افزاید :«...

واحوال رابه درستی تحلیل وتفسیر می‌نماید.

مبلغ محض و خطیب بی عمل نیست به آنچه می گوید صا دقانه باور دارد ، رزمنده ای سخت کوش و خستگی نا پذیر است . برای

آنکه صداقت خود را نشان دهد . درمظاهره

ای که از طرف حزب به راه انداخته شده

بود. نقشی برجسته ودرخشانی رابه‌عهده‌داشت توده ها را به مبارزه دعوت کرد . به سخن

رانی های پرشور و بر انگیز نده پر داخت. گر چه رفقای او درین پر خاش خیابانـــی دستگیر و کشته شدند اما آون نشان داد

که می توان ارزش های جاری را نفی کرد

مادامی که این اصول (سرمایه داری) وایـــن تشکیلات بر قرار است ممکن نیست نو ع بشر از چنگال فقر و بد بختی خلاص شود.

زیرا و قتی ثروت در یکجا جمع شد یعنی از جاهای دیگر کم شده است . ازین رو تاوقتی

که اصول پولی در دنیا بر قرار می باشد ،

فقر و احتیاج و تمام بد بختی ها و فلاکت

هایی که زاییده ی فقر و احتیاج است وجود

داردوفقر عبارت ازدسترسی نداشتن‌به‌آنقسمت

از ضروریات زندگی که به وسیله‌ی کـار

کار گر و توسط ماشین آلات از مواد خام

ساخته می شود ، علت دسترسی نداشتن

نود در صد از مردم دنیا به ضروریات اولیه

زندگـی همان سیستم پولـی (سرمایه داری)

است که در دنیای ما رواج دارد .» نظریات

آون فرانك قهرمان کتاب بشر دوستان ژنده

پوش در باره ی کار و جا معه‌ی بدون طبقات

را می توان چنین خلاصه کرد .

«... کار درآن هنگامی معنی دارد کـــه تو لید را بد نبال داشته باشد . کار معقول ومنطقی‌فقط آن است که درتکثیرتولید موثر

باشد . هرکاری که درازدیاد تولید اثـــر نداشته باشد کاری احمقانه است . مسخره

آمیز و جنایت بار و فقط تلف کردن وقت است . راه حل اساسی و قطع ماده ی فساد

عبارت است ازالغای مالکیت شخصی کـا ر-

خانجات واراضی و ملی کردن تشکیـلا ت

صنعتی و نظارت در استحصال و تو زیـــع

محصول به طوریکه نه برای حفظ منا فـع فقط یك‌عده‌ی معدود باشد بلکه نتیجه‌ی نهای آن حفظ منافع عمومی مردم باشد .»

ص ۲۰٦

با همه‌ی خو بی ها و محاسن که ایـن کتاب دارد نا گزیر از اشاره هستم . یکی همان دچار تر دید شد ن‌قهرمان کتاب یعنی

آون گر چه علت آنرا هم خود تو ضیح دادم. یعنی تصمیم گر فتن او برای نا بودی خود

و یگانه فرزند او فرانك کو چك و زنش ،

برای آنهایی که راه مبارزه در پیش گرفته اند برای یك لحظه هم رخصت تردید و بر

گشت نیست باید پیش رفت زیرا به گفته‌ی

ارنست همینگوی «انسان ممکن است نابود

شود اما هر گز شکست نمی خورد .»

۲۳ر۲ر۵۹ کابل

برنامه‌ها واهداف زحمتکشان وموازین اصلی شرکت آنان در ادارهٔ دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان

آرامش

بر نامه ها واهداف ساز ما نهای زحمتکشان نسبت به شرایط و ماهیت حا کمیت سیاسی دولتی در جامعه تفاوت های ماهوی و اساسی دارد . در جوامع سر مایه داری غرب وکشور های که نظام های فیودالی و کمپرا دوری وا بسته با امپر یا لیزم مستقر است ، سازمانهای زحمتکشان اعم از اتحادیه های کار گران ، تعاونی های دهقانی ، اتحادیه های جوانان، زنان، روشنفکران ، کسبه کاران و غیره بیشتر بمبارزات اقتصادی در جهت بهبود شرایط کار واستخدام ، فزونی مزد و معاش ، کسب آزادیهای دموکراتیک فر عی مانند آزاد یهای اکادمیک و تحصیلی آزادی فکر و بیان ، تظا هرات و اعتصا بات بهبود سیستم انتخابات و غیره می پردازند . غالباً هدف و نتیجه این سازماندهی ها و مبارزات مر بوط به آن وا داشتن طبقات حاکم و دولت های مربوط به گذشته ها واجرای برخی رفورم هاست که به هیچو جه حاکمیت استثمار گران و ستمگران را از بنیاد تغییر نمیدهد و به استقرار حاکمیت سیاسی و دولتی زحمتکشان منجر نمیشود .

در جمله و دراس ساز ما نهای متذکره زحمتکشان ، فقط احزاب طراز نوین کارگری است که هدف تصرف قدرت دولتی توسط زحمتکشان را و بر انداختن قطعی و کامل حا کمیت بورژوازی و فیودالی و بعبارهٔ دیگر انجام انقلاب واقعی اجتماعی را در سر لوحه برنامه مبارزات خویش قرار میدهند و مستقیماً در اینجهت پیکار میکنند .

علماً واصولا باید تمام سازمانهای دیگر زحمتکشان تحت رهبری احزاب طراز نوین کارگری قرار گیرند البته نه تنهادرلحظه انقلاب ، بلکه در سراسر دوران مبارزه و آوانیکه هنوز برای تصرف قدرت سیاسی و انجام انقلاب اجتماعی زمینه ها و شرایط عینی و ذهنی فرا هم نگردیده است .

کاملا مسلم است که تنها در صورت بر انداختن سلطه غارتگرانه استثمارگران ، زحمتکشان بر سر نوشت خویش حا کم میگردند و زندگی با سعادت و سرشار از نعمات مادی ومعنوی را برای خویش می - توانند بو جود آورند .

اما زحمتکشان نمیتوانند و نباید تمام مصا ئب و فجایع را فقط در انتظار انقلاب تحمل نمایند . استثمار و حشیانه بدی طاقت فرسای شرایط کار ، ظلم واجحاف، اختناق و استبداد و کار فر مایان و ملا کین وغیره مظا لم که همه روزه جسم و روح زحمتکشان را خرد میکنند . آنا نرا بمبارزه وا میدارد و ضرورت همین مبارزه تشکل کار گران و زحمتکشان را درسازمانهای صنفی، اقتصادی ومسلکی موجب میگردد .

احزاب طبقه کار گر نیز به هیچو جه فقط درانتظار لحظهٔ معین نمی نشینند بلکه درست بخاطر نزدیک کردن و فراهم ساختن شرایط این لحظه در مبارزات روزانه زحمتکشان مجدانه و همه جا نبه شر کت میکنند و آنرا ازلحاظ سیاسی رهبری می نمایند . بدون این مبارزات روزانه که ظا هراً کوچک می نماید اصلا تحقق امر بزرگ و خطیر انقلاب نامیده است .

ازینجهت و ازآنجاییکه احزاب طبقه‌کار- گر ساز ما نهای سیاسی کا ملا آگاه ، متشکل ، منضبط وخبره طبقه کارگر اند و تنها این احزاب میتوانند که هر مبارزه اقتصادی صنفی و مسلکی را در جهت آرمان اساسی زحمتکشان یعنی رهایی قطعی ازاستثمار وستم استثمار گران ، غیار و هدایت کنند و از سقوط آن در منجلاب ما جرا جویی ها و تلفات بی حا صل و نا بهنگام جلو گیری نمایند ، رجوی احزاب طبقه کار گر د ر سا زما نها و جنبش های صنفی و سند یکایی زحمتکشان امریست طبیعی و حیاتی اما دولت ها ، سازمانها و نظام های سرمایه داری و استبداد فیودالی که اصلا در راه تشکل سازمانهای توده یی زحمتکشان سدمیگردند و بشیوه های ظریفه یا مهیب در صدد جلو گیری از تشکل ، تخریب تشکیلات توده یی و سر کوبی احزاب طبقه کار گر یك لحظه هم «غفلت» نمیکنند ، (در حا لیکه باز هم سا زما نهای توده یی و احزاب طبقه کار گر بو جود میا یندو رشد میکنند) عمده ترین دسایس و توطئه های خود را متوجه آن می سازند که از طریق گما شتن «دایه های از مادر مهربانتر» در نهضت سندیکایی سند یکا ها و ساز مانهای زحمتکشان را ، از زیر رهبری سازنده و حیاتی احزاب طبقه کار گر ، برون کشند و با بزار بی‌خاصیت و بی محتوی مبدل نمایند .

البته واضح است که بچنگ آوردن پیر- وزی های آنی هم در مبارزات روزانه و هم در انقلاب ، به غلبه کا ملی زحمتکشان بر این دسایس و تو طئه های استثمار گران فتنه گر بستگی دارد .

ولی پس از پیروزی انقلاب بر هبری حزب طبقه کار گر که سلطه سیاسی استثمار گران بر می افتد و کار گران و زحمتکشان به طبقات و اقشار حا کم تبدیل میگردند ، برنامه ها ، اهداف و موقعیت سازمانهای توده یی زحمتکشان نیز بصورت اساسی و بنیادی دگر گون میشود . زیرا دیگر طرحهایی ازین قبیل که با مبارزات سند - یکایی و اعتصابی کار فرمایان و استثمار گران را به عقب نشینی وا دار کرد و پاره- یی از خواست های روزانه وعاجل زحمت - کشان را بر آورده ساخت ، وجود ندارد .

پس از انقلاب . وظیفه عاجل و عمدهٔ حزب طبقهٔ کار گر و همچنان تمام ساز ما نهای توده یی کارگران ، دهقانان، کسبه کاران روشنفکر ان و غیره ووظیفه عمده و عا جل فرد، فرد زحمتکشان اینست که مقاومت ضد انقلاب یعنی مقاومت استثمار گران را که پس از سر نگونی معمولا قدرت عمل شان ده برابر میشود با هشیاری و اتحاد کامل فلج کنند، سلطه اقتصادی یا تسلط آنا نرا بر وسایل عمده تو لید از میان بر دارند ودر نتیجه نه تنها رهبری سیاسی جا معه بلکه رهبری اقتصادورهبری تولید(وایضاتوزیع)راازطریق دولت و سازمانهای دولتی وتوده یی دردست خویش متمرکز سازند ورشد عمومی تولیدات را طبق پلانهای علمی دولتی چنان تنظیم و سر عت بخشند که منظماً سطح زندگی و خیر و رفاه زحمتکشان را بالا ببرد.

بدین تر تیب هم در پرو گرام عمو می سیاسی و هم در پلا نهای رشد اجتماعی ، اقتصادی نقش و موقعیت ، وظایف و حقوق تمام زحمتکشان وعمدتا سازمانهای توده یی تعیین و متبلور می گردد و همه چون ار- گا نیزم واحد تحت رهبری حزب طبقه کار گر در راه ساختمان زندگی نوین زحمتکشان بسیج میگردند .

کا ملا مبرهن است که زحمتکشان افغا- نستان تحت رهبری حزب دمو کرا تیك خلق افغا نستان با پیروزی انقلاب نجات بخش ثور، اکنون در مو قعیت اخیر الذکر قرار دارند.

جای تاسف این حقیقت باقی است که استبداد خشن فیودالی و شرایط اختناق قرون وسطایی قبل از انقلاب ثو راین امکان را به طبقات و اقشار مختلف زحمتکشان افغانستان نداد که در ساز مانهای گسترده توده یی خو یش بسیج و متحد گردند و رویهمرفته قبل از انقلاب ، به غیر از منطقه های غیر علنی ساز مان های توده یی در جنب حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان آنهم طی چند سال اخیر ، تشکل توده یی زحمتکشا ن تحقق پیدا نکرد .

خصو صیت و ماهیت اصلی دمو کراتیك انقلاب ثور و دستاورد بزرگ آن جمهوری دموکراتیك افغانستان در گام اول این بود که عرصهٔ گسترده ایجاد و انکشاف سازما- نهای توده یی زحمتکشان افغا نستان بسویه سر تا سری کشور را گشود ودر نتیجه تقریباً کلیه اشکال ساز ما نهای توده یی زحمتکشان در افغا نستان پدید آمد که پیروز مندانه سیر تکامل و انکشاف همه جا نبه خویش را می پیماید .

امروز وظیفه عا جل ولی تعیین کننده و سر نوشت ساز حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان ، کلیه ساز ما نهای توده یی و همه نیرو های دمو کراتیك و طنپرست کشور وکذا فرد فرد زحمتکشان ووطنپر - ستان افغا نستان (چون هنوز تمام افراد زحمتکش و وطنپرست را ساز ما نهای مربوط در بر نمیگیرد) اینست که از انقلاب ثور از دستاورد های آینده ساز سازمانهای آن و بخصوص از دست آورد بزرگ تاریخی آن جمهوری دمو کراتیك افغا نستان دولت مستقل و دمو کراتیك زحمتکشان مسلما ن افغا نستان . با بسیج همه نیرو های مادی و معنوی دفاع کنند .

زحمتکشان ووطنپر ستان افغا نستان باید قهرمانی در جبهه گرم را با قهر مانی درجبهٔ کار توام سازند ، توام ساخته اند و بیش از پیش توام خواهند ساخت .

اما وظیفه اصلی ، مستمر و علی الدوام که ضا من ساختمان افغا نستان سرا پا نوین سر شار از وا لاترین نعمات مادی و معنوی است ، عبارتست از تشکل زحمتکشان افغانستان در سازمانها ی‌توده یی تا سر - حدی که از لحاظ کمیت حتی یك فرد زحمت کش بیرون از ین ساز ما نها باقی نما ند واز لحاظ کیفیت سواد و آگا هی لازم سیاسی و انقلابی تمام اعضای این ساز ما نها دایماً تا مین گردد .

بدین ترتیب زحمتکشان ووطنپر ستان افغانستان از طریق سازمانهای دموکرا تیك توده یی خو یش که در جبهه وسیع ملی پدر وطن تحت رهبری حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان این پیشا هنگ طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشور و مدافع منافع و آرمانهای کلیه زحمتکشان مسلمان افغا- نستان پیهم می پیو ندند ، با بر خور داری از عا لیترین آزادیهای دمو کراتیك ، در تعیین و اجرای سیاست داخلی و خارجی ، طرح و تطبیق پلانهای همه جا نبه رشداجتماعی اقتصادی فنی و فر هنگی و سا زندگی و طن نوین ، وطن شگو فان زحمتکشان با لفعل سهم میگیرند ، دولت طراز نوین خود را تکا مل واقتدار فولادین می بخشند و با لو- سیله خود بر سر زمین زیبا و محبوب ،این گرامی ترین خونبهای اجداد و نیاکان قهر- مان ، خویش حکو مت میکنند و حاکم می باشند .

راهی غیرازین راه، ضدانقلاب وراه اعادهٔ بردگی ومحکومیت زحمتکشان و ره منجلاب جهل و عقب ماندگی و فقر و مرض ومصیبت است که در افغا نستان قهرمان و انقلا بی دیگر هر گز وجود ندارد .

ژوندون

پیوسته بگذشته

نگاهی به بخشی از آثار هنری هده

که در قرن اول الی نوم میلادی صحنه ها از نظر فلسفه اجتماعی و میتو لو جی بودائی آنقدر که در قرون بعدی بطرف ابتذال میروند در آنلوره چنین مشخصاتی وجود نداشت و هنر مندان با هدایت رهبان معبد حالات طبیعی حیات بودا و اطرا فیان آنرا ما نند بازریلیف ها و صحنه های بر جسته ایکو نو گرا فی بودائی گندا هارا ، تکسیلا ، شهر بهلول ، ماما دری و غیره تمثیل میکردندو همیشه این نوع صحنه ها به تناسب سر انسان ها ی

مجسمهٔ ستویی راهب برهمن درحالت بوزامکشوفه هده .

علوی و نور مال بو جود میباید . هیچگاه مجسمه های بودا و بوداستوا از همه بزرگتر نبوده با یك تناسب معین ممثل گذشته ها و فلسفه بودائی در قالب هنر های زیبا بودند و هیچگاه حالات تعلیم و اندیشه مذ هبی رهنمو نی برای مردم و وعظ و نصیحت‌مذهبی بارز نه نموده در حا لیکه با نظر داشت دوره های هنری در قرن سوم و چهارم با شیوه و طرز تعاملی اجتماعی ، فلسفی و بوجود آمدن مذاهب دیگر در تمثیل مجسمه های بودائی و بو جود آوردن اساطیر بودائی در قالب هنرگنداهاری بیشتر جناح تعلیم تبلیغ وترویج مذهبی و ریاضت ها عـلا مـــا ت ارقهٔ مذهبی توسط حرکات و (پلاستیزتی) در مجسمه های گنداهارا بخصوص در هده بوجود میاید ، چنانچه میتوان مجسمه های عظیم الجثه اوراق نمبر ۱ × مقابل ستوپه نمبر (۲۱) را مشاهده کرد که از همه‌بزرگتر بوده و در حالت تعلیم یا (در ما چگرا پراوا- رتناموذرا) به اساس قرائن مو جودهٔ صحنهٔ مذکور میباشد . در هر صورت در مجسمه های گلی هده از قرن سوم الی قرن چهارم و بخصوص قر ن پنجم هده تحو لا ت عمیق هنری یونانی به ملا حظه میرسد . و تکنیك هنر دیکو راتیف در مجموع صحنه ها علاوه میشود و صحنه ها ویا شا لوده‌کار هنر مند هر چه بیشتر به زیبائی می گراید و صحنه ها از نظر (پیر سپکتیف) خیلی دقیق و سنجیده با نظر داشت مفهوم مو ضوع بوجود میاید چنانچه که میتوان رواق ماهی ها رابه شمول صحنه های ایکونو گرافی رواق (۷۱) معبد عمومی تپهٔ شتر هده نام‌برد. به نظر به دانشمندان دورهٔ سوم وقرن‌چهارم مجسمه سازی هده ، مخصو صاً در تپهٔ شتر، ارتباط با طریقه (سرواستی وادین داشته بر خلاف قرن دوم و سوم به طریقه (مهیایا نا) یا راه بزرگ ، امور معبد ومراسم مذهبی پیش میرفت. درین صحنه ها معمولا بودا ها نسبتاً بزرگتر بوده و خدا یان دیگری مانند اندرا، بر هما ، یا بعضاء(اولا- توکشیرا وا) به‌حیث معاونین وناظر صحنه قرار می گیرند و حتی به اساس تیپ قیافه و نوعیت البسه این مجسمه ها که‌در قید هنری گریکو - بودیك در آورده شده اند یکی هم سر مجسمه گلی شاید اندرا ؟ است که با تاجی مقبول (لوری‌نی) مزین شده ارتباط مستقیم به صحنه های مختلف حیات بو دا داشته و شاید هم درین رواق مجسمه دیگری که دارای حمیل ای با ترکیب از مجسمه های حیوانات مهیل نه بلکه عجیب الخلقه و تز ینات زیوری است و به حیث رب النوع هندی و یا واجرابانی باشد (؟) آلهٔ مذکور یا و اجرا را با دست راست گرفته و د ر پهلوی چپ بودای مرکزی در بین انبوهی از راهبین قرار دارد و هم یکی از ین مجسمه ها که بطرف راست صحنه در رواق مذ کور جایگزین گردیده (بوپالی) باشد ، تبارز نموده است . دانشمندان پور ژوازی ایـــن چنین صحنه های با اختلاط مذهب بودایی و هنـــر یـو نـا نـی ر ا و سیلـهٔ نز د یکی عناصر اروپا یی (منظور از یونان کلا سیك و روم قدیم و مرز های مدیترانه شمال) و تهذیب آسیایی را (بنام هنر (آور آسیین) میدانند .

دانشمندان جوان کشور مان با پیرو ی از اصل تاریخ تحلیلی وانتقادی قدیم‌کشور مطا لعا تی فراوانی در این زمینه سا لهای تمام انجام داده اند و متکی بر حفاری های چندین دوره در هده بخصوص تپه شتر و سروی های متعدد نقـاط مختلفی کشور بـه این نتیجه خواهند رسید که یو نا نیان قبل از آمدن سکندر در کشور یا بخصو ص در باختر زمین به اساس تبادله های مر بوط به سیستم قدیم داد و ستد اشیاء و عنا صر مورد ضرورت قاره آسیای مر کزی و دنیای او کسیدنت یا مما لك مر بوط به حوزهٔ مد یترانه یی از طریق فارس قدیم وراه کار وانی ، یا مهاجرت نموده بودند و یا توسط تجار به‌حیث بردگان درین خـطه قـابـــل از ورود شاهان یونانی معاوضه میشدند بهر صورت تاثیر پذیری آرت یونانی در مذهب بونانی و یا سایر ادیان جنوب هندو کش وشمال هنـــدوکش نیز قبل ازورود کلتـــور یونانی در عهد یونانیـــان رول عمـــده را داشت ولی با نظر داشت اینکه یو نا نیان وآرتیست های یونانی در واقـع وقتی باحمیر پختهٔ هنری شرق بخصوص هند وگنداهاری سر وکار پیدا نمودند که در پذیرش پدیده های گریك یا یونانی مکاتب هنری موجوده این مرزها تسهیلاتی به بارآورد اوج وتکامل مکتب هنری گندا هارا بخصو ص هده این موضوع رول خیلی عمده را ایفـاء نموده است .

مجسمه نشسته رواق ماهی های مکشوفهٔ تپهٔ اشتر هده شاید رب النوع گـلها .

تحقیقات جدید یکه در این اواخر در هده و نواحی آن صورت گرفت از یکسو ازسوی دیگر آثار مکشو فهٔ سا حات شمال و جنوب شرق کابل مر بوط به سا حهٔ غزنی ، قند قستان کرونولوجی جدیدی را بوجود آورده که برای تفاوت های الده های هنری این سا حه یعنی تپهٔ شتر هده در قرن چها رم - ششم با روش و یا شیوه هنری ساحات دیگر از نظر پروبلم کـرونولوجـــی ودورهٔ های زمامداری سلالهٔ مر بوطبه چنین مشخصات هنری و مذ هبی در صور تبندی اجتماعی آنو- قت صحبتی بعمل آورده خواهد شد . که فعلا درین بحث از آن مساله میگزریم .

درین جاه از صحنـه خیلی باارزش یـاد آور شد که میتوان هنر مندبر جسته وتجربه کار یو نانی را که بادرك کلیه قوانین‌مجسمه سازی یکی از مکاتب یونانی آشنائی داشت معرفی کنیم .

مجسمه نشسته رواق ماهی های تپهٔ شتر هده در زاویه جنوب غربی رواق مذکور که شاید مربوط به‌یکی ازمعتقدین متنفذ یونانی ویا یکی از خدایانی هندی رب النوع طراوت و شادابی یا رب النوع گلها که بعضاء با مقا یسه شیوه هنری (ژنی) هده با هم نزد- یکی دارند و در میان دودست‌گلهای فراوانی دارد تا باورود بودا در میان صحنه و ملاقات با ارواح اهریمن بخصوص (ناگاراجا) درقدوم اش بی افشاند ، ظاهراء با تیپ بکلی یونانی

بقیه در صفحه ۵۶

صحنه نیراتیف مجسمه های بودا وراهبهٔ مکشوفهٔ سه اشتر هده دریکی از رواق های ستوپه های نمبر ۲۰ و ۷۱ .

پیوسته بگذشته

از تاریخ باید آموخت

جوانان آگاه ووطن پرست افغانستان !

هرگاه خواسته باشیم در طی این بحث مختصر تاریخ کشور وبخصوص رشد و سیر فیودالیزم را در افغانستان از ازمنهٔ قدیم تا امروز بصورت مبسوط وهمه جانبه بررسی وتحلیل نماییم در بحر بزرگی بحث وارزیابی غوطه ور خواهیم شد که این صفحهٔ محدود قطعا اجازهٔ آنرا بما نمی دهد . لذا ما برای اینکه با بررسی موجز و مختصر اما علمی تاریخ را بصورت کل وبا استفاده از آن تاریخ کشور رابه صورت اخص تحلیل کنیم مدعا ومقصد ماکه عبارت از آموزش سالم ومترقی جوانان میهن در اطراف تاریخ است تااندازه ای برآورده خواهد شد ، لذا درقدم اول باید دانست که در طول موجودیت بشر وبخصوص بعد از بمیان آمدن خط وکتابت تاریخ چگونه تحریر وتحلیل امروز در دسترس ما گذاشته شده است در تمام دوره های تاریخ از عهد باستان تا آخرین مرحلهٔ نظام بورژوایی (زیرا در سوسیالیزم دیگر تاریخ از شکل یك فن وتاریخ نویسی ازیك حدود یك مشغله برآمده وشکل یك علم وسیع وتحلیلی را بخود گرفته و مورخ یك شاغل عادی نه بلکه یك عالم است) مورخانی بوده اند که می کوشیدند اصل جوهر تاریخ وفلسفه آنرا درك نمایند البته باید دانست که این مورخین از تعداد انگشتان زیادتر نبودند و سایر به اصطلاح تاریخ نویسان مورخ نه بلکه واقعه نگار و تشریح کننده هیروئیسم دربار وطبقات حاکمه بودند وهنوز هم در جوامع طبقاتی هستند تعداد بیشماری از به اصطلاح مورخین که طبق امیال صاحبان سرمایه وقدرت تاریخ را بشکل قلب وغلط در خور مردم می دهند . مورخینی که می خواستند جوهر و فلسفه تاریخ را درك کنند همچنان در صدد آن بودند تا آنرا درست ارزیابی نموده وبمردم تقدیم دارند ولی باید دانست که درین امر هم شرایط زمانی ومکانی خیلی موثر بود . اغلب این مورخین درمقطع های تحول تاریخی جهان بمیان آمدند وبدیگر سخن آنان زادهٔ دگرگونی های بزرگ اقتصادی و اجتماعی وزاده نقطه های عطف تاریخ بودند . در زمره این اشخاص که در صدد کشف جوهر وفلسفه تاریخ بودند می توان از عبدالرحمن ابن خلدون مورخ وجامعه شناس عرب که اصلا از تونس بود وبین سالهای ۱۳۳۲ الی ۱۴۰۵ میلادی می زیست، نام برد. هکذا سوماتسین مورخ وفیلسوف چینایی که بین سالهای ۱۴۵ الی ۸۵ ق.م می زیست ووی دریك مقطع تاریخی خاص یعنی زمانی می زیست که امپراطوری «هان» در چین در اوج قدرت خود بود ومی توان آنرا مرحلهٔ نهایی وپختگی نظام برده داری شمرد . هکذا «پولی بیوس» مورخ روم قدیم که بین سالهای ۲۰۳ الی ۱۲۰ق.م حیات بسر برده واین هم درست زمانی بود که «هلنی» ها بعنوان مقتدرترین دولت منطقه مدیترانه در شرایط نظام برده داری اروپایی قدرت می راندند واین زمان باوجود آنکه عین سالهای حیات سوماتسین بود ولی درغرب این زمان نیز مرحلهٔ اوج قدرت برده گی وپختگی آن بود همچنان درجملهٔ این اشخاص می توان ازیك فیلسوف ومورخ هندی بنام ناگار جونا نام برد وی که بین قرنهای دوم وسوم میلادی در هند می زیست و این درست زمانی بود که آئین بودا در هند به سرعت روبه رشد بود واین آئین که دربطن جامعهٔ بردگی تشکل یافته بود اینك درزمانی که فئودالیزم بحیث یك نظام جوان درهند درحال مسلط شدن بود نیز مردم را بخود می کشانید همچنان تا قبل از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر از فلاسفه و مورخین ارجمندی چون ولتر ۱۷۷۸_۱۶۹۴ نویسنده فرانسوی، مونتسیکو فیلسوف و نویسند فرانسوی ۱۷۵۵_ ۱۶۸۹، سن سیمون نویسنده فرانسوی ، ۱۷۵۵_۱۶۷۵، دیدروعالم وفیلسوف فرانسوی ۱۷۸۴_۱۷۱۳،ژ،ب ویکو فیلسوف ومورخ ایطالوی ۱۷۴۴_۱۶۶۸ وغیره از قرون هجده ونزده نام برد وهکذا میتوان ازعلمای تقریبا معاصر چون آرنولدتوین لی،

بقیه در صفحه ۵۶

قیام مسلحانه مردم کشور برای حصول آزادی، کاخهای امپریالیزم انگیس را به لرزه انداخت

خلق غیور افغانستان که سالیان متمادی بافرهنگی غنی در قلب آسیا، آزاد زیسته هرگز زیرتاثیر اجنبی نرفته ودر هر عصر و زمان، از عهد آریایی های باستان تا امروز **از استقلال ، آزادی حاکمیت ملی وناموس** وطن دفاع نموده و چون سدی استوار و شکست ناپذیر در برابر استعمارگران ایستادگی کرده وبرای مردمان منطقه وجهان درس آزادی وآزادمنشی را داده اند .

در قرن ۱۹ و۲۰ که کشور های امپریالیستی برای گرداندن چرخهای صنعتی شان به نیروی کار ومواد خام احتیاج پیدا نمودند ، **دست تطاول وتجاوز را به کشور های عقب** افتاده دراز نمودند وکشور های مختلف جهان رادر آسیا، افریقا، امریکای لاتین و جزایر **خوردوبزرگ ابحاررا که اهمیت ستراتیژیکی** برای امپریالیزم جهانخوار داشتند یکی بی **دیگر به تصرف خود در آوردند و ملیونها انسان بی بهره از علم ودانش رابزنجیر** کشیدند واز شیره جان و بازوی توانای آنها در اعمار کاخهای اهریمنی امپریالیزم کار گرفتند، در حالیکه خود این کارمندان محروم از ثروتهای طبیعی خویش، در عالمی فقر، ناتوانی، مرض وهزاران بدبختی دیگر بسر می برند.

امپریالیزم انگلیس که در اوج استعمارگری قرارداشت تا آنجا مردمان وکشور های دارای ثروتهای مادی ومعنوی رابه حیطه تصرف خویش درآورد که درقلمرومستعمراتش **آفتاب غروب نمی کرد ثروتهای طبیعی چنین** دنیای بزرگ فقط خوان رنگین کاخ نشینان لندن وهواداران شانرا رنگینتر میساخت و پنجه های بران امپریالیزم انگریز را تیزتر وخونخوارتر می کرد .

امپریالیزم انگریز بعداز آنکه باحیل و نیرنگ رقبای استعمارگرش را از صحنه **برون راند به نیم قاره هند تسلط کامل پیدا** کرد واز آنجا برسرزمین ما تجاوزش راآغاز نمود وطی دو جنگ اول ودوم افغان وانگلیس **مردم قهرمان افغانستان بادادن قربانیهای** بی شمار برپیکر بظاهر فولادین امپریالیزم **انگریز جهان ضربات کوبنده وارد کردندکه** هربار چهره کثیف وناپاك استعمار رابرمردمان منطقه وجهان افشاء ورسوا نمودند .

امیر عبدالرحمن معاهدات شرم آوری را باانگلیس امضاء کرد وکشور آزادگان رابه دشمن سپرد وبدین ترتیب استقلال کشور از بین رفت و هزاران نفر از آزادی خواهان محلی بدست استعمارگران انگریز و دست نشاندگان خونریز شان جام شهادت نوشیدند **که جور وستم استعمار در آن وقت بر مردم** ما، دردی است فراموش ناشدنی ویاد چنین صحنه های رقتبار برای وطنپرستان جانکاه وتحمل ناپذیر است .

مبارزات آزادی خواهی اوج می گیرد و امیرامان الله شاه استعمار شکن جای یك دولت دست نشانده را می گیرد، وطنپرستان دورهم جمع می شوند وعلیه انگلیس اعلام جهاد میدهند که درنتیجه مردان و زنان رزمنده آرین زمین بیرق آزادی رادر قلب آسیا بلند میکنند و کاخهای اهریمنی امپریالیزم انگریز را در تمام قلمرومتصرفاتش بلرزه درمی آورند که نتایج مفید جنگ سوم افغان وانگلیس باعث شورش های آزادی خواهی در هند گردید و این نبرد پیروزمندانه خلق قهرمان افغان زنجیر استعمار ناشکن انگریز را چون تار خامی گسست وراه را برای شکن زنجیرهادرسرتا سرجهان بازوهموار کرد .

بعداز آنکه در سال ۱۲۹۸ استعمارگران انگریزی بدادن بدون قیدو شرط آزادی به ملت افغان تن دادند ، در عقب پرده از وطن ما دست نکشیدند وتوطئه هاودسایس چیدند و زمینه یك اغتشاش عیار را برضد شاه ضد امپریالیزم واستعمار مساعد گردانیدند وچنین حیله ها کردن ودسیسه بکار بردن، رسم کهن امپریالیزم انگلیس بوده واست . در جهان اتحاد شوروی این دوست دیرین ملت افغان ومردمان مستضعف سراسرجهان اولین کشوری بود که استقلال افغانستان را برسمیت شناخت و دوستی دو کشور از همین زمان آغاز گردید وعلی الرغم توطئه ها و دسایس امپریالیزم این پیوند دوستی روز تا روز قوی تر شده رفت وچهره افغانستان با کمك های بدون قید وشرط اتحاد شوروی تغییر کرد . طوریکه گفتیم انگریز ها بعد ازشکست فاحش وچشیدن زهر تلخ رسوایی دست به حیله زدند وبامرتجعین داخلی همدست شده قدرت سیاسی را تحویل دست نشاندگان خود نمودند وبمرور زمان دو باره دست تجاوز امپریالیزم بر ثروتهای مادی و معنوی مادراز شد ولی وطنپرستان این بار بیشتر بیدار شده بودند که با جمع شدن بدور حزب دموکراتیك خلق افغانستان ، انقلاب شکوهمند ثور را به پیروزی رسانیدند وسلطه امپریالیزم را برای همیشه ازین میهن آزاد مردان قطع کردند .

باید گفت که بعداز پیروزی انقلاب ثور نیز امپریالیزم آخرین نیرنگش را بکار برد، ولی آزادی خواهان بابه پیروزی رسانیدن مرحله نوین تکامل انقلاب ثور ، دست تجاوز امپریالیزم رابرای همیشه کوتاه نمودند و قهرمانان به پیروی از نیاکان زنجیر شکن خویش دولت ملی ومردمی ای را تشکیل نمودند .

بقیه در صفحه ۵۶

بقیه درصفحه ٥٦

رسالت جوانان در پروسه تکامل انقلاب

اگر بجامعهٔ دیروزی خویش یعنی دورانیکه تاهنوز آفتاب پر درخشش انقلاب شکوهمند ودور انساز ثور از قله های شامخ‌وسر بفلك کشیدهٔ کشور ما سر بدر نکرده بود واستبداد خشن آل یحیی بیرحمانه وجبارانه بر شهر وده، مردوزن پیر وجوان جامعه ما انواع مظالم را روا می داشت با نظر ژرف وواقع بینانه بنگریم بوضاحت کامل در خواهیم یافت که حکمروایان خو نخوار و جبار وابسته برامپریالیزم جهانخوار امریکا که همه‌داشته های مادی ومعنوی کشور را در قبضهٔ جبر و ستم خویش گرفته بودند سعی می کردند نیروی پرتوان جوانان کشور را نیز درخدمت خود وبدینترتیب در خدمت جهان استعمار و استثمار قرار دهند .

جوانان دورانساز ما در آنزمان در هر طرف خویش محدودیت هایی را احساس میکردند محدودیت بخاطر انجام کار مثبت وفعالانه برای ایجاد یك جامعه فاقد رنج‌والم ومحدودیت بخاطر خاتمه بخشیدن بر سلطه مستبدین، جباران وستمگران .

ولی پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیك ثور که براراده انسان زحمتکش جامعه ما تحقق پذیرفت این همه صحنه های المناك و تراژیدی استبداد جباران ومستکبران را از میان برداشت و یك دگرگونی عمیق بنیادی رابه نفع زحمتکشان کشور وبزیان غارتگران وستمگران ببار آورده در کلیه شئون حیاتی مردم ما اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی فرهنگی وکلتوری تغییرات وتحولات شگرفی رونما گردید و جای آن همه سکوت و ایستایی مرگزا را تحرك وتکاپوفرا گرفت، تحرك برای ایجاد یك جامعه مطلوب‌انسانی.

جوانان این قشر نیرومند، آگاه وپرتوان جامعه که تا دیروز یعنی تاقبل از پیروزی انقلاب دورانساز ثور وبخصوص مرحلهٔ نوین تکاملی آن که با خیزش ظفرمند شش جدی نصیب جامعه ومردم ماگردیده است ما آنکه ازنیروی عظیم فزیکی ودماغی برخورداربودند نمیتوانستند آنرا در راه شگوفانی کشور و ارتقای سطح حیات خود ودیگران بکاربرند وبدین جهت درعالمی از تاثر وتاسف بسر می بردند تاثر بحال مردم رنجدیده وبلاکشیده خود وبخاطر عدم ارتقا وپیمائی های اجتماعی واقتصادی میهن مقدس خویش .

آری ! بهمین جوانان بادرد وبا احساس جامعهٔ ما بودندکه رنجهای بیکران ونیازمندی های مبرم وحیاتی مردم خویش را در مغز واستخوان خود احساس نموده در پهلوی

دتنکی ځوانانو او ځوانانو منحرف کیدل

په ډیرو مواردو کی داسی پیښیږی چی اکثرا ځوانان نشی کولای چی دخپل محیط اودهغه شاوخوا سره په مثبت او معقول ډول توافق او سازش وکړی ځکه نودخپلوفکروهو (هغه ډولجی ټولنه تری غواړی نه کوی) څخه به صحیح توګه کارنه اخلی له ټولنی او دهغه دفعالیتونو څخه ډډه کوی چی پداسی

حال کی ددوی دغه سلوك او رفتار دټولنی دلید څخه ناروا ګڼل کیږی .

دپورتنی ویلو سره سم دهغو ځوانانو او تنکی ځوانانو دغه نه خوښونکی رفتار اوکردار که په موقتی توګه اویا دډیری مودی د پاره ادامه پیدا کړی دمنحرفینو په چوکات کی داخل اوبه پای کی په جلا او بیلا بیلو سرنوشتو باندی اخته کیږی، دغسی منحرفینوته همیشه اوبه هر وخت کی دټولنی دنورو سالمو غړیو له خوا باید توصیه او د ټولنی دمسوولیتونو په بر خه کی لازم هدایتونو ورکړ شی ځکه چی دغه خلا ف رفتاری دټولنی دفرهنګ دقدرت اوتوان څخه خارج نه دی او دټولنی دژوند دبی بندوباریو او اړیکو محصول دی ځکه چی دځوان نسل شخصیت دټولنی داجتماعی ، اقتصادی او فرهنګی پر بنسټ‌بناده ٠ اوهغه تنګی ځوانان چی په فقر ، بیکاری اود ناکامی سره مخامخ دی اوخپل ژوند سر ته رسوی ژرترژره دروحی بحرانونو په ارتکاب اوجرم اوبالاخره جنایت سره لاس په‌ګریوان کیږی مګرټولنه‌ځوانان اوتنکی‌ځوانان‌داجتماعی تطابق اورسوم‌ترفشار لاندی‌نیسی او دټولنی دارزښت په پیروی یی ځانته رابولی اوکه د اختلاف‌په‌صورت دځوانانو اودټولنی تر مینځ‌که داډول وضع شدت پیداکړی نوځوانان‌دټولنی دټولو کړو وړو څخه‌بی بهره شوی او په‌آخره کی دغلو شراب خواره اونورو کو چنی‌جنایتکارانو به‌ډله کی شامل اولا هم په نورو کارنو کی لاس پوری کوی چی پداسی حال کی بیا هم ټولنه ددغه ډول ځوانانو په‌مقابل کی پوره مسوولیت لری ځکه چی ټولنه‌نسبت و نورو مو سمو ته د جر مو نو او جنایا تو په برخه کی پوره او قاطع ډول سره برخه لری پوره باادبو ځوانانو هرکله چی‌دټولنی دخرابو کړو وړو سره مخامخ شی‌ژرپی‌د هغو خرابو او مضرو کار و نو او عملو نو چی په دغه ټولنه کی یی ځای نیولی دی فکر اوری اودهغو دمینځه وړ و لو دپاره هڅه کوی تر څو چی یی نا بود کاندی او که بیا هم د ټو لنی سره په رنګ‌یو شانته کیږی نو هرو مرو دوی هم د هغو په شکل سره اوړی چی پدی تو ګه د مور او پلار ټول هغه کو ښښو نه چی دخپل اولاد په بر خه کی

پاتی په٥٦مخ‌کی

اندیشه‌های جوانان

• انقلاب شکوهمند ثور که به عزم خلق افغانستان در بر انداختن وسر نگونی کاخ ستمگاران ونوکران امپریالیزم موفقانه‌صورت گرفت وتاج وتخت خود خواهان و دشمنان آزادی وطن عزیز را بخاك یکسان نمود یک افتخار بزرگ در تاریخ‌این‌کشور آزاد گان بود که به افتخارات خلق‌غیورو ستمدیده وفداکار ما افزود .

غلام قادر «یحیی»

واقدام غیورانه/ جوانان وطنپرست که در برج جدی ۱۳۵۸ در مقابل خود سری ها و کشتار های بی رحمانه وبر افروختن آتش بیداد وستم وزندانی نمودن هزار ها مردم بیگناه اعم ازروحانیون ، وطنپرستان، پیران وجوانان از طرف امین خون آشام وامینی های همدست آن جلادآدمکش که د رتاریخ وطن مابی سابقه بود ودر اثر عزم دلیرانه مرام اردوی مسلح وطن بکار افتاد وموفقانه یکعده خائینان وجاسوسان ضد انقلاب مارا محو و نابود ساخت که نیز مورد مباهات وافتخارات خلق ما میباشد .

عبدالقدیر«فایق» محصل صنف اول پوهنځی‌علوم اجتماعی رشته ژورنالیزم !

جوانان فعالترین اعضای جامعه اند وآینده کشور مربوط و منوط به کار ایشان واندیشه وتدبیر ایشانست اگر جوامع بشری مد یون زحمت کشی وعرق ریزی جوانان می‌باشدو بسیاری از اجتماعات بشری به تفکر سالم ومثبت جوانان بوده وتفکر مثبت وسالم آنها را برای اعمار بنیاد اقتصادی واجتماعی خود بکار می برند .

مابحیث جوانان روشن فکر افغان وظیفه داریم تا درپرتو درك مسوولیت ملی خویش

عبدالقدیر فایق

مصدر خدمتی گردیم وبکوشیم تا فردای‌وطن عزیز خویش را که بدست ماست از امروز بهتر نماییم

عصریکه ما آن را عصر سیالس و تکنالوژی مینامیم ، عصریست که انسانها توانسته اند بوسیله بنوع واستعداد فکری خویش اسرار طبیعت را بر ملاسازند وعامل که این هارابه معراج ترقی رسانیده عبارت از زحمت ومساعی بی پایان شان است، که موانع ونشواریها را سهل دانسته و بر آنها غالب آمده اند درچنین عصر تمدن وظیفه هر فرد وطن پرست مخصوصا جوانان است که از دل وجان در پیشبرد اجتماع ووطن خویش جدیت بخرج دهند وخدمت به وطن را وظیفه ایمانی ووجدانی خود بدانند.

همچنان د ر جامعه امروزی افغانستان قراریکه مشاهده میکنیم بعضی خرافات و افکار کهنه ای موجود میباشد پس وظیفه جوانان می‌باشد که برانداختن وازبین بردن این خرافات وهمه عوامل که سبب فقر وبدبختی جامعه گردد مبارزه کنند وبتوانند بابجانمودن مسوولیت های‌خویش‌بیک زندگی مرفه ومترقی نایل آیند .

زن و جامعه

زن رکن مهم جا معه بشر ی را میسازد. در طول تاریخ در دهلیزهای پر پیچ و خم تمد ن نقش ز ن بحیث عنصر خلاق ومدنیت ساز روشن و با ارزش بوده و هست . او همچنا نکه گرما بخش زند گی در خانواده هاست و نسل فردا ی جا معه را در آغو ش پر عطو فت خود پرور ش مید هد . در مزار ع و کار گاه ها دوشا دوش مرد کا ر میکند تا سطح تولید اجتماع افزایش یابد خوشبختی و سعاد ت عام گردد و همه در راحت و اسایش بسر برند .

جنبش جها نی زن که بر مبنای خواستها و نیاز های امرو ز ی جامعه بشر ی هر روز گستر ش بیشتر مییابد ارزشمند بود ن مسا عی مشتر ك زن را درعملیه انکشا ف و پیشر فتها ی اقتصاد ی و اجتما عی را اشکار ومتبارز میسازد .در دوران ما که تحو لات عمیق درتما می شئون زندگی جا معه با سر عت رخ مید هد باید عمو م افراد از زن و مرد دوش بدوش هم رسالت عظیم و تاریخی خود را انجا م دهند و چر خ بزرگ تمدن جامعه انسانی را بااستواری و سر عت به پیش برانند زن امروز نقش حساس خودرا در جهد و تلاشها ی همگا نی به منظو راعما ر تمد نی پر شکو هتر به شایستگی میدا ند و از همینجا ست که کوشش میورزد تاتوا نا یی وقدرت آنرا حاصل کند که درین دورا ن و در عصر انبو ه برنا مه ها ی عمرا نی و انکشا فی سهم عمده ای بدوش گیرد تا جا معه خود را به سطح بالاتر ی از تر قی و انکشا ف برساند .

نظر ی به تاریخ تمد ن جا معه انسا نی نشا ن مید هد که زن در هریك از دور ه های تاریخی از نظر مو قعیت اجتما عی و امتیاز ها ی ادار ی و فر هنگی در درجه ها ی مختلفی قرار داشته است . اما آنچه که روشن است آنست که در اکثر دور ه ها زن تحت ادار ه وتسلط مرد بود و این وضع سبب شد ه است که زن نتوانست استعدادهای خود را کا ملا متبارز و شگو فا سازد وانطوریکه خواست خو دش بوده در فعالیت های سیاسی اجتما عی و اقتصاد ی سهم فعا ل بگیرد . د رحالیکه درسپید ه دم تاریخ تمد ن زن پیشا هنگ بود و اوبو د که راز زند گی اجتما عی و مدنی را به مرد آموخت .

نکته جالب آنست که باوجو د همه دشوار ی هاو موانعی که در برابر زن قرار داشت او شخصیت اجتما عی خود را رشد میداد ونقش اساسی و عمد ه خود را در عملیه تولید و انکشا ف اقتصاد فا میلی به درستی وشایستگی ایفا میکرد .

حالا که جوا مع و میلتها ی گوناگو ن تصمیم استوار دارند که باید بر پسما نیها و مشکلا ت اقتصاد ی و اجتما عی پیرو زگردند تا خلا ییکه میا ن کشور های درحال رشد و ملل پیشرفته وجود دارد کا هش یابد زن خود را باوظا یف و مسوو لیتهای مختلف و خطیر ی روبرو می بیند او از یکطر ف علیه رسوم و عنعنه ها ی ناپسند ی که در طول قرنها ی متماد ی مانع اشترا ك مو ثر و فعال زن در مسا یل اجتماعی سیاسی و اقتصاد ی میگردید پیکار میکند تا حقوق ثابت وطبیعی خود رابکر سی بشاند واز آنها استفاده سالم و مطلو ب کند از طرفی دیگر همدوش با مرد در نبرد عظیم علیه عقب مانیهای اقتصادی و اجتما عی می رزمد و در صف مقدم آن قرار دارد .

وظایف دوگا نه زن یعنی مبارز ه در راه حقو ق برابر آن با مرد و مبارزه در راه حل معضلات سیاسی اقتصاد ی و پیشر فت اجتما عی و تسر یع آهنگ ر شد نشانه روشنی از ارزشمند بود ن نقش زن در جا معه امرو ز ی محسو ب میگردد .

در کشور ما با استقرار نظا م جمهور ی سهم زن در ترقی و اعتلای جا معه عمد ه و حسا ستر گردید . از آنجا ییکه تعمیم عدا لت اجتماعی از عد ف های بز ر گ حزب و د و لت انقلا بی ما میباشد لذا با جرئت میتوا ن اظهار داشت که ازین به بعد هیچیك از همو طنا ن ما منجمله زنا ن در محرو میت و یاس قرار نخواهند داشت بلکه تمام امکانات وتسهلاتی که برای تامین معیشت رفا ه مور د نیاز است در استفاد ه همه زنا ن و مردا ن کشور ما قرار میگیرد . دورا ن انزوا و کنار ه بودن ز ن از فعالیتها ی اجتما عی حالا به پایا ن رسیده است گر چه در گذشته نیز زن سهم مساوی در مساعی و تلاش های همگا نی جهت تکا مل و اعتلای جا معه بدش داشت اما با رویداد بزرگ تاریخی هفت ثور این جنبش او ج گرفت و اکنو ن در همه زمینه ها امکانها ی مساو ی برای زنان بوجود آمده است .

زن افغا ن میدا ند که کشور ش در دورا ن مهم تاریخ خود قرا ردارد. را هی به گذشته هاو دور ه ها یکه زن تحت انقیاد قرار داشت و از حقوق و آزاد یها ی مد نی چندا ن بر خوردار نبود سپر ی شد ه است استعداد های ذاتی در اثر فشار هاو محرو میتها انکشا ف نمییا فت و در عملیه انکشا ف میهنی خود سهم عمده نمیتوانست بدوش بگیر د . حالا در برابر زنا ن جا معه مارا هی روشن و پر از ارزو وامید دیده می شود . او آینده درخشا ن کشو ر خود را از همین حالا تابناك می بیند و برای تحقق خواستها و ارمانهای بزرگ ملی یك سلسله و جایب خطیر و عمده را مشا هده می کندکه جهت بر آورده شد ن آنها با عزم استوار و خلل نا پذیر و عشق به مرد م و جا معه جهد و تلا شهای زیاد بخر ج مید هد .

زن امروز در جامعه پویا ومتحول زندگی دارد . شرایط حیا ت رو ز

یك زن در پهلوی ما در بودن یك طبیب مهربان نیز است .

بروز تغییر پیدا میکند وی با ید با این تحو لات همرا ه باشد و همگا م باآنها به پیش حرکت کند.در کشور مازن همسا ن با مرد درروشنا یی ارزشهای مترقی نظام انقلابی ایـــن رسالت بزرگ تاریخی خود را می داند . جنبشس که درزنا ن جا معه ماپدید آمده هرروز او ج میگیر د و مستحکمتر و نیرو مند تر میشو د. هد ف عمده این جنبشس انست تازن

نقشس سازند ه خود را در اعمـــار جا معه نوین و مترقی به درستی و شایستگی انجا م دهد یقین داریم زنان جا معه ما به خو بی ونیکو یی از عهده انجا م این رسالت بدر می آیندودراثر کاروزحمات شباروزی و متداو م آنها قسمت بیشتر مشکلات اقتصاد ی اجتماعی و فرهنگی ما حل میشود .

ترجمهٔ نورمحمد «همتا»

قهرمان اتحادشوروی لیف چینکا ایرینا نیکولا یفنا «۱۹۲۴،۱۹۷۳»

لیف چینکه ایرنیا نیکو لایفنا در شهـــر کادییفك ایالت لوگان بدنیا آمد در جولای سال ۱۹۶۱ کمسمول لیف چنیکا ا.ن. بحیث سرباز وپرستار داوطلبانه عازم جبهۀ جنگ گردید و۱۶۸ سرباز مجروح را از محاصره دشمن نجات داد .

لیف چینکه ا.ن. بحیث مربی وپرستـــار گروپ تانگستان در جبهۀ جنگ ایفاء وظیفه می کرد وبیست تانکست را از مرگ نجات داد تا بالاخره سمت افسری تانك را کمایی کرد

لیف چنیکه ا.ن. بدریافت پانزده جایزه دولتی نایل شد . درماه می ۱۹۶۵ لقب‌قهرمان اتحاد شوروی را کسب کرد بخاطر نجـــات سربازان مجروح از میدان جنگ و نشـــان دادن شجاعت ودلاوری در این عمل از طرف کمیته بین المللـــی صلیب سر خ مـــدال «فلورنیس نایتین گیل» حـــاصـــل نمود . لیف چنیکه ا.ن. بعد از سپری نمودن روزهای دشوار جنگ میهنی‌کبیربحیث یك نویسنده تبارز کرده در تالیفات درباره شخصیت های اتحاد شوروی که باعشق سرشار بوطن بـــه دفاع میهن کبیر خود بر خـــواسته بودنـــد رساله های ارزشمندی نگاشته است.

لیف چنیکه ا.ن. د ر ۱۸ جنـــوری سال ۱۹۷۳ بعد ازیك مریضی طولانی چشم ا ز جهان بست .

خطاب بدختر افغان

ای شاخه گل شکسته تا چند ؟ ای سرو روان نر سته تـــا چند
ای مـــرغ بهشت خسته تـــا چند در کنـــج قفس نشسته تـــا چند
بشکـــن قفس و چمـــن بیـــارای
بی روح تو زندگـــی نیکـــو نیســـت در باغ امید ر نـــگ و بو نیست
هر دل که هـــوای تو در او نیست جا یست کـــه شمـــع آرزو نیست
در قلـــب سیه دلان مکـــن جـــای
معیار تو کـــار و بـــار تو بس اخلاق نیکـــو حصـــار تـــو بس
شـــرع نبـــو ی شعـــار تو بس ایـــن شمـــع بر هگـــذار تو بس
در پرتـــو نور حـــق بـــرون آ ی
تو خفته و کـــاروان روان است مـــرغ سحـــری سرود خوان است
صبح است تو نیز بر شو از جای
بیرون و درون خـــانه از تست ایـــن عـــرصه بیکـــرانـــه از تست
در کنـــج خمـــو ل تـــن نفر سای
از ساحـــل سند تـــا زر افشان یك عا یلـــه یـــك سرای میدان
ای ما د ر د و د مـــا ن افـــغان از اهـــل سـرا مبـــا ش پنهـــان
در خـــا نهٔ خویش چهره بگشای
تـــا چـــند گـــر ه ، گشا شو با ساز ز مـــا نـــه همنـــوا شو
راز دل ر و ز گـــا ر بنمـــا ی
ایـــن کودك شیر خوار معصوم کمـــر و ز بد ست تو چون موم
فردا چـــو شود نتیجه معلـــوم باشی تو به نزد قـــوم محکـــوم
گـــر طفـــل تـــو کج عمی نهد پای
طفل توچو برگ گل لطیف‌است این عنصر پاك بس شریف است
منسوب به ملـــت حنیف اســـت چشـــم و دل ودست اوعفیف است
بـــر طفـــل عـــزیز خود ببخشای
تـــا ر هـــر و راه بیـــن نباشی با اهل و طـــن قـــریـــن نباشی
با جـــا معـــه همنشین نبا شی آگـــاه از آ ن و این نبا شـــی
طفـــل از پی تو چسان نهد پای
علم تو یگـــانه ز یو ر تست ا فکـــا ر تو گنـــج و گوهر تست
عقل تو چو تا ج بر سر تست نـــور رخ تـــو ز جـــوهر تست
ایـــن نور بـــر تگ ها میالایی
دانی که حیا ت نیست جز کـــار بیکـــا ر بقـــا ی تست دشوار
دستیکـــه چو نخـــل میدهد بار حیـــف ا ست بدوش دیگری بار
از ز حمـــت دیگـــران میاسای
ای نخـــل ا مید تا جهـــان بـــاد گـــلهای تو دور از خـــزان بـــاد
افکـــار تـــو تـــازه و جوان بـــاد محکـــوم فضـــا ی آ سما ن بـــاد
هر پنجـــه که نفشـــرد ترا پـــای

به پیشگاه مادر

ای اختر فروزان آسمان نیك بختی ام :

تابش برق آسای تو از نظرم ناپدید شد تو موجود عجیبی بودی هر طر ف میدویدم

ولی از مدار محبت تو بیرون نمی جستم .

مادر توبودی که‌چون خورشیدی‌صفحه مکدر زندگی ام را روشنی می بخشیدی .

شب زنده داری تو بود کـــه خواب نـــاز گهواره ام را پر می کرد .

صدای خوش وپرعطر فتت را نثار موجود بیچارهٔ میکردی .

ستارهٔ این نازها ونعمت ها افول‌کردومـــرا به‌دست نا امیدی ها سپردی.

دست نازنین توبود کـــه شر شك غـــم ویاس رابا دستمال عطوفت مادری از رخسارم پاك می کرد .

ای خورشید فروزان هستی ام :

ای روزنه امیدها وآرزوی هایم . هنو ز موجود ضعیف وناتوان بیش نبودم و در جهان هستی پانگذاشته بودم وهنوز ازبحربی‌کران عشق ومحبت ولطفوصمیمیت توقطرهٔ ننوشیده بودم ودر دریای بی‌کران مهرتو غوطه و ر نشده بودم که تویکباره ازجهان چشم بستی وبا این چشم پوشیدن از جهان مراتنهای، تنها درگرداب یـــاس وناامیدی گـــذاشتی و بی پناهم نمودی .

اکنون که در چنگـــال غم ها اسیرم و پناهگاهی وجود ندارد تا مرا پناه دهدوعشق ومحبتش را نثـــارم کند لهذا به بزرگتر پناهندهٔ جهان رجوع می کنم واز بارگـــاه ایزدی برایت عظمت والوهیت التجاء نموده و طلب مغفرت می کنم .

فرزندت

کاروان حله ... کاروان حله ... کاروان

خدایت آزاد آفرید، آزاد باش !

آزادگی

تا قدرت جنبشی بود تن را
کج ، نزد کسی مساز گردن را
با گرد ریا و ننگ دریوزه
آلوده مساز پاکدامن را
یا قابل زیستن بجو مسکن
یا در دل خاک ساز مسکن را

دخپلواکی سندره

زړی دتورو خاورو ته دلمر رڼا او تودوالی
پسی سر هسك کړ .
دبوټی دګورو پاڼو او تیرواغـزوله منځه غوټی جګه شوه او وموسیدله .
دتورو وریځو له تورتمه یوڅاڅکی دګـل پرمخ وڅڅید .
دبلبل بچوړی د هګـی سپین اوپاخـه دیوالونه مات کړل .
دلومړی ځل دپاره د ګـلوپه ځانګـه کښیناستله دخپلواکی سندره یی وغیوله .
ددی سندری یوه کړی داوه !
دخواری له خاوری سر هسك کړه !
دخپلواکی له لمرنه رڼا واخله !
دژوند له تیرو اغزونه ځان وباسه !
خوله بیرته کړه او وخانده !
هومره وخانده چه دهسك نه دربانـــدی سپینی مرغلری تویی شی اودمینی استاځی ستاپه غولی کښی دخپلواکی سندره ووایی..

ننګرهار ـ د۱۳۳۷ سنبله . ع ـ بختانی

نام ترا می نویسم

ای آزادی !

به روی کتابچه های مکتبم
به روی میز تحریرم وبه روی درخت ها
به روی ریگ وبه روی برف
نام ترا می نویسم .

به روی تمام صفحاتی که خوانده ام
به روی تمام صفحات سفید
به روی سنگ و خون و کاغذ وخاکستر
نام ترا می نویسم .

به روی تصویر های زر فام
به روی سلاح جنگاوران
به روی تاج سروران
نام ترا می نویسم .

به رو ی جنگل هاو صحرای لم یزرع
به‌روی لانه‌هاوبه‌روی گل‌های طا و وسی
به روی انعکاس آواز کود کم
نام ترا می نویسم .

به روی چراغی که روشن می شود
به روی چراغی که خاموش می شود
به روی دسته جمع خانه هایم
نام ترا می نویسم .

به روی میوه یی که از میان بریده اند
به روی آیینه ی اطاقم
به روی بسترم که پوستی خالی بیش نیست
نام ترا می نویسم

به روی شیشه ی راز گاه
به روی لب های بادقت
خیلی بالا تر از خا موشی
نام ترا می نویسم .

به‌روی پنا هگاههای ویران شده ام
به‌روی بر جهای نور افگن سرنگون‌شده‌ام
به روی دیوار های کسانم
نام ترا می نویسم .

به روی غیاب عاری از خواهش و تمنا
به روی انفراد عریان
به روی پله های مر گ
نام ترا می نویسم .

روی طرفه های عوالم شبانگاهی
روی نان سفید روز ها
روی فصول نا مزد شده
نام ترا می نویسم .

روی تمام کهنه پاره های لاجوردی خودم
روی مرداب که آفتابی است پوسیده
روی دریا چه که‌ماهی است زنده
نام ترا می نویسم .

روی مزر عه ها و روی افق
روی بال و پر پرند گان
روی آسیاب سایه ها
نام ترا می نویسم .

روی هردم و وزش شفق
روی دریا و روی کشتی ها
روی کوه دیوانه
نام ترا می نویسم .

روی خزه ی ابر ها
روی عرق تو فان
روی باران تند و بی مزه
نام ترا می نویسم .

روی اشکال فروزنده
روی صخره های الوان
روی حقیقت جسمانی
نام ترا می نویسم .
روی راههای کشاده
روی میدان های پر ازدحام
نام ترا می نویسم .

روی تندرستی باز یافته
روی مخا طرات از میان رفته
روی امید بی خاطرات
نام ترا می نویسم .

وبا نیرو و قدرت یك کلمه
زندگانی را از سر می گیرم
من برای شناختن تو به دنیا آمده ام
برای نامیدن تو
ای آزادی !
ای آزادی !
ای آ، ز، ا، د، ی !

پل الوار

کاروان حله ... کاروان حله ... کاروان حله

چند نکته یی نغز در باب آزادی

• درخت آزادی فقط با خون شهدایش آبیاری میشود
• کسی که آزادی شما را گرفت نان شما را هم می گیرد و بر عکس ...
• آزادی تلاش خرد مندانهٔ آدمی در جستجوی علت حادثه هاست
• آزاد ی هیچ نیست مگر جنبشی که آد می به مدد آن همواره بندی از بند های خود را می گسلد ورهایی می یابد
• چراغ آزادی ، چراغی است کزین خانه بدان خانه برند
• آزادی !
ای مو هبت گرانبها وای گنجینهٔ آسمانی
ای نعمتی که همایون‌تر و خجسته‌تر از تو وجود ندارد
• گر بی بر گی به مرگ ما لد گوشم
آزادی را به بند گی نفروشم
• درده بردگی» است ودر مان «آزادی» .واگر نمیتوا ن آزاد زیست پس مرگ ...
• غالب به هیچکس رحم نمیکند ، چه اگر رحمی بود غالب نبود ، مغلوب نیز اگر خوا ستار آزادیست نا گزیر ازخشونت وبیرحمی‌است
• به من یا آزادی بدهید یا مرگ
• بشری که حق اظهار عقیده و بیان فکرخود رانداشته باشد ،مو جودی زنده محسوب نمی شود
• بندهٔ بیگا نگان بودن زمردن بدتر است
• فقر در آزادی به از غنا در بندگی
• ای روح آزادی ، بر تو درود باد ، برتو درود جاودان باد!

د خپلوا کی ورځ

داخوښی دا خوشحالی چی نن هرګوټ کی لیدل کیږی
دا ځوانان او دغه پیغلی چی خندیږی خوشحالیږی
دا ټول لوی واړه چی خوښ دی دغه‌ورځ‌دخپلواکی ده
زړونه خوښ فکرونه سم دی خوشحالی نه هوسیږی
دغه ورځ راته ګټلی په سرونومو پلرو ده
ددوی قبر باندی‌خلکه نن رحمت دخدای وریږی
دوی په موټی موټی خاوره خپل سرونه دی ورکړی
ځکه نن واوری ملګرو احترام سر ه یادیږی
دوی ګټلی په سروده نن یی موږ نه ده سپارلی
ملتفت شی‌عزیزانو په همت به آبادیږی
موږ اولاد دهغه چایو چی دښمن یی‌در په درکړ
نن راغلی زموږوار دی سترګی موږ لره غړیږی
دایه غرونو هم نه سمه یادګارونه چی لید ی شی
کارنا می مودپلرودی تر ا بد ه نه هیریږی
دوی په توره او میرانه دا وطن راته‌آ ز ا د کړ
نن نو وار دعلم‌اوفن دی چی وطن پری ونانیږی
ای پښتو نه ای تاجکه ای ازبکه‌سره یو شی
اتحاد سره ملګر و سخت کارونه انجامیږی
هزاره که پشه یی وی که هندو دی دا دی واوری
ټول زامن ددی ملت دی ځوک چی دغلته اوسیږی
شاعرغره دپاسه ناست دی‌د و طن کوی سیلونه
ګوری ځوک به داسی‌کس‌وی چی وطن نه قربانیږی

«زمریالی»

سرود آریایی

(آخرین سوار)

ابر آشفتهٔ ارغند سیاه
گشت از قله شمشاد بلند
شام هم پردهٔ تاریك مخوف
به سرا پای سپین غر افگند
باد با طرهٔ آشفتهٔ مو ج
مست می آمد وبازی می کرد
گاه با گیسوی سرو آزاد
بی جهت دست درازی می کرد
دور تر ، رود خروشندهٔ مست
تند ومواج و خروشان و کبود
چون سپاهی همه تن جوشن پوش
پیش می آمد ومی خواند سرود
ظلمت آهسته در آغوش کشید
برج و باروی جلال الدین را (۱)
«سیل» فرمود که تا قفل نهند (۲)
در آن قلعهٔ پولادین را
تا گهان در پی آن شام سیاه
ناله یی از دل صحرا برخاست
«سیل» زان ناله جانکاه حزین
چون سپندی شدو از جابر خاست
دید کز دور سواری پیدا ست
لرز لرزا ن چویکی سایه بر آب
گاه می افتد و گه می خیزد
دست رفته زعنان پا زرکاب
برسر اسب (برابیدن) بود
خسته وزار و نحیف و رنجور
شبح بی روح وی اندر ظلما ت
چون یکی مرده برون جسته ز گور
ظا هر از رگ رگ او لرزهٔ مر گ
چون تذوری که گریزد ز عقاب
دوخته چشم ز خجلت به زمین
«همچو عا صی که کشندش به عذاب»
خواست تا شرح کند قصهٔ خویش
خشك شد لفظ و فرو ماند زراه
(سیل) را دیدن آن منظر شوم
کرد احوال به یکباره تباه
گفت ای وای چه افتاد بگو ؟
در تو آثار جنون می بینم
جامه واسب ترا سر تا پا
سرخ گردید ه بخون می بینم
چشم بگشود (برابیدن) و کرد
منفعل وار براطراف نگاه
گفت کشتند و به خون آغشتند
افسر ورایت و سردارو سپاه
جنگجو یان دلیر افغا ن
شیر مردی و شها مت کردند
بر سر چشم کبودان فرنگ
چه بگو یم ، چه قیامت کردند
چه سپا هی ، چو یکی ابر سیاه
مست و شوریده و تند و سر کش
مرگ می ریخت از آن چون باران
غیظ می جست از آن چون آتش
چشم ، کا نون فروزان از خشم
سینه ، دریای خرو شان از کین
نعره ، چون رعد غریو نده به چرخ
حمله ، چون برق شتا بان به زمین
آب این مرز بود آتش زا
خاك این قوم بود غیرت خیز
کوه با شند گران ، وقت ثبات
باد باشند سبك ، روز ستیز
(سیل) فرمود که شیپور زنند
گرد گردند به یکجا لشکر
بر سر قلعه فرو زند آتش
که شود گمشد گان را رهبر
صبحگاهان چو از این کاخ کبود
افسر مهر نمایان گردید
باز در طارم مینایی چرخ
تخت جمشید زر افشان گردید
(سیل) بر کنگره قلعه نشست
خیره بر دامن صحرا نگریست
دید چو ن نیست ز لشکر اثری
زار بر خویش چو دریا بگریست
چشم خونبار به بالا افکند
دید چیزی ز هوا می آید
مست و مغرور عقابی از دور
به فضا بال گشا می اید
هست در چنگل آن پارچه یی
که از آن پارچه خون می ریزد
گفت این خون دل لشکر ماست
که چنین زارو زبون می ریزد
(سیل) ماتمزده از جا بر خاست
مرغ آزاد ، به کهسار نشست
پرچم حق به فضا گشت بلند
علم ظلم ، نگو نسار شکست

---

(۱) مراد از بارو ی جلال الدین ، قلعه فظا می جلال آباد است که نیرو های انگلیسی در آن مستقر بودند .
(۲) سیل ، نام فرمانده نیرو های انگلیس بود در جنگ اول افغان و انگلیس .

اطفال امروز

چرا اطفال به رژیم محتاج اند؟

به مقصد رشد و نموی سا لم اطفال محیط و شرایط محلی که او در آن زیست دارد و تربیه میشود دارای ارزش و اهمیت بسزایی است .

والدین باید سعی نمایند تا بهترین شرایط صحی را در خانه ایجاد کنند و تقسیم اوقات فعالیت طفل مکتبی راتنظیم نمایند باید باین سخن عقیده راسخ پیدا نمود که اگر شرایط زندگی را در مکتب و لو به بهترین و جهی (نمونه‌یی) هم مهیا گردانیم ودر عین حال در خانواده شرایط ساده ترین حفظ الصحه تا مین شده نتواند مفهومی بدست نیامده و حا صله ای از مکتب بکف نمیرسد .

تمام سیستم های ار گا نیزم انسان تحت تا ثیر جهاز عصبی بصورت هما هنگ ودر عین زمان منظم فعالیت مینماید . مجمو ع فعالیت های آن وحدت حیاتی ار گـانیزم را با محیط خارجی تامین کرده و حوادث‌طبیعی هماهنگی ومنظم بودن آن تاثیر قا بل ملا حظه ای با لای جریان پروسه های ارگا- نیزم انسان وارد می آورد . بدین تر تیب خواب و بیداری در روز و شب تنظیم شده است هضم غذا، تنفس ،فعالیت‌قلب، حرکت وغیره همچنان بالنوبه وهماهنگ صو ر ت پذیر میشود . بد نیست خاطر نشان گردد که تغییر دادن اوضاع مختلفه با سر عت معیین ممکن میگردد که از نقطه نظر خواص خویش بستگی بسن و سال معینی دارد .

همچنین طول مدت خواب درسنین مختلف همانند و یکسان نیست واز هم متفا و ت است . اگر طفل نوزادی برای تجدید قوا و درست فعا لیت نمودن ار گا نیزم خویش در یك شبا نه روز ۲۳ سا عت میخوا بد و برای خوردن غذایش ٦-۷ مر تبه بیدار میشود جوان نو با لغ پس از آنکه ۱۵-۱٦ سا عت بیدار میماند ۸-۹ سا عت بخواب میرود هم چنان هم آهنگ و منظم بودن صرف غذای شان که در و قنه های معین صورت میگیرد.

ریتم یا آهنگ شدیدی را پیاده گردی حایز است کـه‌در آن بصورت گـاه یـکـی و زمانی هم گروپی ازعضله های دیگر فعالیت مینما یند .

تنفس و فعالیت های دوران خو ن نیز تحت آهـنگ معینی ،نفس فرو بـردن و نفس کشیدن انجام میشود بدین ترتیب تمام‌پروسه های فز یو لو ژیکی در ا ر گا نیزم ، نظم ثابتی‌دارندا ین خاصیت‌چه‌بصورت علیحده‌علیحده و چه بصورت مجمو عی توام با محیط خار جی یکسان است. لذا رژیم روز انعکاس معین رژیم پرو سه های فز یو لو ژیکی است که در ارگانیزم انسان جریان دارد.

تقسیم اوقات روز مره ار گا نیزم پروسه های حیات را که در هر روز تکرار میشود پیش بینی میکند که در قشر مغز طفل فعالیت های مبتذل قالبی ومشخص راتکرار مینماید تقو یه (فعالیت های دینا میکی قالبی) کم ترین قسمت فعا لیت های عصبی را میسازد بدین تر تیب گذار جریان ها و پرو سه های عصبی در قشر مغز انسان سهو لیت‌پیدا میکند .

فعا لیت ها و کار های تعلیمی ودر سی اطفال و نو با لغان اساساً عبارت از فعا لیت های دما غی است که تو سط حجرات بزرگ مغز انسان انجام میشود . در نتیجه انجام دادن کار های زیاد در طول یك زمان واحد و معین خستگی رو نما میگردد یعنی قابلیت فعالیت حجرات وسلول هاوبالنتیجه تـمام ارگانیزم تقـلیل پیدا مینماید وبالا خـره خستگی حجرات قشر مغز انسان را بار مـی آورد .

بنا بر آن باید بخاطر داشت که هر نوع قا بلیت کار و فعالیت اطفال در اثر هـر گونه عکس ا لعمل سوء سقوط مینما ید و این امر مقا یسه بزر گسا لان خیلی هـا حساس تر است . در جهٔ خستگی آنها نظر به فعالیت های روز مره به بزرگان تناسب معکوس دارد . هر قدر که طفل خورد تر باشد به همان پیمانه در جهٔ خستگی و ذلگی او بیشتر است و بر عکس .

فشار زیاد از حد ، علیم مو جودیت نوبت در کار های دما غی و استرا حت طفل ، کار های فزیکی و هوا خوری آنها کمبود زمان خواب .. فقط و فقط خستگی بیشتر و بیشتر را به طفل مکتبی بار می آورد . اطفال ترسو بار آمده زود رنج میشوند گریه رو و ناز نالهٔ شده بدرس خواندن علاقه نمیگیرند خستگی هـای از حدزیـاد دماغی که‌بصورت سیستما تیك با لای طفل وارد میشود شاید به‌ضعف کلی ارگـانیـزم منجر شود و بسی از امراض رو حی را بار آورد .

و بدین ترتیب تنظیم بخشیدن دقیق رژیم طفل مکتبی از همان روز های نخست زندگی مکتب رفتنش یکی از شرایط عمده ، بحساب میرود که این مو ضوع نه تنها در امور خوب درس خواندن او کمك میکند بلکه رشد فزیکی وجسمی او را نیز طور دلـخواه

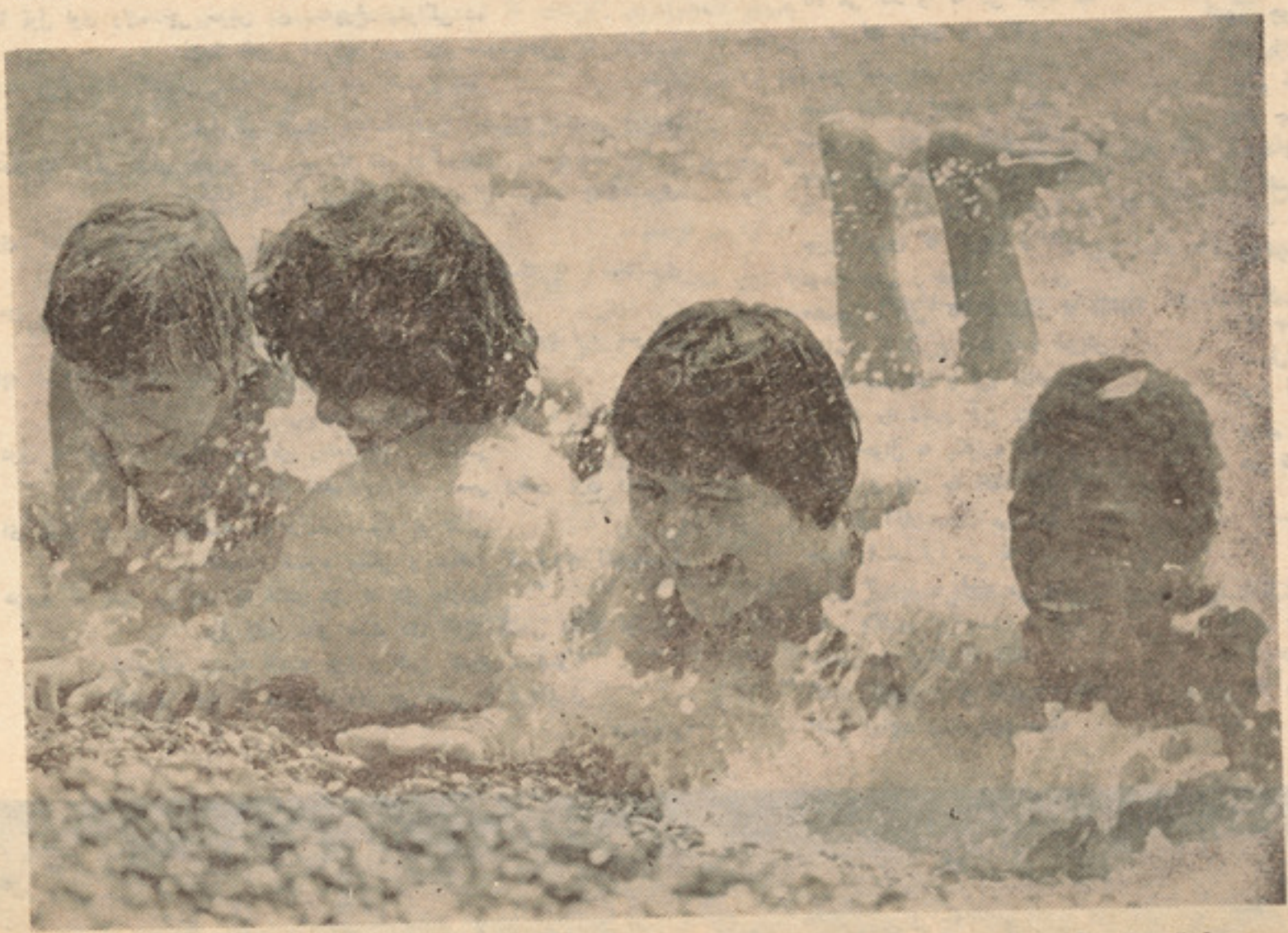

آبیازی ازسر گرمی های دلچسپ اطفـال‌است ووالدین محترم تلاش می ورزند تا این‌مصروفیت رابرای آنها تامین نمایند .

میسر میگرداند . باید زمان بیداری و خواب طفل به صورت د قیق تعیین شود زمان ناشتا و نان چاشت و شب ، وقت حاضر سا ختن کار های خانگی وهمچنان زمان گشت وگذار طفل در هوای آزاد باید درست تنظیم شود.

خا صتا نکته قابل اهمیت درین جاست که تمام عنا صر رژیم در یك زمان واحد عملی گردد این عمل ایجاد بعضی از شرایط انعکاسات عصبی را سهو لت میبخشد . چو نکه هر مر حله ریتم و یا آهنگ روز مـره محصول علایم اشاراتیست که قبلا ایجاد شده است . از ین لحاظ است که اطفال مکتبی درا ثنای رعایت رژیم روز سریعتر به کـار علاقمند میشوند به مو فقیت کار های خا نگی را اجرا میکنند زود بخواب میروند و خود را شاد مان و بیدار حس مینما یند .

تطبیق کلیه هدا یت رژیم که بصورت درست عملی شود ایجاد خستگی را پیش بینی نموده و جلو آنرا میگیرد .

اثر گذاشتن سیستماتیك بالای ارگا نیزم طفل که تحت نظم و ترتیب معینی در امور کار ، استراحت ، تغذیه ژیمنا ستیك آبدیده کردن آنها و قرار دادن شان به اندازه کافی در هوای آزاد صورت گیرد . قدر ت کار و زحمت کشی مقاومت وجود اطفال را در برابر انواع مختلف امراض ، بیشتر سا خته شرایط نموی بهتر ار گا نیزم آنها را آماده میسازد.

پرو فیسور ستودی نیکین عضو اکادمـی علوم شوروی میگوید:

«رعایت رژیم روز باید برای طفل یك امر طبیعی و عادی گردد که بعد ها این امر از عادت به احتیاج تعدیل شود » .

سواد در آگاهی از روش های مراقبت‌های‌صحی برای افراد ارزش فراوان دارد

طفل شامل صنف اول میشود

طفل شما هفت سال زندگی اش را پشت سر گذاشت . اکنون وقت آن رسیده که شا مل صنف اول شود . این حادثه چـه شاد مانی ، هیجان و در عین زمان احسا س مسو ولیت را برای فر د فرد خانواده نا خود همراه دارد . شا مل شدن بـه صنف اول نخستـین وبزرگتریـن فشار یست که‌بر طفل حمل میشود وبرای برداشتن این کـار باید طفل آمادگی داشته باشد .

برای طفل اکنون تمام شرایط زندگـی عوض شده است : محیط ، معا لبات ،رفتار ورژیم هر کدام شکل دیگری به خودمیگیرد.از همین لحـظه یـك طـفل خـورد و بیچاره به یك طفل مکتبی تغییر می یابد که از خود مسوو لیت هایی دارد . و ظایفی در برابرش قرار میگیرد و هیجا ناتـی او را احا طه می نماید . آمادگی درست و پیش بینی شده ، سیستما تیك و خوب طفل را در دا خل شدن به این مر حلهٔ جدید ، مر حله زندگی نو مکتبی کمك می کندتا بر مشکلات فایق آید . البته این مشکلات در روز های اول زندگی جدید حتماً رو نما شد نیست .

صحتمند بودن طفل خیلـی دارای ار زش است . طبیعی است که تمام اطفال قبل از آنکه شا مل مکتب شو ند بصو رت حتمی معا ینات صحی همه جا نبه را می گذرانند چك میشوند . معمولا معا ینات صحی یـك سال قبل از داخل شدن طفل به مکتب آغاز می یابد زیرا در ین مدت طفل که شا مل مکتب می شود باید از نقطهٔ نظر طبی وصحی آماده گردد .

در اطفا لی که سن و سال شان از هفت کمتر است بعضی از امراض مزمن مشاهده میشود و همچنان از نگاه رشد جسمی و یا نقصان کلام که ممکن است والدین به آن متو جه نشده باشند در اطفال بنظر میرسد . این تغییرات در صحت وسلامت طـفل‌مستلزم تداوی مستدام است برای آنکه تدابیر لازمهٔ صحی دارای مو ثر یت قابل ملا حظه باشد باید خانواده نظر دقت خود را بدان معطوف گرداند .

قبل از آنکه طفل شامل مکتب شود بهتر است که ایام تابستان ، زمستان رابخوبـی راحت باشد . معا ینات در ست طبی ارگان ها و جهاز های مختلف، و جود طفل سبب می شود که جلو بعضی از امراض در طفل‌گرفته شود. دقت زیادی درمعاینـهٔ چشم طفـل مبذول میگردد . در صورت لزوم عینك توصیه میشود . باید استفاده از عینك توسط طـفل بصو رت حتمی زیر نظر گر فته شود . در مورد تغییرات سمعی طفل تـان باید دکـتور مکتب را مطلع سازید و یا درین مورد با معلم مر بوط داخل تماس شوید که محل مناسبی رادر صنف برای طفل‌تان تثبیت‌کند. سالم بودن گوش و گلو و بینی طفل هم دارای اهمیـت است . وقتی به طبیب‌طفل‌تان را نشان دادید باید غده ها (لوزتین) را که یکی از علل آنچین بوده و نفس کشیدن را مشکل سا خته سر دردی آورده و ... هر چه زود تر دور سازید . این امراض سلامت طفل را اخلال می کند و سبب میشود که اکثراء درس را ترك گو یند که این امر حداکثر در مو فقیت های درسی او اثر می گذارد.

اطفال نه‌تنها به رشد جسمی احتیاج دارندبلکه به‌انکشاف ذهنی نیز محتاجند

عفونت دندانها :

دندا نهای بد بو منبع دایمی عفونت هاست . شستن دهن و دندا نها و موا ظبت کلی از دهان یعنی ، تداوی ویا کشیدن دندا نهای نا سالم بصورت عمومی مقام ارزنده ای را درامور اخذ تدابیر صحی طفل که بـه مکتب جدیداء شا مل میشود ، حا یز می باشد . هیچ جای شك و تردید نیست که به تداوی دندا نها عطف تو جه هر چه بیشتر مبذول گردد. فراموش نباید کردکه تـدا وی دندا نها به وقت و زمان آن نقصی ندارد .

در پهلوی این فعا لیت ها دکتور ، متخصص یك سلسله معا ینات د یگر جهاز عصبی صورت میگیرد تقویهٔ درست کلام در طـفـل معا ینه و کنترول میشود هر گو نه نادرست تلفظ کردن کلمات ، الکن بودن ، و غیره معاشرت طفل رابامعلمین وهمسالان طفل‌مختل ومشکل میسازد. او از حرف زدنش میشر مد کمتر جرات به حرف زدن میکند ودر نتیجه در دروس خود کمتر علاقمند میشود . تمام این ها سبب میگردد تا بالای جهاز عصبی او تاثیرات منفی نفوذ کند واز نا حیه روان شناسی کمتر رشد یا فته به مر یضی های گو نا گون مبتلا گردد .

وقتیکه گفتار طفل دقیق و فصیح نباشد ، اگر زبانش بند بیفتد ویا کدام نقص دیگری در او هویدا گردد در شعبهٔ مخصوص (لو-گوپیدی) مرا جعه میشود و هر گو نه نواقص که از ین نا حیه وجود داشته باشد مرفوع می گردد.

نظر به هدایت دکتور معالج طفل را قبل از آنکه شا مل مکتب شود از نگاه داشتن کرم معده باید تحت تداوی قرار داد .موجودیت اقسام مختلف کرم ها شاید طفل را به مر یضی های شکم دردی ، تهوع و بد حالی، بی اشتهائی ، سر چر خی و غیره مبتلاسازد و وجود همچو امراض دلیل داشتن کرم‌باشد. اکثراء بملا حظه رسیده که کرم های معده سبب کم خونی وبعضی امـراض دیگـر شده است .

لطفاً ورق بزنید
صفحه۳۳

نواقصی که در ابتدا ظهور مینماید ، کجی یا خمی پشت ، انحنا لیت ستون فقرات و غیره ممکن است در شعب مختلفهٔ طبابت‌قبل از شا مل شدن طفل به مکتب تداوی شود .

دکتور های شعبات مذکور تمر ینات مخصوص ورزشی را به طفل تو صیه می‌کنند که طفل باید بصورت سیستما تیك آنرا در منزل انجام دهد .

درین حالت ضرور است که بصورت‌مستدام طفل به آن تمرینات که در رشد جسمی او حایز ارزش است بپردازد .

برای آنکه طفل را از بعضی امراض مکر- وبی در امان نگهداری نما ییم لازم می افتد تا بار دیگر واکسین های ضد دیفتری ، توبر کلوز ، کولرا ، سیاه سرفه و غیره‌را دراو تزریق کنیم زیرا این امراض بـــرای اطفال خیلی ها مهلك شمرده میشود .

تمام اطلا عات در مـــورد صحت طفل، مریضی ها ونتایج معاینات در کارت مخصوص باید رسانیده شود تا طبیب مکتب با اخذ کارت مذکور در مورد طفل جدید ،لشمول‌به مکتب اطلا عات کافی بدست داشته باشد .

بر والدین است هدا یات و تو صیه های دکتور مکتب را جدی تلقی نمایند وآنچه در مورد صحت طفل شان میگو ید با جدیت برمنصه‌اجرا قرار دهند هیات مدرسه‌سعـــی و جدیت بیشتری را از طفل مطا لبه می کند.

والدین در امور مستقل شدن طفل نقش عمده ای ایفا میکنند آنها قادر اند به طفل خود بیا موزند که چگو نه و ظایف و کار های خانگی مکتب را خود ش بدون کمك او آماده گردانند وعلاقمندی اوراجلب‌کنندکه‌آنهاهر کاری را به شوق خود و با دست های خود انجام دهند و اشتبا هات خود را خود شان پیدا کرده در رفع آن اقدام کنند .والدین‌توا- نائی آنرا دارند که مشوره های نیکی به‌طفل شان بد هند .

قبل از همه لازم است تا والدین «رژیم‌روز» درستی برای اطفال شان تر تیب دهند و به شدت رعایت آنرا کنترول کنند . اگر در خانواده نظم درستی حکمفـر ماست‌که خـواهی نخواهی اجرا می شود در آنحال طفل هم به آن عادت میکند، انضباط ودسپلین معـــقول، حس مسوو لیت و با سر شته بودن در او تقویت می یابد .

بد نیست که ۱-۲ ماه قبل از شروع‌درس به طفل تان بیدار شدن از خواب را ساعت (۷) صبح عادت دهید . این عمل او را در روز های بعدی که باید بطرف مکتب روان شود عادت میدهد . درین حالت باید فراموش نکنید که در رژیم روز او از طرف صبح ژیمنا ستیك را که به صحت وسلا مت او مفید باشد بگنجانـــید. تمرینات ورزشی را بهتر است باگرفتـن دوش (غسل) ختـــم نما ئید .

پس از غسل باقدیـــفه وجود طفل خشك شود و قدری مساژ داده شود .

باید طفل را قبل از آنکه به سن و سال مکتب برسد بصورت‌سیستما تیك غسل‌کردن صبح و عصر را یاد بدهید و شستن گردن و گو شها را به او بیا مو زید و عادت بدهید شستن دستها رابا صابون قبل از بخـــواب رفتن و بعد از آنکه از خواب بیدر شد . بعد از آنکه از مکتب آمد و حینیکه از هوا خوری و تفریح باز میگردد پس از رفتن به مستراح ، بعد از هر نوع بازی و قبل از صرف غذا طفل‌باید دست هـــایش را بـــا صا بون بشو ید واین عمل را باید عادت‌کند

موا ظبت از ناخن ها خیلی با اهمیت است و باید در هر هفته لا اقل یکبار گرفته شود. زیرا در زیر ناخنها کثافات زیادی جمع شده می تواند طفل باید روی پاك مخصوص بخودش داشته باشد ، دستپاك‌او علیحده بوده وبرای پاك کردن پای قدیفه مخصوص خودش داشته برس دندان و شانه سر او مورداستفاده هیچ کس دیگر قرار نگیرد با قیچی و یا نا خن گیری که ناخن های او گر فته می شود فقطبایدبه او متعلق باشد زیرا از طریق آنها بسی امراض انتقال می نماید .

طفل باید بداند که دندا نها یش را به چه نحوی درست پاك کند : برس را بصورت عمودی از بالا به پائین حرکت بدهد واز چپ به‌راست چه‌قسمت پیشروی دنـدا نهـــا و چه قسمت عقبی آنها باید برس شود .

فراموش نباید کرد که دندا نهای آسیاب والاشگی طفـــل خـــوب شسته شود وبعداز آن چند بار آبکش شده و بقا یای غذا در بین آنها قطعا باقی نباید بماند. تـــو صیه میشود که دندا نها توسط آب جوش همه و قته پس از صرف غذا آبکش شود . شستن دندا نها توسط پودر و یا کریم دندان در یکروز چندین مر تبه کار درستی نیست . این عمل شاید سبب از بین رفتن مینای‌دندان وخرابی بیره های دندان شود. ایـــن کا ررا بهتر است در شبانه روز یکبار ، صبح و یا باعصر ، انجام داد .

اطفال در زمستان هفتهٔ یکمر تبه باید غسل کنند ودر تا بستان هفته ای چند بار از همین اکنون به طفل تان عادت بدهید که قبل از خواب پاهایش رابشو یـــد این کـــا ر را مخصوصاً در ایام گرم سال انـــجام‌دهـــد بیش از همه جلو عرق کردن گر فته شود. برای آنکه از عرق جلو گیری بعمل آید درست نیست که‌جراب های دبل را بپا نمود. آنها را باید زود زود تبدیل نما ئید پوشیدن پای پوش های رابری هم مجاز نیست .

موا ظبت ازمو های اطفال دقت زیادی می خواهد مو ها ئیکه چر بی آن بیشتر است باید در هر هفته یکبار شسته شود درین حالت باید از صابون های اطفـال ا ستفاده بعمل آید . بعضی او قات شستن موی آنها با صا بون های لوکس معمو لی نیز مجاز است . مو های خشك که چربی نداشتـه باشند معمو لا در هر ۱۰-۱۴ روز یك مر تبه

بقیه درصفحه۵۲

سپورت ضامن صحت وسلامت اطفال است

ژغورندوی

دمترقی قوتونو پیوستون او یووالی به دتل لپاره زمونږ له انقلاب سره ملگری وی

نن په سیمی او نړی کی دامپریالیستی او ارتجاعی قوتونو او دهغو دجیره خورو ، اجنټانو او نورو تالی ځټو کوم چی دخپلو بادارانو د گټو دلاس ته راوړو په لاره کی هلی ځلی کوی دماتی او ځنکدن وروستی شیبی دی ۰

که دنړی پیښو او حالاتونه نظر واچوو دابه راته په ډاگه شی چی دامریکی خونړی امپریالیزم سپینه ماڼی د بر تانیی استعمارچیان او د چین پراختیا غوښتونکی چی یووخت یی خلکوته دخدمت تیگه په سینه ډبوله دمترقی قوتونو ، خوانو انقلابونو او دکارگری طبقی دمخکښ گوند ونو پرضد په یونامقدس اتحاد کی سره راټول شوی دی او دخوا نو انقلابونو اومترقی کتلو پر ضد یی سره اونه اعلام شوی جگړه شروع کړیده ۰ امپریالیستی واکدارانو دخپلو ارتجاعی ور خپا ڼو ، مجلو اونورو نشریو مخونه او پاڼی په دروغو ډ کی کړی او دپر وپاگنډوسخت بازاریی تود کړیدی دبی بی سی درواغجنه راډیو ، دآلمان اوامریکی غږراډیوگانی ددرواغواوپروپاگنډونه پرته بل پروگرام نه لری

دامپریالیستی شبکو دغه راډیو گانی زیار باسی ترڅو په خوانو انقلابونو تور و لگوی اوسره جگړه لاپسی گړندی کړی ۰ راځی چی دنړی له حالاتونه ځان خبر کړواو وگوروچی امپریالیستان او دچین شئونیستان زمونږ او ستاسو په آرامه سیاره کی څه کړکیچونه اولانجی پیښوی او څرنگه د تسلیحاتی مسابقو چټکی پروسی ته پکی وهی، که منځنی ختیځ ته سفر وکړو او که لیری ختیځ ته ، که نږدی ختیځ ته لاړشو اوکه داسیا جنوب شرقی سیمی ته ، که دفارس خلیج ته لاړشو اوکه دهند سمندرته، که دجنوبی افریقی له پیښونه ځان خبر کړو اوکه دعربی نړی له پیښونه، که دویتنام اوکمبودیا حالاتونه نظرواچوواوکه دنیکاراگوا نویواځی اویواځی به دامریکی دخو نړی امپریالیزم ،برتانوی استعمار چیانو ، دچین دپراختیا غوښتونکو او نورو ارتجاعی ډلووران کاری ، وژنی او دبیگناه غیر پوځی خلکو دوینو لښتی او رودونه به یوبل پسی زمونږ مخی ته راشی ـ نن مونږ ونیوچی دامریکایی او چینایی جیره خوروپه لاس دنړی په گوټ گوټ کی هره ورځ په زرهاو تنه وژل کیږی ،دپوهی او مدنیت ځایونه ددی وران کارو ډلوپه لاس په کنډ ورلو بدلیږی او په سلهاو رنگه نور غیر انسانی اعمال ددوی په لاس تر سره کیږی

دامریکی امپریالیزم لاپخوا داپلان درلوده چی دچین دپراختیا غوښتونکوسره یو ځای په سیمه کی ناآرامی ، گډوډی وژنی ، ټکونی اونور غیر انسانی اعمال تر سره کړی مگر دثور انقلاب نوی پړاو اودایران وروستی پیښی دهغو لپاره یوه بهانه شوه او نن په همدی پلمه زمونږ دانقلابی دولت ، حکومت او خلکو پر ضدیی سره او نه اعلام شوی جگړه شروع کړیده ـ دوران کارو ، غلو ، لاری وهونکو اوسړی وژ ونکو په غاړوکی ماشین گڼ خوړند کړی،جیبونه یی ورته له ډالرو او کالدار و ډک کړی اوددوی په لاس زمونږ دباندو ، کلیو، ښارونو اوقریو بیگناه خلک ، واړه ماشومان ، میندی ، پیغلی اوخوانان وژنی، کارگروته گواښ کوی چی کارته مه ځی، بزگروته گواښ کوی چی خمکی مه کړی اوددولت مامورینو ته گواښ کو ی چی دولتی اداروته مه ځی ، لاری ورانوی ، پلونه په امریکایی اوچینایی بمونو الوزوی، د موټر و کارو انونه دوسلو په زور دروی اود سپرلی والاوو جیبونه په اصطلاح تالاشی کوی۰ پیسی یی تری اخلی او په لس هاورنگه نور ربړونه اوزجرونه هم ورکوی۰

اوس زمونږ خلکو دغه وران کاری ډلی ښی وپیژندی اوپوه شول چی دوی داسلام پلویان نه دی، داسلام اوزمو نږ دخلکوسخت دښمنان دی۰ دثور دانقلاب دنوی پړاو په لومړی وختونوکی دامریکی امپریالیزم ددغو وران کارو ډلو پواسطه زمونږ دانقلابی حکومت، گو ند اودولت پرضد دکفر تهمتو نه لگول مگر د غه وسله هم دهغو په درد دوا نشوه ځکه زمونږ خلکو دخپل انقلابی گوند اودولت گړنی اواعمال دانقلاب په هنداره کی ولیدل او پوه شول چی دامریکی امپریالیزم اودچین پراختیا غوښتونکی داسلام پلویان نه دی بلکی دافغانستان دخاوری دتمامیت ، انقلاب اوخلکو دښمنان دی. دثور انقلاب نوی پړاو لکه چی دانقلاب مسیر یی دهغه په اصلی تگ لوری برابر کړی او زمونږ خلک یی دجلاد امین او امینی باند له منگولو نه وژغورل نوهمداسی به دانقلاب ارمانونه دبری وروستی پولی ته ورسوی ۰ زمونږ واحد مخکښ گوند، انقلابی دولت ، حکومت او خلک دثور دانقلاب دنوی پړاو په انقلابی گامونواو پروسوکی یواځی نه دی ۰ دستر ومترقی قوتونو، دآسیا، افریقا، لاتینی امریکا دآزادی بخښونکو نهضتونو،مترقی گوند ونو اوساز مانونو پیوستون او یووالی ورسره دی او وی به ۰

حق راځی او باطل له منځه وړی ، حقیقت هر چیری بری ترلاسه کوی،باطل دحق په وړاندی ځان نه لری ،دثور انقلاب نوی پړاو لکه دلمر په شان دحقایقو او واقعیتونو خزانه ده اودغه حقایق دانقلاب په هنداره کی یوپربل پسی وبریښیدل او نور به هم پسی وبریښیږی .

دنړی ټول مترقی اوکارگری انقلابونه دارتجاعی ډلوله توطئو اودسیسو سره مخامخ شوی دی ۰

اومونږ په نړی کی دداسی انقلاب مثال نه شوراوړی چی دامپریالیزم او استعمار او دوران کارو ډلو له وران کاریو سره مخامخ شوی نه وی ۰

دامریکی امپریالیزم اودچین پراختیا غوښتونکی په گډ ه سره یواځی زمونږ دانقلاب پر ضدنه بلکی دنړی دټولو مترقی انقلابونو پر ضدیی همداسی توطئی رامنځ ته کړیدی ۰

په ټایلند کی تروریستان دسی۰ آی۰ ای په مرسته روزل کیږی اونیکاراگوادځوان انقلابی دولت دخپه کولو په غرض هلته لیږدول کیږی۰دویتنام دسوسیالیستی جمهوریت سرحدی سیمو اوایالتونو کی هم همداسی پروسی روانی دی۰ دکیوبا ساحلی سیمی هم دجنگی بیړ یو په مرسته ترتهدیدلاندی نیول کیږی، دکمبودیا دانقلاب پرضد همداسی تو طئی او دوران کارو ډلو وژنی روانی دی ـ دکوریا پر ضدهم پوځی لمسونی دوام لری،په زیمبابی ، سلوادور اودجنوبی افریقی په زیاترو هیواد و نو کی دسپینی ماڼی دناوړه سیاست چلول اوددی هیواد ونو په کورنیوچاروکی لاس وهنی دوام لری . دفارس خلیج او دهند سمندر دسیمی دتهدید اوگواښ په غرض له امریکایی او چینا یی وسلو څخه ډک شو ـ دهند په شمالی سیموکی هم دتجزیه غوښتونکو ملاتړکوی، له اسراییلیانو اودمصر له واکدار انو څخه هم دعربی نړی دتهدید په غرض کار اخلی ۰

اوهمدا حقایق اوټکی دی چی دسپینی ماڼی پیکنگ برتانیوی استعمار چیانو دسا دات او اسرائیلو په ملاتړ نړی واله سوله او امنیت دخطر سره مخامخ کړیدی .

زمونږ دانقلاب ترشا داسی یوستر مترقی اوبشر دوسته قدرت ولاړ دی چی له کارنامو یی تاریخونه ډک دی ، هغه مترقی قدرت چی زمونږ دوړی سیاری دآرامی ، سولی او امنیت لپاره قربانی ورکوی،هغه ستر سوله خوښوونکی قدرت چی خپل شل میلونه وگړی یی دسولی او اجتماعی پرمختگ په لاره کی قربان کړل، هغه سوله خو ښوونکی قدرت چی دنړی په تاریخ کی یی خو ځله امپریالیستانو ، استعمار چیانو اوجگړه بازانوته ماته ورکړیده اونن به هم دغه جگړه ماران دپخوا په شان بیاناکام شی او ناکام دی ۰ اوس زمونږ دانقلاب او خاوری دتمامیت ضد ډلی دشوروی اتحاد دپوځی قطعاتو شته والی پلمه نیسی اوغواړی چی په دی بهانه اوبه خړی کړی اودوی پکښی خپل کبان ونیسی دشوروی اتحاد پوځی قطعی زمونږ دخاوری د تمامیت ساتو نکی دی او نن زمونږ خلک دخپل سرپه سترگو وینی چی شوروی اوه لس کلن او شپاړس کلن ځلمیان له هغو سره یوځای دانقلاب او خاوری دتمامیت ددفاع په سنگرونوکی ولاړی دی او دوران کارو ډلو،غلو، لاری وهونکو اوسړی وژونکو اعمالو ته غاښ ماتوونکی خواب ورکوی ۰ دشوروی اتحاد دغه پوځی مرسته به دتل لپاره زمونږ له انقلاب سره ملگری وی وران کاری ډلی به دخپلو ناوړو هلو ځلو ښکارشی ـ دنړی والو احتجاجونه به نورهم دسپینی ماڼی دواکدارانو پرضد راوپاریږی تاریخ به دهغو په کړنونورهم قضاوت وکړی ، زمونږ انقلاب به دخپل بری وروستی جامونه په سرو اړوی او زموږ دهیواد انقلابی بیرغ به دتل لپاره دمترقی اوسوله خو ښوونکو هیوادونو دبیر غونو په کتارکی رپانده وی ۰

از شگفتی های رنگ رنگ جهان

آیا انسان می تواند دندان های جدید بکشد؟

دندان های خوب واقعا نشان وعلامهٔ زندگی بهتر است با وجودیکه بعضی هـا نسبت احساس ناگوار ماشین برمه واحتمالا (بعدا) تعویض دندانهای اصلی شان به دندان های مصنوعی سرباز می زنند .

آیا ممکن است کـه درجای دندان های افتاده دندانهای جدید را رویاند ؟

محققین در داغستان قفقاز در زمینه کار های موفقانه یی را انجام داده‌اند ضمنا آنها یك طریقه پیوند را باز کرده اند که بحیث مادهٔ دندانی (یك نسج استخوان که بیـك حباب مملو از مواد دلمه مانند کـه مثـل یك دندان معمولی نارمل انکشاف میکند ، شباهت دارد) شناخته شده است .

پروفیسر مقصود وف آمر شعبه تحقیـق ضمن تشریح طریقهٔ مذکور اظهار میداردکه این روش یك پدیدهٔ جدیدنبوده بلکه سابقه تجارب پیوند دندان تاقرن ۱۹ میرسد . این حقیقت است که در مورد پیوند دندان‌آنوقت عیوب ونواقص متعدد وجود داشته است مگر پیشرفت علوم طبی ـ بیالوجیکی موفقیت‌های بیشتری را ر زمینه نوید میدهد .

«این رشتهٔ تحقیقات در داغستان ده سال قبل شروع گردید . زمانیکه ما تجارب‌پیوند دندان را (بارعایت درست اصول آن) شروع کردیم به چنان مشکلاتی مواجه شدیم که درزمینه پیوند، قلب وگرده وجـود دارد . بهر صورت دندانها با اعصـاب وشرائین مربوطهٔ شان زنده بوده وعناصر مستقل‌جسم آدمی محسوب می شوند . این یك امرطبیعی است که جسم بصورت منظم جهت پذیرش دندانهای پیوندی آماده نیست ما این تجارب را بالای سگها انجام دادیم البته مایهٔدندانی رااز توله سگ گرفته ودرین تجربه بکـار بردیم نخستین تجربه نشان داد کـه عملیهٔ پیوند آینده مواد اساسی دندانی را منحل ساخت .

اینجا سوالی ایجاد میگردد که : پس چه راهی برای از میان برداشتن این ناسازگاری وجود دارد ؟

ما طرق مختلفی را جستجو کردیم کـه نتایج بهتر بدست آمـد طور مثا ل طریقهٔ منجمد کردن مایه دندانی در عمق توسـط نایتروجن مایع نتیجه قناعت بخش بدسـت داد .

بسیاری تحقیقات نشان داده است که‌پیوند مایه دندانی (نسج‌نموکننده) نسبت به کشیدن یك دندان ناسالم آسان تروساده ترمیباشد. اساسا چنین پیوند ها به اشخاص مریض (درهر سن وسالی که باشند) می تواندکمك خوبی باشد بهر صورت، اولین مریضان ما اشخاص نسبتا خـورد سـا ل بـودند . این پیوند‌درقالب های حاوی سه یاچهار دانه مواد مخصوص دندان انجام داده شد .

آزمایشات که توسط اشعه ایکس سه‌ماه بعداز عملیات انجام داده شد نشان داد که جوانه هابرشد خود شروع نموده بودند طرف چهار یا پنج ماه عملیه جابجا شدن دندان به پایان رسید ودر یکسال دندان ها دارای ریشه شدند .

چطورعملیه پیوند دندان صورت میگیرد؟

نخست باید تذکر داده شود که دندانهای شیری (هرشخص دارای بیست دندان شیری می باشد) ظرف مدت دو سال می برآیـد بعدا آنها می افتند وبتدریج جای خودرا به دندان های اصلی یا دایمی خالی می کنند این عملیه درسن هژده سالگی خاتمه‌میابد

اکنون عملیه نسبتا جدید وساده یی ایجاد گردیده است که درطی دو سال حتی برای اشخاص مسن می توان دندانهای دایمـی و طبیعی (توسط عملیه پیوند طبیعی دندان) را نمو وانکشاف داد .

ماپیوند دندان رابرای دوازده مریضی که آنها حتی از زمان تولد شان هم هیچ دندان نداشتند ویا کسانی بودند که دندانهای خود را در اثر مریضی های شدید از دست داده بودندانجام‌دادیم‌این موضوع‌خیلی‌دارای اهمیت است که در عملیات جراحی مذکور هیچ خطری متوجه مریضان نگردید .

اگر جسم مریض این دندانهای خارجی (پیوندی) را رد میکرد (حساسیت میداشت) مایه دندانی یا خمیرهٔ دندان تجزیه می شد ونتیجه مطلوب ازآن بدست آمده نمـی ـ توانست . در صورتیکه ایجاب کند عملیه جراحی می تواند تکرار انجام یابد ضمنـا هیچیك از مریضان ما مقابل این عملیـه پیوند ناسازگاری نشان نداند .

نتایج چنین عملیه ها امیدوارکننده میباشند.

در آخر باید گفته شود که این میتود پیوند دندان مقصودوف بحیث یك اختـراع در کمیته دولتی اختراعات واکتشافات شورای وزیران اتحاد شوروی ثبت گردیده ست .

تلویزیون رنگه در تارموی انسان

ادوارد گزاریای مکروموناتوریست سکنه یریوال مرکز ارمنستان از لا س انجـلس پارسلی را به ضمیمه فوتو های البرت‌انشتین دریافت نمود ، مرسل آن داکتر او توستین ساینتست امریکایی از و ی خواهش نموده بود که مجسمه استادش را در سوراخ یـك سوزن بسازد .

مجسمهٔ چارلی چاپلین درسوراخ سوزن

اگرچه شاید باور نکنید مگر واقعیت‌دارد که چند سال قبل ادوارد گزاریان مجسمه چارلی چپلن را در یك دانه بوره فلز جاداده بود وآنرا در اضلاع متحده امریکا به نمایش گذاشته بود . این مکروموناتوریست توجـه داکتر ستین راکه رفیق چندین ساله اش بود بخود جلب نمود . وقتی ساینتست موصوف به کمـك مکـروسکـوپ یـك تلـویزیـون رنگه را در تارموی انسان مشاهده کرد از تعجب نزدیك بود شاخ بکشد . در پردهٔ این تلویزیون رقص امریکایی نشان داده شده بود . نخست گزاریان این کارنامه را بـا سایر پارچه هایش تماما ذریعه اشکال‌متحرك ذره بینی در تابستان سال ۱۹۷۵ درموزیـم بولیتخنیك مسکو به نمایش گذارده بـود ، ولی قناعتش رافراهم نکرد وبسوی مرموزیت سویه بلندتری قدم برداشت . این صنعتکار ماهر به منظور تزکیه نمودن آرت مکرو ـ تخنیکش در صدد ترتیب یك سلسله تصنیف هایی برآمد که هرکدام دارای چندین‌اشکال متحرك وحتی نمایشات دراماتیکی بود .

چندی قبل کـزاریان مرابه محل اقامتش دعوت نمود، کاری راکه چند سال قبل آغاز کرده بود تکمیل نموده بود . چیزیکه‌دیدم واقعا فریبنده بود . اوقیانوسی بود که کشتی درآن لنگر انداخته وآفتاب قرمزی برفرازآن در حال غروب بود درعین زمان در ساحل آن

یك نبرد شدید بنظر می رسید چارلی‌چپلن که عصای معروفش را در اهتزاز داشت بـا دسته‌یی ازدزدان دریایی‌که همه مسلح بودند در جدال بود) یك تمساح، مار وچند بوزینه به کومك او شتافته بودند .

همچنان‌ذریعه یك‌ذره‌بین‌قوی‌حرکات یك‌رقاصه راکه گروه سه نفری نوازندگان محلی او را همراهی میکردند مشاهده نمودم . در جـای دیگر چهرهٔ یك دختری را تماشا کردم که باندازهٔ یك هشتصدم حصه یك دانه بوره بود وبوضاحت دیده می شد .

ازوی پرسیدم که «آیاچگونه این اشکال ذره بینی را در چنین یك کانسرت مکمل تمثیل می کنید ؟

خنده کرد وگفت : «این یك رمزمخصوصی بخودش است» . بازهم اصرار ورزیدم تا بدانم درین طرح ریزی چه چیز دخیل است؟ تاجاییکه برایم مکشوف گردید ، حقیقت امر چنین بود که کزاریان بالای یك سطحیکه بفاصله بیست سانتی متری آن یك ذره بین قرار داشت یك موتور کوچك برقی را گذاشته بود ، وقتی موتور را سوچ میکرد یك ساحه مقناطیسی را بوجود می‌آورد که در اثرآن اشکال ذره بینی بحرکت می افتیدند .

کزاریان فطرتا یك استعداد فوق العاده دارد . وی یك ویلونست تعلیمیافته فنی است وشانزده ساله بود که نخستین وایلنش را ساخت واکنون این وایلن سازماهر در شهر یریوان سترادیواری شهرت بسزایی کسب کرده است .

در سال ۱۹۷۷ تصمیم گرفت که وایلن شش سیمه بزرگ نوع قدیمی ومتروك معروف به «ویولایمپوسا» را که یکنفراستاد جرمنی بنام هافمین طراح آن بود دو باره بوجود آرد . اما نواختن این ویلن بزرگ خالی از اشکال نبود . بعدها این آله جزء محتویات موزیم قرار گرفت .

این استاد ماهر وقتی بجهان مکروتخنیك داخل می شود چهره‌اش را با نقاب گاز (ململ مخصوص) می پوشاند تا نگذاردنفس در کارش مداخله کند . این افسون گر چیز های بوجود آورده که بچشم دیده نمی شوند در باره مجسمه انشتین نامبرده اظهار نمود: «میخواهم آنرا در سر یك تار موی انسان قرار دهم تادر سوراخ سوزن . این مجسمه قیافهٔ انشتین رادر حال تدریس نشان خواهد داد .»

(ترجمه صدیقی)

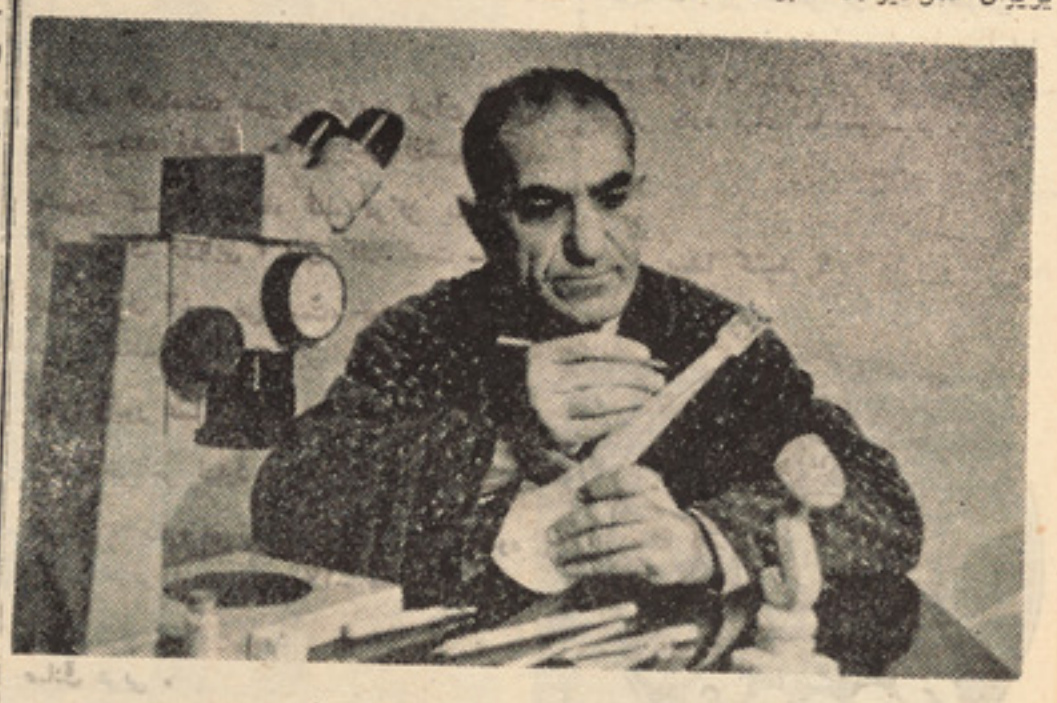

کزاریان هنگام کار هنری اش دیده می‌شود .

دتوریالی ویسا ژباړه

په‌تیاره کښی لیدنه

د پیریو پیریو را هیسی یو شمیر پوهان په دی هیله وه چه داسی یوه اله منځ ته راوړی چی په تیاره کښی تصویرو نه واخلی لکه چی یو المانی جنرال په دغه آرزو وه چی د یوه داسی ماشین خاوند شی څو په تیاره کښی ددښمن تصویرونه واخستلای شی او دهغه په اساس د جنګ نقشی جوړی کړی همدغه راز یو امریکائی ساینس پوه دداسی یوه ماشین غوښتنه کوی چه په تیاره کښی تصویرو نه واخستلای شی تر څو د هوائی او ځمکنی اسرارو په کشف کښی کار ځینی واخلی .

دغه ډول مشابه هیلی او ارزو گانی دبیلو بیلو علمی څانګو د پوهانو سره موجودی وی ساینس پوهانو پر ځینو تصویر اخستونکی ماشینونو چی د کامری په نامه یادیږی تحقیق او تجربی کړی دی . کامری دجسامت له پلوه تو پیر لری ځینی لوی او ځینی ئی ډیری کوچنی وی ځینی داستعمال له نقطه نظره ډیر ساده مګر ځینی ئی نسبتاء پیچلی ساختمانو نه لری ، خو هیڅ یوه کامره په تیاره کښی د تصویر اخیستلو قدرت نه لری دا ځکه چی کامری په تیاره کښی د تصویر اخیستلو د پاره رو ښنائی ته اړتیا لری ، دغه ډول تصویر اخستل دفوټوګراف په نامه یاد یږی .

نهه سوه کاله پخوا دمخه یوعربی پوه الحازین دلومړی ځل له پاره دننی کامری اساس تشریح کړ، پنځه سوه‌کاله دمخه یوه ایټالوی پوه‌ګیام‌باټیستاډیلاپورټولومړنی کامره پدی ډول اختراع کړه :

دای کوچنی سوری د بی د تړلی صندوق پریوه اړخ باندی د سی د تصویر سر چپه تصویر د صندوق په دننه کښی د ډی دتصویر په نامه جوړوی .

د نوموړی پوه تر اختراع وروسته د کامری مختلف ډولونه جوړی شوی خو د هغه سره هیڅ یوه یی و نه شوای کړای چی په تاریکه کښی دی تصویر واخیستلای شی .

د اکس وړانګه یو ډول روښنائی ده چی په ستر ګونه لیدل کیږی مګر دانسان بدن ته دا خلیدای شی او هم د ډیرو نورو شیانو څخه تیر ید لای شی ، کله چی نو موړی وړانګه یوه ژوندی بدن ته دا خله شی هډو کی زړه او د بدن نور غړی د هغوی دسیوری په شان ښکاره کوی . هغه وخت چی داکس وړانګه دکوم شی په لورچی غواړو تصویر ئی ترلاسه کړو واچول شی دنوموړی شی تصویر د سیوری په څیر پر هغه کاغذ چی مخ ته‌یی پروت دی لویږی اوبالاخره تصویر ئی جوړیږی . خو سره له هغه هم نوموړی تصویر روښانه نه‌وی اودمخکنی تعریف له مخی فوټوګراف تصویر و نه نه بلل کیږی . ساینس پوهانو د تصویر ود جوړیدو په هکله د اکس پروړانګه خپل پرله پسی تجربو او تحقیقو ته دوام ورکړ سره له هغه هم بریالی نه شول تر څو په پوره تیاره کښی د نو موړی وړانګی په استعمال تصویر جوړ کړی داکس دوړانګی څخه د تصویر اخیستلو په لړ کی د ساینس پوهانو یو بل مشکل داو چی دوی باید په لیری او نژدی فاصلو کی تصویر و نه واخلی خود اکس وړانګه یوازی د نژادی شیانو تصویر و نه اخلی او په لیری فاصلو کښی د شیانو د تصویر اخیستلو قدرت نه لری . پدی برخه کښی دریډیشن په نامه انرژی د ساینس پوهانو د مخا مخ شوی مشکل د حل په لار کښی لازمه مرسته کوی .

ریډیشن هغه انرژی ده چی په سترګونه لیدل کیږی او د حرارت په شکل د شیانو څخه خارجیږی . نوموړی انرژی د ډیرپخوا وختو څخه تر مطالعی لاندی و دا ثابته شوی ده چی دغه انرژی د فلزاتو ، ډبرو، یخی ټوټی ، دانسان بدن او داسی نورو اجسامو څخه خارجیږی .

هغه کسانو چی غوښتل په تیاره کښی شیان‌ووینی‌پرذکرشوی‌انرژی باندی تحقیقات شروع کړل‌چی‌هغه‌جملی‌نه یودپوهنتون‌ساینس پوه ډونالډاچ‌انډروزوو. نوموړی دنورو پوهانو په څیر پو هیدی چی د ماشین په واسطه کولای شی هغه شیان چی په نسبتاء لیری فاصله کښی واقع دی ووینی . دا ډول ماشینونه بر قی ساختمانو نه لری‌که په‌تیاره کی استعمال شی هغه وړانګی چی د هغه مخ ته پروت جسم ته راځی ثبت اوساتی .

انډروز په خپل تجربوی لابراتوار کښی داسی ماشین چی ددغه ډول لیدنه‌ئی دبولو- میټر په نامه اختراع کړ . نو موړی ماشین په تیاره کی د شیانو څخه د خارج شوو - وړانګو په ذریعه د پنځو فټو څخه تر پنځلس میله واټن پوری د شیانو لیدل ممکن کړه . بولو میټر چی په‌تیاره کښی دلید لو لاسینس قدرت لری ټول شیان لکه موټر، اورګاډی، کور، خلك اونور په ډیر ساده ډول سره وینی . دبولومیټر انکشاف دهغو کسانودپاره چی په دی لټه کښی وه داسی کامری کشف کړی څو وکولای شی په تورو اواوتیارو شپو کښی مطلوب شیان ووینی ډیر دامیدنه خالی نه وو خو دهغه سره سره بولومیټر هغه ډول کامره چی دوی یی په لټه کښی وه نه وه .

دمخکنیو مطالعاتو دواقعیتونو په ډنا کښی دونو رو ساینس پوهانو دپاول اوربی اووالټر- بیرډ په نامه په تیاره کښی ددید په هکله دهغه‌څخه‌دانرژی دمنبع په‌حیث استفاده وکړه نوموړوخپل هدف ته درسیدو په غرض یولړ اوږدی پرله پسی تجربی اجرا کړی خو بالاخره بریالی شول چی د (۱۹۵۶) کال دفبروری دمیاشتی په پنځلسمه نیټه ښاغلی بیرډ او دهغه مرستیال یوه نوی لاره غوره کړه چی دبرښنا او وړانګوپه نه موجودیت یعنی په یوه بشپړه تاریکه کښی انسان ددوه سوه یارډه اوکوردیوه میل په فاصله دفوتوګراف په شکل ووینی . دغه لاره دایوا- پوروګراف په‌نامه چی مخففیی (ای،وی،ای) دی یاده شوه .

(ای،وی،ای) داستعمال دنقطه‌نظره دکامری سره زیات شباهت لری خو کوم څه چی دکامری اوهغه ساختمان سره بیلوی په‌لاندی ډول دی :

۱- دکامری څخه داستفادی په وخت کښی روښنایی نه اړتیا شته خو د (ای،وی،ای) داستعمال په وخت کښی د انفرریډ ریډیشن انرژی څخه چی مخکښی تشریح شوه استفاده کیږی .

۲- (ای، وی، ای) په غوړه طبقه لرونکی سطحه تصویرونه تشکیلوی، خو د کامری داستعمال په صورت کښی د غوړی طبقی د موجودیت ضرورت نه محسوسیږی لاندنی شکل دایوپوروګراف یوه لمسونه ده .

نوموړی شکل ښی چی (ای،وی،ای)څرنګه کولای شښی یوموټر چی زیات سرعت لری بیاهم ځینی برخی یی کتونکی لیدلای شی. که شکل ته په غورو ګورو په لومړی درجه دموټر ټیرونه ، دماشین شاوخواوی اووروسته بیا ځینی نوری برخی معلومیږی د دی علت دادی چی دموټر ټیرونه دزیات سرعت په لرلو سره ډیر تودیږی، ځکه نوپه شکل کی نظرونو روبرخوته روښان او ځلانده ښکاری .دموټر ټیرونه او نوری هغه برخی چی نسبتا روښانه ښکاری دسره نه پورته وړانګی انفر ریدریز د (ای ، وی ، ای) په لور صادروی . بالاخره (ای، وی، ای) د نوموړووړانګو تر انعکاس وروسته مطلوب تصویر جوړوی .

پورتنی شکل او مثال د (ای ، وی،ای) دکار اوتصویر داخیستلو په هکله به شاید تاسو ته څه معلومات حاصل شوی وی . اوس به د (ای،وی،ای) داصل ساختمان په باب هم څه وږغیږو .

(ای،وی،ای) دیوه کوچنی صندوق په‌منځ کښی پروت دی پدی ډول که دصندوق اړخونه لیری کړو هغه به په واضح ډول ولیدلای‌شو. دسره نه‌پورته وړانګی‌انفرریدریز دکوچنی ښیښی کړکی له لاری صندوق ته نتوزی، دځینو ظریفو اولطیفو ساختمانونو څخه تر تیریدلو وروسته دننه ته رسیږی او دهغه غوړی سطحی سره ټکر کوی کوم چی دنوموړی ساختمان په داخل کښی مو قعیت لری . ترتصادم نه وروسته که دوړانګوقوت اوسرعت زیات وی داخلی غوړه طبقه ډیرژر وچه اوتودوی ، برعکس که دوړانګوقوت او سرعت لږوی دنوموړی غوړی طبقی دوچیدواو

پاتی په۵۷مخ کی

سرگرمی ها و مسابقات

جدول کلمات متقاطع

افقی :

۱ـ پایتخت کشور عربی، زیبائی، آرامی، قرض ـ۲ـ خانوادهٔ عربی، نجات است، باآن ازدردنجات میابند ، سمبول کم وزنی ـ۳ـ نیمه نیست، ردیف سند، ناچار ـ٤ـ یار و مددگـــار ، رهبر پرولتاریای جهان، تجارت می کند ـ٥ـ گنهکار، تکراریك حرف، اگر منظم شود روشنی پشتو است، بدر نیست ـ ٦ـ در کشتارگاه پادشاهان پیشین بجوئید، امروز د یگر رسوخ ندارد ، مـــرغی است شوم، ازآن طرف گله میشود ـ۷ـ اورا سر چه‌کنیدقبول دارم (پشتو)، نوعی ازحبوبات، قربان، چیز ـ۸ـ نوعی از نوشابه ها، عاجز کردن، جای پنهان ـ۹ـ نوعی از موزیك مدرن است، به تن مرده گویند، بیك نقطه قیل میشود، شتر پشتو ـ۱۰ـ محبس خارجـــی، سرافگنده، به انسان میگویند ـ۱۱ـ از آن طرف کم است، هرکس دارد، تکرار یـك حرف، تکراریك حرف، تکـراریك حرف ـ ۱۲ـ ازآن طرف آسمان عربی، زنبور دارد، بداست، مرتکب آن مجرم است ـ۱۳ـ عالمی که در باره سیارات نظـریات خوبی دارد ، دراشعارپاپروانه یکجا است، بلد، درستکار ـ ۱٤ـ سرگروپ خارجی، خود سینما، بـدون یك حرف نوعی فلزاست ـ۱٥ـ از شیرساخته میشود، دنیا را گویند ، سبزی پشتو ـ۱٦ـ ماده نیست، با اضافه کردن حرفی آخر هر کار است، بدون حرف اول یکی ازولسوالی های کشورما، کج بحثی‌کردن ـ۱۷ـ صاحب آن مریض است، آنجای پشتو، ازآن میشود هم سنیووهم سونی ساخت، صبح صادق‌عربی.

عمودی :

۱ـ دندان فیل، نصف نام یکی از مکاتب نسوان کابل، نام نو ستاره است، بت ـ۲ـ قلب است، تکراریك حرف ، نوعی ازپوشاکه ها، تکرار یك حرف ـ۳ـ آلهٔ حربی که در سابق معمول بـود، جای دکمه ، درست ـ ٤ـ سابق به پادشاه می گفتند، مکتبی بنام آن داریم ، ازآن طرف کمیاب است ـ٥ـ ازنزدیکی حاصل می شود ، ضد گرم، دامن پشتو، صف ـ٦ـ قربان پشتو، قدم، مرد ها دارند، تیل است ـ۷ـ خودم، باآفتابه‌می‌آید، نام، درعربی‌آفتاب‌راگویند، نوعی ازطیاره ها ـ ۸ـ درآن غذا می پزند، سرش را قطع سازید تامنسوب به عدن گردد، سال دو بار می آید ـ ۹ـ عضوی از اعضـــای بدن ، پادشاهـــان میداشتند، نوعی از جلای مو است، جـــوی است ـ۱۰ـ قرض ، مذهبی است دراسلام، یکی از سه اسمی که فلم آن مشهوراست ـ ۱۱ـ قبول نکردن، صاف وپاك وخالص، بـم نیست، پت، درباسکتبال فول است ـ۱۲ـ از آنطرف لاغاست، مهربان عربی، درآن لباس می شویند، زهردار ـ۱۳ـ یکی ازشهر های مشهور کشور عزیزما، ثنا، مرکز یکی از کشور های اروپایی ، مثل کارد است ـ۱٤ـ بدون حرف آخرمرض است، خودداراد است، صبر کننده ـ۱٥ـ دریایی است در عراق ، برای زنبور عسل درکار است ، راه کلان ـ ۱٦ـ آخرآخر ندارد ، یکی از خوانندگـان ایرانی ، یکی از کشورهای عربی، با علاوه کردن حرفی فلج میشودـ۱۷ـ سمت پراگنده ازآن طرف پیرل میشود ، عاشق غذا، صبح صادق عربی .

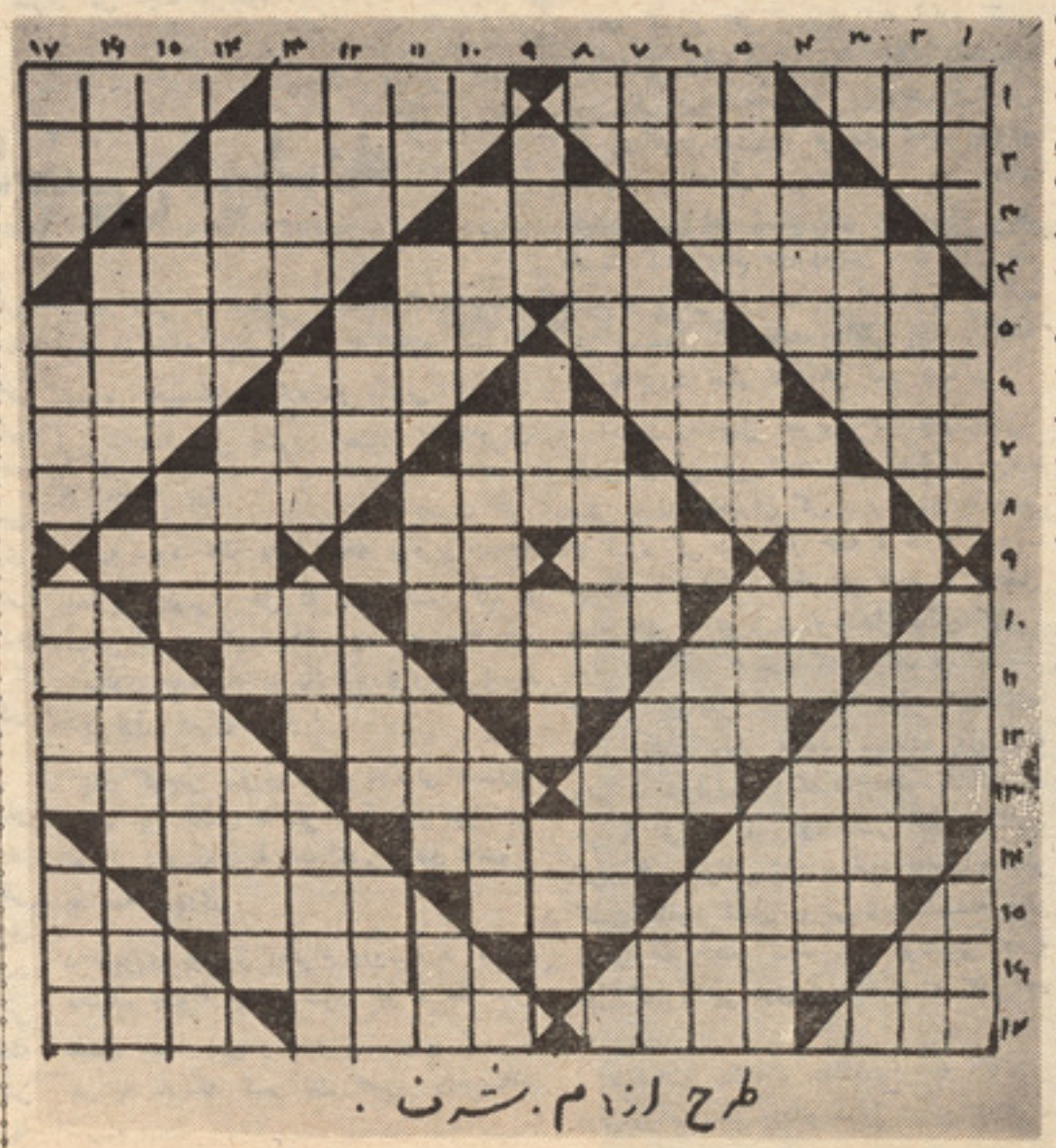

طرح از ا.م. شرف .

این شاعر کیست ؟

این بزرگترین از بزرگترین شـــاعران دری زبان است که در تمام شرق شهرت دارد اگربااشعاراین شاعر بزرگ آشنائی دارید و یاز روی پورتریت اسم او را پیدا نما یید اسم او را با یکی از آثار او که شهـرت جهانی دارد برای ما بنویسید .

پیدا کنید ؟

درین کلیشه دوایر کوچك دارای اعداد وبیضوی ها دارای حروف الفبا میباشند حالا شما بترتیب عقربه ساعت طـوری حرکت نمایید کـه بعد ازبیست وچهار ساعت یك ضرب المثل دری را پیدا نمایید وهم‌فراموش نکنید که جمع اعداد را نیزبه آ ن ضمیمه سازید .

مربوط به کدام قرن ؟

برای ا ینکه از تاریخچه ریکشای اطفال بدانید مایك عکس ازین ریکشا های اولیه را چاپ نمودیم که بعد ازآن ریکشا ها روز بروز متکامل گردیده تا اینکه امروز بمدرن ترین طریقه ساخته میشود فقط برای مـا بنویسید این ریکشا مربوط کـدام قـر ن است ؟

این ستاره کیست ؟

این ستاره سینمای غرب یکی از مشهورترین ستارگان میباشد پدرش هنری فوندا است اودر فلم قفس عشق باآلن دولن یکجا کار نموده است ما تنها اسم اورا ازشمامیخواهیم که بااسم خودویك قطعه فوتوی خویش ارسال دارید .

این خواننده کیست ؟

اویکی از خوانندگان پرآوازه ایست که شاید صدایش را از رادیو وتلویزیون کشور ماشنیده باشید . خوب اگر با چهره او آشنایی داشته باشید اولا اسم اورا ثانیا کشورش راوثالثا بنویسیدکه او برای اجرای کنسرت بکشور ما چه وقت آمده بود . جواب را بایك قطعه فوتوی خویش برای ما ارسال دارید .

جدول کلمات متقاطع

افقی :

۱ـ۲ـ نام قدیمی تخار، پیلوتی راگویند،۳ـ۴ مبارزه ـ۵ـ اسم مؤنث، وکیل مشرانو جرگه رامی گفتند ـ۶ـ بایك حرف اضافی نام دریایی است در جنوب کشور ـ۷ـ۸ـ همچشمی، سخن چینی ـ۹ـ۱۰ـ «رفیق درد»در پښتو، بخش (انگلیسی) ـ۱۱ـ۱۲ـ ازکوه های مشهور کشور، رفیق ـ۱۳ـ۱۴ ازجواهرقیمت بها ـ۱۵ـ واحد انرژی، گپ زدن ـ ۱۶ـ کتاب مشهور مارکس ـ۱۷ـ۱۸ـ منسوب به نورستان ، تبعیض نژادی .

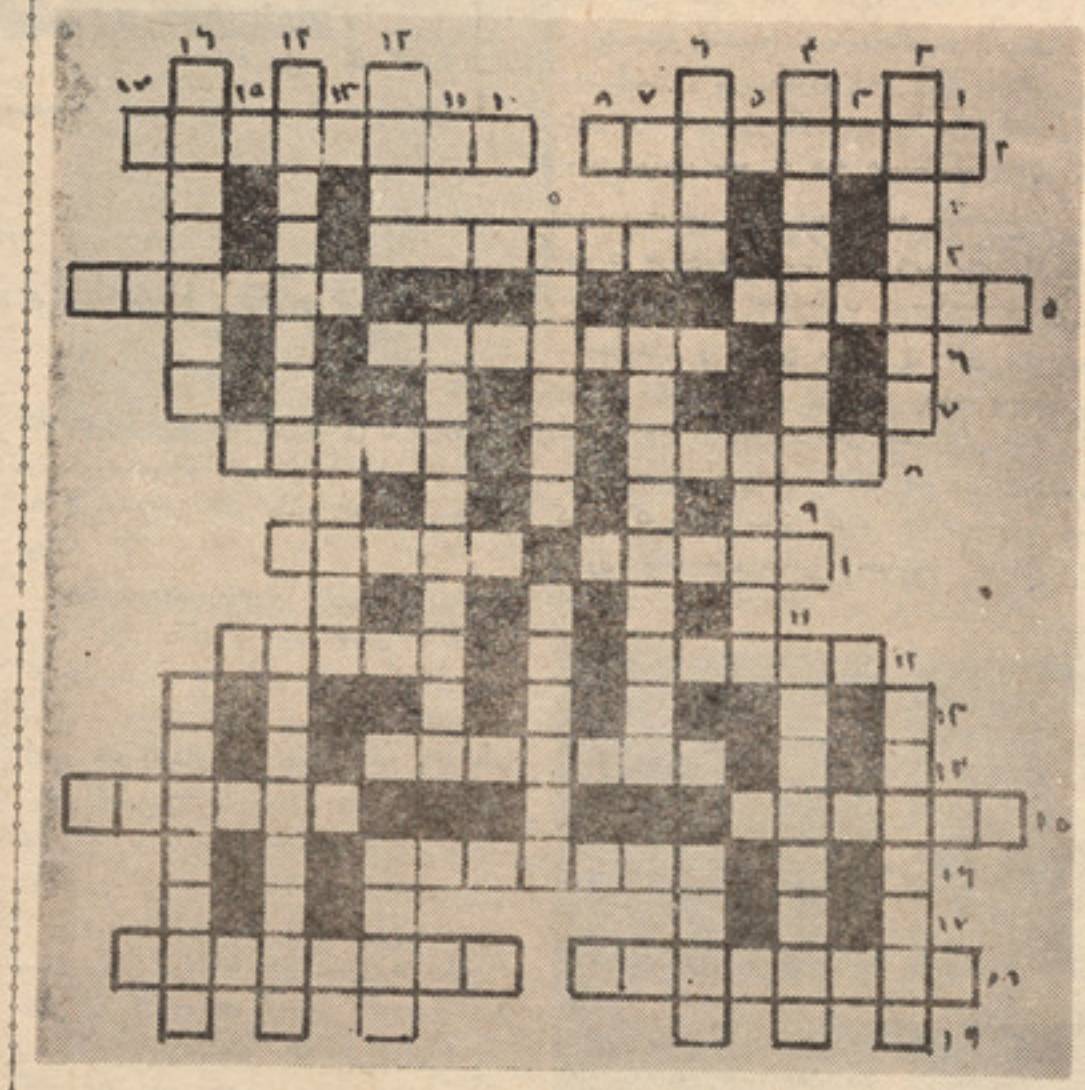

مرتب جدول : محمد ادهم «شمس اوغلی»

عمودی :

۱ـ۲ـ۳ـ از سلسلهٔ شاهان ایران، یکی از فلاسفه یونان قدیم ـ۴ـ۵ـ مجله یی است که ازطرف وزارت اطلاعات وکلتور به نشرمی رسد ، یکی از مکتب های سیاسی ـ ۵ـ جمع هرم ـ۶ـ توقف درزبان بیگانه،همنشین به از ... مخواه ـ۷ـ بهره گیرند ـ ۸ـ۹ـ یکی از براعظم ها، یکی ازکشورهای امریکای لاتین ـ۱۰ـ۱۱ـ کتابیست : ز ماکسیم گورکی ـ۱۲ـ در کابل باغیست به نامش مشهور ، خاطر ـ۱۳ـ خوی و عادت ـ ۱۴ـ بشردوستی، ماشین خاك بالاکن ـ۱۵ـ۱۶ـ کشور های که درداخل آژانو در خارج تابع، یك مرکزباشد، ازبازی های بین المللی است که در مسکو دایر گردید

ابن خانم کیست ؟

شاید قبل از اینکه به عکس خوب متوجه شوید تعجب کنید که زشتترین زنان جهان است اما اینطور نبوده بلکه از زیبا ترین ستارگان سینمای غرب بشمارمیرود . اگر توانستید این ستاره زیبای سینمای جهان را بشناسید اسم او را برای ما نیز ارسال دارید

این دخترك کیست ؟

این دخترك زیبا یکی از مشهور ترین جمنا ستیك باز است او در بازی های المپیای ۱۹۸۰ برندهٔ مدال طلائی گردیده است برای ما بنویسید که اسم این دختر چیست واز کدام کشور جهان میباشد .

آیا میشناسید ؟

به این چهره خوب دقت نمایید اوویارانش سبب کشت وخون وبی‌خانمان ساختن ملیون ها انسان گشته اند ولی تاریخ اسم شانرا به خط سیاه ویدگنجانیده است شما برای ما اسم اورا، کشورش را، واینکه سبب کدام جنگها گردیده بنویسید .

کدام فلم ؟

این فلم مدتها قبل تهیه شده است کسانی که از نیویورك دیدن نموده اند این هیولای بزرگ رابر در تعمیر (۱۱۰) طبقهٔ میدیدند که درسال ۱۹۷۶ تهیه شده است باشندگان این شهر فراموش نخواهند کرد که صحنه های مهیج این فلم بالای طبقه های این آسمان خراش تهیه میشد، تنها برای اینکه اسم این فلم را زود فهمیده باشید، یکی از صحنه های آنرا نیز چاپ نمودیم شما تنها اسم این فلم را برای ما بنویسید .

تازه هایی از هفت اقلیم

تنظیم وترجمه از : حسام الدین پرومند

سیاست صلح دوستانه ملل مترقی

بر مبنای سیاست صلحد وستانهٔ کشور های مترقی است که یك فضای دموکراتیك وصلح مداوم وپایدار برقرار شده است . در تحکیم صلح پایدار پرنسیپ های اساسی وعلمی (انترناسیونالیزم پرولتری واجتماعی) که توسط رهبر کارگران جهان بنیانگذاری شده، نقش فعالانه دارد چه با صلح است که آرمان های مطلوب بشریت مترقی تحقق می یابد .

پرنسیپ های متذکره چه در عرصهٔ سیاست بین المللی وچه در ساحهٔ مناسبات دوستی ، برادری وکار دستجمعی ملل ، توانست نقش بسزایی داشته باشد وبه تاسی از همین پرنسیپ ها بود که در تمامی ساحه ها مناسبات متقابلهٔ نیك وکاربرد های همه جانبه علمی میان ملل مترقی ایجاد گردید . پرنسیپ های انترناسیونالیزم پرولتری در تحقق بخشیدن مفکورهٔ همبستگی پرولتری مو ثریتش را بجا گذاشت و در واقع اتحاد شوروی را منحیث کشور معظم سوسیالیستی با سایر کشور هاییکه بخاطر آزادی اجتماعی وملی مبارزه میکنند، همین مفکورهٔ همبستگی پرولتری پیوند زد . معذالك سیاست خارجی اتحاد شوروی که بر اساس پرنسیپ های متذکره بنایافته، تحکیم بخشندهٔ صلح و تامین کننده حیات مردم اعم از ساحه های اجتماعی واقتصادی میباشد وبه اساس همین اصل عمده، سیاست خارجی اتحاد شوروی نیز بترتیبی است که کار دموکراتیك و دستجمعی را میان جوامع وکشور ها روز تا روز وسعت وگسترش میبخشد . نبایدفراموش کرد که فورمول بندی سیاست خارجی اتحاد شوروی روی اصل (زندگی کنار هم درفضای مالامال ازصلح) تنظیم یافته است پرنسیپ ها ومیتود های جدید در عرصهٔ سیاست بین المللی وبا وصف تضاد های حاد ایدیولوژیکی که میان نیرو های صلح‌دوست ونیرو های جنگ طلب در گوشه وکنارجهان وجود داشت ، ملل مترقی را چنان با هم در آمیزد که یکپارچه و متحد بر علیه امپریالیزم متجاوز وجهانخوار برزمند و ماهیت ضد انسانی شانرا روز تا روز فاش سازند . ازطرفی هم کشو ر های تحت استعمار که در شرایط نا مساعد واختناق‌آور کلونیالیزم دست وپا میزدند و از طرف‌دیگر دولت های مهاجم فاشیستی با حیل و نیرنگ های مزورانه در تلاش دامن زدن آتش جنگ بودند .

اتحاد شوروی منحیث اولین کشورپیشقدم درراه ایجاد چنان سیستم مطمئن گام گذاشت که بشریت در بند رادر برابر حوادث آبدیده ساخت . جنگ علیه فاشیزم وباند های‌نظامی کشور های کاپیتالیستی، جنگ علیه بلاك های مهاجم فاشیستی هر چند در وهله اول منجر بدان گردید تا اتحاد شوروی بیست میلیون تلفات بدهداماعلی‌الرغم تلفات توانست پیروز از نبرد با فاشیزم بدر آید در اثر همین مساعی بشر دوستانهٔ اتحاد شوروی یکتعداد دیگر از کشور های اروپایی ، بعدتر آسیا وامریکای لاتین درراه ساختمان نوین‌اجتماعی گام زدند، تیپ جدید سیاست بین المللی راکه مسلما در آنجا دیگر شکست امپریالیزم وفاشیزم حتمی بود ، عیار ساختند . اتحاد ـ شوروی منحیث نیروی رهبری کننده جوامع سوسیالیستی ، مناسبات دوستی میان ملل ایجاد ودر اثر کمك های متقابله کشور های سوسیالیستی با همدیگر بودکه کاردستجمعی وسهم فعال در برنامه های اقتصادی روزبروز ازدیاد یافته و مناسبات زیاد دوستانه میان ملل مترقی قایم گردید .

قرارداد (وارسا) که در اساس کشورهای سوسیالیستی را وحدت و یگانگی بخشید ، کنون منحیث یك فکتور عمده برای تا مین صلح در کانون بشریت محسوب میگردد و انترناسیونالیزم اجتماعی بمثابهٔ عامل بزرگی برای صلح وترقی اجتماعی توانست بشریت مترقی را در مسیر جدید که مسیر شکوفانی وترقی وپیشرفت اجتماعی است قرار بدهد و باتلاش های ثمر بخش اتحاد شوروی بود که بسیاری از کشور های مختلف آسیا، افریقا وامریکای لاتین دررهایی خویش از چنگال کلونیالیزم به موفقیت های چشمگیر نایل ودر نبرد با امپریالیزم از حمایت کشور مدافع صلح در جهان مستفید گردند . در سال های ۵۰ و۶۰ بود که الجزایر علیه کلونیالیزم به پا خاست و متعاقب آن اندونیزیا خواست از سلطهٔ کلونیالیست ها سرباز زنند ودر محو و نابودی بقایای کلونیالیزم، اتحادشوروی بدون شك تاآخرین لحظات کوشید . بهمین منوال پیروزی حلق قهرمان ویتنام در سال ۱۹۷۰، جنبش ها ی آزادیبخش در انگولا، انقلابات در اتیوپی و در افغانستان همه وهمه از حمایت وپشتیبانی بیدریغانه شوروی برخوردار بوده و کمك های بشر دوستانه را از آنکشور دریافت داشته اند . مبرهن است که در نبرد برای استقلال وآزادی کامل شصت سال تمام اتحاد شوروی در کنار افغانستان قرارداشت واین دوستی به اساس مناسبات همسایگی نیك میان کشور های شوروی وافغانستان و حسن همجواری پیوسته مستحکم و استوار بوده است واین مفکوره رهبر کارگران جهان بود که آرزو کرده بود تا دست کمك اتحاد شوروی بسو ی همه همسایگانش (پولیند، فندلند ، ایران، ترکیه وافغانستان) باید در مواقع لازم درازگردد. پس ازپیروزی انقلاب ۱۹۷۸ در افغانستا ن و سیاست صلحدوستانه و دوستی میا ن خلق های شوروی وافغانستان با قرار داد منعقدهٔ پنجم دسمبر۱۹۷۸ در مورد دوستی، همسایگی نیك وکاردستجمعی این‌روابط رنگ تازه بی بخود گرفت که بدین اساس کمك های همه جانبه بشمول کمك های نظامی درحمایت ازاستقلال وحاکمیت ملی افغانستان زیاد با ارزش تلقی گردید .

همچنانیکه اتحاد شوروی در دههٔ اخیر با خلق هند در اگست ۱۹۷۱، با عراق در اپریل ۱۹۷۲ با جمهوریت خلق انگولا در اکتوبر ۱۹۷۶ ، با جمهوریت خلق موز مبیق در مارچ ۱۹۷۷ ، با کشور سوسیا لیستی اتیوپی در نومبر ۱۹۷۸ در دسمبر ۱۹۷۸ با افغانستان با جمهوریت خلق یمن در اکتوبر ۱۹۷۹ قرار داد هایی درمورد صلح، دوستی و کار مشترك ودستجمعی امضاء نموده است که موید دوستی بی شائبه آنکشور با ملل مترقی است .

بعلاوه قرار داد منعقدهٔ ۱۹۶۸ در مورد منع تدارك اسلحه های هستوی گام دیگری برده برای گسترش صلح واطمینان آسایش به جهانیان . منع پایگاه های اسلحه های‌هستوی که در کو نو تسیون ۱۱ فبروری (۱۹۷۱) در مورد منع تو سعه واستحصال و انبار اسلحه ها پیکه آرامش بشر را بهم بزند ، نیات صلحدوستانهٔ اتحاد شوروی و سایر ملل مترقی را بر ملا میسازد . تصمیم (ناتو) در دسمبر سال قبل مبنی بر تولید اسلحه های راکت هستوی اعمار پا یگاه های اروپایی در غرب اروپا که همه بمنزله آغاز یکدور جدید مسا بقات تسلیحاتی میتوانست بشمار آید ، بوسیله نیرو های آگاه فاش و توسط بشر یت متر قی همچو پلان ها سد گردید، بیقین راه بشر یت متر قی ، راه صلح وترقی اجتماعی و سعا دت کتلهٔ بشر یت است . این راه راه روشن است وتلاش های آشوب گرانه ار تجا عیون و امپر یا لیست ها ابداً نمیتواند سدی در کار شکوفانی و عمران جوامع متر قی ایجاد کند . بر خلاف خود آنان خجل و سر افکنده میشوند و بس

نقش پرندگان درزیبایی هرچه بیشتر طبیعت

کودکی از دیدن تلفات پرند گان ناراحت‌شده است .

بموجب تازه ترین گزارش ها دو سوم حصهٔ تمام پرند گان خوش الحان در آلمان فدرال از میان رفته اند و یك حصهٔ باقیمانده نیز خود شانرا در جا ها ی‌نسبتاً امن مخفی داشته اند . یکی از طیور شنا سان متذکر گردید که از مرغ سار و سایر مرغ هاییکه در فصل بهار با سرود ونوا های خویش به شاخسار ها وباغ ها حالت خاص‌می‌بخشیدند دیگر از آن پر ند گا ن اثر ی نیست .قرار یك راپور نزده نوع پرنده از جمله ۲۴۲ نوع بکلی در دهه اخیر درآلمان نابود گردیده اند وروزانه اطفالیکه به بازی می پردازند شاهد ده ها نوع پرنده بشمول مرغ سار ، فلنیك ، مرغ چکاوك یا کا کلی میباشندکه از هر سو به زمین می غلتند و میمیرند واین بخاطر آنست که آشیانهٔ پرندگان دوا ـ

پاشی شده و همچنان در روی مزارع ونباتات دوا های محافظت نباتات پاشیده میشود بدون توجه به این نکته اگر از یکسو قسماً نباتات را از شر پرندگان محفوظ میدارند ازجانبی باعث نابودی نسل انواع پرندگان گردیده وازمنتهای سنگدلی کار گرفته‌اند.

از طرفی خاکروبه های زهر آگین نیز در مدت کوتاهی پرندگانرا ضعیف میسازد در سالیکه گذشت دو تراژیدی غم انگیز برای پرندگان بود بترتیبی که یکی از طیور شناسان غرب درسال ۱۹۶۶ پیشگویی کرده بود که ترس از (بهار بدون سرود پرندگان) در آلمان دارد و اینک چیزی نمانده که این مطلب واقعیت پیدا کند . از جملهٔ پرندگان تلف شده که نسل آن ها قسماً در آلمان از بین رفته ، از پرندگان خوش الحان چون انواع بیشمار : گردن آبی ها، هایدل هریش، پرستو های ساحلی، آوزا خوانان باد بانی نامبرد . در انستیتوت طیور شناسی (ماکس پلانگ) در موردساخت فزیکی حیوانات کنون کار میشود تا مگر بتواند به اسرع وقت جلو تلفات را در سایر نقاط کشور های غرب بگیرند ، تنها در ایتالیا در سال های اخیر (۲۵۰)میلیون پرنده از بین رفته متاسفانه مقدار تلفات پرندگان زیاد است چه به عنوان شکار ویا هم به عنوان محو پرندگان بخاطر زیانهایشان آشکارا و پنهان از بین میروند . بعضاً حوض های آب برای پرندگان که با کمر بند های نای احاطه شده وجود داشت که کنون بشکل خاکروبه و کثافات دانی و باطلاق درآمده اند. پس بعضاً در کشورهای غربی انسان باعث صدمهٔ طبیعت نیز میگردند و طبیعت را صدمه میزنند . صرفنظر ازاینکه پرندگان طبیعت را زیبا میسازند در صنعت دارو سازی نیز از مواد متعدد وجود پرندگان در موارد بخصوص و لازم ، استفاده مینمایند

روی همین ملحوظ تنها تخم یك عقاب بحری (۵۰۰) مارك قیمت‌دارد. طوریکه گفته آمدیم پرندگان به ذرایع مختلف چه از طریق دوا پاشی ویا هم ویران کردن آشیانه ها و مخلوط کردن مواد سمی به خوراك آن ها، از میان میروند که نه تنها بحال این موجودات بلکه بحال زیبایی طبیعت نیز باید دلسوختند چه هر گاه پرندگان را از میان می بریم مثل اینست که زیبایی طبیعت را گرفته باشیم .

چند نوع پرنده که نسل شان در آلمان با بیتفاوتی از میان رفته .

تازه ترین گزارشات در مورد انسان های عصر یخ

کاوش و بررسی در شناخت انسان های اعصار قدیمه مسلهٔ ایست که همواره مورد نظر محققین و پژوهشگران بوده . روی‌همین انگیزه و همین کاوش ها بود که برای‌اولین بار کوهنوردان سلسلهٔ الپن در پایان سال (۱۹۵۰) در همالیا با پل های پانقش یافته روی برف ها بر خوردند و با تحقیق دریافتند که مشابه پل ها وچاپ های پادرمیر ، یا کوتین و سایر نقاط قله یی که رسیدن بدانقسمت ها، کاریست بس مشکل ، نیز روی برف ها نقش بسته است . بهمینسان بشر در همالیا ، در منگولیا دریاکوتین در قسمت های شمالی سلسله جبال قفقاز در کانادا و امریکا در نقاطی به اسمای‌بتی، الماس ، جوشوف، کاپتر، زاگو اخو بیگوف پل‌های پا دیده‌شده ، پل های‌پا که نظر به تحقیقات گسترده به پل های‌پای انسان های عصر یخ شباهت دارد که فقط در شرایط‌یخبندان‌توانایی زیستن‌دارندامّا جالب تر و تازه تر اینکه یکدکتور نظامی موسوم به (وی. کار پتیان) که‌سر طبیب‌خدمات دارویی است .

یکی از چشم دید هایش راچنین گزارش مینماید : به اساس ایجاب وظیفه در زمستان سال ۱۹۴۱ خودم را در دهکدهٔ داغستان (واقع درشمال قفقاز) یافتم، حینیکه میخواستم پس از انجام ماموریت برگردم با دو موجودی بر خوردم که نظر به شواهد با انسان های ناندرتال شباهت فراوان داشت . یك موجود عجیب که طول قدش یك متر وهشتاد سانتی متر محاسبه گردید،وجود بدون لباس‌وعورتش پوشیده از مو های تاریك رنگ انبوه بود، قیافه اش کوتاه بود از دور چنین بنظر میخورد که گویی پوست گوساله یی را پوشیده باشد موجود مذکور که دستان و پا هایی کاملا مثل انسان ها داشت ،راست و درست‌ایستاده بود ورق رق اطرافش را نظاره داشت .مذکور در گوشهٔ ایستاده و بهت زده اطراف رادر انداز میکرد . من با تعجب دریافتم که علی‌الرغم برودت و سردی هوا و یخبندان آنجا، آن موجود انسان گون معلوم بود که از فرط گرمی و جودش عرق از سر و صورتش جاری بود .

بمحض تلاقی نگاهایمان مذکور بسه اسرع وقت از نظر محو ودر میان انبوه‌درختان ناپدید گردید در هر حال وضع ظاهری آن حیوان همه را به تعجب وا داشت . عقاید برینست که از نسل انسان های عصر یخ هستند . بقایایی آن جسته و گریخته به صورت انگشت شمار در روی زمین ، که‌البته تکامل و رشد نکرده و بحال اولی خود باقی مانده اند .ازنیرو اکادمی علوم اتحاد شوروی کمیسیونی بمنظور تحقیق در بارهٔ انسان های عصر یخ تعیین و گروپ هایی در قلل مرتفع و کوه ها و نقاط پوشیده از یخ گسیل گردید تا تا باشد که در مورد معلومات های ارزشمند کسب گردد . به استناد و شواهد و مدارك ممکشبه و نظریه مطالعاتی که روی هزاران اسکلیت که از طبقات زمین بدست آمده و هر یك ازین اسکلیت ها حتی ملیون ها سال کهنگی دارد یك قسمت اعظم معلومات های علمی برای شناخت انسان ما قبل التاریخ ، انسان ها ییکه در اعصار یخ، سنگ و فلز میزیسته اند ، برای بشر روشن شده . اما هر قدر کاوش بیشتر صورت بگیرد ، ابزار و سامان آلات تازه‌یی بدست بیاید مطمئنا امروز را در مورد انسان های بدوی آگاهتر میسازد . اکنون کاوشگران در صدد آنند تا در مورد انسان هاییکه هنوز به آتش غلبه حاصل نکرده بودند و مسلهٔ لباس برایشان بیگانه بود ، چیز هایی بفهمند . گرچه از نگاه (انترو پولوگ) ها عقاید متعددی در زمینه انسان های بدوی وجود دارد و حتی عدهٔ از موجودیت انسان ها ییکه امروز از موجودیت آن ها نا مبرده میشود ، منکر اند . اما علم همواره به پیش گام میزند . به کمك علوم متینه متخصص با ستا نشناسی هر روز مدارك‌تازه، اسکلیت های تازه از زمین بدست می آورند. اینك فلمی را که در سال (۱۹۷۶) توسط دو تن از علمای امریکایی بنام (رو گرراترسون) و(روبرت گیملین) تهیه دیده اند به وضاحت تصویری از زندگی و مردمان انسان های عصر یخ به انسان کنجکاوامروز میدهد و ذهنش را در مورد زندگی تاریك انسان های اعصار ابتدایی آگاه میسازد . این فلم بیقین **باکمال مهارت تهیه وهیچ‌یك از متخصصین** فلم، اورتوپیدها، انجنیر ها ، مجسمه سازان ، بیو میخانیك ها از هیچ جهت‌نقصان و نادرستی یی در کار این فلم نتوانستند پیدا کند . بعلاوه این فلم معلومات های تازه در خود نهفته دارد که میشود بدان یك هزینهٔ گرانبها گفت . این فلم در مورد ساختمان فزیکی انسان های عصر یخ وتمامی مشخصات زندگی و شرایط زیست مردمان عصر یخ معلومات هایی رادر خود دارد که بس جالب وارزنده‌است و علما ودانشمندان **سر شناس چوف (آ.زاندرز)از اضلاع** متحدهٔ امریکا ، (بی ایفل سانز) از فرانسه (از . او برو کشف) و (بی. پورشنیف) از اتحاد شوروی از کسانی اند که محتوای فلم را ستوده و کاوشگرانه در صدد اند تا همچو اسکلیت ها و همچو حیوانات را اگر بتوانند با چشم سر ببینند .

فعالیت اکادمی علوم در اتحاد شوروی‌بدون شك توانست نیز در زمینه مفید واقع گردد و مطالب بکر وتازه بوسیله گماشتگان این اکادمی بدست انسان های عصر یخ و شناخت کامل آن ها از جملهٔ مطالب داغیست که بوسیلهٔ این اکادمی کار تحقیق آن آغاز یافته است . اکنون متخصصین مسلکی در صدد اند انسان های انگشت‌شماری

بقیه در صفحه ۵۷

(ایگور یورسیف) محقق شوروی پل پای حك شده روی گچ مربوط انسان عصر یخ‌را با پای خود مقایسه نموده ودر می یابد که چقدر بزرگست .

آنانیکه میمون های عصر یخ‌رابدین تازگی ها دیده اند چنین تصویری از آن در دست دارند .

بقیه صفحه ۱۵

طنین آزادی در ادبیات جهان

به اعمال تخریبی ، جنون آمیز و هستریك دست می زنند ومی خواهند با طرح خایسانه دولت های پر باد گشته غا صبان را اعاده نمایند و میهن ما را دو باره در اسارت های گو نه گون بکشا نند ، نباید به خر بکاران دیگر این اجازه را داد که بیش ازین در نقاب هایی قلابی، توده رافریب دهند وزندگی و مال و نا موس آنها را تهدید نمایند وبا این اعمال غا ر تگرانه بار دیگر سیا دت ظلمه‌ی سیاه کاران را در میهن ما بر - گردانند و همچنان بر ضد آزادی ما توطئه نما یند . باید از آزادی با آگاهی و شهمت انقلابی دفا ع کرد . باری آزادی همیشه واژه ای مقدس بوده ، در همه‌ی سر زمین ها و قلمر و ها و بسیاری از ملت ها درین راه پیکار های خونین کرده اندبه پیشو از مرگ رفته اند . اسارت را هر گز نپذیر فته اند واژه‌ی آزادی در همه‌ی فر هنگ ها درخشندگی دارد . ار جمند و عزیز است . گر وهی از جا نبا زان پیش گا مان جا معه در این راه خون های خود را ریخته اند ، جاده و کوه و جنگل را رنگین کرده اند . گر چه آن هایی که با بی مسوو لیتی قلم می زنند و در خد مت سر مایه و انحصارات اند ، سنگواره ای می اند یشند همیشه وا قعیت را وار و نه می نمایند . و تاراج گران را قهرمانان و کشور گشایان می نامند . اما قهر ما نان را ستین سیا هیان گمنام اند ، توده ها اند که قهر شان بر حق است و افتخاری را ستین را سزاوار اند . همیشه شکوهمند ترین حما سه را مردم می سرایند، اسطوره پدید می آورندو کارنامه می‌آفرینند به گفته‌ای از نویسنده ی بزرگ ماکسیم گور کی «فرد در طول تاریخ نتوانسته است چیزی بیا فر یند» نیروی «جمع» است که توانایی آفریدن و سازندگی دارد اما در فر هنگ ار تجاعی بور ژوا یی که بر بنیادی از ارزش های فردی استوارو«اندیویدوآلیسم» تب لیغ می‌کند اشاعه میدهد برتوانایی فرد اصرار ورزیده می شود . کیش شخصیت پرستی و آیین فرد گرایی اشا عه می یابد واین عمل به گو نه ای آگا هانه انجام می پذیرد . خواصی می خواهند بزعوام . آ نها هایی که کار می کند ، زحمت می کشند سیادت نمایند ، حکم فرمایی کنند . از ین رو در تلاش اند که به دور خود ها له ای از تقدسی ، بزرگی و استثناء بکشند چنین وا نمود نمایند که آنها سر شتی دیگر دارند از ازل آقا ، و سرور و سالار آفر یده شده و حق حکم روایی در روی زمین دارند با این پندار قب آلوده ، ارتجاعی وبسی بنیاد می خوا هند ، همیشه از توده ها فا صله و فرق داشته باشند . خود آرایی و خود ستایی نما یند . لباس هایی متفاوت از توده ها بپوشند ، در خانه های بزرگ و تزئین یافته زندگی نمایند . ادا واطوار و رفتار خود را طوری تنظیم نما یند که با دیگران یعنی زحمت کشان فر قی فراوان داشته باشد باز پانی که نور از فهم عوام با شد کمت و گو نما یند .

اشراف و اعیان کاری نو لیدی و سازنده ندارند ، مصرف کنند گان اند و همیشه به اصا لت های احمقا نه خا نوادگی اندیشیده اند و این خود نکری ه باعث شده است که ادبیات و هنر خواص نیز ادبیات و هنری ضد مردمی باشد ، دارای و یژگی ها و خصو صیا تی که فقط به درد تن آ سا یان بخورد . فر هنگ خواص ، فر هنگی متوقف، تز یینی و فردی است . نا امیدی و زبونی را اشا عه می‌دهد . جو هر همه‌ی حما سه های جهان را پر خاش ها . قیام ها و رستا خیز های انسان می سازد . بدون کار خلاقا نه و پیکار شگفت انسان نمی توان مفهو می برای حما سه یافت . شا عران و نویسندگانی که درین سنگر استاده اند در دل فر ا ا د ا مسه یسا فسه ا ا ا همیشه زنده بوده ا نسد تا ر یخ نشا ن داده است کسه که این الوقت ها ، آنها یی که نان را به نرخ روز خورده اند در خد مت در دار یان در آمده اند . همیشه از طرف مردم طرد شده اند . بلند ترین شعرها آن است وکتاب ها آن که در ستا یش انسان سروده و نوشته شده باشد . همه چیز در انسان است . انسانی که پیکار می کند . کار می نماید واز ایین داد وراستی دفاع می نماید و همه چیز با انسان است . همه‌ی آثار و نوشته هایی که غیر از ین دید گاه پدید آمده اند فقد ارزش اند واز همان روزهایی پیدایی به نیستی و مرگ محکوم گشته اند . باری آواز ملت هارا نمی توان خفه کرد . وسرود آزادی خواهی وپرخاش را نادیده نگذاشت

در گذشته از طرف پا سداران نا ریکی و ارتجاع کوشش های بی پایا نی انجام یا فته است که ملت ها هم در اسارت باشند ، فر یا د های شان زندانی باشد و قدرت‌پرواز نداشته باشند اما نمی توان معنویت آدم ها را در اسارت نگا هداشت . واژه های آواز ، پرواز ، وآزادی همیشه برای انسان عمیق بوده و دوست داشتنی انسان در هر گو شه ای از جهان که زیسته به آزادی و پرواز ور هایی اند یشیده است با آغاز قرن بیستم حما سه ی دیگر انسان آغاز یا فته است ملت ها آواز خود را رسا تر بلند کرده اند و بر ضد نهاد های ار تجا عی استعماری ، امپر یا لیستی رزمیده اند . و عملا نشا ن داده اند که انسان نمی تواند اسیر باشد و از قدرت های اهر یمنی فر مان برد . بااین ارتباط مروری هر چند کو تاه ، فشرده و شتابزده به سرودهای ارزشی خواهانه، میهنی و انقلابی ملت هامی افکنیم که مقدس ترین واژه هااست دیو نو سیو مس شاعر آزادی خواه ، انقلابی و میهن پرست یو نان رو ح آزادی را چنین می ستاید :

ترا می شنا سم از آن شراره‌ی تند ونیز
که از دم تیغ کار زارت می درخشد
ترا می شنا سم از آن چشمی که پر تو
نگا هش
همچون خدایان فاتح بر فراخنای ز میسن
حکم می راند

تویی که از طنین ندای قهرما نان که در
آفاق پیچد جهیده ای
تما می دره های یو نان را با روح کهنسالت
که متزلزل شده است تقدیس کن
ای روح آزادی ، بر تو دورود باد ، پرتو
درود جاودان باد

هرگاه که دست های توباآن حال اسو- هناك و تلخ
آهنگ نومیدی را می سراید .
ما همچنان امیدوار و چشم براهیم
که هر بامداد نوید آزادی را ازباد صبا
بشنویم
ای آزادی ! این تویی که ملکوتی و
مرگ نا پذیر هستی
تو این قدرت بزرگ را داری که اراده‌ی
ما یشاء خود را به کار بری

و من که بر پا ایستاده و نفس خود را
در سینه بند کرده ام
ترا که آغشته به خون می خرا می و
خا موشی ، تما شا میکنم .

آری ! ای آزادی کشور ما از شجا عت
و قهرمانی تو نیك با خبر است .
چون تاکنون کسی ترا در خطه‌ی یونان
مغلوب نکرده است

هیبت اقیا نوس نمی تواند رنگ از چهره‌ی
تو بزداید .

وپیوسته مواهب تازه ای بروجود پر بهای
تو می افزاید .
این فریاد شاعری است درد مند ، آگاه

و پیکار جو که سال ها پیش از ین در سر
زمین کهن یو نان طنین انداخته است . و
خوا سته های ملتی را باز تاب داده است .

جنگ افروزان ، غا صبان و غار تگران که همیشه زندگی وابسته داشته اند بر ضد آزادی تو طئه کرده اند . اما انسان ، طبیعت آزادی مفا هیمی هم بسته از هم جدایی نا پذیر اند . اگر آزادی نباشد انسان نمی تواند به آن آرمان سترگی که می‌اندیشد برسد هر چند تو طئه گران می خوا هند این پرنده رنگین بال را از پرواز باز دارند مجروحش نمایند . اما این پرنده از پرواز باز نمی ماند . پا سداران و خوا ستا ران زیاد در همه‌ی گو شه های جهان دارد . به گفته‌ی دیو نوسیوس آزادی در هیچ جا یی از دنیا نمی تواند مقهور باشد و مغلوب گردد تخریب و کار شکنی صورت گیرد . آزادی هرچند بر ضد آن توطئه انجام پذیرد . در خطه‌ی یونان چه که در هیچ جا و هیچگاه مغلوب نمی شود . همیشه پیروز و سر افراز است . گر چه نظام های طا غو تی ما هیت آن راتغییر میدهند وآن رادر مفهوم کذایی ودرو غین آن به کار می برند ، چنا نکه در دنیای دیوانه ، پی بندوبار ولگام گسیخته‌ی امروز غرب ، که آزادی به گفته‌ی یکی از آزاد اندیشان «آزادی را فقط در مجسمه ی آن می توان یافت» باری در غرب آ ز ا دی به مجسمه مبدل گشته است . واقعیت برونی ندارند .

در نظام های استعماری و استبدادی مفاهیم بسیاری از نهاد ها و ارزش ها را دگر گو نه و تحریف می نمایند ویکی ازین واژه ی بدبخت همین «آزادی» است . که دنیای انحصارات از همه بیشتر در حمایت از آن گریبان میدرد و یا و ه سر ایی می کند ، آ ز ا د ی کسه دنیای سر مایه دم می زند ، آزادی به مفهوم را ستین آن نیست . معا مله با انسان و با یین آوردن همه‌ی ارزش های او است . آزادی در دنیای لگام گسیخته و بیما ر استعما ری در سطح قرار دارد ، عمیق نیست. آزادی یعنی همیشه مست و خراب بودن ، در کنج میخانه ها و فساد خانه ها افتادن و روز ها و شب و ساعت ها را با بی حاصلی و بو الهو سی به پایان آوردن . لباس های مضحك پوشیدن ریشم وپشم وموی گذاشتن و در لحظا ت بی هو ش و سر خو شی و مستی کلماتی چند در ستا یش و یا نکو هش دولت را زدن ، از آسمان و ریسمان با فتن بی هدف و بیمار بودن، بلندپا یگان فر هنگ ارتجاعی غر بی ژاژخایی مسی کنند و روده درازی می نمایند صفحه ها در «فضایل» و مکارم «فر هنگی ار تجاعی و تمد نی دیوانه و استثماری سیاه می نمایند . یکطر فه به پیش قا ضی می روند و از تمد نی مرده ، محضر و ارتجاعی دفاع می کند ، لاف‌ویزی و والایی می زنند . برای پو سید گی ها و طا عو ن زد گی ها دفا عنا مه می نویسند . وبا این اعمال خود سرانه از دنیای مرده - گان از شهر سنگستان پشتیبانی می نمایند وعملا بر ضد اندیشه جاری جوان وبالنده قرار می گیرند . اما این شست و پا زدن ها همه بیمار گو نه ، با طل و احمقا نه است .

سرباز زره پوش دوم آواز می خواند :
یاران سوار شوید ، سوار شوید و به
جلو بتازید
به سوی جنگ به پرواز آییم ، جملگی
در راه آزادی
میدان جنگ میدان خود نمایی نیست .
در روز جنگ تنها شها مت و شجا عت
ارزش دارد

> مبارک و پر میمنت باد ، شصت و یکمین
> سالگرد استرداد استقلال کشور !

در آنجا هیچ یار و یاوری به کار نمی آید
در آنجا وای به حال کسی .
ـکه جز به بازوی خود بنازد ، در آنجا
مرگ و زندگی هر کس در دست خودش‌است
در آنجا یار و یاوری به کار نمی آید،
در آنجا وای به حال کسی .
که جز به بازوی خود بنازد ، در آنجا
مرگ و زندگی هر کس در دست خودش
است .

این صدای فرد ریك شیلر آلمانی است که مردم را به تکا پو ، پیکار و مبارزه فرا می خواند ، و او نیز با آگا هی ودریافتی منطقی چنین نتیجه می گیرد که زندگـانی کار و پیکاری دامنه دار می خواهد . زندگی را باید نفس آدمی گرم بدارد وگرنه این کوره خاموش وبه گفته ی سیاوش کرایی « این خا موشی گناه ماست.» گناه من ، گناه تو وگناه او . باری گناه همه . انسان امروزین نمی تواند . تنها به قلمرو و سر زمین خو یش بیا ند یشد . به زمین به‌جهان پیوند دارد . نمی تواند به‌گونه انفـرادی زندگی کند . دیگر انسان های روی زمین با هم یکی اند ، همه ی زحمت کشان یك سرود را به آواز بلند می خوا نند سرود آزادی . شیلر یاران را صدا می زند کـه زمان نبرد فرا رسیده است باید پای در رکاب گذاشت باید به سوی جنگ به پروازآمد. البته جنگی رهایی و آزاد کننده. نبردبرای آزادی نه برای غارت و تجاوز و تسلط جویی وکشور گشایی .

آزادی !
ای موهبت گرا نبهاوای گنجینه‌ی آسمانی
ای سرچشمه‌ی بزر گترین اعمال و سر چشمه‌ی روز ها و ماه ها
ای آزادی !
ای نعمتی که همایون تر و خجسته‌تر از تو وجود ندارد
بگذار که بنده‌ی پرستنده ای صدای افتخار ترا بلند کند
قلب دلیر مرا از نیروی پیکران خود لبریز ساز
وبا دم حیات بخش خود به اوگرمی بخش
و شب تیره و تار زندگی ما را
باانوار قدسی خود منور ساز .

این قطعه‌ی «الکساندر رادی شو» تغزل آزادی نام دارد که شعر های بسیاری در زمینه‌ی وطن پرستی سروده ادبیات روسیه نام «رادی شو» راکـه ستاینده‌ی راستین آزادی است و این واژه را همیشه تکرارمی نماید وبه ذره ذره خاك میهن خویش عشق می ورزد ، برای همیشه به‌خاطردارد. رادی‌ـ شو در یك صدوهشتاد سال پیش از امروز چنین صمیمانه ندای آزادی خوا هی را بلند می کند و حماسه زمان خود را می رساند «تغزل» آزا دی کو تا ه شده یی ازیك‌شعر دراز است که با صدا قتی شا عرانه ودیدی وطن پرستانه سروده شده است .

آنکه آزاد نیست نمی تواند عملی انجام دهد که دنیای انسانیت به آن افتخارنماید . انسان در اسارت تگا هداشته شده نمی‌تواند شگفتی بیا فریند ودر امر شکو همندی‌اجتماعی سهمی شایسته داشته باشد . آزادی زمان را تفسیر می کند به روز ها و هفته ها وماه و سال ها وحتی قرن ها مفهوم می بخشد . زندگی را شیرین، بارور و دوست داشتنی می نماید . پس باید به راه و برای آزادی مبارزه کرد . در دنیا لذت ها و نعمت های بیشماری وجود دارد که انسان برای به دست آوردن آن کار می کند تکا پو می نماید . اما آزادی هما یون ترین و خجسته ترین نعمت هاست . باید برای به دست آوردن آن تا پای مرگ مبارزه کرد . شاعر میهن ما صوفی عبدالحق بیتاب با لحن ساده وصمیمی از آزادی چنین یاد می کند :

نعمتی بهتر ز استقلال نیست
حا جت بسیار قیل و قال نیست

در فرهنگ غرور آفرین و شکو همند ما نیز بخشی بزرگ به آزادی اختصاص یا فته است که متضمن دقت فـراوان و شایسته است . بسیاری از شا عران فر هنگ غنامند دری از آزادی و آزادگی سخن ها گفته اند. بینی از عارف و شاعر بزرگ سنایی غزنوی به یادم آمد

گر بی بر گی به مرگ مالد گوشم
آزادی را به بند گی نفر و شـــم

باری به گفته‌ی «رادی شو» آزادی به هر سر زمینی که پای بگذارد رو شنایی وصلح با خود به ارمغان می آورد آزادی در تن شب شراب نور می پاشد . به اشباح مرده جانی دو باره می بخشد با اهر یمن اسارت و بندگی به پیکار بر می خیزد وبه گفته‌ی آن شا عر یو نان در هیچ قلمرو و سا مان و سر زمینی پشت آزادی به خاك نمی نشیند و مقهور نمی گردد. آری‌آزادی همیشه‌پیروز و سر افراز و سر بلند است .

اقبال لاهوری نیز شا عری است درد مند و ستا ینده‌ی بلا فصل آزادی ، سروده های مشحون از حس وطن پرستی و مبارزه برای آزادی است .

از غلا می دل بمیرد در بـدن
از غلا می روح گردد بار تـن
مرگ ها انـدر فنـون بندگـی
من چه گو یم از فسون بند گـی
از نـی او آشکـا را راز او
مرگ یك شهر است اندر ساز او
تا توان وزار می سازد تـــرا
از جهان بیزار می سازد تـــرا
زندگی بی قوت اعجـا ز نیست
هر کسی دانندهٔ این راز نیست
در غلا می عشق جز گفتار نیست
کار ما گفتار ما را یـار نیست
دین و دانش را غلام ارزان دهد
تا بدن را زنده دارد جان دهـد
یك زمان با رفتگا ن صحبت گزین
صفت آزاد مر دان هم ببیـن .

با به پیروزی رسیدن انقلاب کار گری در سرزمین بزرگ روس ، جهان وارد مرحله ای دیگر گردید . آن انقلاب رهایی بخش نا قوس بیداری بسیاری از ملت ها شد . کشور ها یکی پی دیگر به پا بر خاستند ، قیام ها و عصیان هایی تازه شکل گر فت. دیگر غول هزار چهره‌ی استعمار در همه‌ی قلمرو ها وسر زمین ها شناخته شد . نسیم رهایی بخش انقلاب کبیر اکتوبر به همه‌ی گوشه های جهان رسید . توده هابر انگیخته شدند . ودر برابر نارواییی ها ، بیدادگری ها واستبداد استعمار «نه» گفتند . دیگر راه اطاعت کورکورانه را ادامه ندادند . باالهام از اندیشه های تابناك انقلاب کبیر اکتوبر است که شاعر در اسارت نگاه داشته‌ازقلمرو هندو ستان «اسماعیل میروتی» در «۱۹۱۷» همزمان با سال پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر چنین می سراید .

«... در محیط آزاد یك قطعه نان همیشه پیدا می شود .
چنین نانی هزار بار از طعام لذیذی‌که‌بایدـ
با ترس‌و تحقیر واهانت خورد بهتر است.
در محیط آزاد یك خانه و پنا هگاه هر قدر هم تنگ و حقیر باشد
هزار بار بر قلاع و کا خی که با مخاطرات پیچ اندرپیچ دوراندور آنرا گرفته ترجیح‌داد.»

این طرز تفکر سراسر ادبیات وفر هنگ مشرق زمین را فرا گر فته است . بسیاری از سخن سرا یان و شا عران به عسرت ها سا خته اند . ودر تنگدستی مرده اند اما ننگ اسارت وداغ بندگی را نپذیرفته اند مغرور و سر بلند با قی مانده اند . ویکی از انگیزه هایی کـه مشرق زمین بر ضد تسلط جویی استعمار به پا بر خاست همین ادبیات و فرهنگ رهایی بخش ، مبارزومقاوم آن است . گرچه درکنار ادبیات متعهـد مشرق . هنر و ادبیات ار تجاعی هم حرکت کرده است . وعملا ستا یشگر در بار ها بوده است. اما سراسر فر هنگ شرق جو هر آزادی خواهی را در خود دارد .

یك صد وده سال پیش ازین «نـود ـ ویك »رو نه برگی مشاعر فنلند ی‌درستایش آزادی و وطن سروده :

وطن ما ، وطن ما وطن مادری ما .
وه که نا مش چه دلپذیر است
هیچ کوهی که سربه آسمان می‌ستاید.
هیچ دره ای شاداب و هیچ ساحل ودریای جوشانی
به قدر میهن مقدس ما محبوب نیست .
این آب و خاکی که پدران ما آن را دوست می داشتند .
کشور ما فقیر است والبته در نظرکسانی‌که دریی زر و سیم هستند فقیر می نماید .
بیگا نگان به نگاه تحقیر در آن می‌نگرند
ووقعی به آن نمی گذارند . ، اماخودما.
آن را با تخته سنگ هایش وبا قله های بلندش و با سواحل وکرانه هایش
دوست می داریم ، وطن طلایی ماست .
ما جوش و خروش نشاط انگیز ، رودخانه های مان را دوست می داریم .
امواج چهندهٔ جو یبار ها .
جنگل های تیره و تار . با آنهم سرو صدا های مبهم
شبهای پر ستاره و روشن تا بستانی
آنچه درین جا دیده میشود وبه گـوش می آید
همه ، قلب مارا روزی به لرزش آورده است .

بقیه در صفحه ۵۷

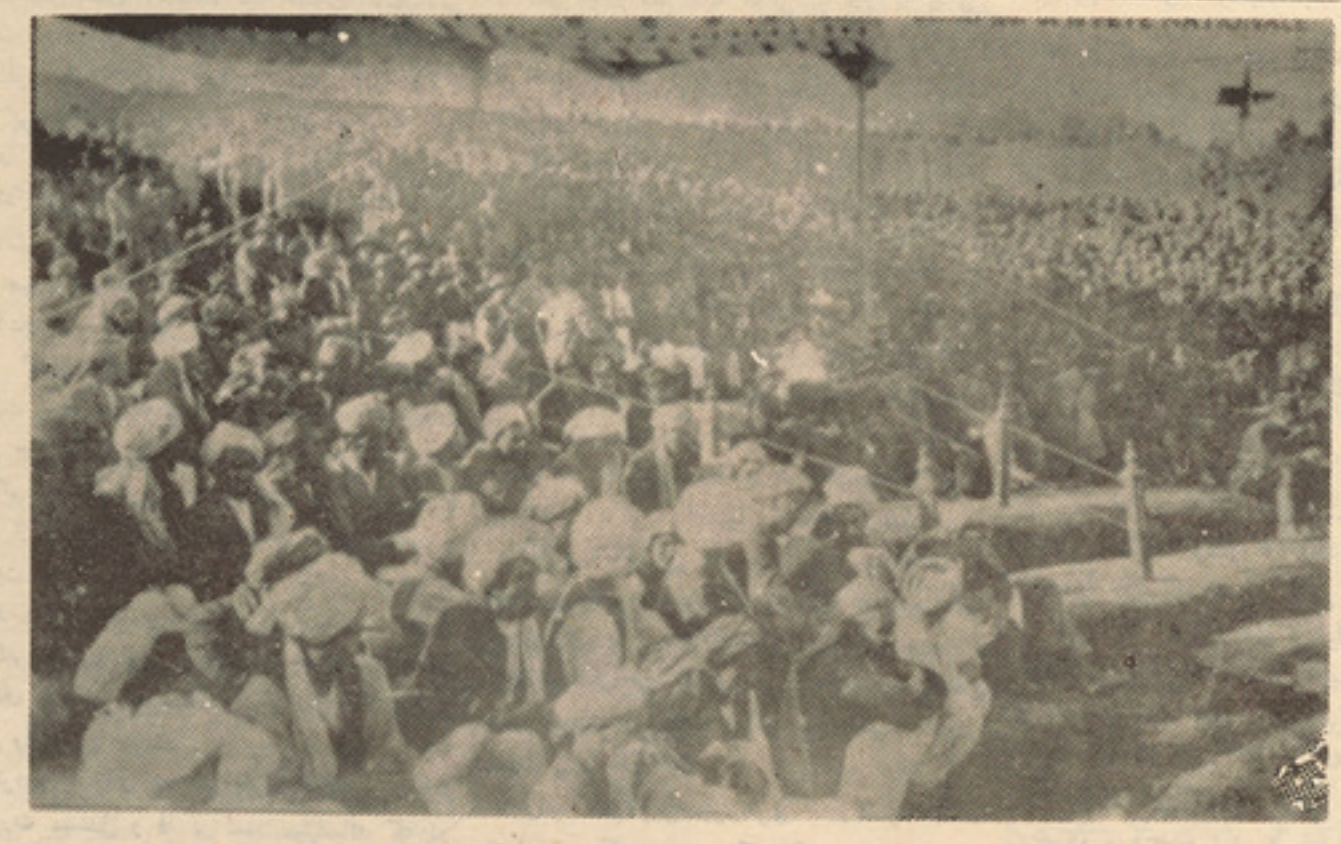

گوشه یی از اشتراك هموطنان ما درسالگرد جشن استقلال وطن که درپغمان برگـزار شده بود .

غفار عریف

نقش مرکزیت دموکراتیک در فعالیت احزاب پیشرو کارگری

دوران معاصر از لحاظ خصایل مشخص زندگی اجتماعی ، جهشگاه پر تلاطم رزمندگان پر توان راه آزادی ، دمو کراسی ، صلح ، ترقی اجتماعی و عدالت واقعی محسوب میگردد که اهمیت مساله را میتوان‌در تاثیر روزافزون احزاب پیشرو طراز نوین پرولتری‌در پروسه قانونمند تکامل کنونی جامعه‌بشری دریافت .

سیستم جهانی صلح و ترقی اجتماعی‌با کسب مو فقیت های چشمگیری ، در آینه حوادث کنونی جهان بمثابه تکیه گاه نیرو- مندوپشتیبان همیشه گـــی احزاب‌مترقی‌و کار گری ملل دیگراخذ موقع نموده که روز بروز مواضع عدالت پسندانه آن تحکیم و تثبیت میگردد.

در جهان سیستم سر مایه و الیگارشی‌مالی وملل‌تازه به استقلال رسیده وروبه انـــکشاف احزاب پیشرو کار گری و سا زمان های توده یی ، بنا بر فعالیت گسترده انقلابی و انجام مبارزات پیگیر بخاطر منافع بنیادی توده های وسیع مردم و سایر اقشار دمو کراتیک جامعه به‌نیروی سیاسی پـــرتوان و رهبری کننده خیزش های انقلابی رزمندگان راه اعتلا ی بشریت تبدیل گردیده اند.

احزاب انقلابی و پیشرو که دانش علمی طبقه‌کارگر رهنمای عمـل شان در مـــبارزات طبقاتی میباشد ، بمنظور دگرگونی هـــای عمیق و بنیادی در بخش های عمدهٔ زندگی سیاسی‌اجتماعی‌مردم، درکشور های سر مایه داری و ملل کمرشد بخاطر تحقق راه واقعی پشرفت اجتماعی رشتهٔ ابتکارات هد فمند را در دست دارند .

افزایش نفوذ احزاب پیشرو کار گری در جهان سیادت سرمایه، دیـــنامیسم ر شد و تکامل جا معه را بخاطر نجات خلق کارگر ازگزند انحصارات غـول پیکر ، ارتـــجاع و سیستم امپر یا لیستی و سعت بخشیده ویکی از پدیده های بر جسته زمان مارا تشکیل میدهد .

تحلیل اوضاع‌کنونی جنبش‌بین المللی خلقها میرساند که در برابر کلیه احزاب پیشرو طراز نـوین پرولتـری وسازمـــان هـــا ی اجتما عـی مربـو ط به احـــزاب متـر قـــی ، در عرصه های تئـور یـک و سازما ندهی عملی توده های مردم درپیکار زندگی ساز ونبرد عادلانه بخاطر آزادی ملـل، صلح دمو کراسی ، عدالت و تر قی اجتماعی و ظایف خطیر ، اساسی و حتی بغرنج قرار دارد .

با ذکر مطا لب بالا در پیشروی احزاب پرو لتری طراز نوین تکمیل سا ختمـــان تشکیلاتی و تکامل وحدت صفوف آن در عرصه های اید یا لوژیک ، سیاسی و سازـ مانی بحیث وظیفه اساسی در محراق توجه قرار میگیرد .

احزاب پرولتری بمثابهٔ‌پیشاهنگ جنبش‌نیرو مند توده های وسیع مردم در پروسه انقلابی جهان معا صر با درك اهمیت طرز انطباق اصل مر کزیت دمو کراتیك در شرایط مشخص و مقیاس های فزاینده سا ختمان تشکیلاتی حزب در اعمار جا معه رفاه اجتماعی ، همچنان بمنظور هما هنگی فعالیت نیرو های درون حز بی ، با لابردن سطح رهبری حزب در امر رشد اقتصاد و فر هنگ ، تربیت سیا سی افراد جامعـه ، بهبـود کار ساز ماندهی و سیاسی در میان توده ها ، نقش رهبری‌جهانی را بعهده دارند .

آنچه در شرایطی کنو نی جنبش جها نی کار گری برای احزاب پیشرو پرو لتری با اهمیت تلقی میگردد اینست که همه سازمان های حز بی با رعا یت و اجرا ی دقیق موازین زندگی درون حزبی و پیروی بی چـــون و چرا از اصول رهبری دسته جمعی واصل مر- کزیت دمو کراتیك بصورت یکدل ورفیقانه واحد و یکپرچه ، هد فمند و پایدار ، فعا ل وپیگیر جسور وبی بـاك در جـهـت تحقـق اهداف عا لی زحمتکشان کلیه نیر ها ی خلق را بسیج نمایند .

کرونو لـوژی احزاب طراز نوین پرولتری بصورت مستدل و قا نو نمند میرساند که در فعالیت انقلا بی و سا زندهٔ نیرو های متشکل سیاسی که همه اعضای آن با اید یا لوژی دوران ساز وعلمی طبقه کارگر تجـهیز و آماده شده اند ، رعایت جدی از اصل مر- کزیت دمو کراتیك در شرایط گوتا گون و مرا حل مختلف مبارزه از بو تهٔ آزمون زمان بدرستی و مو فقیت بیرون جهیده است .

در کار ساز ما ندهی و فعالیت سیاسی احزاب پر ولتری بصورت کا ملا روشن با ثـبات رسیده است که پـیروی و رعایت دقیق از اصل مر کزیت‌دمو کراتیك و مدنظر گرفتن تناسب منطقی میان مر کزیت ودمو- کراتیك همواره عا مل عمدهٔ پیروز ی‌وظفر مندی نیرو های اصیل طبقه کار گر بـــوده است .

از لحاظ درك علمی مسا له رعایت جدی اصل مر کزیت دمو کراتیك و در نظـر گرفتن موازین زندگی درون حزبی پایـه محکمی است بری تا سیس چنان حزب سیاسی که بتواند طبقه زحمتکش کار گر را بسیج و متشکل گرداند ، قشر های معین اجتماعی رابمبارزهٔ انقلابی تجهیز کند وتوده هـــای وسیع مردم را دردگرسازی متر قی جامعـــه رهنما باشد و با حصول قدرت سیا سی پا- سخگوی نیاز مندی های واقعی زحمتکشا ن گردد .

طبقه کارگر ومتحـدین واقعی آن در جریان پیکار طبقا تی و هنگام مبارزات انقلا بی با بورژ وازی و ملا کان بو ضا حت در یا فتند که بدون تمرکز تشکیلات عا لی صفو ف حزب و بدون ایجاد و حدت یکپار چه اندیشه و عمل میان مقا مات حزبی از بالا تا پا ئین واز پائین تابالا ،بردشمن غدار پیـــروز شده

احزاب طراز نوین پرو لتری بنا بر رسالت تاریخی خویش جنبش انقلابی طبقه کار گر و همه زحمتکشان را با تشکل‌واقعاً ارگانیك و در سمت هدف نهایی دقیقاً و مشخص رهنمائی میکند ووسایل عمدهٔ مبارزه رادر امر تشکل توده ها بخاطر پیروزی نظام تکا مل یافته اجتماعی فا قد بهر ه کشی‌وستم جهت میدهند ،بنا وحدت عمل‌و اندیشه میان اعضای آن ومعتبر دانستن اصل مر کزیت دموکر- اتیك در جریان عملکرد ها رهنمود ها شرط پیروزی اینگونه احزاب شمرده میشود .

دانش انقلا بی میرساند که یك حـزب انقلابی پیشرو نمیتواند ما نند احزاب تیپ بورژوازی با یـك‌ارگانیسم بی‌شکل وبدوـن مبارزهٔ سازمانی وفاقد هرگونه هـــد فمندی عالی باشد ودرمیان افراد جامعه زند گـــی نماید .

ـاحزاب تیپ‌نوین پرولتری بادرنظـر داشت اصل مر کزیت دمو کراتیك ، واحد ویك پارچه وبر پایه تئوریك و فعالیت پراتیك قادر میشوند که : «دمو کراتیسم را درتدوین بر نامه و اتخاذ تصمیم را با تشکل متمرکز در اجرای این بر نامه و تصمیمات با هم تلفیق دهند .» .

تجربهٔ جنبش کار گری میرساند کـه : هنگام شکست در مبارزهٔ سیا سی عدهٔ از افراد مر بوط به حزب حاضر میشوند ، حتی به ارزش عدول از بر نامه و تاکتیك ،مشی انحلال طلبی را در پیش گیرند . اما عدهٔ اکثریت مشی مشخص اصو لی را اتخاذ می کنند .

یکی از رهبران جنبش بین المللی طبقه کار گر مینویسد : «تمام دوران قبل از انقلاب و نخستین دو سال و نیم انقلاب (۱۹۰۷ ـ ۱۹۰۵) را بطور کلی در نظر بگیرید .طی این مدت حزب سو سیال دموکرات مارا از لحاظ وحدت، تشکل وپیگیری درهدف خـود با احزاب دیگر مقایسه کنید . شما نا چار خواهید بود اعتراف کنید که ازین لحاظ برتری حزب مانسبت به‌همه احزاب دیگرنسبت به کادتها ، اس- ارها و دیگر احزاب‌مسلم است .»

اصل مر کزیت دمو کراتیك ما نند اصل های سا زمانی و سیاسی در پراتیك احزاب پرو لتری هنگام مبارزه و بر خورد اصو لی با اپور نیسم «چپ» و راست‌و سایر جریانات نا پایدار در دورون حزب پدید شد و تثبیت گردید .

احزاب پرو لتری به اتکای قوی بر بنیاد وحدت و تشکل و رعایت جدی از اصل سنترـ الیسم دمو کراتیك پا بر جا میماند ودرمبارزه بر توان میلون ها انسان را رهبری میکند و تا سر حد پیروزی و تثبیت مرز های مشخص تکامل جامعه انسانی توده های وسیـع مردم را بدنبال خود میکشد .

احزاب پرو لتری که بر بنیاد دانش انقلابی اساس یا فته اند در جریان مبارزات خویش پیوسته باپرابلم خواسته های اپور تونیستی و انحلال طلبی بی امان رزمیده اند .

در دوران احزاب پیشرو کـارگری مظاهر اپور تو نیستی تلاش میورزد تا پیش قراولان جنبش انقلابی را برای صرف نظر کردن از سا زمان جدی و انظباط و حتی عدول از اصل مرکزیت دمو کراتیك به گمراهی سو ق دهند و به جا نب خود بکشاند .

تجربه احزاب پیشرو پرولتری نما یانگـر این‌واقعیت است که مرز بندی اپور تو نیستی هرگز مو فقیت حا صل نکرده که اعضای حزب را تا سرحد انصراف از اصل مرکزیت دموکراتیك بجانب خود کشانیده باشد.

سا ختمان جا معه متر قی ضرورت آنرا میرساند که تحت رهبری احزاب پیشا هنگ توده های مردم در جهت فعالیت خطیر ایجاد گرانه ساز ما ند هی یابند . پرو لتار یا برای کسب حاکمیت سیاسی در صحنهٔ پیکـــار با محا فل و گروه های ضد انقلابی ، حد اکثر انضباط تشکل و قاطعیت را در میان اعضای حزب با اهمیت تلقی میکند .

اصل مر کزیت دموکراتیك برای احزاب پرولتری سنگپایهٔ مطمئن درپراتیك اجتماعـی و تکا مل نهاد های درون حزبی بشمار میاید باید جداً در نظر گرفت که بر پایه رعایت موازین زندگی درون حزبی واصول علمـــی رهبری ، وحدت اید یا لوژیك و سا زمانی صفوف ، کادر ها و دستگاه رهبری حـــزب تا مین شده میتواند .

پروسهٔ تکا مل احزاب پرو لتری میرساند که ارتباط سا ختمان تشکیلا تی با ایدیالو- ژی حزب شکل قا نو نمندی دارد . درین زمینه لنو ریسن بزرگ و بنیاد گذارنخستین دولت کار گر ی ودهقانی مینویسد :«تشکل حزب بدو ن ایدیا لوژی چیز بو چوبی‌معنا میباشد .»

پـرواضح است‌که‌درصورتیکه هرحزب‌سیاسی‌از لحاظ تئوریك وایدیا لوژیك غیر منسجم‌باشد هرگز قادر نخواهد بودکه ساختمان تشکیلاـ تی آن بوجود آید .

اساس تحقق عملی اصل مرکزیت دمـو- کراتیك راتبعیت اقلیت از اکثریت تشکیـل میدهد که بر پایه و حدت ایدیا لوژیـك مناسبات آن بر قرار میگردد . در احزاب پیشرو کار گری که توده های وسیع مردم را در مبارزه بخا طر انجام تحولات بنیادی و استقرار عالی ترین صورت بندی اجتماعی رهبری مینماید ، تامین وحدت سازمانـــی و ایدیالوژیکی حائز اهمیت بیشتراست.

«اصل مر کزیت دمو کراتیك در احزاب پرو لتری جرو بحث وسیع را پیرامون مسایل مهم نظری وعملی تبادل نظر آزاد راکه بنوبهٔ خود به‌استحکام وحدت‌ایدیالوژیك حزب کمك میکند ، لازم میشمارد .»

احزاب پرو لتری تیپ نوین تلاش ها ی ایور تو نیستی را که در جهت ایجاد فرا کسیون ها وگروهبندی ها صورت میگیـــرد بابر خورد قا طعانه و اصو لی در کادر اخلاق انقلابی و با در نظر داشت اصل مر کز یت دمو کراتیك خنثی میسازد .

احزاب پرو لتری که اعضای آنها برمبنای اتحاد داو طلبانه تابع اید یالوژی ، اصو ل وموازین حزب میگردند بادرنظر داشت تامین وحدت سا زمانی و اید یا لوژیك میان‌ارگان های حزب و با تحلیل و ارزیابی دقیق مسایل مهم تئوریك وایدیا لوژیك جنبش بین‌المللی خلقها ، همچنا ن با فرا گیری و آمو زش عمیق از دا نش پیشرو و انقلا بی طبقه کار- گر ، صفوف رزمندهٔخویش را استحکا م می بخشند .

احزاب پرو لتر ی که‌ما ختما ن تشکیلاتی منسجم و اعضا ی سذ ما ن یا فتهٔ مجرب دارند ، رعا یت از اصل مر کز یت دموکر- اتیك را فقط آن زمان امکا ن پذ یر میدانند که با در ك عمیق انضباط آگا هانه تو ا م باشد .

اعتقاد اید یا لو ژ یك پایه و اساس انضباط آگا هانه را میسازد و مهمترین سند برا ی اجرا ی دقیق اصل مر کز یت دمو کرا تیك میباشد ، همچنان اصل مر کزیت دمو کرا- تیك بر بنیاد آن بنا یا فته است .

درك عمیق انضباط آگا هانه و رعایت اصل مر کزیت دمو کراتیك به مفهوم پیروی دقیق‌و خدشه نا پذیر از موازین و اصول درون حزبی ، همچنان بمعنای تمایل بسوی دمو کراتیزه کردن زندگی حزبی ، بالابردن سطح فعا لیت و بسط حقوق هر فرد حز ب پرو لتری میبا شد ، همز ما ن با جلب اعضای حزب بمفهوم اشتراك فعال‌در زندگی عمومی حزبی و اعتلای سطح آگا هی آنها نقش اصل مرکزیت دموکراتیك بطور شایان اهمیت کسب میکند .

احزاب پیشرو کار گری در جریان پراتیك انقلا بی که بمثابه یك ارگا نیسم سیاسی با تحرك زمینه های اید یا لوژیك و سا مانی رشد میبابد ، موا زین زند گی درون حزبی فاشی از رعایت قواعد مر کزیت دمو کراتیك نیز رشد و تکا مل پیدا میکند و اصل مر- کزیت دمو کراتیك بمثابه کـار بست و عملکرد درزندگی درون حزبی با شرا یـط مشخص فعا لیت حزب ارتباط نزدیك پیدا میکند .

بسط و تکامل موازین دمو کراتیك در فعا لیت احزب پیشرو کار گری پایه‌مستحکمی را میسازد که متکی به آن ، پرورش روح انضباط آگاهانه ، حس مسو و لیت و شیوه تفکر افراد حزبی بطور سالم تکمیل میگـردد

وبدین وسیله اشتراك فعال اعضای حـز ب در سا ختمان جا معه شرط حتمی پندا شته میشود .

مرکزیتی که برپایه اصل‌های دمو کراتیك تامین میگردد سوبشیوه دمو کـراتیـك درك

و تحقق پیدا میکند به همان مقیاس دمو- کراسی درون حزبی را وسعت می بخشد هم چنان رعایت دقیق اصل مر کزیت دموکراتیك و در نظر داشت تناسب منطقی میان آن ها، به شکل انضباط آگا هانه تو جه افرادحزب را به منفع کلی و همگانی زحمتکشان تحقق می بخشد .

بقیه صفحه ۱۶

استقلال

مبارزان دلیر دمو کراتیك خلق افغانستان از بدخشان تا پکتیا ، از ننگرهار تا هرات در تمام نقاط وطن در باره منا سبات غیـر عادلا نه حاکم آنروز و راه نجات مردم از زیر سلطه فیو دال ها واربابا ن زورو زرپه تبلیغ وسیع و پیکار وطنپر ستانه دست‌زده و با امید به روز های پیروزی برای استحکام سنگر نبرد بصورت بی امـان در چـو کات اصول انقلابی‌نبرد انقلابی را آغاز کردند و در کشور کوه ها وعقابها غـریو نویـــن را بر پا نمودند .

انقلا بیون افغا نستان بر هبری حـزب دمو کراتیك خلق افغا نستا ن برای مردم باور واعتماد خلق می کردند که سلطنت و دشمنا ن سو گند خورده مردم که چو ن خفا شان بر خانه و کا شانه توده هـای وسیع ز حمتکشان سایـــه افگنده بودنـد، از میان میروند و سلطنت و دولت سلطنتی با تمام قوت و قدر تش به زباله دان تاریخ دفن می گردد و فر زندا ن اصیل و راستین وطن نظام نوین آزادی خوا هی و سعادت مردم را بنا نموده سنگر استقلال میهن‌را استحکام می بخشند .

به ارتباط قضایایی زنده تاریخ پیکار و نبرد استقلال خوا هان یعنی اسلاف قهر مان مشرو طه خوا هان ضد استعمار انگلیس و مبارزه فر زندا ن خلق وطن ، رهـــروان دمو کراتیك خلق افغا نستان با هم پیوند نا گسستنی داشته ، ودر واقع مبارزه‌اعضای حزب دمو کراتیـــك خلق افـــغانستان دوام منطقی مبارزه قهرمانا نه استقلال طلبان و مبارزات دوران استرداد استقلال افغا نستان بحساب می آید .

بر رسی مبارزه حزب دمو کراتیك خلـق افغا نستان از حو صله این یاد داشت بدور است ، اما آنچه روشن و غیر قابل انکـار وتد کارش ضروری می نماید اینست کـــه حزب دمو کراتیل خلق افغا نستان علر غم تو طئه ، دسایس و خیا نت های عنا صر دودل و متردد و خاین به انقلاب به پیش رفت وانقلاب شکو همند ثور برج و بروی سلطنت و جمهوری داود شاه را سر نگون نمود ، پایه استقلال افغا نستان را استحکام بخشید

در پرتو انقـلاب شکو همند ثور که به رهبری حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان به پیروزی رسید برای اولین بار بعد از استقلا ل بصورت مشخص و روشن سیاست دا خلی و خارجی دولت مستقل افغا نستا ن شجا عانه اعلام و مو ضع طبقا تی و انقلابی افغا نستان روشن گردید .

افغا نستان برای اولین بار مبارزه علیه امپر یا لیزم وار تجاع را در روشنی آرمان های فنا ناپذیر طبقه کارگـر طـرح ومبارزه طبقا تی که با تاسیس حـزب زحمتکشان افغا نستان به شکل انقلابی و نوین آغاز گردیده بود وارد مر حله تکا ملی خویش گردید .

انقلاب ثور افغا نستان ، جهان راواقعـاً تکان داد و یکبار دیگر شجاعت و تد بیر مردم زحمتکش افغا نستان در روابط ملی و بین المللی بر جسته گردید و هویت افغا- نستان آزاد وانقلابی برای همگان معلوم شد.

با این پیروزی انگلیس شکست خورده و امپر یالیزم غدار امریکا که‌پل پای بریتانیای کبیر را تعقیب می نماید وبحیث ژاندارم بین المللی به جنا یات ضد بشری دست می زند و وحشیانه ترین و رذیلا نه تر ین شکل به امور دا خلی افغا نستا ن به مداخله پر دا خته و طبق دسیسه پلان شده تو سط با ند یست های خاین به انقلاب انقلاب ثور را از مسیر اصو لی آن به بیراهه کشانده امین فا شیست را به اریکه قدرت رساند .

امین فا شیست طبق دستور و مشـوره مستقیم سی ، آی ، ای اولین کاری که کـرد ، به زندان افگنـدن و سر بریـــدن انقلا بیو نی بود که در پیروزی انقلاب شکو- همند ثور نقش مستقیم و همه جا نبه ای داشتند .

افغا نستان انقلابی باز هم مورد تا خت و تاز ار تجاع منطقه و تمام نیرو های ارتجاعی امپر یا لیستی قرار گـــر فت و استقـلال افغا نستان بار دیگر که در اثر انقلاب ثور استحکام پـذ یرفته بود به‌خطر تباهی مواجه گردید ، پلان های تبا هی حفیظ الله امین و باند جنا یتکار ش که همه و همه افشا ء گردید نه تنها مسلهٔ استقلا ل افغا نستان را در نظر نداشت بلکه تجزیه این کشـــور باستانی را نیز در پی داشت .

خوشبختانه قیام شش‌جدی بـــه‌سر و قت انقلاب ، مردم ، میهن واستقلال رسید و با اینکه مردم وطن در طول زما مداری امین و باند تبهکارش عذاب عظیم را متحمـــل گردیدند در چهره مر حله نوین انقلاب ثور نجات مردم ، انقلاب ، استقلال و میهن را

به چشم سر مشا هده نموده واز تلاش های مذ بو حا نه دشمن فهمیدند که اکنون دیگر استقلال افغانستان برای‌همیش تضمین گردید و تو طئه ها و دسا یس هر گز کاری را از پیش برده نتوانسته و عمال ارتجاع جز سیاه رویی سرافگندگی ثمری راعاید نمی شوند .

به این حساب و به ار تباط گفته های‌که مختصر آمد، می‌توان باسر افـراشته و بـــا

اسمان به‌فرداهای تابان وشکو فان و طـــن یاد دهانی نمود که قیام پیروز مند ششـم جدی ۱۳۵۸ در تحکیم پایه های مادی و معنو ی استقلال افغانستا ن نقش عظیم‌تاریخی را ایـــفا نموده وکس منکر آن شده نمـــی تواند . از همینرو تمام نیرو های اهریمنی و تجاوز پیشه در تبا نی با هم نقشه ها و پلان های را عملی نموده وهمچنان رویدست دارند که مقصدش سقوط دولت انقلابـــی افغا نستان است که این آرمان خبیثانه‌جز خواب و خیال چیز دیگری نیست و تلاش های عناصر ارتجاعی رهزنان و اجیران ارتجـاع و امپر یا لیزم نیز آخرین تلاش های نیرو های عقب گرای بحساب می آید .

باید به افتخار شصت و یکمین سالگرد استرداد استقلال افغا نستان بدشمنان آزادی و خو شبختی مردم ، به نما یند گان و نو- کران ار تجاع و امپر یا لیزم خاطر نشان سا خت که عصر امروز با پنجاه سال قبل ازهر نگاهی فـرق داشته وامـــروز دو لت انقلابی افغا نستان ، تو سط حزب رزمنده و انقلابی دمو کراتیك خلق افغا نستان و دولت جمهوری دمو کرا تیك افغـــا نستان رهبری می شودکه توانو مقاومت ونبرد علیه درند گان امپریالیزم را داشته و تاآخـــرین

فرد اجیر و فرو خته شده را از خاك مقد س وطن بیرون نکشد به پیکار بی امان و نبرد قهرمانانه به پیش می رود وخس خاشاك را از سد را هش جاروب می نماید زیرا امروز

بر علاوه استحکام استقلال تو سط نیرو های انقلابی وطن ، به سو یه بین المللی نیز افغا نستان دوستان مطمئن بشر یت ودر راس

همه اتحاد شوروی سو سیا لیستی را با خود دارد که قهر مانا نه و فدا کا رانه به مردم افغا نستان یاری رسانده ودر بخش هـای مختلف بصورت پیشا نیه کمك می نماید .

خلق افغا نستان اکنون اعتبار بین المللی داشته وایمان کامل دارد کـــه با پیـروزی مر حله نوین انقلاب ثور ، تمام دست آورد های تا ریخی خلق افغا نستان و بخصوص

استقلال کشور تضمین گردیده و دست های تجاوز گران ودهشت افگنان منطقه برهبری امپر یا لیزم امریکا و دیگر شر کای جهانی آن روز تا روز قطع گردیده و آرا مش و زندگی صلح آمیز دو باره احیا می گردد .

به افتخار استقلال و آزادی کشور وتعمیق

همه جا نبه انقلاب ، پیکار ادامه داشته و اجیران و فرو خته شد گان اینجا و آنجا به شکست های مد هشی موا جه می شوند.

درین پیکار تاریخی‌فر زندان اصیل آزادی و استقلال کشور ، مبارزان دمو کراتیك‌خلق افغا نستان ، وطنپرستان اصیل و انقلابی ، نیرو های ملی ودموکراتیك کشور در یك

سنگر وسیع جبهه ملی پدر وطن شرف ونا موس از و قار و عظمت افغانستا ن آزاد وسر بلند دفاع می نما یند و به شهدای راه آزادی ومعر که استقلال درود بی پایان می فر ستند .

بر افرا شته باد بیرق استقلال کشور
کو تـــاه باد دست تجاوز گـــرا ن
نیرو مند باد جمهوری دمو کـــر اتیك
افغا نستان

خدمت به اجتماع

با تلاش وسعی و زحمت ملك عمران میشود
جمله خاك این وطن رشك گلستان میشود
مردم مابعداز گذشت سالها و قرون
در طریق اعلا اینك شتا بان میشو د
هر طرفشو قاست وشادی وسرورهم خوشی
چونکه دور تیرگی بگذشت بهاران میشود
آنهمه استعداد هائیکه بود اندر خفا
هرطرف میباشد انوارچون نمایان میشود
درگذشته بود آنها درخمودوهم جمود
بعدازین با میمنت هریك شگو فان میشود
پیشرفت و انکشاف هرملت اندر جهان
همراه و همدست سایر خدمتگاران میشود
باتفش وسعی وافر بهر اعمار و طن
حاصل اززحمتکشی وپشتکارر نجبران میشود
جمله نعمت های مادی ویا هم معنو ی
عاید از کاروتلاش زحمتکشان میشود
ور بکار افتد همه نیروی جسمی ودماغ
میدرخشد هرطرف گویی چراغان میشود
هر جوان مملکت از بهر طرددیو جهل
متحد و متفق با همر زمان میشود
چون شود تامین وحدت درمیان جا معه
باعث خیرو فلاح همو طنان میشو د
هر که خدمت مینماید بهرخاك واجتماع
بیگمان محبوب نزد خلق ودوران میشود
درطریق پیش برد چرخ پیشرفت وطن
همره وهمکار فعال، هم‌چو(جولان) میشود

عبدالجلیل جولان

عبدالقهار امان

حب وطن

قصهٔ درد مرا آخرو آغازی نیست
ره نوا های دلم همدم و همرازی نیست
نای خا موش نیستان غم خو یشتنم
ناله پیچیده به دل هیچ هم آوازی نیست
تا کسان خنجر بیداد به قلبم‌زده اند
تیر مژگان بتی ، عشوهٔ تنازی نیست
اینکه گه خیزم وگه افتم وگه‌ناله کنم
بسملم رقص مرا تال وسرد سازی‌نیست
چشم بکشوده سحر تا فله خوابست هنوز
ساربان مرده مگرکز جرس آوازی‌نیست
هر مقامی که امان دید زوالی بو د ش
بر تر از حب وطن شیوهٔ ممتازی نیست

وطنه

دستر گو نور د زرگی سر وطنه
ز ما لیلا زما د لبر و طنه
وطنه ستا دمو تمی خاور ی نه خار
که و ی په سماه که په غرو طنه
د غلیم مخ کی زه دفا ع یمه ستا
هر ز لمی وائی ای بصر و طنه
د فسادو کمهل به تو له کیر م ز ه
ستا د لمنی نه خیگر و طنه
و طنه تا کښی و اقعیت را و لیم
خیردی که و بایلمه سر و طنه
و طنه شاپی به گلذار کی م ستا
چی به حر یق جوړ شی اختر وطنه

دستگیر نایل

گواه عشق

این دلبر فسو نگر مژگان سیاه کیست؟
غارتگر متاع دل بی پناه کیست ؟
عمر بهار ورنگ خزانم نگاه کن
زین به اگربه عشق‌تو دارد گواه‌کیست؟
قد کمال و فخر جهان درفرو تنیست
از سرکشی کسیکه رسیده بجاه‌کیست؟
آیی اگر به کلبه من از ره و فا ،
غیر ازسر شك دیده‌به تعظیم‌راه‌کیست؟
آب حیات می طلبم یارم آرزوست
خضر رهٔ مراد ، درین کارگاه کیست؟
ما را به جرم عشق ملامت چه میکنی ،
در زندگی هرآنکه نکرده گناه‌کیست؟
آنکس که‌داده عقل‌ودل ودین به‌عشق تو
جز نایل فلك زدهٔ بی پناه کیست

برگزیده‌هایی ازهیان

غزل

چه زیبا منظری دارد بهم پیوسته ابرویش
هلال سه‌شبه خواهی نظر کن بر گل رویش
رخش چو ن گل صدا بلبل لبش چون مل‌بسر سنبل
ندارم‌گرکنم غلغل گذر چون مستم از بو یش
زنخد انش گل نسر ین و رخسارش گل‌سیب است
بنرمی وسفیدی چو ن بر قمر ی دوبازو یش
چوگلنار ست بین نسترن لعل وزنخدانش
که همچون سا قه ای بگر فته بر لب رشتهٔ مو یش
فدای قا مت د لجو ی و رعنا یست نگار من
که بستان‌را نباشد همچو سروی در لب جو یش
بدل حسر ت فتاده با غبان را از قد سرو ت
که همچون سرو زیبا یی ندارد باغ نی کو یش
الا ای با غبان بنگر بباغ خود ر و ا ن سر وی
که‌چشمی رانباشد سوی سروباغ جز سو یش
فدای گردش چشمت شوم ای نازنین دلبر
که‌صبر ازدل رباید یك نگاه مست و جادو یش
دوچشمان سیا هت در پی قتلم شده ازبس
دوصدتیرو کمان آرد زمژ گان بلا جو یش
زجور وخوی تندش این خبر آمد مرا کامل
شهید عشق آ خر میشوی از تیغ ابر و یش

همان‌کامل

فرستاده‌های شما

سوگند دی

په سرو شونډو دی بازار د شکرمات کړ
صورت گرو خپل پر کار اومسطرمات‌کړ
تورو زلفودی نا موس د عنبر مات کړ
چی ئی ستا دخط اوقدلنداره و کړه
سحر گرو اوس دسحر دوکانو تقنبت
دواړو ستر گودی دسحر هنر مات کړ
چه ارزو لرم په زړه کی ستا دوریځو
دی آرزومی په خیگر کی خنجرمات کړ
تاویل نور به‌قول نکړم سوگند د ی
په سوگندسو گندی لاخه بهترمات‌کړ
ماتوه دخو شحال زړه بیا به ووا ئی
چه می څه لره دا هسی گوهرمات کړ

خوشحال ختك

تتبع ونگارش از : فرید

انگلیسها و شکست آنها در افغانستان

در سالهای نخستین قرن نزدهم (الفنستن) نماینده انگلیس داخل افغانستان شد و نخستین معاهدهٔ افغان و انگلیس را امضاء کرد که مطابق آن افغانستان مجبور بود در صورت حمله فرانسه و ایران به هند طرفداری انگلیسها را نماید ، اما انگلیسها در مقابل هیچ مکلفیتی را در برابر افغانها عهده دار نشدند . و حکمرانان دول همسایه از این فرصت استفاده کردند . «سکها قسمتی از وادی کشمیر و ملتان را اشغال کردند و شاهان فارس بخاطر هرات به جنگ دست زدند واز این تاریخ به بعد مساله هرات گره اساسی سیاست منطقه گردید که انگلیسها برای تحکیم موقف خود درین منطقه در داخل افغانستان بین قبیله سدوزائی که اقتدار را در دست داشت و قبیله بارکزائی جنگ در گرفت که دامنه این جنگ منجر به سقوط دولت درانی شد.»

هرات تا چند دهه به حکمرانی مستقلی تبدیل گردید و پشاور ، قندهار ، غزنی نیز مستقل شدند ، زمامداران سك نیز از این وضع بحرانی استفاده کردند از (۱۸۱۸ - ۱۸۲۶) پشاور چندین بار دست بدست شد تا آنکه به تسلط سکها در آمد . در سال (۱۸۲۶) امیر دوست محمد خان به پادشاهی رسید و تلاش ورزید تا تمام افغانها را متحد کند اما تشکیل دولت مستقل نیرومند در سر حد پنجاب مخالف منافع کمپنی انگلیس بود . امیر دوست محمد خان باوصف مشکلات زیاد تا حدی موفق گردید مصئونیت تجارت را میسر سازد .

اردوی افغان را بشکل جدیدی سازمان‌دهد عواید دولتی را بیفزاید ودر کابل کارگاه سلاح سازی را بنا نهد . قدرت امیر دوست محمد خان نفوذ انگلیس را در هند به خطر مواجه می ساخت بنابرآن پلان حمله شاه - شجاع را نخست به قندهار و بعد به کابل طرح کردند ودر عین حال رنجیت سنگ را تحریك کردند تا پشاور را اشغال کند .درین وقت نخستین بار منافع انگلیس و روسیه تزاری آنوقت در مسالهٔ افغانستان بر - خورد کرد .

درسال (۱۸۳۶) ویکتویچ نماینده دولت تزاری آنوقت وارد افغانستان شد تا زمینه اتحاد را بین کندل خان حکمران قندهار و دوست محمد خان امیر کابل مساعد سازد همچنان درسال (۱۸۳۷) روسیه‌تزاری بمنظور گسترش ساحه نفوذ خود حمله شاه ایران رابه هرات پشتیبانی کرد سر انجام با تلاش ویکتویچ اتحادیه سه جانبه کابل ، قندهار وایران تحت تضمین‌روسیه‌تزاری مقابل خطر حمله انگلیس بوجود آمد ودر همین سالها قرار توسعه تجارت میان افغانستان وروسیه تزاری امضاء گردید .

انگلیسها بالاخره جهت تحقق بخشیدن پلان حمله بر افغانستان اطلاعات مبالغه آمیزی در باره دشمن ، امیر دوست محمد خان با هند بر تانوی به پارلمان دادند و دوست محمدخان را متهم ساختند که بر رنجیت سنگ متحد انگلیسها قصد حمله دارد ، انگلیسها پشتیبانی خود را از شاه شجاع که ادعای سلطنت افغانستان را داشت اعلان کردند و اردوی سی هزار نفری برای حمله به افغانستان آماده ساختند . امیر - دوست محمد خان به جنگ موافق نبود . اردوی افغان از پانزده هزار نفر تجاوز نمی کرد که البته از نظر تجهیزات بقوای انگلیس نمیرسید

بهار سال (۱۸۳۹) عساکر انگلیس به سند حمله کردند سپس قلات را گرفتند و داخل قندهار شدند . درینوقت شاه‌شجاع مجبور به امضای معاهده یی شد که بنا بران عساکر انگلیس همیشه میبایست در افغانستان بماند و بر تانیه نظارت تمام بر سیاست خارجی افغانستان داشته باشد قوای برتانوی موانع مبارزین افغانی را که بر پیکار علیه اشغال گران بر خاسته بودند در شاهراه قندهار کابل از راه برداشتند و در سال (۱۸۳۸) غزنی را تصرف شدند در این وقت طلا و سلاح انگلیس باعث آن شد که دربین حلقه های خوانین انشعاب پدیدار گردد و امیر دوست محمد خان که از کابل مقابل متجاوزین براه افتاده بود مجبور به عقب نشینی شود .

انگلیسها و شاه شجاع کابل را اشغال کردند . شاه شجاع برتخت پادشاهی نشست درینوقت مکناتن نماینده انگلیس شاه شجاع را مجبور به «امضای موافقه جدیدی نمود که حاکی بود از آنکه مشاور انگلیس، در دربار امیر اقامت داشته باشد و نه تنها سیاست خارجی بلکه سیاست داخلی افغانستان نیز توسط بر تانیه نظارت گردد .»

در سال (۱۸۴۰) قوای انگلیس تمام شهر های مهم مانند کابل ، قندهار ، غزنی و جلال آباد را اشغال کرد درعین حال انگلیسها تلاش ورزیدند تا راه حمله به آسیای میانه را نیز هموار سازند و نقاطی را که براههای مهم ترکستان جنوبی مشرف بود به‌تصرف آوردند جنبشهای ملی‌علیه انگلیسها درگوشه و کنار مملکت آغاز یافت . اما امیر دوست محمدخان نتوانست که رهبری این جنبش ها را بدست گیرد . قیامهای ضد استعماری تا به آن حد شدت یافت که یکی از افسران انگلیس در آنزمان از قندهار نوشته بود :

«نمیتوانم بگویم که تا چه حد مردم از ما نفرت دارند ... نمیتوانیم ونباید اینجا باشیم ... باید بر گردیم هر چند به‌قیمت حیثیت ما تمام شود ...»

همان بود که درسال (۱۸۴۱) آزادیخواهان چاریکار را گرفتند ، در شیخ آباد نزدیك غزنی قوای انگلیس تارومار شد ، قبایل دره خیبر به قطعه عسکری انگلیس حمله کرد و روحانیون افغانستان علیه استعمار گران جهاد را اعلام داشتند ، در سراسر افغانستان شعار پیکار بر ضد متجاوزین پخش شد در کابل سران وطنپرست ، قبیله ها ، پلان قیام مسلحانه را طرح کردند ودر دوم نومبر ۱۸۴۱ قیام آغاز یافت .

اقشار تهی دست شهری پیشه‌وران ، دکانداران ، ودهاقین اطراف شهر براقامتگاه برنس نماینده انگلیس حمله ور شدند و او را کشتند . قطعه عساکر انگلیس که در حومهٔ کابل قرار داشتند محاصره شدند در اینوقت اکبر خان پسر دوست محمدخان با شش هزار نفر مسلح وارد کابل گردید، در عین زمان آزادیخواهان سپاه انگلیس را در غزنی ، قندهار و جلال آباد محاصره کردند. انگلیسها بزور تطمیع زمینه قتل عدهٔ از سران قیام را فراهم کردند اما این تلاش شان آتش پیکار مردم را شعله ور ساخت تا سر انجام انگلیسها مجبور به تسلیم بلا شرط گردیدند وقوماندانی قوای وی امر کرد تا سپاه و سلاح خود را تسلیم کنند واز افغانستان خارج شوند . نفرت مردم علیه متجاوزین تا آن حد بود که در حدود پنجصد تا ششصد نفر به سختی بتواند خود را تا سر حد برساند که آن هم توسط آزادیخواهان به قتل رسید . افغانها جلال آباد ، قندهار و غزنی را یکی پی دیگر آزاد کردند و شاه شجاع نیز کشته شد ، دوست‌محمد خان که در آنوقت در هندزندگی می کرد به سلطنت افغانستان پیشنهاد و دو باره بر تخت نشست .

قیام ضد استعماری‌سال ۱۸۴۱ فصل نوینی در تاریخ سیاسی ، فرهنگی و ادبی کشور ما باز کرد . پادشاهی بار دوم امیر دوست محمد خان همراه با جنگهای زیادی بود تا دولت مستحکم گردد و قندهار و هرات به تسلط در آید . سکها که از تهدید استیلای انگلیس هراس داشتند در بدل آن پشاور را به امیر دوست محمد خان واگذاشت اما انگلیسها در دومین جنگ با سکها شکست قاطع خورد و پنجاب را جز قلمرو هند و انگلیس ساختند از ترس تصادم جدید با انگلیسها دوست محمدخان عساکر خود را از پشاور کشید انگلیسها برای آنکه توجه دوست محمد خان را از سرحدات هند بر گردانند ویرا به حمله سوی آسیای میانه تشویق کردند ودر اواسط سالهای پنجاه ترکستان افغانی چون ولایت جدیدی داخل افغانستان شد در سال (۱۸۵۴) امیر دوست محمد خان قرار دادی با انگلیسها امضاء کرد که مطابق آن از پشاور و بخشی زمینهای افغانها را که سکها اشغال‌کرده بودندصرف نظر نمود ودر عین حال تعهد گردید که در امور داخلی هند مداخله نکنند چنانچه در سالهای (۱۸۵۷-۱۸۵۹) همین قیام مردم هند با وصف تقاضای جدی میهن پرستان افغان مبنی بر پشتیبانی‌از جنبش آزادیخواهی مردم هند ، امیر بیطرفی کامل اختیار کرد انگلیسها موافقه نکردند امیر دوست محمد قندهار را اشغال کرد و همچنان بعد ازجنگ ده ماهه در جولای سال (۱۸۶۲) هرات نیز به تصرف امیر دوست محمد خان در آمد . تلاشهای امیر در راه تشکیل یك دولت‌متحد مرکزی با رشد انشعاب طلبی ملاکین‌محلی همراه بود امیر در سالی که هرات را فتح کرد درهمان شهر در سال ۱۲۷۸ ه.ق بدرود حیات گفت .

بعد از فوت امیر فرزندانش به هم در آویختند و از جمله امیرشیرعلی خان درسال (۱۲۷۸) به امارت رسید . امیر شیر علی خان در پی آن شد که خطر برادران را از میان بردارد اما در سال (۱۸۶۷) در جنگ داخلی خودش مغلوب شد ومحمد اعظم خان و عبد الرحمن پسر محمد افضل خان کابل را فتح کردند ومحمد افضل خان رااززندان غزنه آزاد کردند و بر تخت شاهی نشاندند

در سال (۱۸۶۹) امیر شیر علی خان به کمك محمد یعقوب خان دو باره پادشاهی را گرفت و محمد اعظم خان بسوی مشهد گریخت و بعدا در منطقه شاهرود چشم از جهان بست و عبد الرحمن خان خود را به بخارا کشید امیر شیرعلی در زمان پادشاهی خود به ریفورمهایی دست زد ، ریفورمهایی امیر شیر علی خان دولت‌مرکزی فیودالی را استحکام بخشید اما با تاسف نتوانست آینده دور تری را تضمین کند و با حمله تجاوزی انگلیس از هم پاشید و در سالهای هفتاد انگلیسها پلان تقسیم افغانستان را که از مدتها طرح کرده بودند در صحنه عمل کشیدند و تلاشهای امیر شیر علی‌خان برای نجات از خطر حملهٔ احتمالی انگلیس باعث‌آن شدکه جنرال سویتوی روسی‌تزاری وارد افغانستان شود وبا امیر شیر علی خان به‌نمایندگی‌دولت‌روسیه‌تزاری پیمان اتحادرا امضاء کند مخالفت امیر و ممانعت قوای سر حدی ازورود چمبرلین بر خاك افغانستان باعث آن شد که دولت انگلیس التیماتومی به افغانستان بدهد و متعاقب آن در نومبر سال (۱۸۵۸) قشون ۳۵ هزار نفری برتانیه به خاك افغانستان هجوم آورد امیر شیرعلی خان ناچار سلطنت را به پسرش محمدیعقوبخان گذاشت که وی با انگلیسها معاهده ننگین (گندمك) را امضاء کرد . معاهده - یی که ظاهرا باعث بر قراری صلح موقت در افغانستان شده اما دهقانان وپیشه وران و گروههای مختلف زحمتکشان مملکت روز بروز علیه معاهده گندمك به قیامهادست زدند که از جمله مبارزات محمد جانخان وردك دوره قابل یاود آوری است . وهمچنان ملادین محمد معروف به ملامشك عالم نقش فعالی در بسیج کردن مردم علیه انگلیسها بازی کرد . انگلیسها جنرال روبرتس را با قوای قهاری به افغانستان فرستادند که در هر منزل مردم با سر و سینه راه روبرتس را سد می کردند تا آنکه جنرال موصوف

بقیه درصفحه ۵۶

خوشحال خټک

سنگر

خوشحال خټک دشهباز خان زوی دیحیی خان لمسی او دملك اکوړی کړوسی دی چی په ۱۰۲۲ هـ (۱۶۱۳م) کال دپیښور په‌ختیځه خوا اکوړه کی وزیږید چی په دی وخت کی دگورگانیانو لوی واکمن جهانگیر دټول هندوستان او افغانستان دختیځو سیمو واکمن‌و.

ددی لپاره چی خوشحال ، دخوشحال نړی لیـد، دشعر په څرنگوالی او دژوندانه په هکله ښه وپوهیږ ولازمه ده چی دهغـه دژوندانه چاپیریال لکه څنگه چی وو څیړو اودرښتینو څیړنوپه رڼاکی خوشحال وپیژنو.

دتاریخ په‌شاهدی خوشحال په‌یوه فیوډاله کورنی کی زیږیدلی اودکورنی د فیو ډا لـی کلتور له‌اساساتوسره ترروزنی لاندی‌نیول‌شوی او دژونـدا نه لو مړنی پړاوونـه یـی دهمدی روزنی ترنیغی اغیزی لا ندی په مخ تللی دی .

هغه دژوندانه په هماغه لومړ یو شیبوکی داکوړی په کلی کی سترگی پرانیستلی او د خانخانی له چاپیریال سره پیژندوی شو .

داکوړی کلی دهغه دغور نیکه ملك اکوړی لخوا جوړ او ترپایه پوری دهماغه په‌نوم‌یاد شونو څکه یی داکوړی کلی په نامه یاد اوه.

دهند لوی واکمن گورگانی جلال‌الدین‌اکبر ددی لپاره چی دپښتنی قبایلو له‌یرغلونواو بریدو نو څخه خپله ستروا‌کی خوندی وساتی دخوشحال غورنیکه ملك اکوړی ته‌یی داټك اونو ښار تر مینځ پرتی ځمکی دجاگیر پـه په‌گټه‌یی دگاونډی قبیلی (یوسفزیو) سره چی دگور گانیاتو کلك دښمنان وپرله پسی جگړی وکړی .

دشهباز خان ترمړینی وروسته خوشحال خان دگور گانی لوی واکمن شاه جهان لخوا دخټکو دقبیلی مشرداودورکړ شوی جا گیـر دمیر په توگه ومنل شو چی د تاریخ مرصع له روایاتو سره سم یی دژوندانه په‌دغه‌پړاوکی دگور گانی ښکیلاك گری او تالا نگری زور واکی په گټه دگاونډیو قبیلو په ځبلو او ټکولو کی‌لویه ونډه واخیستله.

داټك او نوښار ترمنیځ دپراخی‌سیمی جاگیر داری چی دپـلار تر مړینی ورو ستـه خوشحال ته ورسیده دافغانستان اوهندوستان دسوداگری لویه لار ورڅخه تیریدله اودا هغه لویه تجارتی لاروه چی دسمندری تجار تـی لار ترپیدا کیدو پخـوا د ختیـځ اولویدیـځ دسوداگری لویه‌او مشهوره لاروه .

هغه تجارتی مالونه چی دختیځ اولویدیځ ترمنیځ دملك اکوړی دکورنی د جاگیر له‌پولو څخه تیریدل دحـق العبور، مالی او پـر اټك باندی دتیریدو راتیریوو دټکس په‌نامه پیسی اخیستل کیدلی چی داکوړی دکورنی حق‌گڼل کیده . سر بیره پـه دی خوشحال اودهغه کورنی ته هغه حقونه هم رسیدل‌کوم چی‌دیو فیوډالی نظام په دننه‌کی‌دواکمنا نو او امیرانو لاس ته ور ځی اوهغه داچی دسیمـی دسوداگری دلاری ساتنه هم دهغوی په غـاړه وه او همدالار دگورگانی امپراطوری دژوند شارگ‌گڼل کیده.

داځکه چی لاتر دغه وخته پوری سمندری لاری‌پیدا شوی نه وی او ځمکنیو لارو خپـل ارزښت له لاسه ورکړی نه‌وی اوان داچی د ختیځ اولویدیځ ترمنیځ‌سوداگری د ځمکنیواو وچو لارو پواسطه تر سره کیده .

دژوندانه پورتنی چاپیریال چی دخوشحال خان ټولنیز ژوند جوړاوه دهغه دټولنیـز شعور ټاکونکی واوله همدی کبله وچی د ژوندانه په دغه پړاوکی دخپل پلار او نورو سره یو ځای څوځله دگاونډ یو قبیلو پرضد وجنگید او دخپلو طبقاتی گټو دساتلو لپاره‌یی کلکی هلی ځلی وکړی .

داچی هغه‌دخپل جاگیر او دهماغه وخـت دواکمن قدرت دگټو لپاره له‌خپلو خلکو اوولس سره جنگیده دادهغه دنړی له اساساتو سره برابر کار وه لکه چی دځلانده اسناد وله مخی ویلای شو :

« د۱۹٤۱م کال دجنوری په میاشت کـی دخوشحال خان پلار شهباز خان‌دپښتنو لـه یوسف زی قبیلی‌په‌جگړه‌چی له مالیی ورکولو نه‌یی سر غړولی وووژ لشو او خوشحال‌خان هم په دی جگړه‌کی برخه اخیستی او ټپی‌شوی وچی دپلار تروژل‌کیدووروسته دخټکو دقبیلی مشر اوددغی سیمی امیر وټاکل‌شو او دشاه جهان لخوا دهغه مشری او امیری ومنل شو»

په ۱۰٦۷ لیږ دیز (۱٦۵۷)کا ل کی چی شاه جهان په‌ناروغی اخته شو ژا منو یـی دواکمنی دتر لاسه کولو په غرض پخپلوکی ونښتل اواخوډب داورنگزیب په گټه پای ته مینځه یووړل . همدا شان یی دخپل پـلار شاه جهان اوپاتی ورو ڼو په‌بندی کو لو سره خپل مخالفین وځبل اودهند دگورگانی امپر-اطوری دقدرت په ترلاسه کولو واکمنی ته ورسید .

په‌دغونښتو او شخړوکی چی داورنگزیب اودهغه دورو ڼوترمینځ وشوی خوشحال خان‌د اورنگزیب ملاتړ وکړ او په پښتنی قبایلوکی یی دهغی دورور دارا شکوه دنفوذمخه‌ونیوله چی‌په‌پای کی دارا شکوه ماته وخوړله اودخپل ورور پلاس ووژل شو .

کله چی اورنگزیب‌واکمن شو خوشحال‌خان یی‌له تالانگرو لښکرو سره تیراته واستا وه چی‌دهغه مخالفین وټکـوی اودتیرا دمخالفینـو ترځبلو وروسته یی داورنگزیب په گټه دیو-سفزو پرضدیی دجگړی ډگرته ودانگل او ډیری خونړی جگړی یی په مخ بوتلی .

په ۱٦٦٤ م کال کی‌دکابل والی دخوشحال له زیاتیدونکی نفوذ نه وډار شو اود گورگانی لوی واکمن او رنگزیب پام یی دهغه پرضد وگر ځاوه او په ټگیو پیښو رته وغوښتل شوچی تر دوه میاشتو بند وروسته ډهلی‌ته ولیږ دول شو .

هغه یی دځارونکو ترکلکی ځارنی لاندی‌په درندو زنځیرو نوکی له پیښور څخه ډهلی‌ته واستاوه او دخټکو قبیلی څخه وکړه چـی لاره ونیسی.

او هغه په زور وژغوری مگر دخوشحال‌خان له مخالفت سره یی دا کار ونه کړ.

هغه یی دډهلی درنتبور -جی پور په‌کلاکی بندی‌وساته چی تر دوه نیم کالو بند وروسته په اگره کی ترکلکی ځارنی لاندی ونیول شو اودهغه دبندیتوب په وخت کی‌یی ټوله کورنی دیر غمل په توگه ډهلی ته وغوښتل شوه خودیو سفزو دملاتړاو ننگی له کبلـه گور گانی ښکیلاك گرو ونشوای کولای چی ډهلی ته‌یی بوزی .

خوشحال دزندان په‌بوین‌انگړ کی‌داشعرو-وایه :

یك تنها په کټ کی‌پروت یم
بـندیوان دهنـد د کو ټ یـم
دامی حال دامی احـــوال دی
که وایه شی ډیـر مقـال دی
چی په ماباندی دا حـــال دی
څه دپاسه یـو نیـم کا دی

یاد اچی وایی :

رنتبور خوشحال په خوب لیدلی نه‌و .
آخروشی هغـه چـاری چـی تقـد یر کـا

هغه یوسفزی چی خوشحال خان یـی پرضد وجنگید او ډیر مړونه یی ورووژل په بده ورځ کی ورته‌په کار شول‌او دده دکورنی پت اونوم یی خوندی وساته او هغه خبره رښتیا شوه چی بد تربور په بدځای کـی پکار یږی .

په‌دی ډول پیښو دژوندانه بهیر بل خـوا وگر ځاوه او خوشحال خان او دهغه دکورنی پنځه اتیا کلنه انډیوالی چی له گورگانیانو سره یی ساتلی وه په دښمنی بدله شوه او خوشحال خان داورنگزیب دښمن شو.

هغه اورنگ چی خوشحال خان دده لپاره خپل عزیزان او نـږدی گاونډیان ووژل دده دښمن شواو هغه‌یوسفزی چی دخوشحال خان دښمنان وو اودده دکورنی دپت او ناموس ساتند ویان شول .

له یوی خوا څخه زړه بو گنوونکی زندان اوله‌بلی خو ا څخه دخپل اوپردی تو پیـر دخوشحال خان په‌ژوندانه کی داسی اساسی بدلون منیځ ته راوست چی دژوندانه روښانه لاریی ورته وټاکله اودومره یی ویښ کړ چی رښتیانی زده کړه یی ورنه وکړه چی پـه واقعیت دسبانی خوشحال دانقلابی شخصیت دشته والی لپاره یی لاره هواره کړله .

توگه ورکړی او هغه‌یی ددی سیمو دټـولـو پښتنو دمیر په توگه ومانه ددی ارتی سیمی ټول واك او اختیار په ملك اکوړی‌اودهغه‌په کورنی پوری اړه درلوده‌چی‌زیار ایستونکوپرگنو زبیښاك ته‌یی دوام ورکاه اودهغوی‌دزبیښلوله لاری یی خپل وړیا خور ژوند اوږداوه .

دملك‌اکوړی ترمړینی وروسته دهغه‌ځوی یحیی خان چی دخوشحال خان نیکه ودهندد گورگانی واکمن جهانگیر لخوا دملك اکـوړی دجاگیر دخاوند او دهمدی سیمی دټولو او سیدونکو د مشراو میرپه توگه ومنل شوچی دده دجاگیر داری‌په‌وخت‌کی‌هم دزیارایستونکو پرگنوبی کچه زبیښاك پایښت وموند .

دالړی همد اشان روانه وه اود یحیی‌خان ترمړینی وروسته شهباز خان دخوشحال‌خان پلارد جاگیر واکمن شو چی دگور گانی‌لوی واکمن شاه جهان لخوا دجاگیر دار او مشر په توگه ومنل شو چی دده په ټول ژوند کی دخلکو دزیار ایستونکوپرگنو زبیښاك جاری وساتل شو .

دده دجاگیرداری په وخت کی‌له دی سره سره چی دمیشتو پر گنو استثمار جـاری ساتل شوی ودگور گانی‌لوی واکمن شاه‌جهان

خوشحال خان تر دوه نیم کاله بنداوترهغه وروسته په‌نظربندی کی وساتل شو چی د خپل ډیر شعرونه یی په‌همدغه وخت‌کی ویلی دی او دی زړه بوکنوونکی پیر (وضع) پی دو مره کلکه اغیزه وکړه چی په ده کی یی‌د کسات سوزنده جذبه ژوندی کړه .

دبندیوان او زندان په بوین انگړکی په‌دی وپوهیده شخصی واکمنی دشخصیتونودښمن دی او زور واك حکومتونه حتی دده غوندی شخصیتو نه چی کلونه یی‌ورته چوپړ کـړی دی منلی اوز غملی نه شی .

خوشحال خان لکه نورو لویو شخصیتو نو له بند او جیل نه دژوندانه زده کړه‌وکړه‌او همدغوکارکړونو او عواملو په ده کی ډیرلوی فکری بدلون منیځ ته راوست او دښکیلاك‌گرو اصلی څیره یی دتجربوپه‌هیند اره کی‌ولیدله

هغه په زندان کی نتیجی ته ورسید او او همالته یی دخپل راتلونکی په هکله فکر کاوه او دشپو ورځو په تیریدویی داسی پریکړه وکړه اودا شعریی ولیکه :

پس له بنده دی دا عـــزم
دخوشحال د خاطر جـــزم
یـــا نیولی مـخ مکی تـه
یـــا مغـو لو سره رزم.

دروښانیانو دانقلابی غور ځنگ ترټکولو

وروسته دلرغونی افغانستان اقتصادی او اجتماعی شرایط نورهم پخیری‌او په‌دی وخت کی‌چی پښتانه قبایل د لیږدیدو ، پریو او نوکر یوپه نتیجه کی لږوډیر دجاگیر دار انو او کر گرانو په‌ډول دگرنی پرخمکو باندی لویږی اوپه تولیدی قوتونو کی یی دبدلون نښی نښانی خرگندیږی • دمالداری له‌خنگه دگرگری ژوند چی دملك الطوایفی دمنیخ ته راتللو لپاره لومړنی اساسی‌شرط دی ورورو پیل کیږی چی تر شپاړلسمی پیړی پوری پا یښت گوی پـــه د ی پـــړ ا و کـــی پښتو ادب دخپل وخت داقتصادی - اجتماعی اوپه غوره توگه دسیاسی شرایطو داوضاعو دغبرگتیا او انعکاس په توگه خرگند یږی

له شپاړلسمی پیړی راپدیخوا دپښتنی‌قبایلو گرگری ژوند دپورتنیو عواملو له‌کبله بدلون مومی اودملك الطوایفی عنا صر مینځ ته راځی اودملك الطوایفی لو مړنی‌پړاو شرو ع کیږی او داحمد شاه بابا تر واکمنی پـو دی رسیږی •

خوشحال خان‌دهمدغه وخت داقتصادی - ټولنیزو شرایطوزیږنده‌دی او همدغو شرایطو دخوشحـــال خان‌دشخصیت پـه‌جوړولو کـــی غـوځ نقش در لودلی دی • ددغه شرایطـــو له‌زور خیر لواو پام کی نیولو پرته دهغه د شخصیت رښتیانی پیژندنه یوناسم اوپرسیر کاردی ځکه چی دشخصیتونو او پیښو پـــه باره کی پرته له عینی قضاوت نه‌سمی نتیجی ته‌رسیدل گران کـار دی اوپر سیر نه خیرنه هیڅ ارزښت نه لری •

دټولنی تاریخ دتصادفی ، خانگړو اوپولـه جلا پیښو مجموعه نه‌ده بلکه دسره تړلـــو پیښو مجموعه ده اودیوی ټولنیزی پیښی‌سمه پیژندنه دا ړ ونده پیښو او چاپیریال دژور تحلیل په ر ڼاکی ترلاسه کیدلا ی شی •

دخوشحال خان دژوندانه په وخت کـــی افغانستان دگاونډیو ښکیلاك گرو امپراطوریو یعنی دهند دگور گانی امپراطوری ـدایران دصفوی امپراطوری اودماوراء النهر یادبـخارا دخانانو دتیریواو لویی غوښتو نکو عملیاتو ډگر گرځیدلی وچی دهغوی ترمنځ په دری برخو ویشل شوی و •

ختیځی سیمی دگورگانیانوـجنوب لویدیځی سیمی دصفویانو اوشمالی سیمی دبخـــا را دخانانو منگلو ته ورغلی وی خو هغوی هیڅکله په‌نیول شوو سیمو بسوالی و نه کړ بلکی دخپل واکمنتوب دچاپیریال دپراخو لـو لپاره یی خو خو ځله افغانستان په له‌سره ویش باندی یوله بل سره جنگیدلی دی •

خوشحال خان په دغـو پور تنیو شرا یطـــو کی زیږنده دی •

کله چی هغه له زندانه‌ازاد او دگورگانیانو پرضد یی دهیواد ژغورنی ژغورنده جگړه‌پیل کړه او اورنگزیب دهغه دټکولو لپاره یولوی لښکر واستاوه چی خوشحال خان په همد غه وخت کی دابوالله ولیکه :

چی په خواپه خاطر ،نه هسی عیان شی
ځینی ځه چاری پیدا په داجهان شی
په‌لاچی په چوتره و کـــر ز یـــد لـــم
اوس می‌گشت داپرید یو په میدان شی
لکه باز په یوه غره گرزی بل گوری
بیازمانظر دسوات په کوهستان شی
دمغول منصب‌می‌پریښو د هسی خوښ‌یم
لکه خلاص دلویه بنده بند یوان شی
که‌می چیری ننگیالی په لاسو کښیوزی
پـــری به‌لیـری دازمـا دزړه ارمان شی -
ومغـولـــو ته به‌هسی کـــار ښکاره کـــړم
چی راضی را ځخه روح دفریدخان شی
په جهان دننگیالـــی دی دادوه کاره
یابه وخوری ککری یابه کا مران شی
دبازونو دکار گانو مصاف وهنـــم
تردامینځ‌به‌یـــی دوینو رود روان شی
عاقبت به خدای ظفر کاد بازا نـــو
تار په تار به آواره واړه کار گان شی
دزمریو مړنتوب پـــه لښکر نـــه‌وی
مټ‌یـــی هر کـــله یوازی پخپـل خـان شی
آزادی ترباد شا هیـه لا تیـر ی کـا
چی دبل تر حکم لاندی شی زندان شی

دهمدغه هوډ او ژمنی په نتیجه که چی‌له زندان ځخه آزاد شو او خپل ټاټوبی ته‌راستون شود ابا سین ددی غاړی داوسیدونکوپښتنو او افغانانو دبرباد شوی پت دگټلو لپاره یی ملاوتړله او یوملی غور ځنگ یی پیل کړ•

داهغه پړاودی چی پرونی خوشحال خان یی په ننني یا انقلابی خوشحال بدل کړی‌او که‌پرون دگور گانیانو او خپل جاگیرد گټو د خوندی کولو لپاره دخپلوخلکو په ضدجنگیده خونن له‌خپل اوولس سره‌یوموټی، نه‌بیلیدونکی اواوږ ه‌په اوږه دگورگانیانو ضد جگړی ته‌یی وردانکلی دی•

ننني خوشحال دیوه رښتین مشراو پټمـن لارښود په‌توگه دخپل ولس ترځنگ دریدلی- دخلکو دژغورون جنډه‌یی جگه کړی- دخلاصون دغورځنگ لوی لښکریی مینـــځ ته‌راوستی او دخپلو تکړه ملگرو (ایمل خان او دریا خان) په مشرتابه یی هیواد پاله جگړه پیل کړه• گورگانی لوی واکمن اورنگزیب هیله‌درلودله چی خوشحال خان به یوځل بیا پخپل لومه ښکیل کړی نو ځکه یی ورته دیوسغزودلویی سیمی حکمرانی ور وړاندی کړله مگر دغـــه حکمرانی یی ونه منله او دژوند ترپایه پوری دگور گانیانو پرضد ودرید • کله‌چی گورگانیان ور ځخه ناامیده شول دهغه خوی بهرام خان یی دټکیوپه‌تلك‌کی ونیو اودپیسو په‌زوریی له پلارسره دښمن کړ چی خانځانی داوربه لگولو سره خوشحال خان کمزوری‌کړ اودهغه دبرید مخه‌یی ونیوله •

خوشحال خان دهغه تکل له مخی چـــی دگورگانیانو پر ضدیی دجگړی پر یکړه کړ یوه په ټولو محاذونو کی یی خونړی جگړه جاری وساتله چی داجگړی دمیشتو او ښکیل شوو قبایلو دملی غورځنگ ، وینښتیا اوپا ځون لپاره دیو ضرورت حیثیت درتود •

په دغو ژغورنده جگړوکی خوشحال خان، دریاخان او ایمل لویه ونډه درلودله چـــی دغښتلو قوماندانانو په توگه یی دمشرتابه دنده سرته ورسوله خوداهم باید هیرنه کړو چی دریا خان او ایمل خان تر خوشحال خان غته ونډه‌درلودله • مگر داهم باید په‌یادولرو چی خوشحال خان لـــه دی سره سره چی دتوری خاوند ودلیکانی او شعر خاوند هـــم وچی دشعر په‌توره یی ددښمنانو خوله‌ماتوله اودخپل ولس له‌ویښو لو او پا ځـولو سره لویه مرسته کوله •

ده او دده گورنـی دپښتو ادبیاتو بنسټ کښیښود او پښتو ژبه یی پخپلو ښکلو نظمونو او نثرونو ډیر بډای کړ اوپه‌دی‌لړکی یی یونوی ښوونځی شته کړچی دراتلونکو لیکوالو اوشاعرانو لپاره یی لاره هواره‌کړلـه او دهغوی داستعدادونوله پراختیا اوغوړیدو سره ډیره مرسته وکړه•ددی دوری دشاعرانو او لیکوالو بډایوتاروپښتو ژبی په‌راتلونکو لیکوالواو شاعرانو باندی دومره اغیزه‌کړیده چی دهغوی په آثارو کی یی نښی نښانی په ډاگه لیدل‌کیږی •

دمغه موویل چی ایمل خان اودریا د خوشحال خان دژغورنده جگړی دخونړی‌ډگر تکړه ملگری ووچی په دغه جگړه کی یـــی دخوشحال خان په‌پرتله غټه ونډه‌درلودله خـو کله چی هغوی دهیواد دژغورون په لارکـــی خپل هوډجن سرونه وښیندل او خـــو شحال خان یوازی پاتی او ملایی ماته شوه • په دی وخت کی له‌یوی خوانه خـــو شحال خان دسپین ږیرتوب متگلوته ورغلی واوله بلی خوانه دخان پلورونکو دټیټالونو سره‌مخامخ شومگر دټولوستونزو او دپرونو په وړانـــدی په گونډ ونه شو او په همدغه پیرکی یی‌خپل غږ دشعر په ژبه داسی جگوی :

زمانـــی له ښویارانونه مهجور کـــړم
څه بلایی مبتلاپه ډیر ضرور کړم
اوس په مادخوشحالیه نوم جوړ نه دی
چی داهسی زمانی له غمه پور کـــړم
اشرف خان په‌ناپوهی‌په‌غم کی‌ونښت
زده غمونو لاپه زړه رنځور کـــړم
جدایی دصدر خان لکه سور اور و
که دواړو فرزندانو غم چور چور کړم
مرگه هومره مهلت راکړه په‌جهان کی
چی جمدرد مدعی په‌ونیو سور کـــړم
که‌یی درست دمټو زور راته ښکاره کړ
بیا فلك سره‌کشتی‌پخپل دستور کړم
مست هاتیان خونی‌زمری په زنځیرکیږی
یوپه داچی خان فلك وته تربور کړم
پخپل آه می باور شته اثر به وکا
رقیبان به اور لړونی دتنور کـــړم
چی می فکر داذل په توری و شـــی
په داکار کی خپل پردی‌واړه مغدورکړم

هغه کلك باور در لود چی دانسان لویی په‌لوړ همت پوری تړلی ده ځکه‌یی بی‌همتـی ته هیڅکله غاړه کښی نښودله او په ټول ژوندکی په همدی هوډ اوتکل پاتی شواو دایی همیشنی شعار شو چی ویلی یی دی

که آسمان دی‌دزمری په‌خوله‌کی ورکړی
دزمری په خوله کی‌مه پرپرده همـــت

یاداچی وایی :

په جهان دننگیالودی دا دوه کاره
یابه وخوری ککری یابه کا مران شی

یادا :

دمنت دارو که‌مړم‌په‌کار می نه دی
که علاج لره می راشی مسیحا هـم

خوشحال خان دشلو کالو وچی په شعر ویلویی پیل وکړ چی دشعر ویلو موده یی ۵۸ کلونو ته رسیږی او په دغه موده کی‌یی چی خومره اشعار او ځنگه اشعار چی ده‌ویلی دی هم دډیرښت او هم دتنوع له مخی دپل پښتانه شاعر په برخه شوی نه‌دی •

دیوان یی په عشقی ، حماسی ، اخلاقی، فکاهی او حکایوی شعرونو ډك دی چی په بیلابیلو ډولو نو لکه غزل ، بوللی، رباعیات ټوټـی ، مخمس ، مسدس ، مثنوی او نورو ویل شوی اودژوند انه پر هراړخ‌اوهره‌خواکی غږیدلی دی‌او داشعاروډیره برخه‌یی دتاریخی پیښوپه باره‌کی ویل شوی او دخپل وخت دډیرو پیښو خرگندویه ده•

دخوشحال داخبره رښتیا ده چی پښتو شعر دده پوسیله ډیره پراختیا وموندله چـی دکمیت او کیفیت له مخی په کی ډیر لوی بدلون راغی او دنورو لپاره یی ډیره لویه‌لاره پرانیستله او په ده پسی دشاعر انو ډیر لوی کاروان را روان شو •

هغه ته دپښتوادب دلوی کاروان کاروانی ویـــلای شو او کـــه چیری دپښتو ا د ب تاریخ ته یوژور نظروکړو دابه راته خر گنده شی چی له‌ده نه وروسته په‌ده پسی کـــن شمیر شاعران را پیدا شوی اوآن داچـی دهغه داشعار و ترنیغ‌تاثیر لاندی یی شعرونه ویلی دی نو ځکه یی دپښتوادب پـــلار گڼلای‌شو•

دپورتنی خبری دثبوت لپاره دپښتوادب دشاعرانو او بهرنیو پوهانو نظریات وړاندی کووچی دهغـــوی په‌رڼا کی‌دخوشحال خـــان دشخصیت په هکله سمی خرگندونی وکولای شو •

کاظم خان شیدا ویلی دی :

په‌دی فـــن کـــی خو اشخاص
ډیـر زموږ خـانـدان خـــاص
یو میرزا ، دولت ، واصل هـم
ښه کلام لری حاصل هـــم
دپښتو شـــعر معلـوم و
په معنی کـــی کـاالمعدوم و
چی قلم پـــلاس دخـان شو
مرتب یـی لـــوی دیـــوان شو
تصانیف یـــی فـــراوان شو ل
مستند د درست افغـــان شول
هر شاعر چـــی دافغـــان دی
ریزه چین‌دخـــان دخوان دی
خـــان ممتاز د تمـــام روه دی
بـــل استاد ددی گـــر و ه دی

نوربیا

در محکمهٔ فامیلی چه خبر است؟

ماجرای زن وشوهرهای جوان وشکایت تکسی رانی از دست خشو

اینبار من وفوتو راپور تر مجله کمی ناوقت تربه‌محکمه فامیلی‌رسیدیم‌وموفـــق نشدیم از نزدیك جریان شکایات دو زوج جوان را که اندکی قبل از رسیدن ما دفتر را ترك نموده بودند بشنویم و عکسی از آنها تهیه نماییم مگر قضیه آنها را رئیس محکمه فامیلی اینطور حکایت نمود: دو فامیل از سالها دوستی ورفت و آمد بین خود داشتند ووقتیکه صاحب اولاد شدند دوستی بیشتر شد چون اولاد های هردو طرف باهم همبازی های‌خوبی شدند یك پسرو یك‌دختر فامیل اول، ویـــك‌دختر ویك پسر فامیل دوم داشتند.

سالها گذشت دختران‌وپسران جوان شدند ودوستی وعلاقه وبالاخره عشق های جوانی‌بین آنها بوجود آمده وگپ به ازدواج هر چهار نفر انجامیده و آنها هر کدام صاحب کودکی هم شدند • مدتی زندگی خوش وبی سرو صدایی داشتند • مگر نظر به بولهوسی و خواهشات بیجای یکی از زنان جوان زندگی آنها را مختل سا ختـــه و بخـدا معلـو م کـه • • •

وی افزود : اینکه‌این برابلم‌را بوجود آورده وتاهمین نیم‌ساعت قبل‌همین جاآمده‌بود ظا هرا آدم‌خودخواه ونامعقول بنظر میامد واونظربگفته شوهرش تقاضا های بیشمار وفـــراوان دارد مثلا از شوهر میخواهد که خانه مستقل بگیرد، لباسها وزیورات قیمتی برایش بخرد واورا به سفر خارج ببرد درحالیکه شوهرش مامور ساده دولت بوده ومعاش اوخواهشات زنش رابرآورده ساخته نمیتواند • مگر زن مدتی است اصرار دارد که یا خواهشاتش بر آورده شود یا طلاق بگیرد •که درینجا شوهرش برسر دوراهی‌قرار گرفته از یکطرف کودك دارد وسر نوشت اورا مدنظر می‌گیرد واز جانب دیگر به زنش هم که سالهاست زندگی مشترك دارند علاقه‌داشته و نمی‌خواهد اورا برسر موضو عات مـــادی از دست بدهد موضوع مهم دراینجا ست کـــه اختلافات آینده بالای‌زوج‌دیگر که اقارب نزدیك اند هم تاثیر انداخته و برسر اختلافات زوج اولی آنها باهم جنگ ودعوی می کنند مـثلا زن دومی میگوید : «خواهرت زندگی رابکام برادرم تلخ ساخته » وشوهرش میگوید :«حتما کدام کاسه زیر نیم کاسه است که خواهرم بهانه گیری میکند حتما برادرت گناهی‌دارد» ودرنتیجه گفتگوی اینجا هم بالا می‌گیرد وکار بمحکمه فامیلی می‌رسد •

دراینجا قاضی علاوه نموده گفت : این نوع رفتار بعداز ازدواج مخصوصا آنهائیکه اززندگی قبلی یکدیگر از نزدیك بخوبی اطلاع وآگاهی دارند ، این درست نیست که بعداز ازدواج توقعات دو طرف که چندان معقول هم‌نباشد شروع گردیده وزندگی را بکام یکدیگر تلـخ بسازند وکار به طلاق دادن و طلاق گرفتن برسد • مخصوصا که در زندگی دو نفردیگر هم تاثیر زیاد داشته باشد •

من همین صبح بازنیکه اینهمه مـــا جرا هارا خلق‌کرده از نزدیك گفتگو نمودم درك کردم کـــه احساساتی وبولهوس میباشد او میگوید حاضر به طلاق نمی‌شوم در صورتیکه شوهرم خواسته های مرا بر آورده سازد.

درحالیکه ریشه اختلافات زوج دومی (که گفتم زندگی آرام وساده ی را می‌گذشتاندند) عمیقتر گردیده وآنها برای گرفتن طلاق بسیار جدی شده‌اند و فعلا محکمه موضوع آنها را بحکم محول ساخت که هر چه زودتر برای خود هردو طرف حکم انتخاب نمایند •

رئیس محکمه فامیلی بااظهارات مطالب فوق چنین ادامه داد : گرچه ایند وزوج بحساب امروزی ازدواج کرده اند یعنی آنها قبلامعاشرت وآشنایی داشتند به اصطلاح بدلکان در کار نبوده • مگر متاسفانه ازدواجها بشکل بدلی در اکثر دهات کشور دیده میشود که بعضی هادرین راه حتی مبالغه هم می‌کنند • قسمیکه یك مرد هفتاد ساله دختر خودرا برای خودبدل میکند طبعا دختر ی را که بزنی می‌گیرد سن دختر ش وحتی نواسه اش را میداشته باشد وهمینجاست که‌اختلافات دایمی شروع میشود

ودردهلیز محکمه خشو و دامادی کـــه شمـا عکس آنها را مشاهده میکنید توجه ام را جلب میکنند ، آنها سخت مشغول مشاجره بودند دودشنام وطعنه های عجیب وغریبی‌نثارهمدیگر می‌کردند •

اززنی که‌چادر نماز سیاه بانشانه های‌زردو سرخ دارد می‌پرسم برسرچه‌مو ضوع‌گفتـگوی باین شدت دارید ؟

میگوید : «دختر من صغیر بودکه‌پدرنادانش ناخود آگاه جبر کردو اورا باین غول بی‌شاخ ودم داد اینمرد شاگرد سماوار چی است همین حالا هم نان چاشت وشب خود راندارد مگر دماغش به اندازه ایست که هیچ کس را بنظر ندارد و میگوید من هستم •••• و دختر مظلوم مارا روزی چندبار ببهانه های ناحـــق لتو کوب مینماید و ناسزا می‌گوید تمام سخنان او دواست وپوچ گفتن ، من که مادر هستم دلم دیگر طاقت نیاورد و میترسم که کدام بلایی بسر دختر کم نیاورد همین بود که عریضه‌دادم ودر خواست طلاق دادم ناگفته نماند که دخترم صغیر است ومن وصی اوشده ام • درخانـه شوهر پیرم ویك پسر گنگ ام بامن زندگی میکند • دو دختر بزرگتر را عروسی کرده‌ام که‌آنها خوش و آرام هستند •

مرد که از سخنان زن خیلی ناراحت شده بود ودندانهایش را می‌سائید میان حرفهای زن‌دویده گفت: «دروغ محض میگوید،حرفهـای اورا نشنوید ، فریب زبانش را نخورید اواز اینکه اینهمه دروغ را مقابل چشمان من که یکعمر همراهشان زندگی کردم میگوید و هیچ خجالت نمی‌کشد من زنی به بدی این زن تا- امروز ندیده ام »•

مرد: وقتیکه پول داشتم عزتم می کردیدوامروز زنم رامیخواهید ازمن جداکنید
زن : ماپول ترا از اول ندیده ایم

زن گفت: «ازتوهم بدتر هستم ؟!بلابه‌قواره تو!

مرد ادامه داد: «آنوقت که‌اینها دخترشانرا بمن دادند پولدار بودم سر پولم(سرخ) شدند سماوار از خودم بود ودو پسرش که حالا نمی‌دانم کجا هستند شاگردان سماوار من‌بودند من از همان اول فهمیدم که غلط کردم مگر چاره نداشتم مسئله ننگ وناموس بود •

بقیه درصفحه ۵۲

دسرو یاقوتو وښی

تیرپسی

چی دکوم اولاد خاوند شی اوله مړینی وروسته یی په نړی کی یو جزپاتی شی... یعنی دهمیشی ژوند یوډول خیال دی خلورم دپاك زړه غولول لکه چی ماسره یی وکړل . نو کوم دی عشق بی عرضه بی هیلی عشق ، له قربانی اوبی له امیده عشق، هغه عشق چی ویلی یی دی، «دمرك په شان پیاوړی دی» کوم دی؟ پوهیږی هغه عشق چی دهغی لپاره ټولو قهرمانیوته لاس اچوی خان قربانوی ، هری لانجی اوستو نزی تـه خان ورکوی ، هیچ ډول رنځ او زحمت نشته

بلکی داټول یوازی خوښی او خوښحالـی ده، ورا صبر وکړه بیاهم غواړی له واسیلی څخه خبری و کړی ؟ په رښتیامی هغه خو ښیږی هغـه ښه خـوان د ی ، ښا یـی پـه راتلونکی کی وښئی چی دده عشق یومقدس اوپاك عشق دی، خـوو پوهیږه چـی زه دکوم عشق خبری کوم ، عشق باید غمناك وی او تراژیدی وی، دنړی ډیر ستر رازپکی پروت وی! هیـڅ ډول دژوندارامی ، حساب او سازش باید دهغه مقدس جوړښت ته لاونه مومی.

ورا په وار پوښتنه وکړه :

گرانه پلاره تاسو داسی هیڅ عشق نه دی لیدلی زاړه سړی کلك خواب ورکړ:

نه ، البته ماددی په شان دوی پیښی لید لی دی .

خویوه دحماقت اوبی عقلی او بله یی ... فکر کیده ، ډیره غمگینه وه. که غواړی چی وایی وری بیانولی یی شم لنډه نه ده.

ـگرانه پلاره ووایاست ،هیله کوم ووایاست.

ـهو! زموږ دلښکر یوه قوماندان ښځه درلوده

ورا جان باید ووایم چی ددغی ښځی خیره دچاپه زړه برابره نه ؤ، سره ویشتان ،لوړقد، کمروزی ستره خوله، غوسه ناکه اولوړتیا غو ښتونکی او فکـر کیـده هـر و خت به یی خلکو تـه ته دسپکوی په سترگه کتل او تریاك (اپیـن) یی ډیر استعمالول.

یوسړی چی دافسری له ښوونځی څخه نوی فارغ شوی ؤ له یوی میاشتی وروسته دغـی بی قواری ښځی پخـپله قبضه کی راوست . دناڅاؤ په غونډوکی به تل ورسره ناڅیده .

یوکال، نه ؤ تیرشوی چـی د غـه بـی قواری ښځه له دغه سړی څخه ستړی او په تنگه شوه اوبیاهم دپخوا په شان پخپل خان مغروره

اود میړه پروایی نه لرله. خومیړه یی طاقت نه کیده اوتر شابه یی منډی پسی و هلی او دو مره رنځیده چی بیخی کمزوری شوی ؤ یوه ورځ می هغو ی می په میله کی وپیژندل.

یوه شپه هغوی داورگاډی دکرښی ترڅنگ دکور په لور روان ؤ ناڅاپه یوباروړونکی اورگاډی راغی کله چی اورگاډی ورنږدی شو ، دغی ښځی ورته وویل : تاسو تل له ماسره دمینی خبری کوی که چیری زه امر وکړم :«تاسو خـا مخا خـان تراورگاډی نه لاندی کوی «ستوان بی له دی چـی

خواب ورکړی وتښتیداو خان یی تر اورگـاډی لانـدی وغور ځاوه او دوه نیـمه کیـده خویوه احمق په سرو واهه چی ستوان وژغوری مگر زور یی پری ونه رسید او ستوان دواړه لاسونه داور گاډی په پټلیو پوری کلـك نښلولی وو او اور گادی دده دواړه لاسونه غوڅ او پری کړل .

. ورا چیغه وکړه .

ستوان مجبور شوله پوځ څخه گوښه شی زړه یی نه غوښتل په ښارکی پاتی شی، ملنگ شو او په پترز بورگ کی په یوه ځـای کی کنگل او مړ شو .

یوه بله پیښه هم بیخی غمگینه وه بیاهـم ددغی ښځی په شان یوه بله ښځه وه خوهغه ځوانه ، ښکل او ډیره بداخلاقه وه او دخپل میړه یی هیڅ پروانه کوله میړه یی په ټولو شیانو پوهیده ،خو په بی پروایی سره به یی ویل . (تو پیرنه کوی په ماپوری اړه نه لری پریږدی چی زما لناجانه خو ښه وی .)

دی ښځی له یوه بل افسر سره چی دهغی له میړه سره په لښکر کی یو ځای وو ډیـره مینه درلوده اودری کسیز ژوندیی کاوه چی گنی ددوو میړو واده یوقانونی واده دی.

پدی وخت کی موږ جگړ ی ته تللو ښځی مو خدای په امانی ته راغلی وی داهم راغلی وه خو یوځل یی میړه ته ونه کتل اودخپل یارپـه غاړه کی یی لاسونه اچولی ؤ کله چی راوان شوو دی برشرمی ښځی خپل میړه ته وویل: هیردی نشی

دولود څارنه کوه که چـیری یـی و یښته تاوان ورسیږ ی نوله کوره ځم او بیا نه راځم اوزامن لـه ځانه سره بـیایم ښا یـی داسی فکر وشی چی دغه سړی ویرید ونکی اوبزدله و اوزړورو سر تیری نه و مگـر ده د(زالیو ینه) په غرونوکی شپږ ځله دتر کانو په کلك سنگر برید وکړ اوله دوو سوو تنـو څخه یوازی څوارلس تنه ژوندی پـا تـی شول سره ددی چی دوه ځایه ژوبل شوی و دی حاضر نه شو چی پټی پری ولگوی اوپه ټولو افسرانو گران و.

خو ښځی یی ورته آمرکړی و ، ده هـم ددایی او مور په شان دټنبل او ویریدونکی ویشنیاکوف پرستاری کوله او دده په ځای به کلکو سنگر ونو ته تللو ، استحکامات به یی جوړول اوهغه ټنبل به قمار واهه .

ورا جان فکر وکړه دغه کار په داسی شرایطو کی وچی دترك سرتیرو زموږ عسکروژل اوسرونه یی تری پری کول خوکله چی خبر شو چـی ویشنیاکوف په پوځی روغتون کی دیوی سختی ناروغی له امله مړ شوی ټول خوشحالـه شوو .

ورا پوښتنه وکړه :

گرانه پلاره نو داسی ښځه مولیدلی ده چی په رښتیا عاشقه وی؟

ـالبته ـچی لیدلی می ده ، ورا جان البته زه به په دی برخه کی څه درته ووایم : زه باور لرم چی تقریبا هره ښځه حاضره ده دعشق په لارکی سترو قهرمانیوته لاس واچوی. په دی وپوهیږه چی ښځه مج کوی ، په غیږکی یی نیسی ، تسلیمیږی او مور ده ، ښځه کله چی عاشقه وی. نوددی لپاره دژوند ټول مفهـوم عشق دی خو داچی عشق دخلکو په منځ کی دغه شان دپستی او ټیت همتی بڼه غوره کـړی نوبیا یوه کوچنی تفریح بلل کیږی، ښځی هیـڅ گناه نه لری ، گناه دنارینه ودی چـی په شل کلنی کی یی سترگی مړاوی او بدن یی کمزوری شی اودو مره ویریږی چی دعشق په مقابل کی دکلك شوق ، قهرمانی ، ناز او پالنی قابلیت نه لری وایی چی پخوا دا ـ ټول وو

ښه، گرانی دو جدان له مخی ووایه ،چی هره ښځه دزړه له کومی ددغه شان عشق هیله نه لری ، هغه یوازینی عشق چی په عین سادگی کی اوتواضع کی دهر ډول قربانی لپاره تیاردی ؟

ـالبته چی لری یی ،گرانه پلاره ، البته...

ـخوکله چی دغه عشق نه وی ، ښځی انتقام اوغچ اخلی، نږدی دیرش کاله به نور تیر شی ... زه به یم که به نه یم ، خوښایی تـه

(ورا جانی) به یی ووینی، ز مـا خـبری په یاد لره له دیر شو کالو وروسته به ښځی بی ساری قدرت ترلاسه کړی . دهندی بتانو په شان به کالی واغوندی اوموږ نارینه بـه دغلامانو په شان تر فشار لاندی ونیسی د هغو احمقانه هوش ناز اوکرشمی به زړونوازارونکو په شان وی او ددغو ټولو بلا ووسبب دادی چی موږ پر له پسی څونسلونو ونه کول شول عشق محترم وبولو او دهغه درنوی وکړو . دابه غیج او انتقام وی ،په فزیکی قانون باندی پوهیږی دعمل طاقت دعکس العمل له طاقت سره برابردی.

جنرال لږ شان ته غلی شو اونا څاپه یی پوښتنه وکړه .

ـورا جان ، ووایه ، البته که سخته درته نه وی .

دادتلگرافچی پیښه چی نن یی شاهزاده واسیلی بیان وکړ، څه ډول وه؟

په دی پیښه کی کوم ټکـی رښتیادی او کوم ټکی یی په معموله توگه له ځانه جوړکړی دی .

ـمگر ستاسو لپاره په زړه پوری ده .

ـپخپله پوهیږی، ورا هر ډول دی چی زړه غواړی ، که تاسوته په کوم دلیل ناآرامه کوونکی ده ... ؟

نه، خیر اصلا ناآرامه کوونکی نه ده . په ډیری خوښی سره به یی درته ووایم . او دهغه لیونی سړی داستان یی چی ددی له واده څخه دوه کاله دمخه په دی پسی و اود عشق اوعاشقی خبری کولی له ټولو جزئیاتـو سره هغه ته بیان کړ :

دی یو ځل هم دغه سړی نه دی لیدلی اود کورنی نو م یی هم نه پیژنی دغه سړی دی ته یوازی لیك استاوه اودگـش ـ ژ لاسلیك یی کاوه ، یو ځل یی اشاره کړی وه چی په یوه دولتی اداره کی کار کوی خود تلگرافخانی په باره کی یی هیـڅ نه و لیکلی، خامخا یـی پرله پسی تعقیبوله ، ځکه په لیکونوکی یی په دقیقه توگه لیکل چی په کوم مجلس کی اوله کومو کسانو سره وه او کومی جامی یی اغوستی وی ، لومړی یی لیکونه عامیانه ، تاوده عجیبه ،خو پوره بانزاکته اوله پاکی ډك وو په پای کی ، یوځل وراهغه سړی ته لیك ولیږه «په دی ترڅ کی وراله جنرال څخه هیله وکـړه چی دلیك په باب هیچانه څه ونه وایی ، ځکه دهغوی په کورنی کی له دغه لیك څخـه څوك نه دی خبر » او هیله یی تر ی وکړه چی نور خپل عاشقانه زړه دردسره دی ته تکلیف ورنه کړی .

نوربیا

بقیه صفحه ۳٤

طفل شامل صنف..

شسته میشود وبعد از شستشو با آب گـــرم یامحلـول سر که وآب آنرا آبکش نمایید • اگر مو ها کو تاه باشد سر از قسمت‌پیشروی به طرف عقب شانه زده می شود و اگر مو ها دراز باشد بر عکس چندین بار از قسمت عقبی سر بطرف پیشرو شانه میشود شا نه را بسیار به پوست سر فشار دادن مجا ز نیست چو نکه در اثر آن ریزش مو پیدا میشود •

بهتر است مو ها را صبح و شام توسط شانه های پلاستیکی و یا استخوانی شا نه بزنید و شانه را هم هفته ای یکبار بشوئید.

لازم است خاطر نشان گـردد که شا نـهٔ خود را به کس دیگر دادن و یا ناخن گیر خود را جهت استفاده دیگر عاریه کـردن درست نیست زیرا ممکن است طرف مقا بل و یا شخصی دیگری به امراض جلدی مصاب گردند•

مهارت های بسیط حفظ الصحه که باید عادت اطفال قرار بگیرد میتواند صحت طفل را نگهداری نموده و طفل را از بسی امراض در امان داشته باشد . نمو نهٔ مثال بودن والدین در امور رعایت حفظ الصحه ارزش قابل ملا حظه ای دارد .

برای آنکه قابلیت کار کردن در طفل ایجاد شود واو بتواند با پشت کار به آرامی دروسش رادر مکتب ادامه دهد و به د قـت به معلم گوش داده از او امرش اطاعت کرده مقررات درسی را رعایت نماید قبلا بایـد زحمت کشی و تحمل را بوی آمو خت به تدریج و به شکل سیستما تیك بهتر است او را برای گر فتن دروس روز مره ، بـا رسا می ، خطا طی ، مجسمه سازی از موم وبه‌دقت گـوش دادن به‌درس آماده سا خـت باید متو جه طفل بود که بصورت متناوب به بازی های آرام و پر تحرك اشتغال ورزد .

در ختم بازی باید از طفل تان مطا لبه کنید که تمام بازیچه های خود را جمع کند و اگر این بازی شان با کتاب و کتا بچه و قلم باشد باز هم آنها را خود شان جمع نمایند . این عمل آنها را مر تب بار آورده و به آنها عادت مید هد که با اموال شخصی خود تو جه خوب داشته باشد .

از همان روز اول درس باید به طفل مکتب رو تان بیا مو زید که کتاب و کتابچه‌درسی چگونه نگهداری میشود : پوش کردن منظم کتاب و کتا بچه با کاغذ سفید و پاك ،جتل نما ختن و پاره نکردن آنها ، کتاب و کتا- بچه را قات کردن ولو له کردن آنها چقـــدر کار زشت و نا درست است .

طفل مکتبی مجبور است پس از ختم درس کتاب و کتا بچه اش را به جای معین وآنچه را برای فردا ضرورت دارد در بین بکس خود بگذارد .

اطفال مکتبی خورد سال خوش دارند هر چه بیشتر کتاب و کتا بچه به مکتب ببر ند ولو که‌تمام آنها ضرور هم‌نباشد• واین امـر سبب میشود که‌بکس او ازحـدزیاده سنگیـن شود• سعی کنید صرف آنچه راکه مر بـوط به تقسیم اوقات مکتب اوست با خود حمل نماید .

حمل و نقـل دایمی بکس یا دستکول‌سنگین به مکتب تا ثیرات منفی یا لای قامت طفل وارد می نماید . واز همین سبب است کـه برای اطفال خورد سال مکتبی بکس پشتکی تو صیه میشود که نسبت به بکس دستی صحی تر بوده و جلو کج شدن مهره های ستون فقرات رامیگیرد•

علا قمندی طفل به‌لباس شخصی اش خیلی با اهمیت است لازم است که بطور حتمی طفل پس از آنکه از مکتب باز گشت لباس مکتب را از تن بیرون کند و لباس خانه پوشی خود را بتن نماید . بو تها یش باید همیشه پاك باشد وبه جای معین آن گذاشته شود .

هیچگاهی لازم نیست بالای طفل فریاد زد ویامتوسل بزور شد اگر کدام‌کارخلاف‌ویاغلطی از طفل تان می بینید با این کار خود بزر- گان در حقیقت بی حو صلگی خو یش را در امور تر بیه طفل مکتبی ابراز میکنند وذرعین زمان شاید تاثیر مثبتی را که از عمل خود انتظار دارد در امور تر بیهٔ طفل و جهازعصبی او به اثر منفی مبدل گردد . به طفل باید احترام گذاشت . هر نوع تو هین و تو بیخ برای آنها درد ناك است . مخصو صاء اگر در برابر بیگا نگان ، همسا لان و همصنفان آنها انجام شود . اگر از اطفال گناهی سر میزند بهتر است به ملا یمت آنها را بـه اشتباه شان ملتفت گردانید و به ایشان‌به فهمانید که عواقب و خیمی در قبال این عمل در کمین است .

دانستن مطا لبات بزر گان تو سط اطفال خیلی ها با ارزش است• والدین باید بـــا تامل وحوصله به‌آنها تو ضیح نماید کـــه بدچیست وخوب کدام است و کدام یـــك از آنها در صحت و سلا مت ودر حیات آیندهٔ انها مفید و مثمر است . مقتضیاتی که در برابر طفل قرار میگیرد باید برای هر یك از افراد خانواده به یك نحو تعبیر شود ویك حکم داشته باشد• شرط اساسی تربیهٔ نور- مال طفل مکتبی عبارت از ارتباط دایمی والدین بامکتب است، یعنی تماس نزدیك با نگـران صنف و طبیب مدرسه ایکه طفل شما درآنجا تدریس میشود شرط عمده واساسی تر بیـــه طفل شما را تشکیل میدهد . مشا هـدات مشترك والدین و مر بی طفل امکا نات آنرا میسر می گرداند که طرز پیش آمد انفرادی با شا گرد تثبیت شود و با خواص طفل‌آشنا شده علوم مو فقیت های شاگر د در امور محو لهٔ تدریسی جلو گیری شود .

باید همیشه از کار هائی که در مکتب انجام میدهد پرسان شود ، کتا بچه نمرات او مـلا حظه گردد ونمرات خرابی راکه اخذ نموده است باید مورد تو جه قرار داد، علل آن جستجو گردد و نمرات عا لی وخو بی که گرفته تشویق شده و تعریف و شاد باش‌داده شود .

بزر گسا لان از نقطهٔ نظر تجار ب زندگی شان اکثراء هیجا نات طفل مکتبی را درست ارزیابی نمی نما یند و به فا راحتی ها یش وقعی نمی گذارند .

قابلیت توافق کردن با ملایق و زحمت‌کشی های طفل یکی از شرایط عمدهٔ دوستی بسی شایبه بین طفل ووالدین اوست .

کار و زحمتکشی یکی از فکتور های عمده تربیهٔ طفل در محیط خانواده است . ازینرو در (رژیم‌روز) طفل مکتبی باید زمان جهت کمك و همکاری در خانه گنجا نیده شود .

بقیه صفحه ۵۰

ماجرای زن وشوهر...

وحالا هم نمی گذارم‌که زنم‌رااز من جدا کنند من اینهارا خوب شناخته ام‌که‌می‌پالند تامانند من بی‌کس وکوی وپولدار را بیابند و د ختـر شانرا بهرقسمی که‌شده بگردنش بی‌انداز ند ووقتیکه اورا غارت کردند عذرش رامی خواهند ببیند روبرویم است او دو دختر دیگرش را سه‌بار شوهر دادوطلاق‌کرد تااینکه‌یك بلدنگ ودارایی هـــا ی خـو ب را از این مـــدرك پیدا کـرده و هـــردو را داد وتا کنـــو ن کپ جنگ طلاق عیان نیامده بدبختانه اینبار قرعه بنام من خورده من هر چه پول ودر آمد داشتم میاوردم بخانه اینهاچون‌من کسی دیگری نداشتم مصرفم ازدرآمد م خیلی زیاد شده بود تااینکه در شکست شدم وسماوار را ازدست دادم مفلسی نبود که اینهاهم‌بلای‌جان من شدند وعلی الحساب‌خواستند تادختر شانرا طـلاق بدهم مگر ایشان در خواب خرگوش هستند که‌من عوض‌ومحمود وسخیدادنیستم که فریب شانرا بخورم اینه آمده ام تاببینم قاضی‌صاحب چه میگوید • راستی زنم بسیار کم سن نیست شانزده‌هفده ساله است وبد دختر هم نیست مگر مادرش اورا اغوا می‌کند ....

مرد درینجا باخود زمزمه کرده و میگوید: اگر خشویم را خدا گم کند ومرگ بدهد خیلی آرام و خوشبخت میشوم تااین جادو گر زنده است آب خوش از گلویم پائین نمی‌رود ، نگوئید که من چقدر بدزبان هستم او خبك‌است وهر جا نزد هرکس گردن رابت می‌کند مگـر من بیچاره رادر بدر وخاك برسر کـرده‌است•

از زن پرسیدم : چرا دختر تانرا درسن‌کم به شوهر دادید وبرای خود درد سر درست کردید ؟

زن گفت : پدرپیرش درآنروز هاخیلی‌مریض بودوفکر می‌کرد که‌اگر بمیرد سرنوشت د ختر کوچکش چطور خواهدشدهمین بود که خواست دین خودرا مقابل آخرین‌فرزند خودهم اداکند• گرفت‌واو را مفت ومجانی باین شاگرد سماوار چی داد بدون اینکه دختر خبر شود ویا بفهمد اگر می‌فهمیدهم چیزی گفته نمی‌توانست چون خیلی کوچك بود • مگر حالا که بزرگ شده همه‌چیز رامی فهمد وهر روز باعذر وزاری از من می‌خواهد که اورا از گیراین مرد نجات‌بدهم وخود شما بگوئید از ینکه هرروز جنگ و غالمغال شان ماوهمسایه هارا ناراحت‌بسازدو خون‌از سرورروی دختر بریزد خوب نیست ... از هم جدا شوند ، مخصوصا حالا که اولادهم ندارند

مثلیکه حرفهای اینها زیاد بود آنها رابحال خودشان گذاشته وآماده رفتن بدفتر شدیم‌در راه اتفاقا باتکسی رانی‌برخوردیم وقتیکه‌دانست که‌من راپورتر مجله هستم واز محکمه فامیلی می‌آیم بدون مقدمه گفت :

خشویم ، خشویم،بگیرید همشیره بنویسید سرگذشت مرا هم‌مگر بنام‌مخفف م• ش بگیرید وی شروع بحرف زدن کرد :

من وزنم وکودکم ظاهرا زندگی خوش وآرام وبی‌کم کاست داریم •

مگـــر میان خودما آ تشی بر پاست کـه موجب آن خشویم می‌باشد او زندگیم راتلخ وبسوی تباهی کشانیده بامداخلت های بـــی جاوبی معنی‌خود• مگر گله زیادم از زنـــــم است او تحصیلکرده‌است تاصنف چهارده درس خوانده وفعلا دریکی از مکاتب بحیث معلم‌ایفای وظیفه می‌کند مگر خیلی‌زیر تاثیر مادرش است اگر مادرش بگوید شیر سیاه است ، میگوید بلی سیاه است واگر هر چه من اصرار کنم وحتی قسم بخورم که‌سفید است نمی پذیرد حرفهای من نزدش هیچ ارزش ندارد •

همشیره جان چه عرض‌کنم باوجود دیکه‌تمام زندگیم بنام زنم‌است مثلاهمین تکسی تویوتایم که‌نو هم‌است ، گروی خانه ام و یك لك‌افغانی که‌به کوپراتیف تهیه مسکن مامورین تحویل نموده ام راستی من در یکی از دوایر دولتی مامور هستم واوقات فراغت خودرا تکسی‌رانی میکنم تاوسایل زندگی بهتر برای زن‌وکودکم فراهم سازم وامروز غیرحاضر شده بودم ناچار رفتم وتاکسی امرابرای غریبی بیـرون کشیدم•

بیایم سراصل موضوع: خشویم گاه بیگاه بخانه ما سرمی زند واز همه چیز انتقاد میکند رنگ وروی دختر ش را نشانم میدهد ومیگوید هرروز لاغرتر شده‌می‌رود•در حالیکه ازروزهای اول ازدواج تاکنون خیلی‌هم چاق وخوب شده، دخترش را وادار کرده که‌یك زن‌بایدپول‌معاشش را در خانه مصرف نکرده راسا ببانك تحویل کند بدخترش میگوید:غم‌فردایت‌را بخور جوری وناجوری داری••••درحالیکه زن وشوهرباید شریك زندگی هم باشند گاهی مفلسی بسراغ آدم می‌آمد چه فرق میکند که زن پولی هـم خرج کند، زنم معتقد است که‌هرچه مادر ش میگوید راست است چونکه او بزرگتر است ودر زندگی تجربه دارد•

بنظرمن پول مهم نیست، مهم ایست که‌چرا بعضی از دختران جوان ما وقتیکه شوهر میکنند خودرا مستقل احساس نمی‌کنند وتا سرحد آخر زیر تاثیر حرفهای مادر خود میباشند •

وقتی خواستیم عکسی ازوی بگیریم خندید وگفت عکسم رابا چیز هائیکه در باره خشویم گفته ام اگر یکجا نشر کنید روز گار من روز گه‌لی خواهدشد بهتر است اونداند که مـن ازدست او شکایت‌کرده‌ام‌اگر درد دل مرا چاپ کنید حتما مجله را برایش نشان میدهم‌تاببیند که‌دخالت زندگی دو جوان را بسوی جـدایی می‌کشاند •

بقیه صفحه ۵

شصت و یکمین سالگرد...

هموطنان آزاده وشرافتمند!

بحیث یك خدمتکار بشما خطاب مینمایم . آزاد ومصئون زندگی کنید ، وبکار صلح آمیز بپردازید . آدمکشان اجیرامریکایی و چینی ،مزدوران نظامیگران پاکستانی بقایای ساواکی ایران، اسرائیلی و مصری وضد انقلاب راتار و مار کنید

دشمنان مردم ما آخرین نفس های تشنج آمیز مرگ خود را میکشند .

تمام خلقهای افغانستان در یك جبهۀ وسیع پدر وطن درامر دفاع ازاستقلال وحاکمیت ملی، تمامیت ارضی وترقی کشور ، در دفاع از شرف وناموس وطن

با دولت خود ،دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان تحت رهبری حزب دموکراتیك خلق افغانستان به پیش میرود !

زنده باد مردم آزاده وشرافتمند افغانستان !

درود به روان پاکشهدای قهرمان راه آزادی واستقلال!

در دفاع از استقلال تا پای جان می رزمیم !

زنده باد آزادی واستقلال افغانستان قهرمان وانقلابی!

زنده باد انقلاب !

بقیه صفحه ۱۷

پیرامون پلینوم سوم

نفاق و تشتتی را که حفیظ الله امین جاسوس به امر باداران امپریالیست خویش در حزب ایجاد نموده بود روز بروز محو میشود و وحدت و همبستگی سازمانی رو به تحکیم هر چه بیشتر می باشد هم چنان توام با تحکیم وحدت خصایص پیکار جویانه اعضای حزب بسرعت رو به افزایش و باروری می باشد . هکذا تمرکز و بسیج کلیه نیرو های ملی ، دموکراتیك ووطن پرست دریك جبهه وسیع ملی پدر وطن رو به تصبح و استحکام میباشد تا این همه نیرو ها دست بدست هم داده و جامعه ی را اعمار نمایند که در آن ظلم و ستم و فساد واستثمار انسان بوسیله ی انسان نشانی نباشد . این همه حقایق توسط پلینوم سوم کمیتۀمرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان همهجانبه و بشکل مبسوط ارزیابی گردید . هکذا پلینوم با تذکر بخشی از نژهای کمیتۀمرکزی که به مناسبت دومین سالگرد انقلاب ثور صادر شده بود ، **این نکته را که عالی** ترین هدف حزب و دولت عبارت از بالا بردن سطح زندگی مادی و معنوی مردم و تامین سعادت کافۀ مردم افغانستان می باشد ، یکبار دیگر این تعهد را تکرار نمود ، هم چنان پلینوم از سهم گرفتن هر چه وسیع تر مردم در راه اعمار جامعۀ نوین ، راه دموکراسی ، به نیکی و ارج فراوان یاد آوری نمود .

پلینوم سوم کمیتۀ مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان از کمك های موثر و سازندۀ انترناسیونالیستی کشور های مترقی و صلحدوست جهان در راس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی با ارج گذاری فراوان تذکر بعمل آورد واین کمك هارا در عرصه دفاع از دست آورد های انقلاب شکوهمند ثور و اعمار جامعۀ نوین خیلی ارزشمند و موثر دانست ، پلینوم به صورت بسیار واقع بینانه و اندوی تجربۀ ثابت وانکار ناپذیر تاثیرات این موفقیت های مردم افغانستان را بر ارتجاع بین‌المللی بخصوص ارتجاع امپریالیستی امریکایی امپریالیزم انگلیس و شرکایش ، شونیزم عظمت طلب چین و ارتجاع منطقه و ارتجاع عرب ناگوار ارزیابی کرده و نتایج این تاثیرات ناگوار را که خلاف روحیه بشری و انسانی است هما نا تشدید مخالفت عملی و براه انداختن توطئه و دسیسه از طرف آن محافل ونیرو های ارتجاعی وعقب گرابرعلیه انقلاب ما، کشورما ومردم ما که اینك اظهرمن الشمس است دانست وبعد از ابراز نفرین فراوان برارتجاع وامپریالیزم وعمال روسیاه آنها عمده ترین وظیفه مردم، حزب ودولت وقوت های مسلح افغانستان را در شرایط فعلی همانا مبارزه ومجادله علیه ضد انقلاب بهر شکل ورسمی‌که باشند دانست وپس از آنکه مبارزات وسربازی های مردم وبخصوص نیروهای مسلح وقهرمان افغانستان راموثر وکشنده برعلیه ضد انقلاب ارزیابی نمود هنوز این مبارزات وپیکار هارا برعلیه ضد انقلاب بسنده وکافی نداشته و تشدید وتعمیم آنرا لازم وضرور شمرد. در پلینوم بصورت بسیار واقع بینانه اعمال ضدانقلابیون راکه برای اعاده حاکمیت مرتجعین بر باد رفته تلاش مذبوحانه براه انداخته اند تقبیح نموده ونفرین های بیشماری را بسه آنها فرستاد .

نیرو های ضد انقلاب، ضد مردم و ضد کشور ماکه با اعمال خود قتل، جرح، ویرانی آتش سوزی وناآرامی مردم را بوجود می آورند وهکذا با اعمال غیر انسانی خود علاوه از ایجاد ناآرامی ووحشت سد راه تطبیق پلان های دولت بری اعمار جامعۀ نوین می شوند ومی خواهند کشور مارا عمداعقب نگهداشته شده نگهدارند روی همین ملحوظ پلینوم سوم کمیتۀ مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان تحت چنین شرایطی مبارزه ظفرمند ومسلحانه را برعلیه نیرو های اهریمنی ضد انقلاب تا مرحد پیروزی نهایی از اولین ومهم ترین وظیفه مردم، حزب ودولت می شمارد وبه همه نیرو های ملی ودموکراتیك توصیه می نمایند تا دریك صف واحد وفشرده چون پولاد آبدیده بر علیه ضد انقلاب مردانه پیکار نمایند .

درین نکته دیگر هیچ جای شك باقی نمانده است که دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان نماینده وخدمتگذار همه مردم رنجدیده وبلاکشیده مسلمان افغانستان است وضد انقلاب که خود (نظریه اعمال خلاف انسانی وخلاف اسلامی خود) نقاب اسلام را بشکل مزورانه برخ کشیده است نمیتواند دیگر مردم مارا با اراجیف ودروغ فریب بدهد لذا نظریه شناختی که امروز مردم ما از نیرو های ضد انقلاب ونوکران زر خرید دشمنان اسلام (امپریالیزم، صهیونیزم)دارند مجادله علیه آنها بمثابه جهاد اکبر لازم وضرور است برای به نتیجه رسیدن این جهاد اکبر نیروی کافی که همانا نیروی مردم می باشد ، کار موثر و از خود گذری فراوان لازم است تا بتوان این به اصطلاح تیکه داران اسلام راکه خدمت گذاردشمنان اسلام اند واعمال شان برخلاف نصوص و احکام صریح قرآنی وشریعت نبوی است ، قریه به قریه، ده به ده، کوی به کوی تحت ضربات کشنده ومحو کننده قرار داد وبرای رسیدن به این هدف والا همانطوریکه در پلینوم سوم کمیتۀ مرکزی ح،د،خ،ا به نیکی وروشنی تذکر رفته است اتحاد و همبستگی همه نیرو های انقلابی ودموکراتیك ملی ودریك سخن اتحاد آنانیکه با پیروزی انقلاب ظفرمند ثور وبخصوص مرحلۀ نوین وتکاملی آن زنجیر های اسارت وبردگی را ازهم دریده اند، لازم وضروری میباشد . وحدت همه نیرو های ترقیخواه وملی وطن پرست از یکطرف، وحدت کامل مردم ودولت ازطرف دیگر وفشردگی و وحدت حزب دموکراتیك خلق افغانستان این طلایۀ نبرد نجات بخش مردم برعلیه تاریکی ها وظلم ها ازطرف دیگر می تواند ضامن استواری برای پیروزی نهایی برضدانقلاب باشد . درآیندۀ نه چندان دور ماشاهد قلع وقمع کامل نیرو های اهریمنی ضد انقلاب ووطن خود خواهیم بود. به پیش بسوی محو کامل عناصر ضد انقلاب، ضد وطن وضد مردم . زنده باد مردم سر بلند افغانستان .

بقیه صفحه ۷

آزادی جز...

نوشت و فوراً بعد از ارسال این نامه بدون آنکه منتظر جواب بماند عملا سیاست مستقل و آزاد را در پیش گرفت . در خارج کشور اولین کشور یکه این نعرۀ بر حق و عادلانه را تائید و پشتیبانی نمود کشور همسایه بزرگ شمالی مایعنی اتحاد شوروی‌بود زیرا در حدود دوسال قبل ازاستقلال افغانستان‌در آن کشور انقلاب بزرگ کار گری رهبری حزب بلشویك ها به پیروزی رسیده بود و با وجود آنکه خود آن دولت جوان و انقلابی با مقاومت ضد انقلاب داخلی ومداخلۀ کشور های متعدد امپریالیستی مواجه‌بود فوراً استقلال افغانستان را برسمیت شناخت ودروازۀ مذاکره و مفاهمه و روابط دیپلوماتیك را بادولت آزاد یخواه افغانستان باز نمود . امان الله غازی زعیم افغانستان‌بتاریخ ۷ اپریل سال مذکور طی نامه ایکه بر هبر بزرگ انقلاب کبیر اکتوبر ارسال داشت ارادۀ مردم افغانستان را مبنی بر برقراری رابطه دیپلوماتیك میان دوکشور همسایه و آزاد ابراز نمود . البته رهبر انقلاب کبیر اکتوبر و دولت جوان وانقلابی شورا ها با دادن جواب مثبت و ابراز حسن نیت این خواست را بدرقه نمود وطی نامۀ تاریخی ۲۷ می ۱۹۱۹ بجواب نامۀ دوستانۀ دولت افغانستان پرداخته شد .

امپریالیزم انگلیس که خواست مردم افغانستان را درك‌کردقبلا برای دفع وسرکوبی این خواست عادلانه تیاری گرفته بود وبا یك اردوی سه صدو چهل هزار نفری خویش در حالیکه با ۱۸۵۰۰۰ حیوان ، خطوط آهن، راه های موتر رو وو سایل حمل و نقل و مخابرات منظم مجهز بود در طول سرحدات افغانستان بمقابله با مردم افغانستان برخاست . دولت انگلیس که‌تازه‌ازجنگ‌جهانی اول فاتحانه بر گشته بود می خواست بزعم خود با شکست دادن مردم افغانستان آن پیروزی را تکمیل نماید ولی غافل از ینکه اگر مردم افغانستان اسلحۀ مدرن و قوای زیاد ندارد مجهز با ایمان ، ایمان به آزادی و ایمان به مام وطن هستند و می توانند پای مردانه علیه استعمار امپریالیستی انگریز (استعماریکه دو بار قوت و ضرب شمشیر افغانها را چشیده بود) .

آری شصت و یکسال قبل مردم ما یکبار دیگر از یك آزمون بزرگ تاریخی فاتحانه بیرون آمدند و با این عمل خود نه تنها استقلال فروخته شدۀ خود را که توسط سلاطین خائن معامله شده بود بدست آوردند بلکه به عنوان اولین کشور در مشرق زمین بیرق آزادی و استقلال را بر افراشتند و می توان گفت که آزادی مردم افغانستان طلیعۀ آزادی همه کشور های مشرق زمین و تحت استعمار بود .

اینك ما لگرد استرداد استقلال کشور خویش را در حالی جشن میگیریم که مردم ما با خیزش ظفر مند ششم جدی ۵۸ وارد حیات نوین شده اند وانقلاب شکوهمند ثور مرحلۀ دوم تکاملی خویش را می پیماید و روز تا روز رنگ حیات مردم را تغییر و تحول می دهد .

ولی باید دانست اژدهای استعمار وامپریالیزم که با ضربۀ اول مردم ما (۱۹۱۹) زخمی شده بود با پیروزی انقلاب ثور زخم کاری دیگری خورد و با پیروزی قیام ششم جدی ۵۸ زخم هولناك و کشنده ای خورده است که التیام ناپذیر است واز اثر این ضربۀ کاری نیم جان شده و آخرین نفس های عمر جهنمی و سیاه خود را می کشدلذا سخت به تقلا افتاده است تامگر بتواند مردم افغانستان را از راهیکه یعنی راه انقلاب و پیروزی و بهزیستی که برگزیده اند بر گرداند ولی همان طوریکه مردم ما تا امروز در عمل ثابت ساخته اند یکبار دیگر در عمل ثابت می سازند که می توانند پایمردانه از وطن ، تمامیت ارضی وطن ، انقلاب ودست آورد های انقلاب دفاع نماید وبا وارد ساختن ضربه های کشنده بر پیکر خونین استعمار و امپریالیزم ودیگر یاران اش آنها را بگور نیستی بسپارند . زنده باد مردم ،زنده باد انقلاب ، زنده باد آزادی .

زن هوشیار

احمدتازه داماد به مادر خود گفت :

- ازوقتی که زن گرفتم تمام کار هایم خوب شده دیگر حتی در لباسم یك دگمه افتاده هم پیدا نمیشود .

مادر وی با خوشحالی گفت :

- نگفتم که زود زن بگیر تا سرو سامان پیدا کنی !

بلی ! مادر، زنم دوخت وخیاطی را برایم یاد داده است .

زن - آه عزیزم ... حالا مامیتوانیم رسما باهم ازدواج کنیم !!

فرمایش هدیه

مرد وارد یك فروشگاه مخصوصی هد یه شد واز فروشنده پرسید :

- ببخشید آقا، میخواهم برای نامزدم هدیه بخر م ... شما چه چیزی را مناسب می دانید ؟

فروشنده پرسید :

- نامزد تان بسیار جوان است ؟

- نه چندان .

- مقبول است ؟

- نی، آنقدر هاهم مقبول نیست .

- دختر ثروتمندی است ؟

- نه چندان ... ولی‌چکار به اینهادارید... فقط بفرمایید چه چیزی را توصیه میکنید .

فروشنده باخونسردی جواب داد :

- من توصیه میکنم اورا فراموش کنید وبادختری دیگری ازدواج کنید .

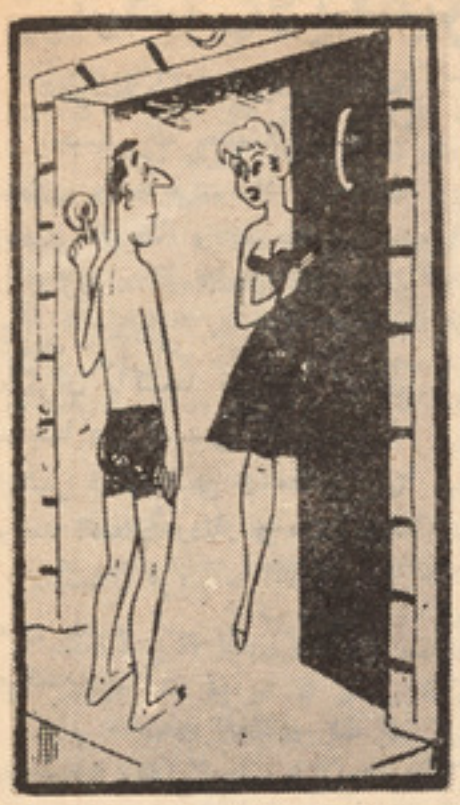

زن به مرد همسایه - وقتی گفتم در هر وضعی هستید بیائید هیچ فکر نمیکردم در اینحال باشید !

بالاخره موفق شدم

- بلی دوست شیرین وعزیزم: من بالاخره موفق شدم !

- به چه موفق شدی ؟

- گوش کنی ... حالامن آدمی هستم که هم عاشقم وهم معشوق .

... بلی بسیار خوب است .

- البته ... اما فقط یك مشکل دارد .

- چه مشکل ؟

- طرف یك نفرپیست .

- چطور ... نفهمیدم ؟

- من عاشق یك دختر قشنگ هستم، اما پیشخدمت بدبخت منزل ما عاشق نمی شد !

بدوح شرح

تمرین

نمایشنامه ای ما برای تلویزیون تمرین می کردند درام بسیار عاشقانه وپرسوز وگداز بود به قلم یکی از نویسندگان نیمه هنرمند نوشته شده بود در موقع تمرین، نویسنده خودش هم حضور داشت ووقتی کار تمام شد ازیکی از دوستانش که او هم حاضر بود پرسید : چطور بود ؟ والله بدنبود وی بنظر من بهتر بودکه آخرکاردختر به جای اینکه بازهر خودکشی کند با تفنگچه خود کشی می کرد . چه حرفی مزخرفی چه فرق میکند خیلی بهتر این است که صدای تفنگچه مردم را از خواب بیدار میکند ومی فهمند که نمایش تمام شده است .

پس این قبیله بلند قدهاکه میگفتند کجا هستند ؟!!

من قابل تعریف زیاد نیستم

در محکمه سارقی را محاکمه می‌کردند .

رئیس محکمه مشغول قرائت ادعانامه بود روبه هیات قضات محکمه‌کرد، بلی قربان ... این مرد درکمال زیرکی ومهارت وبا نهایت‌دقت وتردستی دست به چنین سرقتی زده .

درین موقع متهم از جابلند شده تعظیمی کرد وگفت :

- اختیار دارین آقایان ...

اینقدر بنده را خجالت ندین آخرمن قابل‌تعریفهای شما نیستم !

گریز از پرحرفی خانم

چند نفر دوستان دور هم جمع شده بودندوصحبت ازدوازده ماه سال راداشتن یکی از مدعوین رو بدیگری کرد وگفت :

- شما چه ماهی رادر سال بیش از سایرماه ها دوست دارین ؟

او بلافاصلهٔ جوابداد :

- ماه حوت را !

اولی با تعجب پرسید :

به نظر شما ماه حوت مزیتی به ماه های‌دیگری دارد ؟

- هیچ فقط چون ماه حوت بیست ونه روزاست ویك روزمن کمتر گرفتار پر حرفی زنم میشوم !

از معلومات من استفاده کن !

پدر با پسر کوچك خود داخل شهربزرگی شد . پسر سوال کرد :

پدرجان ! این منار را برای چه آباد کرده اند ؟

- نمی دانم .

- این تعمیر بزرگ کدام موسسه است؟

- نمی دانم .

- این ساختمان بزرگ درچه وقت آباد شده است ؟

- نمی دانم .

- پدرجان ! شما از سوالات مکرر من خسته نمی شوید !

- نی پسرجان ! هرقدر دلت میخواهدسوال کن زیرا درین صورت میتوانی از معلومات من استفاده کنی .

اینهم کتابخانه بنده ...

3
1
2

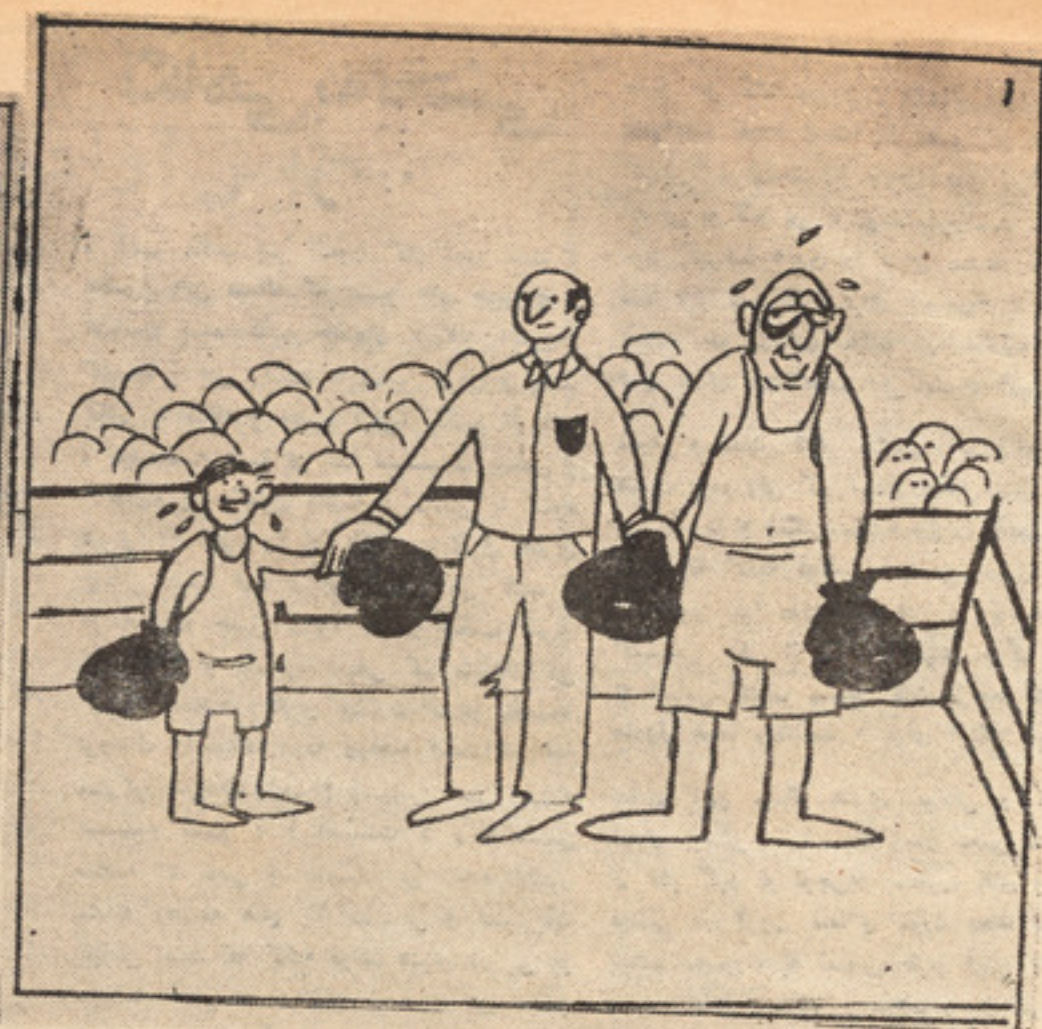
۱

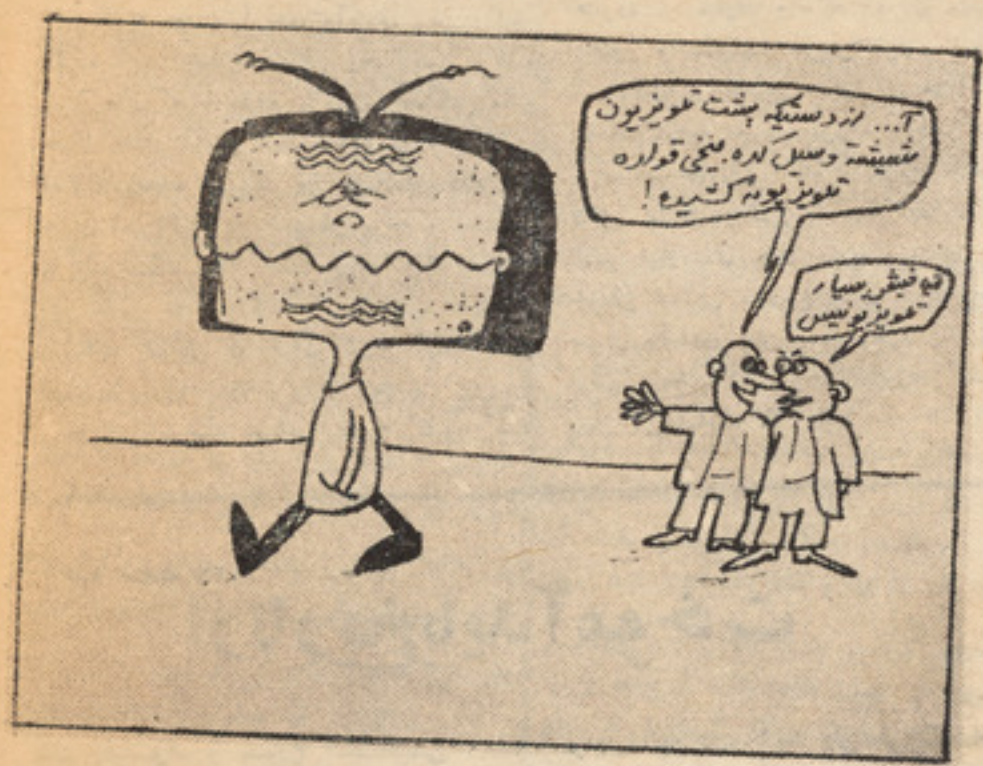
آ... از دستیکه پشت تلویزیون شیشه وسیل کرده بیخی قواره تلویزیونه کشیده!
تلویزیونیس

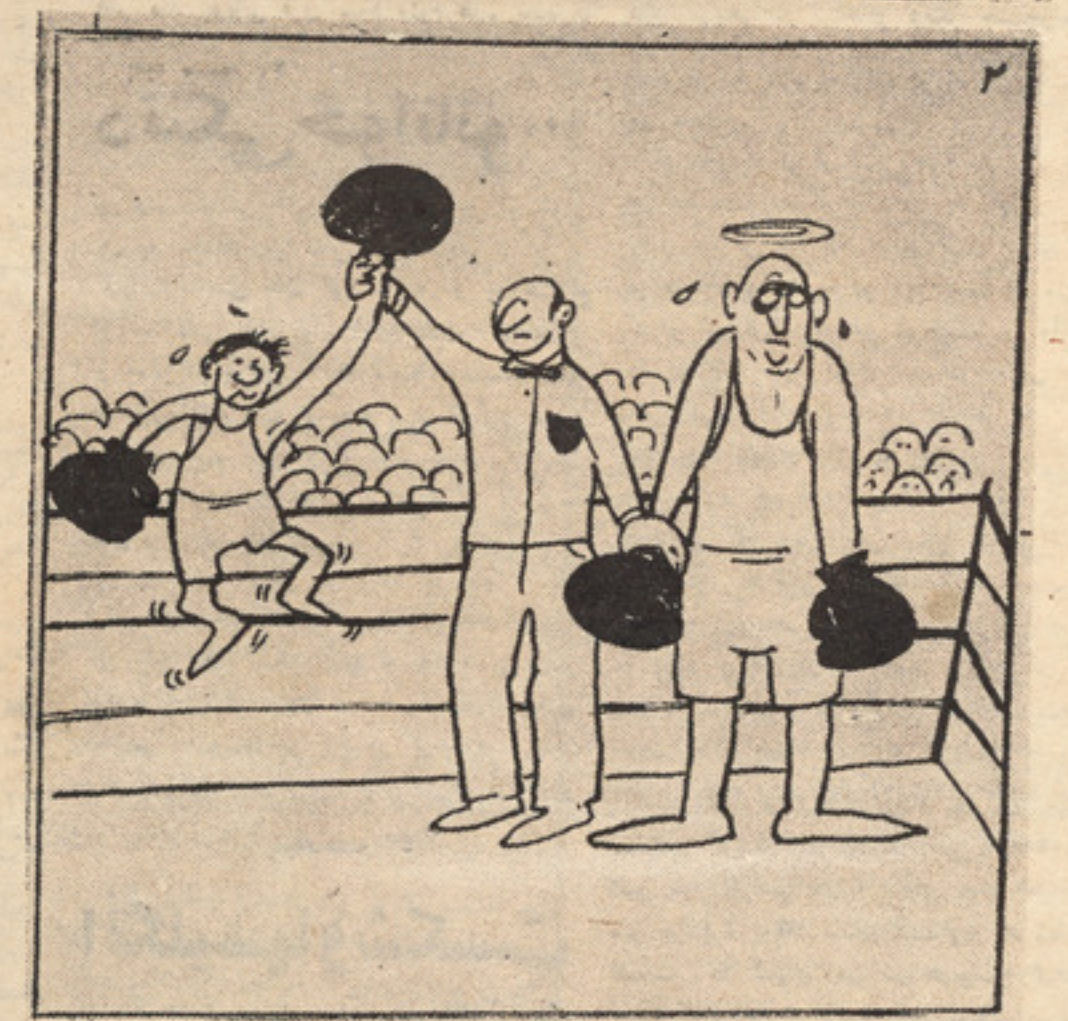
۲

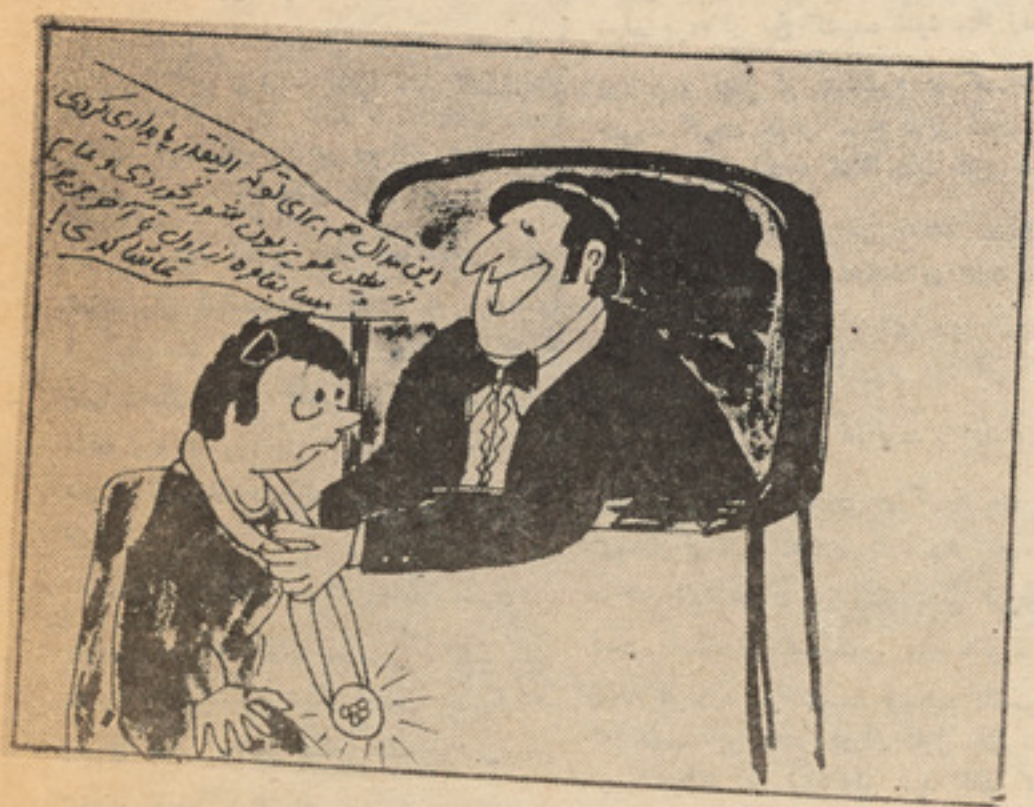
این مدال هم برای تو که اینقدر پایداری کردی
از پیش تلویزیون شور نخوردی و تمام
مسابقاوه از اول تا آخر جزء
تماشا کردی!

تبریک عرض میکنم!
1
3

بقیه صفحه ۲۷

رسالت جوانان

سایر هموطنان ماصفوف رزمنده وانقلابی شان رابدور حزب دموکراتیک خلق افغانستان (پیش آهنگ طبقهٔ کارگر کشور) روزتاروز فشرده تر ومحکمتر گردانیده با ادامه مبارزات علمی ، منطقی واصولی خویش توانستند بزودترین فرصت زمانی برنجها و عذاب های دیرین مردم خود خاتمه بخشند وانقلاب دورانساز ثور را به پیروزی برسانند ودولت جمهوری دموکراتیک افغانستان را منحیث ره آورد عظیم انقلاب شکوهمند ثور نصیب خلق زحمتکش خویش سازند .

اکنون که انقلاب ملی ودموکراتیک ما به زور بازوان توانایی مردمان عذاب دیده ومستضعف ما پیروز شده است وروزنه های سعادت وخوشبختی از هر جهت بررخ انسان عذاب دیدهٔ جامعه ما که تازه از بند مظالم رسته است لبخند می زند رسالت کلی جوانان وسایر وطنپرستان بپایان نرسیده است ، زیرا امروز که ما سکوت دیرینه رابشکسته دوران آزادی وآبادی وطن راآغاز کرده ایم ارتجاع داخلی وخارجی وکلیه نیرو هایی که با منافع مردمان زحمتکش ما و جهان تضاد آشتی ناپذیردارند به سردمداری ایالات متحده امریکا این قوماندان فتنه گر جهان امپریالیزم بر ضدوطن مردم و انقلاب ما یك جنگ اعلام ناشده یی را براه انداخته روز تاروز به نیرنگ ها ودسایس خاینانه ورذیلانه خویش در برابر مردم آزادهٔ مامی افزایند .

در این مرحله حساس تاریخ کشور که بحق دوران تکامل انقلاب پیروزی حق بر باطل وزمان پاسداری از دست آورد های نجات بخش انقلاب مردم افغانستان در برابر اعمال سبوتاژکارانه وخاینانهٔ دشمنان میباشد، وطن وجامعه وظایف سنگین تری را بردوش قشر جوان وپیشتاز جامعه نهاده است .

امرز که ایالات متحده امریکا ، شئونیزم مرتد چین ، نظامیگران بی پرستیژ پاکستان ارتجاع بی آبروی عرب ومعامله گران مصری همه باهم ودریك اتحاد نامقدس دستهای تابه بازو آلوده بخون ملیون ها فرزند رنج وعذاب ملل تحت ستم قاره های آسیا ، افریقا وامریکای لاتین شان را به هدف تجاوز بخاك ومردم مامی خواهند دراز نمایند بر کلیه هموطنان عالی همت ما بخصوص جوانان نیرومند است تا صفوف رزمندهٔ خویش را بیش از پیش در بری دفع تجاوزات ودست درازی های خاینانهٔ ارتجاع و امپریالیزم فشرده تر سازند وباوارد آوردن مشت فشرده، آهنین وکوبندهٔ خویش برفرق ارتجاع و امپریالیزم ومتحدین خاین آن ها از وطن مردم وانقلاب خویش مردانه واردفاع نمایند .

مسلما جوانان آگاه وانقلابی ماکه بزیور دانش مترقی وعلمی آراسته اند با احساس عمیق نیازمندی های مادی ومعنوی جامعهٔ خویش مساعی بیدریغ شان را در جهت عمران وآبادی وطن ودفع وطرد عناصر خاین بوطن وانقلاب تا سرحد پیروزی کامل دنبال می نمایند .

بقیه صفحه ۲۵

نگاهی به بخشی از...

و آنهم مکتب پیر گمون کار شده است ، باطرح این مساله که مو های مواج و کشانیده شده به عقب، چشمان بزرگ، ابروان کشیده و بین راست با شاب گردن و جسم بکلی با قیافه و چهره (ژنی) مکشوفهٔ هده و مجسمه های الهٔ شب نیکس و (دیوان) پیر گمون داشته و ستیل یا شیوه هنری آن خود را از مکاتب دیگری هنری یونانی مانند لپ و پو لکلیت می کشد . در حالیکه چنین شیوهٔ را در مکتب هنری گنرا هارا و ماستورا خیلی کم مشاهده می کنیم . صحنهٔ دیگری عبارت از دو مجسمه فرونتال وایستاده بودا وراهبه است. که راهبه مذکور درحالت احترام وسپاس یعنی (پوژ). به بودا است در ین صحنه انا تومی و تناسب این راهبه آنقدر مشابه مجسمه های پلا ستیزیی و امپر یك یونانی است که کلیه قواعد هنری در ین دو مجسمه خیلی ها مراعات شده و این دیگر هنر مند یونانی قرن سوم ودوم هده بوده تا چنین حر کات موزون و (اوستر اتوپی) یونانی رامراعات نموده است. از نظر کر یو نو گرافی این صحنه از صحنه های نیراتیف یا انتقالی مو ضو عی به مو ضوعی است ، وراهبه مراد گیرندهٔ هندی را نشان میدهد تا بعداز عقد عرو سی اش برای (جیون) یا زندگی آینده خو شبخت باشد در حالیکه صحنه های بعدی نشاندهندهٔ این مراد گیرنده با شوهر و طفلش ظاهر میشود ، در واقع موضوع هندی پوده ولی کار استاد هیکل ساز وپیکر ساز قدرت و انگیزهٔ مو ضوع را آنچنان بالا برده که کلیه قوانین اجتماعی سنن ،آداب و کلتور پیرا مون این هنر در توسعه و گسترش یکی از دود ما نهای حاکم شاید به اساس کشف مسکو کات مربوط کوشانی هارول عمده راداشت . برای اینکه نتوانسته باشیم این مسالهٔ هنری یونانی و تهذیب هندی بودائی را در یك زمان معین متخصص از نظر کرو نو لوجی با رسطوره های وسیعی بودائی در قرون متمادی مورد بحث قرار بدهیم مجبوراء به اساس طرح قبلی بقایا و و یا انحطاط این هنر و مذهب را از نظر دوره های تاریخی در ساحاتی دیگر جستجونمائیم.

بقیه صفحه ۲۷

دتنکی ځوانانو...

یی کړی دی بی ځایه او په هدر ځی او ځوانان په مختلفو عوا ملو کی مختلف شیان زده کوی اوپداسی حال کی بیاښه او په صحیح تو که لاس په نورو نا مسا عد و کار و نو او عملو نو و هی ، که محیط نا مساعده او نا ساز گاره وی نو هرو مرو ځوانان په استفاده سره الکو لو او نورو مخدرا تو حیل اقتصادی وضع خرابوی هری خواته لاس او پښی وهی تر څو چی څه نا څه د خپلو دغو بدو او ناوړو عملو نو دپاره یو څه شی برابر کړی چی دخپل عمل دپاره په آخره کی یاپه بند محکوم وی او یا د فقیرانو غوندی د یوی ډوډی دپاره داسمان ستوری حسابی ،چی پداسی وخت کی بیادتو لنی هیڅ یو غړی هم د دوی ډغه خراب او ناوړو عملو نو ته غاړه نه ږدی او په هر وخت کی یی غندی .

نو دځوا نا نو او تنکی ځوانا نودپاره ښایی چی دهرډول اعتماد او باور په گټلو او را جلبو لو کی ښه لار غوره کړی او نن ورځ تر هر څه د مخه د ټو لنیز ژوند په متر قی گرځو لو کی د ځوانانو او خلکو یو والی او بیا په گډه سره داقتصادی اواجتماعی ستو- نزو دلیری کولو لپاره دپرمختللو تجر بو څخه په استفادی سره په کار او زیار لا س پوری کړی چی له نیکه مرغه دغو ټکو ته په غوره تو که اوس اوس زموږ گران ځوانان اوان تنکی ځوانان او خلك متو جه شوی دی او هیله لرو چی د گران هیواد افغا نستان به جوړو لو کی هر یو پخپله بر خه کی خپل رسالت او وظیفی په پاك او سپیڅلی زړه او ورین تندی سرته ورسوی او تر وسه وسه پوری د هغه د پر مختگ دپاره هڅه وکړی.

بقیه صفحه ۲۶

از تاریخ باید آموخت

عالم وفیلسوف و مورخ انگلیسی ۱۸۸۹ و شپنگلر فیلسوف ومورخ آلمانی ۱۸۸۰ - ۱۹۳۶ نیز درین ردیف نام برد. جوهر ومحور اصلی طرح وتحلیل علمای باستانی تاریخ و جامعه که در فوق از آنها ذکر کردیم وهکذا علمای قرون اخیر ومعاصر همه وهمه دست یابی به خوشبختی واقعی بشر بود وآنها می خواستند انسان برقله خوشبختی صعود نماید ولی باتاسف باید گفت که با وجود این خواست انسانی، آنها نتوانستند که نه تنها انسان را بر قله ایده آل بلند سازند بلکه راه ها ووسایل این صعود را نیز به صورت فورمولبندی شده وعلمی وعملی ارائه دارند

زمانی که اکثر اجزای جامعه بشری از یك فورماسیون (نظام) اجتماعی ، اقتصادی به یك فورماسیون دیگر جهش می کردند وتاریخ همان جوامع نقطه عطف خود را می گذارند (مثلا هنگام گذار از بردگی به فئودالیزم) مورخین از همان ردیف بالا درصدد آن می شدندکه به رنج ودردوآلام توده های مردم خاتمه داده شود ولی طوریکه در عمل دیده شده است این کار ممکن نیست مگر زمانی که ریشه های اصلی دردها وآلام ورنج مردم از بیخ کشیده شود مثلا زمانی که در اروپا انتقال از فئودالیزم به کاپیتالیزم صورت گرفت جوهر تاریخ درین زمان توسط ژ. ب ویکو بمثابه نقطهٔ چرخش تاریخ ارزیابی می شود واو می خواهد انسان را برای همیشه رستگار ببیند ولی چون نظام جدید (کاپیتالیزم) نیزبرپایه های استثمار انسان بوسیلهٔ انسان استوار بود آن آرزوی «ویکو» برآورده شده نتوانست . درك «ویکو» ازتاریخ بطور کلی این بودکه او می گفت که تاریخ سیر ادواری دارد وهر دوره سه مرحله دارد دوران بربریت، عصر قهرمان و زمان رستگاری انسانیت . وی عصرانسانیت راقلهٔ هردوره می دانست وعقیده داشت که به تعقیب این عصر دوران افول یعنی دوره بربریت آغاز می شود ولی باید گفت که این تحلیل درست نیست وتاریخ چیز دیگری است .

ادامه دارد

بقیه صفحه ۴۷

انگلیسها وشکست

به بالا حصار رسید . در سال ۱۸۷۹ محمد جانخان با قوایش وارد کابل شد که مردم نواحی کابل ازوی پشتیبانی خوبی کردند اما ورود قوای تازه دم از هند باعث شکست او گردید در سال ۱۸۸۰ انگلیسها غزنی را که مر کز قیا مها بود اشغال کردند وهزاران هزار اهالی را که با تبر ها بار بار سپاه منظم انگلیس را تارو مار کرده بودند از تیغ کشیدند امیر یعقوب مجبور به ترك سلطنت گردید ودر اواسط سال (۱۸۸۰) که امیر عبد الرحمن در آ سیای میا نه به سر می برد به افغا نستان آمد وبه پاد شا هی نشست ، تلا شهای امیر در خصوصی گسترش تجارت که یك نوع تایید ریفورمهای امیرشیر علی بود باعث آن گردید که در سال ها ی بعد مناسبات نیمه سرمایه داری در جا معه افغانی رشد کند واین مساله دراوایل قرن بیستم انگیزه اصلی بوجود آمد که باعث جنبش افغانان گردید تااینکه درسال ۱۹۱۹ استقلال خود را بدست گر فتند . این بود تحلیل او ضاع در قرن نزد هم که بطور مختصر بیان گردید .

بقیه صفحه ۳۶

قیام مسلحانه...

امروز نیز وطن ما، انقلاب ما ومردم کشور طرف تجاوز امپریالیزم جهانی و گماشتگان وطنفروش شان قرار دارند ، نبرد انقلاب و آزادی ادامه دارد که جوانان غیور اردوی قهرمان کشورومردم شریف مامتحداگروههای مقاومت را تشکیل داده به نبرد عادلانه علیه امپریالیزم استعمارگر و فرستادگان خرابکار شان تا سرحد پیروزی نهایی ادامه میدهند ومردم رزمنده افغان نه تنها اینکه اکنون دوستان ودشمنان شانرا نیك تشخیص نموده اند بلکه میدانند تا تجاوز دشمن ادامه دارد، نبرد عادلانه آنها برای تحقق اهداف انقلاب ثور نیز پایانی ندارد واین رسم مبارزه بی بی امان مردم ماست برای حصول آزادی کامل وتحقق اهداف والای انقلاب ثور .

درودبرروان پاك شهدای راه آزادی .

ژوندون

بقیه صفحه ۴۱

تازه‌ترین گزارشات

را که گفته میشود از نسل انسان های عصر یخ‌اند که در مناطق پوشیده از یخ چند تن آن هنوز هم زندگی دارند ، بهتر به انسان های امروزی معرفی بدارند .

بهمین ترتیب سیمینار تحقیق و بررسی تیورتیکی از طرف موزیم داروین دایر گردید کار این سیمینار را تجسس و کاوش روی انسان های عصر یخ تشکیل میدهد . سهم گیرندگان سیمینار در چند گروپ منقسم گردیدند . این سیمینار بیش از یکنیم هزار خبر و اطلاعات جدید در زمینه انسان قدیم تهیه و گزارش کرده اند که برای کاوش های بیشتر بسوی تیز شان، بسوی کوه های پامیر و شمال قفقاز راه افتادند که بهتر است در ینجا در مورد دو خبر تازه گزارش بدهیم . خبر اولی اینکه : دو تن از توریست ها در کوه(بر مامیت) واقع در پایگاهی در کوه قفقاز ، پس از اقامت کوتاه بسفر ادامه داده (والیری کولسوف) یکی از دو تن مذکور در راه باریکی گام نهاد او رد پای معمایی گونه را روی برفها تشخیص داد . طول این پا ها (۵۰ سانتی متر) ، عرضش در حدود سی سانتی متر ، اما کمی آنسو تر پل پا هائیکه بیشتر شبیه پای اطفال بود ، دیده شد اما این رد پا ها تا قسمت یك دیوار صخره یی دنبال و از آنجا قطع میشود وچنین بنظر میرسد که گویی صاحب آن پل پا ها بدیوار بر آمده باشد اما چطور ممکنست که بدون وسایل بدان دیوار عظیم و لغزنده به تنها یی بالا شده باشد . خبر دومی از کشور تانزانیا بدین شرح گزارش یافت : یك کشف تازه در مورد انسان های متعلق به یکنیم میلیون سال قبل صورتگرفته و بررسی های جدید مدعی است آثار پل پای انسان های قدیم را روی خاکستر آتشفشان ها تشخیص داده اند و از میان همین خاکستر ها اسکلیت های متعلق به انسان یخ پیدا شده که بیقین این بظاهر معمایی پیش نمیتواند باشد . اسکلیت انسان های عصر یخ مگر در میان بقایای خاکستر آتشفشان ها چه میکند آیا برای محققین این یك مانع نیست؟ یك گروپ سیمینار موزیم داروین که توسط یکی از الپنیست های قدیمی بنام (کیف ایگور) رهبری می گردد کار تحقیق شان بتازگی در یك گردنهٔ سلسله کوه قفقاز در تاجکستان ، جاییکه پل پای انسان های عصر یخ زیاد باقیمانده، پایان بخشیدند . آنان بیش از (۱۰۰۰) کیلو متر را عقب گذارده و در چند محل از چاپ پا های بزرگ عکاسی کرده اند . اما مسئلهٔ در خور توجه اینست که (ایوان پترنیا) یك همکار این گروپ مدعی است یك انسان عصر یخ را با چشم سرش رو بروی خود دیده وآنهم درست حین دمیدن شفق صبحگاهی وی مدعی است که در ارتفاع (۴۰۰) متری موجودی را که سرا پا از مو پوشیده شده بود ، دیده است .

بقیه صفحه ۴۳

طنین آزادی در...

اینجا ست که نیاکان ما جنگیده اند . با مغز شان وبا شمشیر شان و با بیل و کلنگ وداس شان .

- چه درروزهای تاریك وچه ایام روشن .
- وپرآفتاب
- چه در سعادت وچه در بدبختی
- قلب ملت ماتپیده
- تا ماصاحب آن چه امروز ازآن مست شده ایم .

در این قطعه نیز شاعر ستایش گرزادگاه خود است . ستاینده مردم وآزادی . چنانکه گفته آمد . مردم ، وطن، آزادی، طبیعت مفاهیم جدایی ناپذیر ازهم اند . نام وطن و آزادی همیشه برای انسان ارجمند بوده‌است. شاعر در این قطعه روح گذشتگان ونیاکان را ارج می گذارد . آنهایی که درشب تاریك . در روز گاران استبداد و سیطره جهانخواران با ایمانی خارا یین و راستین به پیشو از مرگ رفتند خون‌های خود را ریختند تا قلمرو خود را از تاراج و غارت نجات دهند . از ارزش ها ، سنن و افتخارات خود دفاع نمایند . باید همیشه پایداری های گذشتگان را ستود . باری آزادی به آسانی به دست نمی آید آنهایی که درین راه رزمیده از جان های خود گذشته سر های خود را در کف گرفته‌اند. پایداری ها و مردانگی های گذشتگان را باید همیشه ارج نهاد . آنهایی که در روز و شب و سرما و گرما آماده‌ی پیکار بودند مردانه رزمیدند . هراس وتردیدرا برای یك لحظه هم به خود راه ندادند . باری وطن را باید همیشه از دستبرد و تاراج وحشی‌ها، جنون زدگان و دشمنان آزادی واقعی انسان دور داشت ودرین راه همیشه پیکار کرد . و آماده‌ی هر گونه ایثار ، قربانی وار خود گذری بود . وطن و آزادی واژه های شکوهمند است .

«ضیا گوکالب» نویسنده ی ترکی که یکی از آزادی خواهان بود درین باره‌خطاب به دختر خود که «حریت» نام دارد از زندان می نویسد :

«.. دختر گرامی من حریت! برای کسانی که از آزادی محروم اند زندگی بسیار سخت است . مقصودم از آزادی دوگانه است . ومن از هردو محرومم . تو یکی از آن دو هستی و اگر به تو دست بیابیم آن دیگری نیز از آن من خواهد بود .نام تو به همان خودت است . روزی خواهد رسید که تمام مردم و تمام ملت ها آزاد خواهند بود . فکر شان آزاد خواهد بود . و وجدان شان آزاد خواهد بود چیزی نمانده که نوع بشر این ایام تیره وتاررا به‌پایان برساند. حق بر زور چیره خواهد شد و چون آفتاب تان د رافق لاجوردی طالع خواهد گردید و حتی در آسمان ضمیر انسانی از آفتاب طالع درخشان تر خواهد بود . این همانا آفتاب آزادی که پر توش حقیقت نام داردو حرارتش را عشق و محبت می خوانند . ای دخترگرامی شاید از من بپرسی که وظیفه‌ی آن چه خواهد بود ؟. بدان وظیفه‌ی آن ، عدالت است .»

با این نمونه ها و مثال که به گونه شتابزده فرا هم آمد چنین نتیجه می شود که همه‌ی ملت ها ، کشور و قلمرو ها با فرهنگ ها ، در یافت ها . سنن و آیین ها و نژاد های مختلف و متفاوت . آزادی را ستوده اند . کشور خود را دوست داشته ودرراه‌رهایی‌انسان پیکاری دامنه دار وبیگیر کرده اند . پس باید این ودیعه را که حقیقت است . و انسان به آن نیاز مبرمی دارد .آن گونه که به هوا و آفتاب و باران ارج نهاد. پاسداری کرد . باری جدال در سطحی گسترده در جهان ادامه دارد . باید پر را از دست نیانداخت جنگ کهنه‌ونو به پایان نرسیده نیرو های ستمگر، غارتگرو استثمار گر و نیرو های امپریالیستی که نیرو های ستمگر ، غارتگر و افزون طلب که همیشه به سودخودوزیان دیگران اندیشیده اند . توطئه می کنند به ملت های آزادی خواه و طرفدار صلح و ترقی اجتماعی که از معنویت انسان دفاع می نمایند مجال پرواز نمی دهند . آواز ها را می خواهندخفه نمایند باری باید بیداری را از دست نداد و همیشه در سنگر نبرد ایستاد و از حق و عدالت و آزادی با قاطعیت ، شهامت و شور انقلابی دفاع کرد .

د ۳۷ مخ پاتی

په تیاره کښی...

تودیدو سرعت هم لږوی، یعنی که نوموړی غوړه سطحه هرڅومره ژروچه او توده شی په هغه اندازه تصویرروښانه او ځلانده تشکیلیږی .

د (ای،وی،ای) فعالیت تردی حده زیات‌دی چی ترڅمکی لاندی فابریکی دهغه حرارت په اثرچی دوړانگوپه شکل یی دځمکی سطحی ته را استوی هم پټی نه شی پاته کیدای یا په‌بل عبارت ددی امکان شته‌چی د(ای،وی،ای) څخه دترڅمکی لاندی فابریکو دتصویر او نقشو دپلاس راوړلو دپاره استفاده وکړو .

دننني ساینس پوهانو دپاره دحرارت‌پیمانه اواندازه نسبتا مشکل کاردی داځکه دحرارت دچگو درجو تاثیر پرفلزاتو باندی تراوسنی پیړی پوری لاهم ښه نه دی معلوم شوی، بیاهم د (ای، وی، ای) په ذریعه کولای شو دټولو شیانو په باب دحرارت په جگو اوټیټو درجو کی کافی معلومات حاصل کړو .

دکورونو ، دایرو او فابریکو جوړونکی داهڅه کوی چی ماڼی او نور ساختمانو نه داسی ودان کړی څودهغوی تودوخی بیځایه خارج او ضایع نه شی . تر ډیره وخته‌پوری هیڅوك پدی رمزنه پوهیده چی نوموړی تودوخی څرنگه اودکوم ځای څخه خارجیږی، خواوس د (ای، وی، ای) په ذریعه دا ممکن شوی چی په څوشیبو کښی داحقیقت ځان ته په داگه کړوچی تودوخی دودانی دکوم اړخ نه‌خارج اودتودوخی دخارجیدو دمخنیوی دپاره دی کوم ځایونه باید ترمیم سی .

دطب ډاکټران هم په‌خپل وارد(ای،وی،ای) داستعمال په لټه کښی دی . د (ای، وی، ای) داستعمال څخه دډاکټرانو هیله داده چی شاید دداسی ناروغیو په کشف بریالی شی چی تراوسه نه وی کشف شوی . یوازی دطب ډاکټران نه بلکه نور دبیلوبیلو ځانگو پوهان او محققین هم په خپلو مربوطورشتو کښی د (ای، وی، ای) څخه داستفادی په غرض بوخت دی څو د (ای، وی، ای) په استعمال دځینو نورو گټورو اختراعاتو او ابتکاراتو په منځ ته راوړلو سره بریالی او دخپلو همنوعانو آرامی او هوساینی بشپړه کی .

بقیه صفحه ۲۱

اگر عشق باشد گناهی

* تو کنسرت هم دایر میکنی ؟
* بلی ، چرا نکنم ؟
* من نگفتم کنسرت دایر نکن اما حالا که علاقه گرفتی میگویند عدیی مخالف این موضوع اند که با هنر تجارت میشود ؟
* من که با هنر تجارت نمی کنم ؟
* پس تو مفت کنسرت میدهی ؟
* مفت کنسرت نمید هم ، اما تجارت هم نمی کنم ، فقط هنرم را در خدمت مردم خود قرار میدهم و برای آنها که احتیاج به تفریح دارند چنین زمینه یی را مساعد می گردانم .
** جنگ نکن ، عاید کنسرت هایت چه طور است ؟
* بد نیست .
** تا کنون شده است که در کنسرت هایت با سالون خالی و یا نیم خالی روبرو شوی ؟
* اگر بگویم نه ، باور میکنی ؟
* کوشش میکنم .
* پس در این صورت تا کنون استقبال از کنسرت هایم بد نبوده است و من واقعاً از مردمیکه به هنرم ارج میگذارند سپاس گذارم .

جواب به نامه های شما

سلام علیکم دوستان وهمکاران عزیز !

به آرزوی سلامتی وصحتمندی شما می پردازیم به جواب نامه ها :

دوست عزیز پاینده محمدیارپور عضو مدیریت ریسرچ پروژه بین المللی آبدات تاریخی هرات !

داستان «لبخندبی تفاوت» را سر تا پا خواندیم . وباز هم با تاسف فراوان عرض شود که داستان هنری غیر از یك مقاله سیاسی است . در داستان تصویر جا ی گفتگو های استدلال گو نه را پر میکند و نمی گذارد که شما ر ها و جدل های عریان

سر از قالب داستان بکشد . دیدگاه و خیزگاه فکری نویسنده بسیار مهم است ونمیشود با شیر شتر خوردن وسوسمار ، عرب را بی فر هنگ بگوییم چنانکه درقسمت ازداستان شما خصلت انسانها را از نوع

غذا دریافته اید که نمیدانیم این فورمولـه جدید چگونه است وچطورخصلت آدمی را از غذا پیدا میکنید. ما نمیدانیم آنکه پلو میخوردوآنکه چلو، ودیگری که پیاوه میخورد وآندیگری ماشاوه، چگونه بدانیم که اینان چگونه فکر مینمایند ؟ ما از شما دوست‌عزیز تقاضا داریم وتا آنجا که میدانیم «پاسخ

پیشین شمابه پاسخگو» شخص انتقادپذیری

استید وحقایق را صبورانه و مسوولانه قبول می کنید ودرست هم می فهمید که در این موارد یعنی تشریك داستان ویایك پارچه

شعر آنچه لازمست باید توجه داشت و نویسنده را نیز آگاه ساخت که این نوشته چنین معایبی را داراست ، نه اینکه ازرنجش

خاطره نویسنده ترسید وگفتنی هارانگفت . در داستان نویسی استعداد لازم را دارید اما هنوز استعداد تا ن راپرورش نداد ه ایدو پرورش استعداد فقط با مطالعه میسر است وکنجکاوانه نگریستن . تقاضا اینستکه داستانهای چخوف باب طبع تان است و ! ز اینرو کتابهای او را بگشایید وبه دقت بخوانید ومارا هم در تماس بگذارید که چند داستان او را خواندید وچه نتیجه گرفتید . به این انتظار خدا حافظ ، ولی خاطر شمارا جمع کنیم که نشر وچاپ این نوشته را در فکرنه پرورانید ، بلکه این توقع را برای داستانهای دیگر بگذارید . ببینیم بعد چه میشود ؟

دوست عزیز محمد یاسین محصل انجنیری!

سه پارچه شعر، سرودهٔ طبع شمابه دفتر مجله رسید. در کاغذ، بسیار اقتصاد نموده اید وورقه های کتابچه یادداشت خویش را ناقص ساخته اید . در مطبوعات برای‌آسانی وتسهیل کارهارسم چنین است که بیك روی ور ق‌بنویسند و شما هم همین‌کارراکنید ودرهمکاری های آینده مدنظر گیرید. اینك نمونه از شعر شما :

بسازآن تکرگ های آزادی را- وروانه‌کن دراین دیاردورافتاده- که‌کند تگ‌تگی‌به‌بام‌فلك که‌بگسلدحلقهٔزنجیرها- ودهدسلام شادباش‌ها که دهم‌مژدهٔ به‌قلب‌خویش‌که بهارآمد- ودهد آب‌آن گیاه تو... - چونمایان شوی بساز بهار ...

به‌کی میگویید برادر عزیز که بسازد تکرگ های آزادی را، آخر سرهمگان را سوراخ خواهدکرد. یابه‌گونه‌یی ملانصرالدین کنیم. خبرهستی دوست عزیز، که ملا دریك روزبارانی باشتاب وعجله می‌دویدکه به‌گوشهٔ فرارود وازریزش باران برکنار بماند . دوستی به اوبرخورد وبه وی گفت : ملا از نعمت خداوند میگریزی ، ملاهوشیارانه گفت : نه می خواهم نعمت خداوندی رازیرپانکنم .

وبندگان خدا چگونه کنند ؟ اگربه زیر نعمت آزادی روند سر وصورت آسیب می بیند واگربه زیرپا شود شرط انصاف نباشد که آزادی، این بهترین کلمه تکه‌تکه‌گردد... وبه آن قصه ملاواین استنباط از قصه میرسیم به این پرسش که برادر آنچه رابه این دیار دور افتاده میخواهید ، آزادیست یاراکت‌های قاره پیما !! به سر عزیز مبارك تان وروی ندیده تان قسم،که از شعر نفهمیدیم چیزی برادر ، وازاین گفته‌ی ماقهر نشوید برادر، بپذیرید عذرما را سراسر .

دوست عزیز احمدالله داغ عضو محاسبات سپین زر کند !

بعد از سلام چنین مینگارد : «... هرچند شما حقیقت راذکر نموده اید لیکن نه، زیرا حقیقت تلخ است وشما چطور خواسته اید در این ماه مبارك رمضان کام دوست تان را تلخ بسازید وشیشهٔ دلش را بشکنانید مگر نمی ترسید من هم میدانم که حقیقت چیست ودر کجاست لیکن تقاضای زمان و خواسته های قلبی چنین است ...» .

وشگفت اینکه، دوست عزیزما شکایتنامهٔ خودرا به رنگ سرخ تایپ نموده و در بالا وذیل آن ارتباطی را باهم گره میزند که جالب است، به اینگونه که در پیشانی صفحه «جواب نویس محترم نامه ها» رابه رنگ سیاه نگاشته وپایان آنرایعنی ختم‌شکایتنامه رابه نام احمدالله (داغ) مامور محاسبهٔ سپین زرشرکت کندزبه رنگ سرخ، مگر کلمه داغ راکه سیاه است، تحریر کرده که معنای واضح آن رنگ سیاهٔ داغ ازکلمه جواب نویس برخاسته است وواضح تراینکه این سیاهی راجواب نویس داغ زده است .

دوست مهربان، اگر این شوخی را دردل داشتید که ما تفسیر کردیم بی حد خوش افتید. ولی اینکه حقیقت تلخ است و ماهم جزحقیقت چیز دیگر نگفته ایم وکام شما را درماه مبارك رمضان تلخ کرده ایم، پوزش میخواهیم وشیرینی اش عید را میدهیم که خداکندنقل‌وچای بسیار تناول‌کرده باشید ... این چند سخن جدی راهم بگیرید، بکار می آید گر چه باشد زهرمار . در شعر تان میگویید : بودبهتر به چشمم از بهاران - گلستان رخ آن دلستانم.. شاعر را آنتن زمانه گفته اندنه آفتن معشوق ودلستان . از برای یکبار سربه‌گریبان مردم بیاندازید ودرد عشق رابگذارید ، بخصوص این درد موسمی وفصلی راکه بادیدار قانونی به قتلگاهٔ عشق موسوم است . اینك قسمتی از شعر تان :

چومی رفت از بر من یار جانم
ببردی همره اش تاب و توانم
ز هجر آن پریروی فر یبا
بغم اندر بود روز و شبانم
فراق او بسی آتش با فز و د
بدرد و ناله و آه و فغانم
بود بهتر بچشمم از بهاران
گلستان ر خ آن دلستانم
مرا با شد هر آن ساعت بهاری
که کام دل از آن دلبر ستانم
اگر روزی نه بینم روی او را
بریزد خون دل از دیدگانم
نمیخواهم کسی دیگر بر نجد
ز ر نج و درد قلب نا توانم

دوست عزیز سیداحمد شاه هجران مامور وزارت تعلیم وتربیه !

نامه شمابه اداره رسید، بخوانید :

« در شماره (۱۷) مجله ژوندون مصاحبهٔ بامهوش بعمل آمده است که در مورد یکی دوموضوع بالای مهوش انتقاد دارم که ذیلا تحریر می گردد :

در صفحه (۲۳) مجله در مورد ناشناس ازوی نظرخواسته شد که مهوش چنین‌ابراز نظر کرده است :

«درمورد ناشناس به صراحت میگویم که وی اصلا آن طوریکه دیگران در باره وی قضاوت می کنند آواز خوان تاب نمی باشد وحاضرم این نظرم را ثابت بسازم . د ر موسیقی سور، لـی ، وکیف بسیار مطرح میباشد واین هارا ناشناس ندارد .»

از مهوش می پرسم که با کدام صلاحیت وعلمیت تان چنین اظهار نظر میکنید یك هنرمند وقتی میتواند انتقاد کند که حداقل باموسیقی خصوصاباسر، لی، وکیف آشنایی کامل داشته باشد صرف جناب شماتوانستید که بدانید وبگویید که ناشناس هنرمند نیست ؟

آیاکدام آهنگ ناشناس بی سر، لی و کیف است ؟

چگونه مهوش بالای هنرمند یکه تمام افغانستان، هند وپاکستان، ایران واتحاد شوروی وبعضی ممالك دیگر با آواز او آشنایی دارند چنین نظر میدهد آیا از این حقیقت انکار میکند که ناشناس بیر وسبك سیگل میباشد حتما میگوید که آوازسیگل هم سر، لی وکیف ندارد .

در مورد استادی شما مردم به درستی باور ندارند که ازروی سور، لی وکیف به‌شما تعلق‌گرفته باشد واینرا چگونه پاسخ‌میدهید که واقعا استادید ؟نمی دانم‌به کدام دلیل و برهان در موسیقی، بالای هنرمندیکه تقریبا

سی وپنج سال قبل مردم به آوازش آشنایی وعلاقه پیدا کردند ودارند چنین قضاوت

میکنید وشما که بیش ازچند سال نیست که

پابه عرصه موسیقی گذاشته اید . چنین سخنانی در زمینه میگویید .

از فهمیده‌گی تان در باره موسیقی و هنر همه بینندگان تلویزیون در یکی ازپروگرام های قطی عطار مطلع گردیده اند .

آیا فراموش کردیده اید که خیال در مورد بعدی‌قطی عطارچه‌چیزهای گفت. من نمیدانم چرا به میرمن پروین که آواز خوان خوبی

فهم شما درموسیقی دریکی ازپروگرام های است ، استاد ی نداد ند که به شما دادند و شمایی‌که آهنگهای اورا کاپی کرده اید وباز خوانده اید .

خوانندگان محترم مجله ژوندون چرا مهوش بالای ناشناس انتقاد کرده است ؟ جواب آنرا ذیلا تحریر میدارم که از این موضوع شاید کسان‌دیگری هم اطلاع داشته باشند . تقریبا چند سال قبل مهو ش به

ناشناس پیشنهاد کرد که باوی آهنگ دو گانه ثبت نماید اما ناشناس حاضر نشد

بازهم مهوش اصرار کرد اما ناشناس حاضر نشد روی این ملحوظ زمینه را مساعد دیده وبه ناشناس انتقاد میکند که خوب نمیخواند چرا وقتیکه ناشناس در کابل بود چنین انتقاد نکرد ؟

مهوش دریك قسمت مصاحبه خود اظهار

کرده است که حاضرم باتمام هنرمندان مسابقه بدهم .

حاجت به هنرمندان رادیو نیست بنده که هنرمند رادیو تلویزیون هم نیستم به مهوش اعلام میدارم که بنده حاضر است با مهوش مسابقه آواز خوانی بدهم .والسلام

مدیر مسوول : راحله راسخ‌خرمی
معاون : محمد زمان نیکرای
آمر چاپ : علی محمد عثمان‌زاده
آدرس : انصاری واټ - جوار ریاست مطابع دولتی
تیلفون مدیر مسوول : ۲۶۸۴۹
تیلفون توزیع وشکایات :۲۶۸۵۹

د و لتی مطبعه

شنبه اول سنبله ۱۳۵۹
۲۳ آگست ۱۹۸۰

شماره (۲۱ - ۲۲)
سال سی و دوم

قیمت یکشماره ۱۳ افغانی